



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



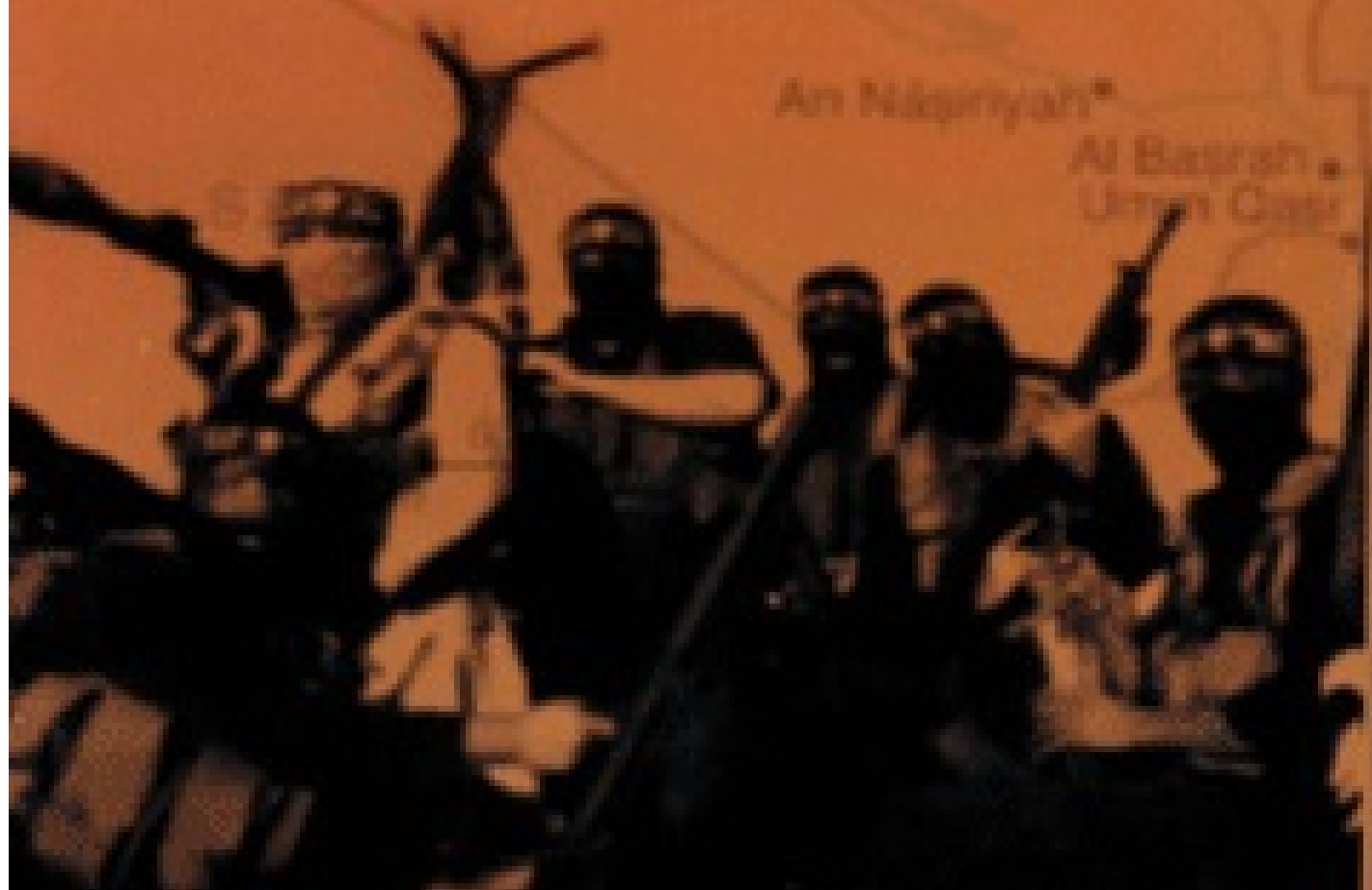
اسفند ماه ۱۳۹۲

زمینه های فکری - سیاسی جریان پعتلی - تکفیری داعش

گروه مطالعات راهبردی مقاومت فرهنگی

گزارش راهبردی - شماره ۸

به اهتمام : دکتر محمد اسماعیل نیاتیان
مختار شیخ حسینی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زمينه هاى فكري - سياسى جريان بعثى - تكفيرى داعش

نويسنده:

محمد اسماعيل نباتيان

ناشر چاپي:

مجمع جهاني اهل بيت (عليهم السلام)

ناشر دييجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۳	زمینه های فکری - سیاسی جریان بعثی - تکفیری داعش
۱۳	مشخصات کتاب
۱۳	اشاره
۲۰	فهرست مطالب
۲۲	بیانات امام خمینی درباره اسلام آمریکایی
۲۴	بیانات مقام معظم رهبری درباره جریان های تکفیری
۲۶	سخن مجمع
۳۰	فصل اول: دیدگاه ها
۳۰	اشاره
۳۲	جریان تکفیری و پیامدهای آن از منظر آیت الله آصفی
۳۸	نقش علما در مهار افراطی گری و نیل جهان اسلام به همگرایی
۳۸	اشاره
۳۸	حجت الاسلام و المسلمین دکتر نجف لک زایی
۴۰	صف آرای اراده مردمی و نیروهای استکباری در منطقه
۴۱	هدف از طرح هلال شیعی، غافل کردن ما از شکل گیری هلال عثمانی در منطقه بود
۴۲	جریان های افراطی بر روند استقبال اروپاییان از اسلام تأثیر می گذارند
۴۴	غرب اسلام هراسی را با استفاده از موج رسانه ای به شدت دنبال می کند
۴۸	تفرقه و افراطی گری؛ عامل تضعیف جریان مقاومت
۴۹	نخبگان و علمای جهان اسلام بصیرت و دشمن شناسی را در جهان اسلام تقویت کنند
۵۰	نشست علمی «بدعت‌های عقیدتی - فقهی گروه داعش»
۶۰	نشست «چالش های، تئوریک استراتژیک و حقوقی در منطقه خاورمیانه»
۶۰	اشاره
۶۰	مقدمه

۶۰	اشاره
۶۱	الف. تقسیم بندی تئوریک
۶۲	ب. دسته بندی استراتژیک
۶۳	ج. دسته بندی ساختارهای حقوقی در منطقه
۶۴	وضعیت القاعده در منطقه
۶۵	مثلث القاعده در منطقه
۶۷	القاعده به سمت عراق
۶۹	بیداری اسلامی؛ حذف فلسطین از اولویت اول و ارائه اولویت های جایگزین
۷۱	تفاوت اخوان ترکیه با اخوان مصر
۷۲	ویژگی های اسلام شیعی و چالش آمریکایی ها با آن
۷۴	دو قطبی های متضاد آمریکا
۷۶	چالش استراتژیک ایران و آمریکا
۷۷	گرایش به شیعه در منطقه
۷۸	جمع بندی
۸۰	فصل دوم: زمینه های فکری - سیاسی رشد داعش
۸۰	اشاره
۸۲	درآمد: سه ضلعی رشد و گسترش داعش در عراق
۸۲	اشاره
۸۲	مقدمه
۸۲	اشاره
۸۳	الف) زمینه های اندیشه ای رشد داعش
۸۶	ب) زمینه های جامعه شناختی رشد داعش
۸۷	ج) نقش قدرت های بین المللی و منطقه ای در رشد داعش
۹۲	زمینه های اندیشه ای جریان سلفی تکفیری
۹۲	اشاره
۹۲	چکیده

مقدمه	۹۳
سیر تطور جریان سیاسی - مذهبی سلفی تکفیری	۹۴
مختصات و ویژگی های حکومت در اندیشه سلفی تکفیری	۱۰۲
ضرورت تأسیس حکومت اسلامی	۱۰۲
جهاد؛ تنها راه حل دست یابی به حکومت مشروع و ضروری	۱۰۶
مشروعیت الهی	۱۰۹
اشاره	۱۰۹
۱. اقتدارگرایی	۱۱۰
۲. شخص محوری	۱۱۴
۳. وحدت قوا؛ ولایت عام	۱۱۴
۴. الگوی امپراتوری	۱۱۶
ساختار حکومت در اندیشه سلفی تکفیری	۱۱۹
کارکرد حکومت در اندیشه سلفی تکفیری	۱۳۲
جمع بندی	۱۴۲
منابع	۱۴۳
الف) کتابها:	۱۴۳
ب) مقالات:	۱۴۷
ج) اینترنت:	۱۴۷
زمینه های جامعه شناختی رشد داعش در عراق	۱۴۸
اشاره	۱۴۸
مقدمه	۱۴۸
بررسی اجمالی اهمیت عراق	۱۵۰
عوامل مؤثر بر رشد تروریسم در عراق	۱۵۴
اشاره	۱۵۴
۱. بحران هویت	۱۵۵
۲. عدم شکل گیری دولت قوی	۱۶۳

۱۷۰	۳. ضعف ارتش
۱۷۴	۴. طایفه گرای
۱۸۱	۵. بازگشت عشایر به صحنه سیاسی عراق
۱۸۶	۶. عدم شکل گیری اجماع در سطح ملی
۱۸۸	۱۷. اختلافات درون گروهی (موردی شیعیان)
۱۹۵	۸. جنگ های پی در پی
۲۰۰	۹. سیاست آمریکا در عراق (از خروج فیزیکی تا نفوذ دائمی)
۲۰۴	زمینه های نفوذ آمریکا در عراق پس از خروج آمریکا
۲۰۷	شرکت های امنیتی خصوصی در عراق
۲۱۳	نتیجه گیری
۲۱۴	منابع
۲۱۴	فارسی
۲۱۶	مقالات
۲۲۰	عربی
۲۲۲	مقالات
۲۲۴	سایت ها و روزنامه ها
۲۲۴	منابع انگلیسی
۲۲۶	نقش قدرت های منطقه ای و بین المللی در رشد و گسترش جریان های تکفیری
۲۲۶	اشاره
۲۲۶	چکیده
۲۲۸	مقدمه
۲۳۰	رناليسم ساختاری به مثابه چارچوب تئوریک
۲۳۱	ساختار نظام بین الملل در این نظریه سه ویژگی مهم دارد:
۲۳۴	نقش استعمارگران در رشد و گسترش جریان تکفیری
۲۳۴	اشاره
۲۳۷	بریتانیا و جریان تکفیری

۲۴۳ امریکا و القاعده
۲۴۷ داعش و منازعه قدرتهای بین المللی
۲۵۱ نتیجه گیری
۲۵۴ منابع
۲۵۸ فصل سوم: چالش های درونی جریان تکفیری و راهکارهای مواجهه با آن
۲۵۸ اشاره
۲۶۰ مقدمه
۲۶۲ چالش درونی جریان های تکفیری؛ با تأکید بر چالش داعش و القاعده
۲۶۲ اشاره
۲۶۲ مقدمه
۲۶۸ مقدمه: بین خلافت بغدادی و الخلافة علی منهج النبوی، بعد المشرقین!
۲۶۸ اشاره
۲۷۰ الف) فقدان مبانی و مؤلفه های خلافت اهل سنت در خلافت بغدادی (رویگرد اندیشه ای)
۲۷۰ اشاره
۲۷۱ ۱. تکذیب تجمع اهل حل و عقد در انتخاب بغدادی
۲۷۵ ۲. کذب نسب قریشی ابوبکر بغدادی
۲۷۷ ۳. عدم تحقق بیعت در تکوین خلافت بغدادی
۲۷۸ ۴. فقدان رضایت در تأسیس خلافت بغدادی
۲۷۹ ۵. فقدان عصبيت دينی در تأسیس دولت بغدادی
۲۸۰ ۶. عدم «تمکین» (به عنوان امر لازم زمینه ساز دولت اسلامی) در دولت بغدادی
۲۸۲ ۷. جهاد؛ تنها راه حل برای اقامه دولت اسلامی
۲۸۳ ۸. نقض قواعد مهم «فوا ببيعة الأول...» و «مسبوق نبودن بیعت خلیفه دیگر» در خلافت البغدادی
۲۸۶ ۹. نقض قاعده فقهی حفظ جان و حرمت دماء المسلمین
۲۸۷ ۱۰. رحمت؛ مبنا و غایت خلافت بر منهج نبوی و بی رحمی، مبنا و غایت خلافت بغدادی
۲۹۰ ۱۱. فقدان حرکت خلافت بغدادی بر مبنای منهج النبوة
۲۹۱ ب) نقد خلافت داعش با توجه به اقدامات جنایتکارانه

- اشاره - ۲۹۱
۱. خلافت داعش؛ عامل و زمینه ساز تجزیه جهان اسلام و ادامه توافقنامه «ساکس - پیکو» ۲۹۲
۲. خلافت ابوبکر بغدادی؛ مولود محور بعثی - صهیونیستی - صلیبی ۲۹۳
۳. خلافت بغدادی؛ عامل تفرقه میان مسلمین ۲۹۴
۴. دولت بغدادی؛ مولود جهال و جماعت غلو و اشرار ۲۹۶
- ج) راهکارهایی در راستای تفرق در تصلب تکفیری ۲۹۷
- منابع ۳۰۰
- پیامدها و چالش های جریان تکفیری داعش ۳۰۴
- اشاره ۳۰۴
- مقدمه ۳۰۴
- اشاره ۳۰۴
- الف) پیامدهای گسترش جریان تکفیری بر جهان اسلام ۳۰۴
۱. فراموشی آرمان امت اسلامی ۳۰۴
۲. فراموشی اولویت فلسطین ۳۰۵
۳. بستن راههای تقریب مسلمانان ۳۰۶
۵. نا امن سازی جهان اسلام ۳۰۷
۶. ترویج اسلام هراسی ۳۰۸
- ب) چالش های جریان تکفیری در عراق ۳۰۸
- اشاره ۳۰۸
۱. اختلاف ایدئولوژی در سازمان داعش ۳۰۹
۲. حضور مرجعیت ۳۰۹
۳. اختلاف داعش و القاعده ۳۱۰
۴. ضعف ائتلاف سازی ۳۱۴
۵. شکل گیری دولت جدید عراق ۳۱۵
- راهکارهای مواجهه با جریان های سلفی تکفیری (با تأکید برداعش) ۳۱۸
- اشاره ۳۱۸

۳۱۸	مقدمه
۳۱۸	اشاره
۳۱۹	۱. تدوین یک راهبرد مشخص
۳۲۰	۲. تفکیک وهابیون تکفیری از سلفی گری
۳۲۱	۳. باورمندی به تقریب مذاهب اسلامی
۳۲۱	۴. گفت و گوی روشمند و علمی با وهابیون تکفیری
۳۲۲	۵. تمرکز بر تناقضات موجود در آرا
۳۲۲	۶. اصلاح نگرش غلط از تشیع
۳۲۶	فصل چهارم: گزارش ها
۳۲۶	اشاره
۳۲۸	گستره داعش در جهان اسلام
۳۲۸	اشاره
۳۲۸	مقدمه
۳۲۸	داعش در تونس
۳۳۳	داعش در اندونزی
۳۳۷	منابع
۳۴۰	گزارشی مستند از تخریب زیارتگاه های اسلامی در استان نینوا به دست داعش
۳۴۰	اشاره
۳۴۱	الف) شهر موصل
۳۴۱	اشاره
۳۴۲	۱. زیارتگاه دانیال پیامبر (علیه السلام)
۳۴۲	۲. زیارتگاه حضرت یونس (علیه السلام)
۳۴۴	۳. زیارتگاه یحیی بن قاسم
۳۴۵	۴. زیارتگاه عون الدین بن حسن (علیه السلام)
۳۴۶	۵. مسجد و زیارتگاه جرجیس پیامبر (علیه السلام)
۳۴۷	۶. مسجد و زیارتگاه حضرت شیث (علیه السلام)

- ۳۴۸ ۷. آرامگاه ابن اثیر جزری
- ۳۴۹ ۸. زیارتگاه شیخ فتحی
- ۳۵۰ ۹. زیارتگاه شیخ ابوالعلا
- ۳۵۱ ۱۰. مسجد و زیارتگاه فضیب البان موصلی
- ۳۵۲ (ب) سایر مناطق استان نینوا
- ۳۵۲ ۱. زیارتگاه سلطان عبدالله بن عمر در منطقه «مخمور»
- ۳۵۳ ۲. زیارتگاه های شهر «تلعفر»
- ۳۵۵ ۳. زیارتگاه های شهر محلبیه
- ۳۵۷ ۴. زیارتگاه منسوب به حضرت زینب (سلام الله علیها) در شهر «سنجار»
- ۳۶۰ بیانیه مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) در محکومیت اقدامات گروهک تکفیری داعش
- ۳۶۲ درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: نباتیان، محمد اسماعیل

عنوان و نام پدیدآورنده: زمینه های فکری - سیاسی جریان بعثی - تکفیری داعش / باهتمام: محمد اسماعیل نباتیان و مختار شیخ حسینی

مشخصات نشر: قم: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، 1393.

مشخصات ظاهری: 348 ص.

شابک: 978-964-529-830-0

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: داعش

موضوع: تروریست ها -- عراق

موضوع: داعش -- مقاله ها و خطابه ها

موضوع تروریست ها -- عراق -- مقاله ها و خطابه ها

شناسه افزوده: شیخ حسینی، مختار 1364-، نویسنده همکار

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام

رده بندی کنگره: HV 6432/5 د2 ن2 1393

رده بندی دیویی: 303/625

ص: 1

اشاره

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

أَهْلَ الْبَيْتِ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

ص: 2

اهل بيت عليهم السلام فى السنه النبويه

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ

أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ : كِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَعَثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ

مسند أحمد 3 : 14 و 18 (ما أسند عن أبي سعيد)

سنن الترمذي 5 : 329 / ح 8376

المستدرک للحاکم 3 : 109 و 148

فضائل الصحابة للنسائي : 15 باب فضائل على الله

المعجم الأوسط للطبراني 3 : 374

ص : 4

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السّلام)

زمینه های فکری - سیاسی جریان بعثی - تکفیری داعش

به کوشش: دکتر محمد اسماعیل نباتیان

مختار شیخ حسینی

ص: 5

سرشناسه: نباتیان، محمد اسماعیل

عنوان و نام پدیدآورنده: زمینه های فکری - سیاسی جریان بعثی - تکفیری داعش / باهتمام: محمد اسماعیل نباتیان و مختار شیخ حسینی

مشخصات نشر: قم: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، 1393.

مشخصات ظاهری: 348 ص.

شابک: 978-964-529-830-0

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: داعش

موضوع: تروریست ها -- عراق

موضوع: داعش -- مقاله ها و خطابه ها

موضوع تروریست ها -- عراق -- مقاله ها و خطابه ها

شناسه افزوده: شیخ حسینی، مختار 1364-، نویسنده همکار

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام

رده بندی کنگره: HV 6432/5 د2 ن2 1393

رده بندی دیویی: 303/625

زمینه های فکری سیاسی جریان بعثی تفکیری داعش

به کوشش: دکتر محمد اسماعیل نباتیان و مختار شیخ حسینی

ناشر: مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)

صفحه آرا: قاسم بغدادی

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: اسفند 1393

چاپخانه خاتم الانبیاء شمارگان: 500

شاپک: 978-9645298300

www.ahl-bayt.org

info@ahl-ul-bayt.org

www.abwacd.com

www.abna.ir

قم، بلوار جمهوری اسلامی نبش کوچه 6. تلفن: 025 - 32131221

تهران، بلوار کشاورز، مقابل پارک لاله، شماره 228 تلفن: 021 - 88970171

ص: 6

فهرست مطالب

- بیانات امام خمینی...9
- بیانات مقام معظم رهبری...11
- سخن مجمع...13
- فصل اول: دیدگاه‌ها...17
- جریان تکفیری و پیامدهای آن از منظر آیت الله آصفی...19
- نقش علما در مهار افراطی‌گری / نجف لک زایی...25
- نشست «بدعت‌های عقیدتی - فقهی» / نجم‌الدین طبسی...37
- نشست «چالش‌های تئوریک و ...» / مصطفی مصلح زاده...47
- فصل دوم زمینه‌های فکری - سیاسی رشد داعش...67
- درآمد سه ضلعی رشد داعش / مختار شیخ حسینی...67
- زمینه‌های اندیشه‌ای جریان سلفی... محمد اسماعیل نباتیان...79
- زمینه‌های جامعه‌شناختی رشد داعش مختار شیخ حسینی...135
- نقش قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مختار شیخ حسینی...213

فصل سوم: چالش های درونی جریان تکفیری و راهکارها 245

چالش درونی جریان های تکفیری / محمد اسماعیل نباتیان 249

پیامدها و چالش های جریان تکفیری... مختار شیخ حسینی 291

فصل چهارم: گزارشها..... 313

گستره داعش... /صادق رمضانی و سیدجواد میر خلیلی..... 315

گزارشی مستند از تخریب زیارتگاه ها... / احمد خامه یار..... 327

بیانیه مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السّلام)

ص: 8

بیانات امام خمینی درباره اسلام آمریکایی

«امروز مراکز وهابیت در جهان به کانون های فتنه و جاسوسی مبدل شده اند، که از یک طرف اسلام اشرافیت، اسلام ابوسفیان، اسلام مآلهای کثیف درباری، اسلام مقدس نماهای بی شعور حوزه های علمی و دانشگاهی، اسلام ذلت و نکبت، اسلام پول و زور، اسلام فریب و سازش و اسارت، اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه داران بر مظلومین و پابرنه ها، و در یک کلمه «اسلام آمریکایی» را ترویج می کنند؛ و از طرف دیگر، سر بر آستان سرور خویش، امریکای جهانخوار می گذارند» (صحیفه امام، ج 21: 81)

«ای کاش همه تجاوزات جهانخواران همانند تجاوز شوروی به کشور مسلمان و قهرمان پرور افغانستان علنی و رودررو بود تا مسلمانان ابهت و اقتدار دروغین غاصبین را در هم می شکستند؛ ولی راه مبارزه با اسلام آمریکایی از پیچیدگی خاصی برخوردار است که تمامی زوایای آن باید برای مسلمانان پابرنه روشن گردد؛ که متأسفانه هنوز برای بسیاری از ملت های اسلامی مرز بین اسلام آمریکایی و اسلام ناب محمدی و اسلام پابرنگان و محرومان، و اسلام مقدس نماهای متحجر و سرمایه داران خدانشناس و مرفهین

بی درد، کاملاً مشخص نشده است و روشن ساختن این حقیقت که ممکن نیست در یک مکتب و در یک آیین دو فکر متضاد و رودر رو وجود داشته باشد از واجبات سیاسی بسیار مهمی است.... وظیفه همه علماست که با روشن کردن این دو تفکر، اسلام عزیز را از ایادی شرق و غرب نجات دهند».

(صحیفه امام، ج 21: 121)

ص: 10

بیانات مقام معظم رهبری درباره جریان های تکفیری

«امروز یک عده ای در بخش های مختلف دنیای اسلام به نام گروه های تکفیری و وهابی و سلفی، علیه ایران، علیه شیعه، علیه تشیع، دارند تلاش می کنند کارهای بدی می کنند، کارهای زشتی می کنند؛ اما اینها دشمن های اصلی نیستند؛ این را همه بدانند. دشمنی می کنند، حماقت می کنند اما دشمن اصلی آن کسی است که اینها را تحریک می کند آن کسی است که پول در اختیارشان می گذارد، آن کسی است که وقتی انگیزه آنها اندکی ضعیف شد، با وسایل گوناگون آنها را انگیزه دار می کند؛ دشمن اصلی، آن کسی است که تخم شکاف و اختلاف را بین آن گروه نادان و جاهل، و ملت مظلوم ایران می افشانند؛ اینها آن دست پنهانِ سرویس های امنیتی و اطلاعاتی است. لذا ما مکرر گفته ایم این گروه های بی عقلی را که به نام سلفی گری، به نام، تکفیر، به نام اسلام با نظام جمهوری اسلامی مقابله می کنند دشمن اصلی نمی دانیم؛ ما شما را فریب خورده می دانیم؛ به اینها گفته ایم «لَنْ بَسَطَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطِ يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ»؛ تو اگر خطا میکنی، اشتباه می کنی، کمر به قتل برادر مسلمان خودت می بندی، ما تو [آدم] نادان و جاهل را کسی نمی دانیم که بایستی کمر به قتل او ببندیم؛ البته از خودمان دفاع می کنیم هر کسی به ما حمله بکند، با

مشت محکم ما مواجه خواهد شد این طبیعی است؛ اما معتقدیم اینها دشمنان اصلی نیستند، فریب خورده هستند. دشمن اصلی آن دشمن پشت پرده است آن دست نه چندان پنهانی است که از آستین سرویس های امنیتی بیرون می آید و گریبان مسلمانان را می گیرد و آنها را به جان هم می اندازد. مراسم بیست و پنجمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی - (93/3/14)

«حضور نیروهای تکفیری که امروز متأسفانه در برخی از نقاط منطقه فعالند، خطر بزرگشان این نیست که بی گناه هان را می کشند، آن ن هم جنایت است، بزرگ است؛ اما خطر بزرگ این است که دو گروه شیعه و سنی را نسبت به هم بدبین می کنند؛ این خیلی خطر بزرگی است؛ جلوی این بدبینی را باید بگیریم». (دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری - 92/12/15)

«امروز کسانی هستند که سلاحشان تکفیر است؛ ابائی هم ندارند که بگویند ما تکفیری هستیم؛ اینها سم اند. خب، این سم را باید از محیط اسلامی خارج کرد. یکی او را تکفیر کند، یکی او را تفسیق کند؛ این در سخنرانی و در منبر یک حرفی بزند که تعریض به او باشد، او یک چیزی بگوید که تعریض به این باشد؛ این همین چیزی می شود که دشمن می خواهد». (در جمع روحانیون شیعه و اهل در سنت کرمانشاه - 90/7/20)

کار اساسی شما [مجمع اهل بیت (علیهم السّلام) ... معرفی مکتب اهل بیت است (علیهم السّلام) به دنیای اسلام، بلکه به سراسر عالم، چون امروز همه دنیا تشنه معنویت اند و این معنویت در اسلام هست و در اسلامی که در مکتب اهل بیت (علیهم السّلام) معرفی می کند به نحو جامع و کاملی وجود دارد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجمع عمومی مجمع - 1386/5/28)

مکتب اهل بیت (علیهم السّلام) که تبلور اسلام ناب محمدی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) و متکی بر منبع و حیانی است معارف ژرف و عمیقی دارد که از اتقان، استدلال و منطق قوی برخوردار می باشد و مطابق با فطرت سلیم انسان هاست؛ بر همین اساس است که امام رضا (علیه السّلام) فرمودند: «فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا» (شیخ صدوق، عیون اخبار الرضاء (علیه السّلام)، ج 2، ص 275). این مکتب غنی و نورانی در پرتو عنایات الهی و هدایت ائمه اطهار (علیهم السّلام) و نیز مجاهدت هزاران عالم و فقیه در طی قرون گذشته بسط و تعمیق یافته است.

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (رحمه الله) و تأسیس نظام اسلامی با ابتدای بر قوانین اسلامی و با محوریت ولایت

فقیه، افق های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی را برای انسان های آزاده به ویژه مسلمانان و پیروان و محبّان اهل بیت (علیهم السّلام) گشود و توجه بسیاری از نخبگان جهان را به خود معطوف کرد.

«مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السّلام) مولود این دگرگونی مبارک پس از انقلاب اسلامی است که به ابتکار مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) در سال 1369 شمسی / 1990 میلادی تأسیس شد و تاکنون خدمات شایانی را در تبلیغ معارف قرآن و اهل بیت (علیهم السّلام) در سراسر جهان انجام داده است.

معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السّلام) در راستای رسالت خود جهت ارتقای شناخت و آگاهی پیروان اهل بیت (علیهم السّلام) و رشد و تربیت آنها در عرصه های پژوهشی آموزش و تبلیغی، در سه حوزه تولید محتوا (تألیف و ترجمه آثار در موضوعات کلامی، تفسیری، فقهی، حدیثی تاریخ و ادبی به ده ها زبان، و نیز تولید و انتشار مجلات مختلف به زبان های متعدد) چاپ و نشر، و توزیع و ارسال به نقاط مختلف جهان به فعالیت پرداخته است.

گزارش راهبردی «زمینه های فکری - سیاسی جریان بعثی - تکفیری داعش» حاصل تلاش علمی و پژوهشی محققان «گروه مطالعات راهبردی» معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السّلام) می باشد که در پی تحولات عراق و اشغال بخش هایی از عراق و سوریه به

دست جریان تکفیری داعش تهیه و تدوین گردیده است. بی شک بدون شناخت این بستر فکری و جامعه شناختی، امکان شناخت صائب این گروه و به تبع، دست یابی به راه های سدّ بسط این تفکر و جذب نیروهای جاهل از کشورهای مختلف، فراهم نمی گردد. یکی از ویژگی های این گزارش راهبردی تأکید بر شناخت جریان تکفیر براساس منابع و آثار شخصیت های فکری و رهبران سیاسی جریان تکفیری است تا بدون واسطه تحلیل ها و گزارش های دیگران، به شناختی علمی و صحیح از این جریان دست یابیم.

شایان ذکر است که اثر حاضر دومین گزارش راهبردی در تحلیل زمینه های فکری و سیاسی جریان تکفیری داعش می باشد که با انجام اصلاحاتی در گزارش پیشین و افزودن مقالات و مطالب جدید، در اختیار مخاطبان فرهیخته قرار داد می شود.

در اینجا بر خود فرض می دانم از دبیر کل محترم مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السّلام) حضرت حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای اختری (دامّ عزه) و نیز پژوهشگران و محققان محترم آقایان دکتر مصطفی مصلح زاده، دکتر محمد اسماعیل نباتیان، مختار شیخ حسینی، سید ابراهیم معصومی، سید جواد میرخلیلی و احمد خامه یار تشکر نمایم. همچنین از زحمات آقایان محمد جواد خرسندی، رضا آقابربری، قاسم بغدادی، محمد دانشی و سرکار خانم فلاح که در ویراستاری، تایپ، صفحه آرایی، طراحی نشر و چاپ تلاش کردند

تشکر می‌کنم و پیروزی و توفیق همگان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

معاونت امور فرهنگی مجمع در راستای تعمیق و پویایی آثار منتشره در حوزه معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) در سراسر جهان، از نظرات و پیشنهادهای اساتید، فرهیختگان صاحب نظران و پژوهشگران در کشورهای مختلف استقبال می‌کند تا زمینه‌های بسط و اعتلای معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) در جهان فراهم گردد.

نجف لک زایی

معاون امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام)

ص: 16

فصل اول: دیدگاه ها

اشاره

ص: 17

جریان تکفیری و پیامدهای آن از منظر آیت الله آصفی(1)

اسلام به عنوان یک دین جامع الگوی زندگی فردی و اجتماعی مسلمین را برای همه زمان ها در بر دارد. سیاست به عنوان بخشی از حیات اجتماعی انسان و دولت اسلامی مورد توجه دین اسلام بوده است و علما و اندیشمندان نیز به فراخور شرایط ذهنی و عینی به این بخش از زندگی اجتماعی انسان مسلمان در پرتو احکام اسلامی اندیشیده اند و آراء و اندیشه هایی برای تبیین دیدگاه اسلام در این حوزه ارائه کرده اند.

توجه یا عدم توجه علما و اندیشمندان به سیاست تابعی از شرایط عینی و ذهنی حاکم بر دوره تاریخی آنها بوده است برخی از علما به صورت مستقیم و برخی به صورت غیر مستقیم در این حوزه اندیشه ورزی داشته اند. برخی از علمای اسلامی با توجه به زمانه تاریخی خاص اندیشه ورزی جامع تر در حوزه سیاست داشته اند و حتی برخی از این علما علاوه بر اندیشه ورزی در حوزه فعالیت سیاسی نیز تاثیر گذار و منشأ تحول بوده اند. در تاریخ معاصر امام خمینی (رحمه الله) یکی از علمایی قلمداد می شود که علاوه بر

ص: 19

1- آرا و نظرات آیت الله آصفی توسط مختار شیخ حسینی، پژوهشگر گروه مطالعات راهبردی استخراج و تدوین شده است.

اندیشه ورزی سیاسی با وارد شدن به فعالیت عملی، الگویی جدید از تعامل اندیشه و عمل سیاسی شیعه را ترسیم کرد. در الگویی که حضرت امام ارائه کرد، آیت الله آصفی را نیز می توان در طیف علمایی قرار داد که در سنت اندیشه سیاسی شیعه علاوه بر اندیشه ورزی، فعالیت سیاسی ایشان نیز بسیار برجسته است و ایشان را به عنوان یک عالم جامع در این زمینه معرفی میکند.

بررسی اجمالی آثار ایشان نشان می دهد دانش های سیاسی (کلام سیاسی، فقه سیاسی، فلسفه سیاسی، اخلاق سیاسی و ... موضوع اصلی تحقیقات ایشان بوده است و یکی از حوزه های اندیشه ورزی آیت الله آصفی، مسائل جهان اسلام است و به تبع آن جریان های تکفیری مورد تامل ایشان بوده است.

از دیدگاه ایشان جهان اسلام با سه چالش اساسی در دنیای امروز مواجه است. این چالش های برخی اشکار و برخی به صورت پنهانی جوامع اسلامی را با خطر مواجه کرده است و منظور از این چالش ها عواملی است که مسلمانان را از صراط مستقیم دور می کند و به صورت فتنه هایی در جوامع اسلامی رخ داده است و باید برای رفع این فتن چاره اندیشی کرد.

ص: 20

این سه چالش عبارتند از اشغال (1) کشورهای اسلامی، جهانی شدن (2) و افراط‌گرایی مذهبی (3). دو چالش اول زمینه بیرونی دارد و از سوی استکبار علیه جهان اسلام اعمال شده است اما چالش سوم ریشه در درون جوامع اسلامی دارد. این سه مورد مهم‌ترین چالش‌های دنیای معاصر مسلمین را تشکیل می‌دهند.

عامل خارجی یکی از دلایل فتنه مذهبی در جهان اسلام است و امروزه آمریکا به عنوان استکبار جهانی میراث‌دار تجربه استعمارگران گذشته است و بهترین و کم‌هزینه‌ترین ابزار برای نفوذ در جهان اسلام، شعله‌ور کردن فتنه‌های مذهبی است که آمریکا در عراق از این ابزار بهره می‌برد.

اما به لحاظ داخلی نیز فتنه مذهبی در جهان اسلام ترکیبی از یک مثلث سه ضلعی است.

□

ص: 21

1- احتلال.

2- العولمة.

3- التطرف الديني.

دو ضلع پایین این مثلث در حوزه تئوریک مورد توجه است به این صورت که فرد در حوزه نظر و تئوری نسبت به دیگر دیدگاه های رایج انغلاق دارد و هیچ انفتاحی نسبت به شنیدن و ملاحظه نظرات دیگران ندارد جریان تکفیری به هیچ وجه حاضر به شنیدن و حوار با دیگران نیست. در حالی که دستور قرآن کریم شنیدن سخنان دیگران و اتباع از احسن است، اما جریان تکفیری نسبت به دیگر برداشت ها از دین هیچ انفتاح و مراوده ای ندارد.

در صورت تحقق ضلع اول (انغلاق در رأی)، ضلع دوم مثلث در حوزه تئوریک شکل می گیرد. و فردی که توجه به دیگر دیدگاه ها را بر روی خود بسته است و فقط در یک مسیر خاص حرکت می کند نسبت به دیگران دچار تکفیر (در حوزه نظر) می شود و چون فقط خود را در صراط مستقیم می داند و حاضر به شنیدن استدلال دیگران نیست، نظریات و برداشت های ارائه شده از سوی مفسران دیگر را تکفیر می کند و بر باطل می داند.

شکل گیری این دو ضلع در حوزه تئوریک منجر به ترور در حوزه عملی خواهد شد. به این صورت که کسی در دو ضلع اول معتقد به انغلاق و تکفیر شد در حوزه عمل نسبت به پیروان اندیشه ها و دیدگاه های دیگر با خشونت و افراط برخورد خواهد کرد.

اندیشه تکفیری ویژگی‌هایی دارد که به سرعت شعله‌ور می‌شود، خسارات آن بسیار زیاد و در طول تاریخ مورد سوء استفاده استعمارگران بوده است. یکی از پیامدهای این جریان بستن راه‌های تقریب است که قرن‌ها توسط علمایی مانند امام خمینی، آیت‌الله بروجردی و شیخ شلتوت موجب همگرایی جهان اسلام شده است.

یکی دیگر از پیامدهای این جریان تکفیری ترسیم چهره‌ای خشونت‌گرا از اسلام رحمانی است که زمینه اسلام‌هراسی را فراهم کرده است و در پرتو اعمال غیر انسانی این جریان تکفیری کشورهای اسلامی مورد هجوم استعمارگران قرار گرفته است.

ص: 23

نقش علما در مهار افراطی گری و نیل جهان اسلام به همگرایی

اشاره

نقش علما در مهار افراطی گری و نیل جهان اسلام به همگرایی (1)

حجت الاسلام و المسلمین دکتر نجف لک زایی

حجت الاسلام و المسلمین دکتر نجف لک زایی (2)

معاون فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) ضمن اشاره به تهاجم ددمشانه اسرائیل به غزه، بیان داشتند که درگیری های اسرائیل با مردم غزه نشان می دهد که محور مقاومت همچنان مقتدرانه عمل می کند و هرگز شکسته نخواهد شد. مشکل اصلی جهان اسلام، گروه های افراطی هستند و این وظیفه نخبگان و علمای جهان اسلام است که برای کنترل و مهار این جریان افراط گرایی تلاش کنند و به وحدت و قدرت و همگرایی جهان و اسلام بیفزایند.

به اعتقاد ایشان، در مورد این مسئله که آنچه امروز اتفاق افتاده، سازماندهی شده است یا خیر، نظر قاطعی نمی توان داد؛ اما آنچه

ص: 25

1- این مصاحبه در تاریخ 22 مرداد 93 با خبرگزاری شفقنا صورت گرفته است.

2- معاون فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) و رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

مسلم است اینکه هر کشور و هر قدرتی در دنیا و حتی هر فردی چه سیاست مدار و چه مذهبی، برای آینده خود برنامه هایی دارد و می خواهد که دنیا و محیط پیرامون را مطابق ایده های خود بسازد.

بخشی از اتفاقاتی که می افتد به طور طبیعی محصول این کارگزاران و عوامل مختلفی است که برای ساختن جوامع مطابق با ایده های خود فعال هستند؛ البته همیشه نتیجه ای که حاصل می شود مطابق برنامه ریزی های انجام شده نیست. به این دلیل که طبیعتاً منافع فاعل ها، کارگزاران و نهادهای مختلف دچار تعارض است و امکان دارد آن شخص یا قدرت برای رسیدن به هدفی برنامه ریزی کرده باشد اما قدرت ها و گروه های رقیب موفق شوند و در نتیجه آن اتفاقی که او می خواسته نیفتد؛ منطقه ما هم همین گونه است. می توان گفت منطقه خاورمیانه یا آسیای جنوب غربی با دو جریان معارض روبروست؛ یکی جریان قدرت های بزرگ که به دنبال اهداف و منافع خود هستند و دیگری هم اراده مردم که اینها هم دنبال برنامه ها و اهداف خود هستند و ما آن را به عنوان جریان بیداری اسلامی می شناسیم جریان بیداری اسلامی که چند سال پیش اتفاق افتاد، نتایج مهم و برجسته ای از قبیل حذف دیکتاتورهای دست نشانده و همین طور مبارزه با روند غرب گرایی در منطقه داشت.

آنچه که غرب در وهله اول پیگیری می کرد، دفاع از حاکمان دست نشانده کشورهای درگیر انقلاب بود؛ اما وقتی دید این اقدام راه به جایی نمی برد سعی کرد مسیری را در پیش گیرد که جریان بیداری اسلامی و حرکت مردمی را کنترل کند و به خدمت درآورد که به همین شکل ادامه پیدا می کند.

کشورهای منطقه نیز در قبال این وقایع به دو دسته تقسیم می شوند؛ کشورهایی که در کنار مردم بودند و می خواستند آن اراده مردمی اتفاق بیفتد از جمله کشورهایی مانند جمهوری اسلامی ایران که خواستار شکوفایی و رشد این بیداری ملت ها بودند. این تفکر برگرفته از اصول فکری و سیاسی آنها در جهت جریان تقریب، وحدت و همزیستی مسالمت آمیز همه اقشار، مذاهب و پیروان ادیان مختلف است؛ دسته دیگر، کشورهای مخالف اراده مردم و در راس آنها آمریکا و اسرائیل هستند که طبیعتاً هدف اصلی آنها مبارزه با کسانی است که می خواهند با نظام سلطه مبارزه کنند. بر این اساس یکی از برنامه هایی هم که اینها از سال های گذشته در دستور کار خود قرار دادند، دامن زدن به جنگ های مذهبی و اختلافات دینی بود. این برنامه در سطح منطقه پیگیری شد و در واقع آرایش قدرت و نزاعی که در منطقه وجود دارد این گونه است که دو اراده

استکباری و مردمی با یکدیگر مقابله می کنند و طبق وعده های الهی ما اطمینان داریم که برنده این میدان، جریان حق خواهد بود .

دکتر لک زایی با اشاره به پیگیری مباحث شیعه هراسی، اسلام هراسی و ایران هراسی از سوی جریان سلطه تاکید کرد: هر کدام از این مباحث در سطحی برای نظام سلطه منافی داشته است و البته متأسفانه نیروهای افراطی در درون جهان اسلام هم آگاهانه یا ناآگاهانه به این حرکت ها دامن زدند. بحث اصلی این است که ما باید حواسمان به جریان تقابل حق و باطل در سطح جهانی باشد یعنی به لحاظ تحلیلی باید مراقب باشیم که اولویت های ما جا به جا نشود و دشمن اصلی را فراموش نکنیم.

هدف از طرح هلال شیعی، غافل کردن ما از شکل گیری هلال عثمانی در منطقه بود

معاون فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) در ادامه به طرح نظریه هلال شیعی اشاره و آن را عاملی برای دامن زدن به جریان شیعه هراسی و ایران هراسی دانست و گفت: مهم ترین هدف طراحان این نظریه، غافل ساختن ما از هلال عثمانی یا هلال غربی بود که در منطقه با رهبری ترکیه اتفاق می افتاد. در حقیقت اینها برنامه ریزی کرده بودند که آن مسیری که سابق بر این امپراتوری عثمانی داشت طی می کرد را به صورت هلالی از ترکیه تا مراکش

طی کنند، بنابراین طرح هلال شیعی برای غافل کردن ما از این قصه بود.

ایشان ادامه داد: یکی از دلایلی که اینها از بحران در سوریه با جدیت تمام حمایت کردند، همین مسئله است؛ آنها تصورشان این بود که با اتفاقات رخ داده در ترکیه می توانند رهبری جهان اسلام را در اختیار بگیرند، اما تفرقه و عدم انسجام در بین اردوگاه حامیان بحران در سوریه سبب شده که موفقیت لازم را کسب نکنند. به این معنا که از یک سو ترکیه و از سوی دیگر جریان عربستان است که می خواهد رهبری را در جهان به عهده بگیرد. اینها رقیب کوچکتری هم به نام قطر پیدا کردند که آن هم می خواست در این قضایا سهمی داشته باشد.

جریان های افراطی بر روند استقبال اروپاییان از اسلام تأثیر می گذارند

رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی بیان کرد: این عدم انسجام بین داعیان رهبری جهان اسلام باعث شد که کشورهای مثل سوریه یا بعضی کشورهای که در آنها جریان بیداری اسلامی اتفاق افتاده بود، دچار اختلافات جدی و اساسی شوند؛ به عبارت دیگر، بخشی از اتفاقاتی که در حال حاضر در حال به وقوع پیوستن در منطقه است محصول همین اختلافاتی به شمار می رود که بین اینها افتاده

است. بخشی از انرژی آمریکا و غرب هم متوجه این بود که بتواند اینها را هماهنگ کنند و روبه روی جریان مقاومت اسلامی قرار دهند.

ایشان با اشاره به مذاکرات اوپاما با پادشاه عربستان اظهار کرد: با وجود انجام این دیدار و مذاکرات اما مشاهده می شود که این گروه ها همچنان دچار اختلافات جدی هستند؛ همین سبب می شود که امیدوار باشیم توفیقی در حرکت های خود پیدا نکنند.

دکتر لک زایی با بیان اینکه به نظر نمی رسد، نظام سلطه هم وضعیت بدی داشته باشد، گفت: نظام سلطه هم از وضعیت موجود راضی است به خاطر اینکه احساس می کنند از هر طرفی که کشته بشوند - چه از جریان تخریب و چه از جریان کشتار در جهان اسلام- به نفع آنهاست.

ایشان با اشاره به تأثیر گذاری این کشتارها و جریانهای افراطی بر روند استقبال از دین اسلام به ویژه در اروپا و آمریکا تصریح کرد: وجود بحران های امنیتی در مناطقی از جهان اسلام سبب خواهد شد که یک مقدار جریان توجه به اسلام که در خود غرب و اروپا و آمریکا از سال های پیش با شدت و حدت داشت پیش می رفت، کند شده و بعضی جاها هم متوقف شود.

غرب اسلام هراسی را با استفاده از موج رسانه ای به شدت دنبال می کند

معاون فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) ادامه داد: تمام این مسائل سبب می شود که اینها جریان اسلام هراسی را با یک موج رسانه ای - در خود اروپا و آمریکا به شدت پیگیری کنند. در حقیقت اینها از جهلی که برخی از گروه های افراطی در جهان اسلام گرفتارش هستند، استفاده و حتی حسادت ها را تحریک می کنند و گروه های مختلف را به جان هم می اندازند. از سوی دیگر با اعزام خبرنگاران و برجسته کردن این اتفاقات به لحاظ رسانه ای، به آن جریان اسلام هراسی هم در سطح کلان ادامه می دهند.

ایشان با بیان اینکه قدرت های استکباری اهداف مختلفی را پیگیری می کنند خاطر نشان کرد: هر کدام از این کشورهای قدرتمند اهداف متنوعی را پیگیری می کنند، البته دوست دارند اهداف به شکل حداکثری اتفاق بیفتد یعنی هم بتوانند جمهوری اسلامی ایران را مهار کنند، هم بتوانند در عراق، سوریه و کشورهای دیگر ابتکار عمل را به دست گیرند؛ اما آنچه در صحنه عمل رخ می دهد، همیشه مطابق خواسته های این کشورهایی که برنامه ریزی می کنند نیست.

دکتر لک زایی در مورد مواضع مختلف قدرت های استکباری در قبال داعش گفت: در این زمینه چند نکته وجود دارد؛ یکی اینکه

بالاخره ما با پدیده نیروهای افراطی نه تنها در جهان اسلام بلکه در دنیا روبه رو هستیم و اینها فضایی را ایجاد کردند تا این نیروهای افراطی را با تعبیه کانال هایی از کشورهای مختلف به این مناطق سوق بدهند و این انرژی نیروها همین جا تخلیه شود و بخش عمده ای از اینها از بین بروند. نکته دوم اینکه وقتی این نیروها را در این مناطق می آورند، در قالب استفاده از روش های چماقی به اهدافی که از طریق فشار به کشورهای مختلف دست پیدا نکردند دست پیدا خواهند کرد.

ایشان ادامه داد: نکته دیگر اینکه این فضاها یک فضای تنفسی برای اسرائیل به وجود می آورد؛ یعنی وقتی چنین اقداماتی از قبیل تخریب آثار قدیمی و باستانی و نمادهای مذهبی و قبور انبیا در سطح منطقه در حال وقوع است به لحاظ روانی فضای ذهنی برای تخریب مسجد الاقصی را فراهم می کند. به این معنا که می خواهد یک فضای تنفسی برای رژیم غاصب صهیونیستی ایجاد شود و ما می توانیم تفاوتی بین منافع و اهداف غرب و بخشی هم بین کشورهای منطقه قایل شویم.

رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با بیان اینکه به لحاظ نگاه غربی ها تخریب و جنگ در جهان اسلام موضوعیت دارد، گفت: این جنگ و درگیری و تخریب به نفع غربی هاست چون آنها

دوست دارند جمهوری اسلامی ایران به هر طریقی تحت فشار قرار بگیرد؛ همچنان که تاکنون به اشکال مختلف با تحریم های خود آن را تحت فشار قرار داده اند هر کدام از زاویه منافی که دارند به شکل ابزاری از اینها استفاده می کنند اما تجربه تاریخی به ما می گوید که گروه های افراطی و رادیکالی، آینده و دوام ندارند؛ همان طور که خوارج در تاریخ اسلام عمر چندانی نکردند و زود از بین رفتند. نیروهای افراطی در واقع خودشان عمر خود را کوتاه می کنند هر چند در همان عمر کوتاه خود خسارت های عظیمی وارد می کنند.

ایشان با اشاره به نقش محور مقاومت در پیروزی برابر اسرائیل در خصوص شکننده بودن این جبهه با توجه به بحرانهای اخیر در منطقه اظهار کرد: من موافق نیستم که محور مقاومت شکننده شده باشد؛ چنانچه در حال حاضر آنچه در غزه اتفاق می افتد، این را تأیید نمی کند. ما برای اولین بار است که در غزه شاهد پدیده جدیدی هستیم و آن حجم کشته های نظامی اسرائیل است. در نبردهای قبلی ارتش اسرائیل این مقدار کشته را متحمل نمی شد.

تجربه تاریخی جلوی چشم ماست. یک کشته هم برای آنان فراوان است و مردم دنیا این را در مبادلات اسرا شاهد بودند، در حالی که امروز حجم قابل توجهی کشته داده اند؛ البته آمارها مختلف است.

دکتر لک زایی ادامه داد نیروهای مقاومت توانستند به داخل ارتش اسرائیل نفوذ کنند و با شیوه های مختلف از آنها تلفات بگیرند. در حال حاضر اینها با مجموعه کوچکی به نام غزه که نه امکانات پدافند هوایی دارد و نه ارتشی دارد مواجه هستند. حتی موشک هایی هم که در غزه دارند با قدرت تخریب بالا نیست؛ یک موشک معمولی است که عمده آنها در آنجا ساخته می شود پس نمی توان گفت محور و جبهه مقاومت شکننده شده است. نکته ای که می توان گفت اینکه جنگ های مذهبی و افراطی گری در منطقه می تواند به تضعیف جریان مقاومت کمک کند و از این جهت که بخشی از انرژی جهان اسلام را می گیرد.

ایشان تصریح کرد به بیان دیگر بخشی از نیروهایی که جذب جریان های افراطی می شوند نیروهایی هستند که نمی دانند جذب چه گروه هایی شدند. بسیاری از این افراد، جوان هایی هستند که فکر می کنند به خاطر خدا جهاد می کنند؛ دلیل این باور هم فتوای علمای وهابی است که با دادن چنین فتاوایی به اسرائیل و غرب خدمت می کنند. این یک انرژی است که اگر از آن درست استفاده می شد، باید به جنگ طاغوت و شیطان واقعی و نظام سلطه می رفتند در حالی که این گروه های افراطی بسیار ساده اعلام می کنند که فعلا جنگ با اسرائیل در اولویت نیست و چون

جمهوری اسلامی از حماس حمایت می کند ما دیگر از غزه حمایت نمی کنیم. این نیروهایی که می توانستند عملاً در خدمت جریان مقاومت قرار بگیرند را از دست مقاومت می گیرند و در جایی دیگر از آنها استفاده می کنند.

تفرقه و افراطی گری؛ عامل تضعیف جریان مقاومت

معاون فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) اظهار کرد: مسئله دوم همین تفرقه ای است که در جهان اسلام اتفاق افتاده و تشدید شده است که به طور کلی جریان مقاومت را تضعیف می کند. به خاطر اینکه وحدت و همگرایی است که ما را در قبال دشمن می تواند پیروز کند. وقتی دچار تفرقه می شویم و مسلمانان به جان هم بیفتند آن جریان ضد مقاومت است که از این سود می برد. ممکن است کسی این گونه بگوید که جریان مقاومت هم در این فضا خلوصی پیدا می کند و آن خلوصی که پیدا می کند باعث می شود که در هدف خود محکم تر شود اما آنچه مسلم است ما در شکل کلان و کلی فعلاً از این تفرقه ها صدمه می بینیم و جهان اسلام از این افراط گری ها صدمه می بیند.

نخبگان و علمای جهان اسلام بصیرت و دشمن شناسی را در جهان اسلام تقویت کنند

دکتر لک زایی تاکید کرد: باید نخبگان و علمای جهان اسلام و همه کسانی که از دستشان کاری بر می آید، تلاش کنند که این جریان افراط گرایی را کنترل و مهار کنند و به وحدت و قدرت و همگرایی جهان اسلام بیفزایند و آن بصیرت و دشمن شناسی را در جهان اسلام تقویت کنند تا ما این قبیل مسائل را در آینده نداشته باشیم.

ایشان در مورد دلیل مخالفت عربستان با جبهه مقاومت و همراهی با گروه های افراطی بیان کرد: به خاطر اینکه اصل جریان بیداری اسلامی نمی تواند نظام های پادشاهی، استبدادی و دیکتاتوری را بپذیرد، اگر جریان بیداری اسلامی در منطقه رو به رشد باشد و بتواند موفق شود طبیعتاً کشورهای مثل عربستان بحرین، قطر، کویت و اردن هم با نظام های استبدادی و پادشاهی باید خداحافظی کنند؛ پس طبیعی است که اینها می خواهند در کشورهای بیداری اسلامی اتفاق افتاده، آنقدر وضع بحرانی شود و ناامنی ها و مشکلات برای مردم فراوان شود که مردم این کشورها هرگز هوس انقلاب و تحول در نظام سیاسی کشور خود را نکنند. اینها می خواهند هزینه انقلاب های مردمی را آنقدر افزایش دهند که عمر خودشان مقداری بیشتر شود.

آیت الله نجم الدین طبری

برخی از بدعت‌های این گروهک تازه تأسیس همچون جهاد نکاح، تخریب قبور، به غنیمت گرفتن مسلمین... گرچه مهم است، اما اساسی‌ترین و خطرناک‌ترین بدعت آنها نظریه تکفیر مسلمین است؛ اندیشه‌ای که بسیاری از بدعت‌های دیگر از آن نشأت گرفته است.

در واقع داعش اگر چه نامی جدید در قاموس سیاسی است، ولی از لحاظ فکری همان تفکر وهابی می‌باشد. آبشخور آن را در اعمال و گفتار برخی از صحابه بزرگ در صدر اسلام و پس از رحلت نبی مکرم اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) است؛ برای نمونه ابن قتیبه دینوری، از قدیمی‌ترین دانشمندان اهل سنت، در کتاب معروف «المعارف» از سعد وقاص نقل می‌کند که خطاب به عمار یاسر گفت: تو دیگر مسلمان نیستی.

این در حالی است که پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) راجع به عمار فرمودند: «سرتاپای عمار را ایمان به خدای متعال پر کرده و ایمان با خون و

ص: 37

1- این نشست به همت گروه پاسخ به سؤالات و شبهات مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) در 21 مرداد 93 برگزار گردیده است.

گوشت او آمیخته است». اما قسمت عمده این بدعت ها عمدتاً به بنی امیه بازگشت می کند خصوصاً به شخص مروان بن حکم.

مروان کسی است که رانده شده رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بود (طرید و ابن طرید رسول الله).

حاکم نیشابوری (متوفای 405 هـ -) از داود بن ابوصالح نقل کند روزی مروان حکم نقل می کند: روزی مروان حکم که دید که شخصی صورت خود را بر قبر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) گذاشته است، با شتاب سوی او آمد و گردن او را گرفته، از جای بلند کرد و گفت می دانی چه می کنی؟! منظور وی این بود که چرا سنگ به زیارت سنگ و کلوخ آمده ای! زائر که ابو ایوب انصاری از صحابه پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بود گفت آری، خوب می دانم که چه می کنم! من هرگز به زیارت سنگ نیامده ام، بلکه به زیارت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) آمده ام. از رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) شنیدم که فرمود: «بر دین خدا گریه نکنید اگر متولیان اهل بودند، و آنگاه که ناهلان بر آن حکم راندند، برایش بگریید». جالب است که این حدیث را حاکم و ذهبی هر دو صحیح می دانند (مستدرک حاکم، ج 4، ص 560)

مرحوم علامه امینی پس از نقل این روایت می فرماید: إنها من بدع الامويين؛ تحريم زیارت قبور از بدعت های امویان است».

امام احمد حنبل نیز در مسند خود از پیامبر اعظم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) نقل می کند: «لا تبکوا علی الدین اذا ولیه اهلہ ولکن ابکوا علی الدین اذا ولیه

غیر اهله بر دین آنگاه گریه کنید که کسانی اهلیت ندارند، متولی آن بشوند». واقعا که بنی امیه مصداق تمام و کمال این حدیث شریف بوده اند.

امیر المومنین (علیه السلام) در قضیه بیعت مروان در نهج البلاغه می فرماید: «أَوْلَمَ يُبَايِعُنِي بَعْدَ قَتْلِ عَثْمَانَ لَا حَاجَةَ لِي فِي بَيْعَتِهِ إِنَّهَا كَفَتْ يَهُودِيَّةً لَوْ بَايَعَنِي بِكَفِّهِ لَعُدَّ بِسَبِّهِ أَمَّا إِنْ لَهُ إِمْرَةٌ كَلَعَقَةَ الْكَلْبِ أَنْفَهُ وَهُوَ أَبُو الْأَكْبُشِ الْأَرْبَعَةَ وَسَدِّ تَلْقَى الْأُمَّةُ مِنْهُ وَمَنْ وَلَدَهُ يَوْمًا أَحْمَرَ»؛ من نیازی به بیعت او ندارم، چرا که دست (پیمان) او دستی است یهودی. آگاه باشید که او به حکومت خواه رسید، ولی کوتاهی و پستی حکومت او مانند آن است که سگی بخواهد بینی خود را زبان بزند».

خلاصه آنکه سابقه و شخصیت آل مروان در تاریخ مشخص است و می توان الگو برداری تفکر و هابیت از او را قابل توجیه دانست؛ خصوصاً به این قسمت از فرمایش حضرت علی (علیه السلام) که او را با یهود مقایسه می کنند دقت کنید و آن را با رابطه صمیمی و هابیت امروز و اسرائیل جنایتکار مقایسه کنید.

شخص دیگری که در تاریخ صدر اسلام، می توان از او به عنوان الگو برای این تفکر نام برد، حجاج بن یوسف ثقفی است. حجاج درباره کسانی که می خواستند قبر پیامبر اعظم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را زیارت کنند، گفت: ای زیان دیده ها و اهل خسارت و خسران، اینان گرد مشتی

چوب و استخوان پوسیده طواف می کنند! چرا گرد کاخ عبدالملک طواف نمی کنند مگر نمی دانند که جانشین شخص، از رسول و فرستاده او بالاتر است. قال حجاج بن يوسف لجمع یريدون زیاره قبر رسول الله من الكوفه: «تبألهم! إنما يطوفون بأعواد و رمه بالیه، هلا طافوا بقصر أمير المؤمنين عبد الملك ألا- يعلمون أن خليفه المرء خیر من رسوله (الكامل فی اللغه و الادب، ج 1، ص 18؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 15، ص 242)

از دیگر خلفای بنی امیه، عبد الملک بن مروان است که به او ام الدرداء هم می گوید: من علاوه بر شراب، خون می خورم. «كان عبد الملك بن مروان كثيرا ما يجلس إلى أم الدرداء في مؤخر المسجد بدمشق وهو خليفة فجلس إليها مرة من المرات فقالت له يا أمير المؤمنين بلغني أنك شربت الطلا بعد العبادة والنسك. قال: إي والله يا أم الدرداء والدماء قد شربتها».

و نیز قضیه یزید که پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) در انکار رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گفت:

لعبت هاشم بالملك*** فلا خبر جاء ولا وحى نزل

جریان های تکفیری امروز هم از پس مانده های همان بنی امیه و بنی مروان هستند. اینها به پیروی از معاویه و دفاع از او افتخار می کنند. معاویه ای که این کلام معروف «اگر دین محمد را دفن

نکنیم خودمان دفن می شویم» از اوست تا جایی که مغیره بن شعبه، با آنکه خودش از خبیث ترین افراد است و حضرت علی (علیه السلام) راجع به او می فرماید هیچ آثار خشوع و تقوا ندارد، نسبت به این کلام او اعتراض می کند.

جریان تکفیری مانند صهیونیسم بلکه بدتر از آنها به خون مسلمانان تشنه هستند. اینها در موصل عراق در یک روز بیش از 1700 نفر از شیعیان را سر بریدند، در حالی که اسرائیل در جنگ 22 روزه حدود 2000 نفر را قتل عام کرد. ما تا حال نشنیده ایم که اسرائیلی ها تعدی ناموسی به مسلمانان کرده باشند؛ این در حالی است که داعشی ها با تکیه بر فتاوی علمای وهابی، به نوامیس شیعه تجاوز می کنند و به قول خودشان با عدالت ناموس مسلمانان را بین خودشان تقسیم می کنند! در طول تاریخ جن گهای پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) موردی سراغ نداریم که به زنان تعدی شده باشد؛ مثلاً زنی را کشته باشند. بله یک مورد داریم که خالد این کار را انجام داد و پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به شدت او را مورد عتاب قرار دادند.

در طول 80 مورد جنگی که پیامبر با کفار انجام دادند یک مورد سراغ نداریم که کودکان مورد بی رحمی قرار گرفته باشند؛ ولی اینها هزاران کودک را کشته اند. فجیع تر آنکه هیچ نهاد رسمی بین المللی

هم صدایش در نمی آید. به قول عبدالله بن زبیر می گوید» «اگر آب باشد اسراف است این جور که اینها خون انسان ها را می ریزند».

ذیل آیه «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا..» در تفسیر مجمع البیان آمده است که یکی از مسلمانان در جنگ به اقرار به شهادتین کافری که در مقابل او بود اعتنا نکرد و او را کشت، چرا که کینه او را از زمان جاهلیت به دل داشت. بعد از آن که واقعه را برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بازگو کرد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با گفتن جمله «لا غفر الله لك» او را از خود راندند. یک هفته بعد این شخص مرد. بعد از غسل و کفن چند بار خواستند او را دفن کنند ولی هر بار زمین او را بالا می انداخت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «کسانی که گناهشان از این زیادتر است را قبر قبول می کند، ولی جنازه این شخص را قبول نمی کند تا به شما بفهماند که خون مسلمان چقدر ارزش دارد».

گویا پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) هم پیدایش گروه منحوس وهابیت را پیش بینی می کرده اند. در کتاب صحیح بخاری به نقل از عبدالله بن عمر آورده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در دعای خود به اهل شام و یمن کردند ولی به اهل نجد که خاستگاه وهابیت است، دعا نکردند. از ایشان تقاضا کردند که دعا کنید ایشان اعتنا نکردند و فرمودند: «در نجد است که فتنه ها پدید خواهد آمد و حزب شیطان از آن خارج خواهد شد».

أخرج البخاری وأحمد والترمذی و غیرهم أن رسول الله صلی الله علیه و سلم قَالَ: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَامِنَا وَفِي يَمَنَّا قَالَ قَالُوا وَفِي نَجْدِنَا
قَالَ قَالَ اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَامِنَا وَفِي يَمَنَّا قَالَ قَالُوا وَفِي نَجْدِنَا
قَالَ قَالَ هُنَاكَ الزَّلَازِلُ وَالْفِتْنُ وَبِهَا يَطْلُعُ قَرْنُ الشَّيْطَانِ...».

این نکته هم قابل توجه است که علمای سنی مذهب هم میانه ای با اینها ندارند؛ مثلاً ابن عابدین که از علمای سنی مذهب و معاصر با محمد بن عبدالوهاب است، در حاشیه اش، وهابیت را از خوارج زمان معرفی می کند.

غزالی از بزرگ ترین علمای اهل تسنن می گوید: آنچه سزاوار است آن است که تا جایی که امکان دارد باید از تکفیر، پرهیز کرد... زیرا اگر فرض کنیم که هزار کافر را اشتباهاً نکشتیم بهتر از آن است که جان یک مسلمان را اشتباهی از او بگیریم.

ابن حزم معتقد است تنها با نفی همان چیزی که شخص در اسلام داخل می شود میتوان حکم به کفر او کرد. (الفصل في الملل والأهواء والنحل، ج 3، ص 392)

حالا سوال ما این است که با چه چیزی شخص به اسلام داخل می شود؟ آیا جز با شهادتین؟ پس اگر کسی شهادتین را می گوید نمی توان او را کشت. اینها شخص را می گیرند و از او درباره نماز

سؤال می کنند. آیا نمی فهمند که وقتی لوله تفنگ را بر شقیقه او می گذارند، اسم خودش را هم فراموش می کند؟!

آخرین مسئله ای که در اینجا اشاره می کنیم بحث جهاد نکاح است.

واقعا گریه آور است. برخی از این فیلم هایی که از زنان در اینترنت منتشر شده، بسیار درد آور است. چه جنایت ها که به اسم اسلام مرتکب نشده اند. کجای اسلام داریم که دست را بر سر زن شوهر دار بگذارید و با یک تکبیر مردهای اجنبی پشت سر هم از او کامجویی کنید؟ و یا بهتر بگویید با او زنا کنند؟ اینها به شیعه ایراد می گرفتند که متعه حرام است و شما فرزندان متعه هستید، حالا خودشان چه پاسخی دارند در قبال این جنایات؟

متأسفانه این گروه توانسته است برخی از زنان و دختران را شستشوی مغزی داده و از آنها سوء استفاده جنسی بکنند. دختری افتخار می کرد که تاکنون با هزار نفر جهاد نکاح داشته است.

جایی که حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: اگر کسی از شنیدن خبر در آوردن خلخال از پای یک زن ذمی که در پناه اسلام بوده بمیرد، جای تعجب ندارد. اگر الآن بود چه می گفت؟ اینها زن قبطی را لخت می کنند و.... آیا پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) این کار را کرده؟

آری، پیامبر در جنگ خیبر یا فتح مکه اجازه متعه را صادر فرمودند، ولی اولاً که متعه نیز شرایطی دارد و ثانیاً اینها متعه را

حرام می دانند با آن که برخی از صحابه و راویان مهم حدیث که خود وهابی ها آنها را قبول دارند حتی بعد از وفات رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) هم متعه می کرده اند. مثل عبدالملک بن جریح که ذهبی در مورد او می گوید: «المُجمع علی ثقتہ». علاوه بر آنکه علاوه بر آنکه در فقه اهل سنت نیز این مسئله اختلافی است و اجماعی در تحریم متعه وجود ندارد.

و نیز اینها می گویند اگر مردی همسرش فوت شد تا شش ساعت می تواند با او همبستر شود. اسمش را هم گذاشته اند نکاح الوداع. آیا حیوان، چنین کاری را انجام می دهد؟ چون دست اینها از روایات اهل بیت (علیهم السلام) کوتاه است و در قرآن هم بسیاری از احکام نیامده است، مجبورند که دست به تحریف معارف و احکام دین بزنند و در این جهت نیز شبیه یهود هستند.

خلاصه آنکه اینها با این بدعت ها چهره اسلام را مشوه کرده اند به گونه ای که رغبت کنندگان به اسلام کمتر شده است. جهان اسلام و عقلای قوم، چه از شیعه و چه از سنی، بایست در مقابل این گروه چاره اندیشی کنند و با آن مقابله بنمایند.

نشست «چالش های، تئوریک استراتژیک و حقوقی در منطقه خاورمیانه»

اشاره

نشست «چالش های، تئوریک استراتژیک و حقوقی در منطقه خاورمیانه»⁽¹⁾

* دکتر مصطفی مصلح زاده⁽²⁾

مقدمه

اشاره

برای شناخت جایگاه تشیع در منطقه، بر اساس سه تقسیم بندی، تئوریک، استراتژیک و حقوقی می توان تحولات اخیر خاورمیانه را مورد بررسی قرار داد و جایگاه شیعیان را در هر یک از تقسیم بندی های فوق ارائه کرد.

ص: 47

1- این نشست علمی در تاریخ 93/3/22 با حضور جمعی از کارشناسان و مدیران مجمع جهانی اهل بیت برگزار گردید.

2- سفیر سابق ایران در اردن و عضو هیئت علمی دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه.

به لحاظ تقسیم بندی تئوریک ما در منطقه با دو گونه اسلام سیاسی و اسلام غیرسیاسی رو به رو هستیم که اسلام سیاسی به سه گروه و اسلام غیرسیاسی به دو گروه تقسیم می شوند.

اسلام سیاسی:

1. اسلام سیاسی از نوع تشیع؛

2. اسلام سیاسی از نوع تحجر (تکفیری ها داعش، النصره، القاعده، سلفی ها و وهابی ها)؛

3. اسلام سیاسی از نوع اخوان (اسلامی ژله ای است که فاصله بین اسلام سلفی و تشیع را پر می کند. این نوع اسلام گرایشی تطورات زیادی داشته است و گاهی به سمت سلفی گرایشی نیز گرایش دارد اما مساوی با آن نیست.

اسلام غیر سیاسی هم دو نوع است:

1. اسلام سکولار؛

2. اسلام صوفی.

بعد از طرح این جریان ها باید دید که الان از بین این سه اسلام سیاسی و آن دو اسلام غیر سیاسی کدام اسلام قدرتش بیشتر است.

تشیع از چه میزان قدرت برخوردار است؛ چقدر قدرت سمت

اخوان است چقدر قدرت سمت اسلام سلفی است و سکولارها و صوفی ها چه اندازه از قدرت را در اختیار دارند و امریکا کدام اسلام را برای تحکیم سلطه خود در منطقه مناسب تر میدانند و بالاخره منطقه به کدام سمت می رود.

ب. دسته بندی استراتژیک

سه گونه استراتژی در منطقه وجود دارد:

1. استراتژی بلوک انقلابی و مقاومت رهبری ایران؛
 2. استراتژی بلوک محافظه کار و سازش به رهبری سعودی ها؛
 3. استراتژی ژله ای اخوان که گاهی انقلابی و گاهی سازشکارانه عمل کردند.
- از جنگ جهانی دوم به بعد دو استراتژی مقاومت و محافظه کاری با یکدیگر چالش داشته اند؛ یعنی از زمانی که رهبری بلوک انقلابی به دست جمال عبدالناصر بود، رهبری بلوک سازش با سعودی ها بود.
- بعد که عبدالناصر رفت و رهبری بلوک انقلابی در اختیار جبهه پایداری که نگاه قومی سوسیالیستی داشتند قرار گرفت، باز رهبری بلوک محافظه کار در دست سعودی ها بود بعد از انقلاب اسلامی، ایران رهبر بلوک انقلابی شد، باز هم سعودی ها رهبر بلوک سازش بودند.
- رهبر بلوک انقلابی چند بار عوض شده است ولی رهبر

بلوک مقابل از دهه پنجاه میلادی تا کنون در اختیار سعودی ها است. این نشان می دهد که نقش سعودی ها چقدر حساس است.

عبدالناصر می گفت که من همیشه با یک چشمم به تل آویو نگاه می کنم و با چشم دیگر به ریاض؛ یعنی نقش ریاض در حد تل آویو حساس بود.

یکی از دلایلی که اخوانی ها شکست خوردند این بود که نتوانستند یک استراتژی ثابت برای خودشان داشته باشند.

ج. دسته بندی ساختارهای حقوقی در منطقه

به لحاظ ساختار حقوقی سه ساختار حقوقی در منطقه وجود دارد:

1. ساختار دیکتاتوری که در خیلی از کشورهای عربی وجود دارد و مهم ترین آنها سعودی ها هستند. می بینید اگر از دیکتاتوری بگوییم رأسش سعودی است اگر از سازش بگوییم رأسش سعودی است و اگر صحبت از سلفی گری می کنیم باز نقش اصلی با سعودی است.
 2. ساختار دموکراتیک که در رأس آن ایران است؛ یعنی ایران سمبل تشیع و سمبل دموکراسی و سمبل مقاومت و انقلابی گری است.
- این که دیکتاتورهای تونس و یمن پس از قیام مردم خود از کشور فرار کردند و به سعودی رفتند، نشان می دهد این جا مأمّن دیکتاتورها است و سعودی ها هم استقبال می کردند؛ بنابراین جالب

است بدانید که چطور تشیع سمبل دموکراسی می شود و وهابیت (که خود را سمبل اهل سنت می داند) سمبل دیکتاتوری. در صورتی که اهل سنت به گونه ای تصویر سازی می کنند که در تاریخ بعد از پیامبر، اهل سنت مسیر دموکراسی را پی گرفتند و تشیع مسیر انتصاب را؛ یعنی تشیع یک مذهب غیر دموکراتیک است. در صورتی که امروزه در منطقه، شیعه الگوی مردم سالاری است؛ مثلاً در عراق، حکومت شیعه با دموکراسی روی کار آمد، در ایران همین طور. در سوریه هم دیدید که انتخابات برگزار شد. در لبنان هم حزب الله همیشه گفته است که هر کسی در انتخابات پیروز شود، ما دولتش را قبول داریم. ما اصلاً با دولتی که از صندوق رأی بیرون بیاید مخالفتی نداریم. هر کسی باشد قبول است. حزب الله هم هیچ برخورد خشن کودتایی با حکومت ها نمی کند. این صورت بندی نشان می دهد جایگاه تشیع کجاست.

3. ساختار سوم نیمه دموکراسی - نیمه دیکتاتوری است؛ مثلاً ساختار مصر پس از انقلاب، نه دموکراسی است، نه دیکتاتوری؛ در واقع، نیمه دموکراسی - نیمه دیکتاتوری است.

وضعیت القاعده در منطقه

اسم القاعده از آنجا ناشی شد که وقتی نیروهای مبارزه با کمونیسم وارد افغانستان شدند آن جا پایگاه هایی در اختیار گرفتند. پایگاه به

عربی می شود «قاعده». افراد القاعده یعنی افراد پایگاه ها. بعداً این اسم روی آنها ماند. رهبران نسل اول القاعده اسامه بن لادن و ایمن ظواهری بودند. عبدالله عزام استاد بن لادن و استاد ایمن ظواهری بود.

عبدالله عزام یکی از شخصیت های مهم و از مبارزین فلسطینی و خیلی هم ضد اسرائیلی بود. تحصیلاتش را در الازهر تمام کرد و در اردن تدریس می کرد. بعد از اردن اخراجش کردند و به عربستان رفت. آن جا در دانشگاه عربستان تدریس می کرد. بعد به افغانستان آمد و تئوریسین القاعده شد بعدها از بن لادن کمی فاصله گرفت و به پاکستان رفت و در آنجا کشته شد. معلوم هم نیست خود القاعده ای ها او را کشتند یا نیروی اطلاعات پاکستان.

مثلث القاعده در منطقه

القاعده در منطقه مثلثی را با هدف به دست گرفتن قدرت تشکیل داد: گروه داعش در عراق به رهبری ابوبکر البغدادی، جبهه النصره در سوریه به رهبری الجولانی، و گروه عبدالله عزام به رهبری ماجد الماجد این افراد همه نسل دوم القاعده هستند.

این مثلث بسیار قوی برای این هدف طراحی شده بود و توانایی آن داشت. در سال 2011 و 2012 اگر آن گونه که طراحی شده بود پیش رفته بودند این مثلث منطقه را گرفته بود. نیروهای بسیار قوی داشتند. اما وقتی ماجد الماجد و ابوبکر البغدادی و الجولانی

در سوریه کار را شروع کردند دچار مشکلاتی شدند که اگر آن مشکلات به وجود نیامده بود آنان به کمک پول و سلاح دیگران قدرت به دست گرفتن منطقه را داشتند. در سوریه ارتش سوریه را به نوعی زمین گیر کردند. مشکل از آن جا آغاز شد که بغدادی تصمیم گرفت رهبری را از جولانی بگیرد و عراق و شام را تحت سیطره خود در بیاورد. اختلافاتی بین الجولانی و البغدادی به وجود آمد و درگیری شان آغاز شد. ایمن ظواهری وارد شد و به البغدادی دستور داد که برگردد عراق و سوریه را بسپارد به الجولانی، ولی البغدادی این مسأله را نپذیرفت. الماجد از لبنان برای حل مشکل وارد سوریه شد. ماجد الماجد کسی بود که سفارت ایران در لبنان را منفجر کرد. به سوریه آمد تا دعوای البغدادی و الجولانی را حل بکند. شاید در اصل می خواست رهبری را از این دو نفر بگیرد.

چون در سوریه هر کسی رهبری را به عهده می گرفت رهبری را هم به عهده داشت؛ ولی موفق نشد و در آن مدت مریضی اش هم عود کرد و سوریه را ترک کرد و به لبنان آمد. در آن جا نیروهای اطلاعاتی آمریکا او را پیدا کردند. نیروهای اطلاعاتی آمریکا به نیروهای اطلاعاتی لبنان خبر دادند که الماجد در بیمارستان در حال دیالیز است. او وقتی از بیمارستان بیرون آمد در راه نیروهای اطلاعاتی وی را دستگیر کردند و یک بازجویی توسط آمریکاییها

صورت گرفت و تمام اطلاعات او را تخلیه کردند، بعد چند ساعتی هم با نماینده سعودی صحبت کرد سپس او را به قتل رساندند و اعلام کردند که به علت بیماری مرد. با کشته شدن الماجد که شخصیت بزرگی برای القاعده محسوب می شد، یک رأس مثلث از بین رفت و هنوز هم نتوانستند شخصیتی مانند او را جایگزین کنند. پس از این ماجرا عربستان چند میلیارد دلار به لبنان کمک کرد.

دو رأس دیگر مثلث یعنی الجولانی والبغدادی از همان زمان درگیری شان در سوریه بخصوص در شمال و شرق و مهم تر از همه در استان رقه ادامه پیدا کرد و هیچ کس حتی ایمن ظواهری هم نتوانست اختلاف آنان را حل کند.

در دوازده استان سوریه انتخابات برگزار شد ولی در استان رقه که جنگ میان داعش و النصره بود انتخابات برگزار نشد. مرز سمت ترکیه به طور کامل و بخشی از مناطق نزدیک عراق مثل دیر الزور، رقه، حسکه، قامشلی تا حلب دست ارتش سوریه نیست.

نقطه اوج قدرت مثلث ذکر شده به سال 2012 برمی گردد. که ارتش سوریه در مقابل این گروه ها زمین گیر شد.

القاعده به سمت عراق

ابتدا داعش فلوجه را گرفت. مرحله دوم به سامرا آمدند تا ارتش عراق را فریب بدهند سپس وارد سه استان سنی نشین الانبار، نینوا و

صلاح الدین شدند. وقتی سراغ موصل آمدند با هماهنگی با بعضی ها و فرماندهان ارتش در شهر هیچ مقاومتی صورت نگرفت. بیش از ده برابر آنان نیرو وجود داشت ولی از آن جایی که به سربازها دستور داده شده بود که سلاح ها را زمین گذاشته و تسلیم شوید، هیچ مقاومتی صورت نگرفته و داعش توانست به راحتی این شهر را بگیرد. اینها وارد شهر شدند و ارتش سلاحش را گذاشت زمین و تسلیم شد به خاطر این که دو فرمانده ارتش در این منطقه از فرماندهان دوره صدام بودند اکنون در حال بررسی هستند که این افسرانی که دستور تسلیم دادند و کسانی که تسلیم شدند را چگونه محاکمه کنند

استاندار نجفی (برادر رئیس مجلس) نیز طی نامه ای از تمام نهادهای اداری خواست ادارات را تحویل داعش دهند (البته اسناد را از بین بردند).

البته باید در نظر گرفته شود که قدرت داعش هم از افسران بعضی و نیز نیروهای زبده القاعده که در سوریه جنگیدند و رزم دیده و تجربه دیده هستند و هم القاعده عراق، ناشی می شود.

این یکی از گونه های اسلام سیاسی است که تاریخچه آن نیاز به بحث مفصل دیگر دارد. گونه های دیگر اسلام سیاسی هم یکی اخوان المسلمین بود که بیان شد و دیگر اسلام سیاسی تشیع است.

بیداری اسلامی؛ حذف فلسطین از اولویت اول و ارائه اولویت های جایگزین

پس از جنگ جهانی دوم تا بحال اولویت اول منطقه مسأله ی فلسطین بود؛ یعنی همه درگیری های منطقه سر این بود که فلسطین آزاد بشود یا نه و اگر آزاد شود چگونه. در واقع بلوک انقلابی و محافظه کار سر موضوع فلسطین شکل گرفت. چهار جنگ در منطقه سر موضوع فلسطین شکل گرفته است. بنابراین اولویت اول در منطقه فلسطین بود.

از زمان بیداری اسلامی دیگر مسأله ی فلسطین اولویت اول در منطقه نیست و دموکراسی خواهی اسلامی جای آن را گرفت. یعنی در تظاهرات در کشورها دنبال یک دموکراسی اسلامی بودند. اخوان المسلمین توانست با سوار شدن بر موج دموکراسی اسلامی حکومت کشورها را بگیرد. هلال اخوان بر اساس همین استراتژی شکل گرفت. مصر و تونس و نیمی از لیبی را در اختیار گرفت، غزه و ترکیه هم از قبل در اختیارش بود فقط سوریه و اردن باقی ماندند که اگر این دو کشور را هم می گرفتند هلال کامل می شد.

اردن و مراکش توانستند بیداری اسلامی را مدیریت کنند. در مراکش یک اخوانی را به عنوان نخست وزیر سرکار آوردند ولی سیستم، پادشاه و قانون اساسی باقی ماند. در اردن هیچ وقت تظاهرات به

درگیری بین پلیس و تظاهر کنندگان منجر نشد و سیستم با اصلاحاتی که خودش انجام داد بدون خونریزی حفظ شد در حالی که در کشورهای دیگر مانند مصر، تونس و ... هزاران نفر کشته شدند و اصلاحات خونین صورت گرفت.

لذا در مرحله سوم امنیت به اولویت اول تبدیل شده است؛ به همین دلیل در مصر به جای مرسی، السیسی سر کار می آید.

مرسی محصول دموکراسی اسلامی بود؛ ولی السیسی محصول امنیت خواهی است. مخالفین می گویند در طول سه سال و نیم که به دنبال دموکراسی اسلامی رفتیم همه اش نا امنی شد. در یمن، بحرین، مصر، تونس، لیبی و... همه جا ناامنی ایجاد شد؛ به همین دلیل باید امنیت اولویت اول شود. هر کسی که شعار امنیت می دهد بر سر کار آید.

داعش می داند هر چه قدر هم قدرت داشته باشد عراق را نمی تواند بگیرد همان طوری که سوریه را هم نتوانست بگیرد. ولی هدفش این است که زمینه فراهم کند که یک نیروی سومی مانند آن که در مصر

آمد سر کار، بیاید و امنیت را در عراق و سوریه و لبنان برقرار کند و بلوک مقاومت تضعیف شود.

آنها به عنوان مبارزه با شیعیان در لبنان، در سوریه و در عراق وارد شدند و در نظر داشتند بعدها این موضوع به ایران هم بکشد.

البته کشته شدن الماجد لبنان را نجات داد، ولی در سوریه و عراق درگیری ها ادامه دارد.

در سوریه از کشورهای مختلف اروپا، آسیا و آفریقا نیرو، پول و سلاح وارد کردند. (مثل جنگ عراق و ایران که در واقع جنگ ایران با بیست و هشت کشور دیگر بود در سوریه تکرار شد)؛ حتی در پایتخت سوریه به مناطق مختلف حمله می کردند، کشتند، اسیر و خلع سلاح می کردند؛ به طوری که آینده دولت سوریه مشخص نبود.

البته شکی نیست که عوامل متافیزیکی (امدادهای غیبی) و ایران و روسیه در شکست این پروژه نقش داشتند زیرا کسانی که طراح بودند فکر نمی کردند که ارتش سوریه بتواند دوام بیاورد، (چه برسد به این که به شرایط قدرتمندانه کنونی برسد).

تفاوت اخوان ترکیه با اخوان مصر

اگر اخوان ترکیه می خواست مانند اخوان مصر بشود آن هم سقوط می کرد. آن چه در ترکیه وجود دارد؛ اسلام سکولار است به همین دلیل هم که تاکنون زیر چتر ناتو باقی مانده است. در دسته بندی هایی که شد اسلام گرایی در ترکیه به لحاظ تشکیلاتی اخوانی است، ولی به لحاظ تئوری اسلام سکولار است. بنابراین اخوان ترکیه با اخوان مصر یکی نیستند. و آنها در یک طبقه بندی قرار نمی گیرند.

این مسئله که در ایران حکومت شیعی با وجود مشکلات و اصطکاک های درونی و هم چنین فشارهای بین المللی که در هیچ جای دنیا مشابه آن وجود ندارد، توانسته است دوام بیاورد، بدون در نظر گرفتن نیروهای متافیزیکی و امدادهای غیبی قابل تحلیل نیست.

ویژگی های اسلام شیعی و چالش آمریکایی ها با آن

در طبقه بندی پنج گانه ای که از اسلام گرایی صورت گرفت اسلام شیعی دارای ویژگی هایی است که همین ویژگی ها برای آمریکایی ها مسئله ساز شده اند. ویژگی اول آن این است که نظریه شیعه دارای معرفت شناسی، هستی شناسی، جهان شناسی، انسان شناسی، جامعه شناسی، فلسفه تاریخ، نظام اقتصادی، نظام ارزشی و سیاست بین الملل مخصوص به خود است. یعنی نظریه شیعه دارای این عناصر نه گانه است، ولی در چهارگونه اسلام گرایی دیگر این عناصر وجود ندارند. به دلیل این ویژگی سعی می کنند شیعه را به چالش بکشند.

ویژگی دوم، رهبران شیعه هستند هیچ کدام از گونه های دیگر اسلام رهبرانی مانند رهبران شیعه ندارند. ویژگی سوم، استراتژیک است؛ این ویژگی مهم وجود دو مؤلفه انتظار و قیام در تفکر شیعی است (برخی تصور می کنند این دو مؤلفه با هم تعارض دارند. یعنی می گویند باید منتظر باشیم و قیام نکنیم)؛ اما شیعه مجموعه این دو

تا است. یعنی انتظار همراه با قیام. این ویژگی را هیچ کدام از این چهار گرایش دیگر ندارند. نیمه شعبان سمبل انتظار است و عاشورا سمبل قیام، این ویژگی استراتژیک شیعه است. در سراسر دنیا شیعیان با این استراتژی مشخص می شوند. انتظار یعنی این که ما سیستم بین المللی موجود را نمی پذیریم و منتظر یک تغییر اساسی و زیربنایی در سیستم بین المللی هستیم و لزوم یک انقلاب مردمی که این سیستم را به هم بریزد؛ این استراتژی غیر قابل تغییر شیعه است. این ویژگی در استراتژی های دیگر وجود ندارد.

ویژگی چهارم کارآمدی است به مفهوم این که ایدئولوژی بتواند خودش را با زمان و مکان تطبیق بدهد، این از مختصات حکومت شیعی است. با توجه به آن عناصر نه گانه ای که در تفکر شیعی وجود دارد بدون شک حکومت شیعی کارآمدی خواهد داشت ضمن این که دارای رهبری منحصر به فرد و استراتژی بی بدیل است و طی هزار و چهارصد سال توانست در هر شرایطی خودش را تطبیق بدهد و حفظ کند. بدون شک مؤلفه ی امداد امام زمان و قدرت متافیزیکی هم در کنارش بوده است. در هر کشوری از منطقه بنگرید بیشترین فشار روی شیعیان است. در الجزایر، لیبی، تونس و مصر بیشترین فشار روی شیعه است. مصری که از قرن

دهم، یازدهم و نیمی از قرن دوازدهم میلادی فاطمی ها آن جا حکومت داشتند، ولی امروزه شیعیان زیر فشار هستند.

دو قطبی های متضاد آمریکا

در سیاست خارجی و استراتژی های آمریکا دو قطبی های متضادی وجود دارد که به راحتی این تضادها را مدیریت می کند. یکی از این استراتژی ها برنامه پنجاه ساله 2000 تا 2050 است که مرحله اول آن که تا سال 2030 است در حال اجراست طبق این مرحله که شانزده سال از آن باقی مانده است فرآیندی در حال شکل گیری است که در کشورهای منطقه ناامنی و جنگ داخلی صورت بگیرد.

جنگ و ناامنی موجب خواهد شد تا دولت ها ضعیف شوند تا آمریکا با کمترین هزینه وارد منطقه شود و به بهانه برقراری امنیت قدرت را در منطقه به دست بگیرد و نقشه خاورمیانه بزرگ را اجرا کند.

یکی از دو قطبی های متضادی که در برنامه سی ساله و پنجاه ساله سیاست خارجی آمریکا وجود دارد و سعی می کند آن را حل کند، دو قطبی امنیت و انرژی است. از آنجایی که خاورمیانه مهم ترین منبع انرژی جهان است و غربی ها به این انرژی هم نیاز دارند، بایستی امنیت در آن برقرار شود. تراست های آمریکایی در منطقه امنیت می خواهند باید امنیت باشد تا انرژی به راحتی به اروپا و

آمریکا منتقل شود؛ از طرف دیگر امنیت بایستی برای ورود کالاهای غربی ها که در ازای پول نفت به منطقه وارد می شوند، فراهم شود. این یک طرف قضیه است طرف دیگر آن وجود ناامنی در منطقه است؛ زیرا تراست های نظامی آمریکا و شرکت های اسلحه سازی نیاز به بازار دارند و این بازار در صورتی وجود خواهد داشت که، جنگ و ناامنی در منطقه وجود داشته باشد. خاورمیانه از یک طرف مهم ترین منبع انرژی دنیاست و از طرف دیگر مهمترین خریدار اسلحه در دنیا هم هست.

آمریکا سعی کرده در این برنامه 2000 تا 2030 این دو قطبی متضاد را حل کند به این شکل که در منطقه ناامنی ای ایجاد بشود تا سلاح ها به فروش برسند ولی مسیر صادرات انرژی و واردات کالا هم مخدوش نشود. حل این تضاد نیاز به سیاست گذاری دارد که آمریکایی ها در حال اجرای آن هستند. یعنی با وجود ناامنی منطقه برای صادرات نفت هیچ اتفاقی نمی افتد. اگر این مدیریت نبود بهای نفت تا پانصد دلار رفته بود. در عراق که دومین صادر کننده نفت در جهان است و پنج میلیون بشکه نفت صادر می کند، این همه ناامنی ایجاد می شود ولی قیمت نفت حتی یک دلار هم بالا نمی رود. این نشان می دهد که آمریکا دارد آن را مدیریت

می کند. وجه دیگر این مدیریت این است که چه نوع اسلامی مطرح شود.

چالش استراتژیک ایران و آمریکا

ایران و آمریکا هیچ توافق استراتژیکی با هم ندارند؛ زیرا بر خلاف اسلام اخوانی و سلفی، اسلام شیعی تنها اسلامی است که با آمریکا چالش استراتژیک دارد؛ البته اقداماتی که آمریکایی ها در عراق و افغانستان انجام دادند، موجب شد منافع مشترکی برای همدیگر داشته باشیم. مثلاً در عراق تمام کشورهای منطقه از جمله ترکیه، قطر، مصر، کویت و سعودی دنبال این بودند که حکومت شیعی نتواند برقرار شود؛؛ ولی ایران و آمریکا توافق داشتند. این توافق یک توافق استراتژیک نبود؛ بلکه صرفاً یک توافق تاکتیکی بوده است. در افغانستان نیز سقوط طالبان هم به نفع ما شد و هم به نفع آمریکایی ها. این منافع مشترک هیچ گاه به معنای توافق استراتژیک ایران و آمریکا نیست: زیرا علی رغم این توافقات، آمریکا با اعمال تحریم ها ایران را تحت شدیدترین فشار قرار داده است و همواره سیاست دوگانه ای در منطقه داشته است. همان گونه که امروز در منطقه همین سیاست را دارد از یک طرف از مالکی حمایت می کند و از طرف دیگر از داعش. در واقع این یکی دیگر از دو قطبی های

متضاد آمریکایی هاست. این سیاست آمریکا موجب سرگردانی تحلیلگران هم شده است.

در مورد این سیاست های دوگانه آمریکا دو تحلیل وجود دارد : تحلیل اول این است که آیا این بازی های دوگانه آمریکا بر اساس برنامه سی ساله است که ذکر شد؛ این تحلیل ناشی از این است که آمریکا با قدرت و هدفمند عمل می کند. تحلیل دیگر این است که ، این اقدامات دوگانه آمریکا ناشی از ضعف است . هر کدام از این تحلیل ها دارای مستندات هستند.

این دو تحلیل کاملاً متضاد در مورد سیاست دوگانه آمریکا وجود دارد که یکی آن را ناشی از قدرت و برنامه ریزی می داند و دیگری آن را ناشی از ضعف و افول قدرت آمریکا می داند. (با استفاده از نظریه آخرالزمانی و نظریه های اقتصادی و نظریه های سیاسی).

گرایش به شیعه در منطقه

گرایش به اهل بیت (علیهم السلام) متفاوت از گرایش به شیعه است. گرایش به اهل بیت (علیهم السلام) یک گرایش عاطفی و گرایش به شیعه یک گرایش ایدئولوژیک است. این گرایش، عاطفی، نه فقط در مصر بلکه در اردن هم بسیار شدید است. در مصر فاطمی ها دویست و پنجاه سال حکومت کردند بنابراین مصری ها گرایش زیادی به اهل بیت دارند.

در اردن نیز گرایش جدی به اهل بیت هم میان مردم و هم مسئولین

وجود دارد. حتی دانشگاه اهل بیت در اردن وجود دارد که حکومت آن را تشکیل داده است. در اردن هیچ فتوای ضد شیعی از مفتی اردن صادر نمی شود. و کرسی شیعه در کنار چهار تا کرسی دیگر تدریس می شود.

در صحبت های مسئولین اردنی عبارت «صلوات الله علیه و آله وصحبه» به کار می رود و به اهل بیت درود می فرستند و نام حسن و حسین در آن جا فراوان وجود دارد. در صدا و سیمای اردن در مورد اهل بیت برنامه پخش می شود فیلم و سریال ساخته می شود؛ اینها همه نشانه گرایش عاطفی به اهل بیت (علیهم السلام) است. این گرایش عاطفی با گرایش ایدئولوژیک و گرایش سیاسی متفاوت است.

گرایش عاطفی در بیشتر کشورهای عربی وجود دارد ولی اجازه گسترش گرایشات ایدئولوژیک و سیاسی به شیعیان داده نمی شود.

دو انتشاراتی شیعه در مصر وجود داشت که بستند. البته بعد از این اصلاحاتی که در تونس رخ داد چند تا از NGOهای شیعی ایجاد شد ولی در الجزایر و مراکش اجازه ندادند.

جمع بندی

در تمام کشورهای عربی ، چه آنهایی که توانستند بیداری اسلامی را کنترل کنند، مانند اردن و مراکش و چه آنهایی که نتوانستند کنترل کنند یک نقطه مشترک وجود دارد و آن این است که شیعه باید زیر

فشار بماند. در اردن بیشترین فشار روی شیعیان است. شیعیان در این کشور نه مسجد دارند، نه حسینیه و نه حزب. در مصر هم همین داستان است. به جز تونس که به چند NGO مجوز داده شده است. مقابله با شیعیان نقطه اشتراک کشورهای منطقه است. در مصر فیلم ضد شیعه ساخته می شود، کتاب ضد شیعه نوشته می شود؛ ولی اجازه نشر یک کتاب برای پاسخ را نمی دهند.

ص: 66

اشاره

* مختار شیخ حسینی (1)

مقدمه

اشاره

حمله سال 2003 آمریکا علیه عراق این کشور را وارد مرحله جدیدی کرد که ساختارهای متصلب شکل گرفته بوسیله حزب بعث با تمام معضلات آن فرو پاشید و عراق جدید با مشکلات فراوان داخلی و نفوذ خارجی مواجه شد. روند دولت سازی در این کشور پس از 2003 تحت تاثیر دو عامل مهم داخلی و خارجی این کشور را با بحران جدی مواجه کرده است. زمینه های رشد جریان تکفیری در این کشور را می توان در سه سطح بررسی کرد. در یک سطح زمینه های ذهنی (اندیشه ای)، در سطح دوم شرایط جامعه شناختی عراق، و در سطح سوم نفوذ قدرت های منطقه ای و

ص: 69

بین‌المللی در رشد تروریسم در عراق تاثیر گذارند که در این بخش در قالب سه مقاله به آنها پرداخته خواهد شد.

الف) زمینه‌های اندیشه‌ای رشد داعش

به لحاظ اندیشه، اسلام‌گرایان سلفی در دوره معاصر طیفی از جریان‌های مختلف مانند سلفیه اصلاحی (اخوان)، سلفیه تقلیدی (وهابیت عربستان)، سلفیه جهادی (القاعده و داعش)، سلفیه سروری (ترکیبی از سلفیه وهابی و اندیشه سید قطب)، سلفیه جامی (توسط شیخ محمد امان الله جامی شکل گرفت که اطاعت از سلطان حاکم را واجب می‌داند) و سلفیه مدخلی (که توسط شیخ ربیع بن هادی المدخلی شکل گرفت و نزدیک به جریان جامی است) را در بر می‌گیرند که گروه داعش در عراق به لحاظ جریانی، زیر مجموعه سلفیه جهادی قرار می‌گیرد که به لحاظ اندیشه‌ای بیشترین تاثیر را از اندیشمندانی مانند: سید قطب، عبدالسلام فرج و در دوره معاصر از عبدالله عزام پذیرفته است. اگر سید قطب و عبدالسلام فرج را نسل اول این جریان در نظر گیریم که وظیفه تولید این اندیشه را عهده دار بودند، نسل دوم سلفیه جهادی افرادی مانند عبدالله عزام، بن لادن و ایمن الظواهری اند که توزیع‌کننده و عملیاتی‌کردن آن را عهده دار شدند و در حال حاضر به لحاظ نیز

ص: 70

افرادی مانند ابو محمد مقدسی، ابوبصیر طرطوسی، هانی السباعی، ابوقتاده فلسطینی مفسران این اندیشه محسوب می شوند.

تحت تاثیر اندیشه اندیشه سلفیه جهادی گروههای مختلف جهادی در مصر شکل گرفت اما بدون شک سازمان تروریستی القاعده مهمترین نتیجه عملکرد این اندیشه در دوره معاصر بوده است. این اندیشه قائل به عدو بعید (تمدن مادی غربی) و عدو قریب (دولت ها و گروههایی که در کشورهای اسلامی بر اساس تفسیر این گروه عمل نمی کنند) است و هر دو عدو در این اندیشه مورد تهاجم قرار می گیرد اما چون امکان مبارزه با عدو بعید فعلا فراهم نیست آنها به عدو قریب می پردازند و حملات آنها متوجه مسلمانان است.

در این اندیشه مهم ترین شاخصی که می تواند عزت اسلام را دوباره بازگرداند، جهاد است بر همین اساس ایمن الظواهری (رهبر فعلی القاعده) جهاد را یگانه راه برای از بین بردن حکومت های نامشروع و احیای حکومت اسلامی می داند، (الزیات ایمن الظواهری کما عرفته، ص 78 و 81). و مخالفین و کسانیکه جهاد نمی کنند را مرجئه جدید می خوانند که جهاد را ترک کرده اند (شقیق، 2014: 20) تئورسین های این جریان با تصرف در مفهوم جهاد، آن را توسعه مفهومی داده و برداشتی تهاجمی از آن ارائه کرده اند که

ص: 71

مقابل آن، شیعیان غیر مسلمانان و اهل سنتی است که تفسیر این جریان از اسلام را نمی پذیرد؛ قرار می گیرد الگوی آرمانی سلفیه بازگشت به فهم سلف از دین، بر اساس حدیث خیر القرون است که سلفی ها تکفیری بر اساس آن سه قرن اول را دوره آرمانی تلقی کرده و تمام تلاش آنها احیای این نوع از حکومت است.

مکانیسم احیای خلافت در این اندیشه بر اساس جهاد و هجرت ساماندهی شده است این اندیشه را عبدالسلام فرج با تالیف الفریضه الغائبه به صورت عملی بیان کرد و برای مبارزه با جاهلیت مدرن مکانیزم هجرت و جهاد را پیشنهاد داد. کنش سیاسی این جریان بر اساس قدر مقدور است به این معنا که هر چند آرمان آنها تاسیس خلافت اسلامی است و این خلافت از به هم پیوستن چند امارت تشکیل می شود. اما در صورتی که زمینه شکل گیری خلافت فراهم نباشد؛ سعی می کنند تا با تشکیل جبهه های مختلف در جهان اسلام (مانند جبهه النصره) به تشکیل امارت های متعدد اقدام کرده و با گسترش قلمرو، از به هم پیوستن امارت ها، خلافت اسلامی را شکل دهند. مبنای اختلاف فعلی القاعده و داعش نیز بر اساس همین الگو قابل تبیین است. چون تا قبل از اعلام خلافت البغدادی، عراق به صورت یک امارت تعریف شده بود و در مکاتبات رسمی، عمر البغدادی، رئیس قبلی داعش به عنوان امیر

مورد خطاب قرار می گرفت. جبهه النصره نیز در سوریه چون ظرفیت تاسیس امارت را نداشت؛ به عنوان یک جبهه معرفی شده است. اما زمانی که ابوبکر البغدادی سعی در ادغام جبهه النصره و دولت اسلامی عراق داشت این موضوع مورد پذیرش القاعده به عنوان سازمان دهنده حرکت های تکفیری قرار نگرفت. بنابراین به لحاظ اندیشه ای داعش ادامه سلفیه جهادی است که وامدار اندیشه سید قطب، عبدالسلام فرج و در دوره معاصر عبدالله عزام است و به لحاظ سازمانی نیز شعبه القاعده در عراق محسوب می شود که با اعلام خلافت البغدادی در سال 2014 این ارتباط سازمانی بین این دو گروه از میان رفت.

زمینه های اندیشه این این جریان در مقاله «زمینه های اندیشه ای جریان سلفی تکفیری» به تفصیل بیان خواهد شد.

(ب) زمینه های جامعه شناختی رشد داعش

زمینه های جامعه شناختی اشاره به شرایط داخلی عراق دارد که فرصت برای اقدام عملی این اندیشه را فراهم کرده است. هر چند تبارشناسی این اندیشه را می توان به اعتبار نظریه پردازان آن چند قبل قرن برگرداند اما شرایط جامعه شناختی اشاره به فضایی دارد که شرایط برای بروز و ظهور امروزی این اندیشه را فراهم کرده است. بحران هویت یکی از مهمترین عوامل رشد این جریان

تکفیری در عراق است وجود این بحران موجب شکل نگرفتن یک هویت واحد و مشترک بین همه عراقی ها شده است و تعلقات ملی جایگاه برجسته ای ندارد و بیشتر هویت مردم بر اساس علایق محلی و قومیتی تعریف می شود. در چنین فضایی اولین قربانی در تعارضات، منافع ملی عراق است. برخی دیگر از مهم ترین زمینه های جامعه شناختی رشد تروریسم در عراق، طائفه گرایی، ارتش ضعیف، بازگشت عشایر به صحنه، عدم شکل گیری اجماع در سطح ملی، فساد سیستم اداری، حضور شرکت های امنیتی خصوصی در عراق، در دسترس بودن، تسلیحات تبعیض و... زمینه های اجتماعی است که فضا را برای رشد جریان تکفیری داعش فراهم کرده است

زمینه های جامعه شناختی رشد جریان های تکفیری در مقاله «زمینه های جامعه شناختی رشد تروریسم» به تفصیل مورد بحث قرار خواهد گرفت.

ج) نقش قدرت های بین المللی و منطقه ای در رشد داعش

یکی از عوامل رشد و گسترش جریان های تکفیری نقش قدرت های منطقه ای و بین المللی بوده است. مهم ترین هدف قدرت های بزرگ در رابطه با جریان تکفیری استفاده از ظرفیت آنها برای نفوذ در جهان اسلام و رسیدن به منافع ملی و فراملی خودشان بوده

است. در واقع جریان های تکفیری تا زمانی که در راستای سیاست های قدرت های بزرگ عمل کرده اند مورد حمایت مستقیم و غیر مستقیم این قدرت ها بوده اند اما در صورتی منافع قدرت های بزرگ از سوی این گروه ها مورد تهدید قرار گرفته است؛ به شدت سرکوب شده اند.

بنابراین هر چند زمینه های اندیشه ای در گسترش جریان تکفیری نقش مهمی داشته است و بدون توجه به این زمینه های درونی جهان اسلام نمی توان تحلیل جامعی از این جریان ها ارائه دارد اما رشد قارچ گونه این گونه جریان ها در مقاطع زمانی مختلف نشان دهنده تاثیر گذاری یک متغیر جدید «نقش قدرت های بزرگ» در گسترش این جریان بوده است از دیدگاه آیت الله آصفی از علمای نجف نیز: فقط نگاه سطحی به این مسئله نقش استکبار جهانی را نادیده می گیرد در حالی که تجربه استعمارگرانی مانند فرانسه، پرتغال، ایتالیا و دیگر کشورهای استعمارگر نشان دهنده استفاده از فتنه مذهبی در داخل ملت ها برای رسیدن به اهداف استعمار دارد.

جنگ های مذهبی به دلیل اینکه زود شعله ور می شود در سیاست استکبار جهانی نقش زیادی دارد این تجربه استعمارگران قرون گذشته امروز در اختیار آمریکا قرار گرفته است،⁽¹⁾ «و امروز آمریکا

ص: 75

1- آصفی، محمد مهدی، الامه الواحده و الموقف من الفتنه الطائفیه، ص 22.

در خشونت های مذهبی و شعله ور کردن آتش آن نقش اساسی دارد در عراق امروزه این مسئله اثبات شده است که آمریکا در زمینه های این مسئله نقش اصلی را دارد و آمریکا سعی می کند تا با ایجاد دیوار بلند اعتمادی بین اهل سنت و شیعه عراق آنها را وارد این جنگ مذهبی کند و بهترین فرصت برای نفوذ و سلطه آمریکا زمانی است که مسلمانان وارد این بازی طراحی شده استکبار جهانی شوند و هیچ ابزاری مانند جنگ های مذهبی فرصتی برای سیطره آمریکا بر جهان اسلام فراهم نمی کند»⁽¹⁾

تحلیل شکل گیری و توسعه جریان های تکفیری نشان می دهد، منافی که این جریانات تکفیری برای قدرت های بزرگ ایجاد کرده اند، این گروه ها را به عنوان یک ابزار در سیاست خارجی قدرت های بین المللی تبدیل کرده است پس از شکل گیری اولیه جریان وهابیت در منطقه نجد و پیوند آن با قدرت سیاسی ابن سعود، بریتانیا از این جریان در مقابل نفوذ عثمانی در شبه جزیره عربستان بهره گرفت و با ایجاد ارتباط با این گروه و کمک های مالی و نظامی زمینه رشد این جریان را فراهم کرد و به تدریج با

ص: 76

تکیه بر ظرفیت های این جریان تکفیری به نفوذ عثمانی با سقوط آل رشید در شبه جزیره پایان داد.

تجربه جنگ سرد در قرن بیستم نیز نشان می دهد آمریکا به عنوان یکی از قدرت های مهم نظام بین الملل برای رسیدن به منافع ملی و فراملی خود در رقابت با شوروی به شارژ مالی و نظامی این جریان پرداخت و با تجهیز آنها در قالب القاعده در افغانستان توانست بر رقیب خود در عرصه بین المللی یعنی شوروی فائق آید و این دومین تجربه استفاده قدرت های بزرگ بین المللی از جریان تکفیری در راستای منافع خود بود. سومین تجربه استفاده از جریان تکفیری در راستای اسلام هراسی و مقابله با گسترش اسلام در غرب بود در این پروژه نیز قدرت های بین المللی با استفاده از ابزار رسانه به نشان دادن چهره ای خشن از اسلام دست زدند تا زمینه گرایش به اسلام را در جهان معاصر کاهش دهند. آخرین تجربه نیز حمایت قدرت های بین المللی و منطقه ای از جریان تکفیری در سوریه و عراق است که برای تضعیف محور مقاومت در منطقه (ایران عراق - سوریه - حزب الله و حماس) از این جریان حمایت می کنند؛ اما جریان تکفیری هیچ گاه متحد استراتژیک و بلند مدت برای قدرت های بزرگ نبوده است بلکه صرفاً تا زمانی در راستای منافع آنها قرار داشته مورد حمایت قرار گرفته است. در مقاله «نقش قدرت های بین المللی در رشد داعش» به تفصیل در این مورد بحث خواهد شد.

زمینه های اندیشه ای جریان سلفی تکفیری

اشاره

زمینه های اندیشه ای جریان سلفی تکفیری (1)

* دکتر محمداسماعیل نباتیان (2)

چکیده

جریان های سلفی تکفیری گرچه در بستر اندیشه اهل سنت نضج و نمو یافته است، اما با عنایت به رویکرد آرمان خواهانه به خلافت راشد و تمرکز نظر و عمل خود بر خروج از وضع موجود و تحول به عصر سلف صالح، در زمینه های اعتقادی، سیاسی و اجتماعی، فاصله هایی از اهل سنت گرفته اند که می تواند الگوی حکومتی آنها را متمایز نماید. الگوی حکومتی مورد نظر جریان سلفی تکفیری، در ساختار و کارکرد به شدت ریشه در گذشته و خلافت راشد دارد و حتی شیوه دست یابی به قدرت سیاسی نیز در جهاد و یا انتخاب اهل حل و عقد خلاصه شده و برخلاف الگوی حکومت

ص: 79

-
- 1- این مقاله در جلد دوم مجموعه مقالات کنگره بین المللی «جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام» با عنوان «الگوی حکومت در اندیشه جریان سلفی تکفیری» منتشر شده است.
 - 2- استادیار دانشگاه اراک و مدیر گروه مطالعات راهبردی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام).

در اندیشه اسلامی معاصر در مبنای و چارچوب، از تمسک به تجارب بشری جدید به شدت استنکاف دارد و با رویکردی متحجرانه و براساس برداشت های متعصبانه ظاهرگرایانه و با تفسیر به رأی از آیات و روایات، مدلی غیر پاسخ گو و مستبد و بر پایه قوانین شریعتی که خودشان تفسیر و تعریف می کنند، ابتدا دارد و مردم در قبال این حکومت صرفاً تکلیف دارند و به شدت مؤلفه های مدرن به ویژه در حوزه نقش مردم در قدرت ردّ و تقبیح می کنند.

کلید واژه ها: سلفی، تکفیری حکومت خلافت، جهاد.

مقدمه

بررسی دقیق و منطقی مسئله الگوی حکومت در اندیشه سلفی تکفیری مستلزم اتخاذ یک چارچوب نظری صائبی است. با توجه به وجود تمایزات میان الگوی حکومت در اندیشه این جریان ها با جریان های اسلامی دیگر به ویژه در حوزه ساختار و کارکرد نظام سیاسی، جهت تحلیل مسئله از مدل تحلیل سیستمی بهره بردیم. در این راستا، در بخش ساختار، مسائل عناصر قدرت، مرزهای قدرت و شبکه قدرت مورد بررسی قرار گرفته و در بخش کارکرد، مرکز رهبری، دامنه قدرت و جریان قدرت بحث و تبیین شده است.

ص: 80

با عنایت به اینکه مفهوم کلیدی «سلفی تکفیری» در این مقاله، به توضیحی درباره این مفهوم اشاره می‌کنیم. سلفی تکفیری به گرایش گروهی از سلفی‌ها گفته می‌شود که مخالفان خود را کافر می‌شمارند. براساس مبنای فکری آنان میان ایمان و عمل تلازم وجود دارد؛ به این معنا که اگر کسی ایمان به خدا داشته باشد و مرتکب کبائر شود از دین خارج شده و کافر شمرده می‌شود که اگر این کفر اکبر باشد جهاد علیه‌شان واجب می‌شود. در تاریخ اسلامی تنها گروهی که چنین عقیده‌ای داشتند، خوارج بودند. (1)

در آغاز، ذکر این نکته لازم است که این مقاله با رویکرد «نگاهی از درون» به تحلیل حکومت در اندیشه این جریان پرداخته است و در آن سعی شده با تمسک به آثار متفکران و رهبران جریان سلفی تکفیری، نگرش آنها به حکومت و سیاست را تبیین و تحلیل شود.

سیر تطور جریان سیاسی - مذهبی سلفی تکفیری

در بررسی سیر تکوین و توسعه اندیشه سیاسی سلفی تکفیری، از تحولات مهم یکی که نقطه جهش و بازآفرینی این تفکر در جهان اسلام محسوب می‌شود، الغای خلافت عثمانی در سال 1924 م. به

ص: 81

1- سید مهدی علیزاده موسوی، تبارشناسی سلفی‌گری و وهابیت، ج 1، ص 94.

حکم مجلس کبیر ملی ترکیه است(1). یکی از پیامدهای مهم الغای خلافت، شکل گیری آرمان خلافت و بازگشت به سلف صالح و خلافت راشد در جهان اهل سنت می باشد. در اینجا به بررسی نقاط عطف و سیر تطور سیاسی و اعتقادی جریان سلفی تکفیری در قالب چهار نقطه عطف و مرحله، می پردازیم. شایان ذکر است که ابن تیمیه، از علمای اهل سنت در قرن هفتم هجری را می توان مبدأ و منشأ نظریه پردازی در باب سلفی تکفیری تلقی کرد(2). البته رویکرد ابن تیمیه بیشتر اعتقادی بود تا سیاسی. در ادامه، محمد بن عبدالوهاب در قرن دوازدهم هجری در مقام بسط این تفکر انحرافی در جهان اسلام و اتصال آن با سیاست برآمد که محصول آن وهابیت سیاسی ای است که بر بستر نظام قبیله ای آل سعود در عربستان شکل گرفت.(3) وی نیز رویکرد تکفیر اعتقادی و با تمرکز بر تکفیر شیعیان را در پیش گرفت.

1. مرحله اول، سقوط خلافت و ظهور آرمان خلافت: سقوط خلافت عثمانی، ظهور آرمان احیای خلافت اسلامی و بازگشت به

ص: 82

1- عنایت، حمید اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ص 115.

2- علیزاده موسوی، سید مهدی، تبارشناسی سلفی گری و وهابیت، ج 1، ص 31.

3- مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، وهابیت سیاسی، ص 105 و 159.

سلف صالح را در پی داشت که متفکرانی چون رشید رضا و نیز جمعیت اخوان المسلمین در بازخیزی و بسط اندیشه سلفیه (البته با رویکرد سلفی دعوتی) نقش مؤثری داشتند. به طوری که رشید رضا با هدف احیای خلافت راشد، حتی طرحی عملیاتی را جهت احیای خلافت پیشنهادی ارائه کرد که در آن خلیفه، مرکز خلافت (شهر موصل) و شیوه تعیین خلیفه (اهل حل و عقد و مجلس الشوری) و شرایط خلیفه (اجتهاد و قرشی) مشخص شده بود. (1)

اخوان المسلمین نیز با رویکرد سلفی دعوتی در پی توجه به سلف صالح و بازگشت خلافت راشد برآمد. (2) از ویژگی های مهم این مرحله، تأکید بر سلفیت منهای تکفیر دیگر مذاهب اسلامی، رویکرد دعوت، و جواز بهره گیری از نهادهای مدرن در نیل به اهداف مانند پارلمان و انتخابات ... است. (3)

ص: 83

1- حمید عنایت اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ص 132. رک: ابو مصعب السوری، عمر عبد الحکیم، دعوه المقاومه الاسلامیه العالمیه، ص 444.

2- حمید عنایت، اندیشه سیاسی در جهان عرب، ص 125؛ رک: خدوری، مجید گرایش های سیاسی در جهان عرب.

3- حمید عنایت، اندیشه سیاسی در جهان عرب، ص 125.

2. مرحله دوم، معالم فی الطریق؛ نشانه گذار راه جهاد تکفیری: سید قطب نقطه عطف در اندیشه سلفی تکفیری به ویژه تکفیر سیاسی به حساب می آید. (1) کتاب «معالم فی الطریق» وی راهنمای تحول و ورود به گفتمان سلفی تکفیری است که اساساً کیان خود را در طرد و تکفیر دیگران (به طور خاص سکولارها) جستجو می کرد. سید قطب با طرح «جامعه جاهلی - جامعه اسلامی» و ضرورت خروج از جامعه جاهلی (که همه جوامع مسلمان و غیر مسلمان را شامل می شد) از طریق هجرت یا جهاد، در مقام ارائه راهبردی برای تأسیس جامعه اسلامی برآمد. به اعتقاد قطب، خروج از جامعه جاهلی مستلزم یک انقلاب واقعی تحت رهبری یک «پیشتاز امت» است که متأثر از «تنها نسل قرآن» یعنی صحابه می باشد. (2) در این راستا هنگامی که سه فرد مؤمن ایمان و عقیده پیدا کنند، در واقع یک جامعه اسلامی مستقل و جدای از جامعه جاهلی عملاً موجودیت پیدا می کند؛ سه نفر، ده نفر می شود و ده نفر صد نفر، و صد نفر هزار نفر هزار نفر بیست هزار نفر می شود، و بدین ترتیب

ص: 84

-
- 1- الظواهری ایمن، فرسان تحت رایه النبی، ص 11-12؛ حسین بن محمود، مراحل التطور الفکری لِحیاه سیدقطب، ص 49؛ محمد عبدالسلام فرج، الفریضه الغائبه، ص 12.
 - 2- سید قطب معالم فی الطریق، ص 22.

جامعه اسلامی ظهور می کند و ریشه می گیرد در این مسیر، مبارزه دائمی است و جهاد تا روز قیامت به طول می انجامد. (1)

پیامد اندیشه سید قطب پس از اعدامش در 1966م. گرایش هوادارانش به سوی هجرت و جهاد علیه جامعه جاهلی موجود بود (2) و تشکیل دو گروه رادیکالِ جماعه المسلمین (الهجره و التکفیر) به رهبری احمد شکری مصطفی، (3) و جماعه الجهاد، به رهبری محمد عبدالسلام فرج بود. عبد السلام فرج، بنیانگذار و تئوریسین و رهبر جماعه الجهاد با نگارش جزوه «الفریضه الغائبه»، شیوه قیام علیه جامعه جاهلی و اولویت جهاد علیه حکومت های سکولار (عدو قریب) را تئوریزه کرد که نمود عینی آن، ترور انور سادات، رئیس جمهور مصر در 1980م. به دست اعضای جماعه الجهاد بود. (4) از ویژگی های این مرحله، ورود مفهوم «تکفیر» به حوزه عقاید سیاسی - مذهبی جریان سلفی است، که برخلاف تکفیر وهابیت که گونه ای

ص: 85

1- همان، ص 105-106.

2- ایمن الظواهری، فرسان تحت رایه النبی ص 13.

3- ژیل کوپل، پیامبر و فرعون، ص 87-101.

4- همان، ص 233-240. محمد عبد السلام فرج، الفریضه الغائبه، ص 14-18.

عقاید فردی مثل توسل و زیارت را شامل می‌شد، همه شئون زندگی اجتماعی و سیاسی نیز را شامل می‌شد، به طوری که حتی شامل شکل حکومت مثل دموکراسی را هم فرامی‌گرفت. (1)

3. مرحله سوم، افغانستان، بستر تکوین «تنظیم القاعده» و شبکه عنکبوتی تکفیری: تهاجم شوروی به کشور مسلمان افغانستان در سال 1358 ش. از سوی، و سرکوبی شدید جریان سلفی تکفیری در مصر و دیگر کشورهای عربی از سوی دیگر، سبب شد که به تدریج مجاهدین عرب به سوی افغانستان جهت جهاد با کفار گسیل شوند. (2) در کنار حضور پراکنده مجاهدین، حضور جماعه الجهاد (به رهبری دکتر ایمن الظواهری مصری از یاران نزدیک عبدالسلام فرج که در سال 1985 م. از زندان مصر آزاد شد) در افغانستان، با توجه به تجربه مبارزه شان کانون تأثیر گذار گردید و حلقه اصلی یاران اسامه بن لادن را تشکیل دادند که به تدریج زمینه ساز سیطره تفکرات سلفی تکفیری بر عرب - افغان ها گردید. (3)

ص: 86

-
- 1- ضحی الخطیب، ضوابط التکفیر بین الأمس والیوم، ص 85 و 112 و 192.
 - 2- رک: عبدالله عزّام، اعلان الجهاد، ص 5؛ همو، جهاد الشعب المسلم، ص 12.
 - 3- عبدالله الطویل القاعده و خواهرانش، ص 293 و 388؛ ابوقتاده الفلستانی، حکیم الحركه الاسلامیه، ص 3-4.

هر چند تمرکز این جریان در دهه 80 و 90 میلادی بیشتر بر عدو بعید (امریکا و صهیونیسم) بود که تشکیل جبهه جهانی اسلام علیه صهیونیسم در 1998م، و متعاقب آن انفجار سفارتخانه های آمریکا در کنیا و تانزانیا در همان سال و نیز یازده سپتامبر در آمریکا از پیامدهای آن می باشد. (1) استراتژی القاعده ایجاد شبکه گسترده در جهان و جهاد برای تأسیس امارت ها بود که تأسیس امارت طالبان در افغانستان در 1995م. تا حدی نخستین تبلور بیرونی این اندیشه بود.

4. مرحله چهارم، خلافت داعش: تهاجم قدرت های غربی به عراق و سقوط صدام در 2003م خلأ قدرتی را در عراق موجب شد که زمینه ظهور گروه های سلفی تکفیری منبث از القاعده را فراهم نمود. به ویژه قدرت گرفتن شیعیان در عراق به عنوان نظامی کافر و مهدورالدم از نظر تکفیری ها و نیز حضور آمریکا (به عنوان عدو

بعید) در عراق در این مسیر تأثیر بسیاری نهاد. در سال 2006م. «تنظیم القاعده فی بلاد الرافدین (جماعه التوحید و الجهاد) به رهبری ابو مصعب الزرقاوی (از فرماندهان با سابقه القاعده و نماینده آن در عراق) تأسیس شد. (2) در سال 2005م. در راستای راهبرد

ص: 87

1- عبدالله الطویل القاعده و خواهرانش، ص 402-403.

2- کامران کرمی، سلفی گری و خاورمیانه عربی، ص 26-29.

القاعده مبنی بر تأسیس امارت و دولت های کوچک و حتی کوچ شونده، الدوله الاسلاميه في العراق تشکیل گردید. با قتل امیران این دولت، ابو مصعب الزرقاوی در 2006م و ابو عمر البغدادی در 2010م، ابراهیم عواد ابراهیم البدری السامرایی معروف به ابوبکر البغدادی توسط مجلس الشوری به امیری دولت اسلامی عراق منصوب گردید. بغدادی علی رغم مخالفت مرکزیت القاعده، در 2013 حوزه عملیاتی خود را به سوریه گسترش داد و با اشغال بخش هایی از خاک سوریه، نام الدوله الاسلاميه في العراق و الشام (داعش) را بر سازمان خود نهاد و در سال 2014 با تهاجم به استان نینوای عراق و اشغال موصل، اعلان خلافت اسلامی کرد و از همه مسلمانان خواست که برای بیعت با او به عراق هجرت نمایند.⁽¹⁾

نکته مهم در اعلان خلافت البغدادی، تغییر در استراتژی القاعده بود که در پی تأسیس امارت ها بود تا خلافت؛ به همین علت با واکنش تند سلفی های وابسته به القاعده مواجه شد. اما با عنایت به آرمان بازگشت خلافت که از زمان سقوط خلافت عثمانی شکل گرفته بود، اعلان خلافت و نفی همه مرزهای ملی، برای برخی از جریان های تکفیری تحقق آن آرمان به حساب می آمد به طوری که از هواداران این جریان از اندونزی تا مغرب به بیعت با داعش

ص: 88

1- ابوهمام بکر بن عبدالعزیز الأثری، مدی الایادی لیبعة البغدادی، ص 2-5.

پرداختند. هر چند علمای اهل سنت و نیز جریان های سلفی تکفیری در مقام مقابله با آن برآمدند.

مختصات و ویژگی های حکومت در اندیشه سلفی تکفیری

نگاهی به نظر و عمل سیاسی رهبران جریان سلفی تکفیری مبین آن است که شباهت های زیادی با نظام سیاسی قدیم در اهل سنت دارد. به ویژه که با عنایت به الگوی آرمانی خلافت راشدین در اندیشه این جریان مختصات حاکم بر تجربه خلافت راشدین با حکومت های سنتی اقتدارگرا همخوانی دارد. با این وصف، وجوه تمایز قابل توجهی میان این دو وجود دارد. پیش از بیان ویژگی های حکومت در اندیشه سلفی تکفیری، لازم است که به ضرورت و مشروعیت حکومت از دیدگاه این جریان پردازیم.

ضرورت تأسیس حکومت اسلامی

نگاه سلبی سلفی ها به جامعه امروز و تلقی جامعه جاهلی از آن، از سویی و به تبع، نگاه آرمانی به عصر خلفای راشدین و سلف صالح، از سوی دیگر، زمینه تأمل آنها در راه های خروج از جامعه جاهلی امروز و دست یابی به الگوهای زندگی اجتماعی و سیاسی سلف صالح و به ویژه خلافت راشدین را سبب شده است. از جمله گزاره های تقریباً اجماعی میان متفکران و رهبران جریان سلفی

تکفیری ضرورت تشکیل «الخلافة على منهج النبى» می باشد. البته در تاکتیک های نیل به این آرمان، میان رهبران سلفی اختلاف نظر وجود دارد.

عبدالسلام فرج از رهبران سلفی تکفیری مصری در «الفريضة الغائبة» در ضرورت اقامه حکومت می نویسد:

«اقامه احکام الهی بر روی زمین بر همه مسلمین واجب است و به تبع این وجوب، برپایی دولت اسلامی نیز بر مسلمین واجب است، چراکه آن واجب تمام نمی شود مگر به اتیان این واجب. همچنین زمانی که دولت اسلامی اقامه نشود مگر به قتال، پس قتال نیز واجب می شود. میان مسلمانان اجماع هست در وجوب برپایی خلافت اسلامی و اعلان خلافت...؛ پس بر هر مسلمانی واجب است که تلاش جدی کند برای بازگشت خلافت».⁽¹⁾

هدف نهایی ایدئولوژی سلفی تکفیری القاعده، دستیابی به حکومتی فقهی است که ریشه در سلفی گری دارد و بر تمام جهان حکم می راند. این حکومت دینی که شکل گیری جامعه دینی از طریق اجرای قوانین فقهی بر آن مبتنی است، مهم ترین خواسته و موتور محرکه فعالیت های القاعده به شمار می رود.⁽²⁾ امارت طالبان بر

ص: 90

1- محمد عبد السلام فرج الفريضة الغائبة، ص 4.

2- رک: ایمن الظواهری، فرسان تحت رایة النبى، ص 231-232.

افغانستان در واقع جلوه و تبلوری از حکومت مورد نظر القاعده بود.

اسامه بن لادن می گوید: «ما برای جهاد در راه خداوند قادر متعال از وطن خود خارج شده ایم... هدف و میل قلبی ما نیز این بوده که در راه برپایی و تحکیم حکومت اسلامی و پیاده کردن احکام اسلامی جهاد کنیم. این هدف ماست»⁽¹⁾.

به تعبیر رفاعی سرور، از متفکران سلفی تکفیری: «هدف اسلامی ای که جنبش اسلامی در پی آن است عبارت است از: برپایی جامعه اسلامی مبتنی بر توحید، جهاد و برپایی دولتی که به واسطه آن خلافت اسلامی اقامه گردد»⁽²⁾.

تجربه تاریخی اسلام درباره دو خلیفه نخست و نیز تأکیدات قرآن مبنی بر مشورت و شورا باعث شده است تا نظریات الیتستی و نخبه گرایانه در دیدگاه های رهبران جریان های سلفی تکفیری تقویت شود و جایگاهی نیز برای مشورت با اهل حل و عقد و نخبگان سلفی قائل شوند. اما این شورا و مشورت هیچ گاه قابل تعمیم به عموم مردم و گروه های دیگر نیست. لذا ظواهری تأکید دارد: مجاهدین نمی توانند با زور حکومت کنند یا مستقیماً قدرت را به دست گیرند حکومت باید به اصل اسلامی شورا وفادار باشد و امر

ص: 91

1- همان، ص 174-177.

2- رفاعی سرور، التصور السياسي للحركة الاسلاميه، ص 198.

به معروف و نهی از منکر را به اجرا گذارد. همچنین باید مبتنی بر نظر «اهل حل و عقد» باشد و نظر علما را به عنوان کارشناسان شریعت لحاظ کند.⁽¹⁾

با این وصف، حکومتی که این جریان ها در پی اقامه آن هستند، علی رغم نگاه آرمانی شان به خلافت راشدین، بیشتر با خلافت نوع دوم که رشید رضا ذکر می کند یعنی «خلافت بالفعل» همخوانی دارد. رشید رضا با تفکیک «خلافت آرمانی» (که در عصر خلفای راشدین وجود داشته) از «خلافت بالفعل» که بیشترین بخش تاریخ مسلمانان تحت حکم آن گذشته، خلافت بالفعل را به «امامه الضرورة» و «استبداد (التغلب بالقوه)» تقسیم کرده و ثابت می کند که این خلافت در شرایط خاص به عنوان ضرورت موقت، مجاز و تحمل شده است.⁽²⁾ همان طور که در سخن رفاعی سرور آمده، هدف این جریان ها اقامه دولت اسلامی جهت زمینه سازی برای برپایی خلافت اسلامی است و دولت اسلامی با خلافت بالفعل رشید رضا همخوانی بیشتری دارد.

براین اساس تقریباً همه جریان های وابسته به القاعده در کشورهای مختلف، ضمن ردّ خلافت اسلامی داعش در عراق و شام، هدف

ص: 92

1- حسام افشار، کالبدشکافی تفکر وهابیت و القاعده، ص 12.

2- حمید عنایت، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ص 132.

خود را تأسیس «امارت اسلامی» می دانند که نمونه آن در حکومت طالبان افغانستان بروز یافت. (1)

جهاد؛ تنها راه حل دست یابی به حکومت مشروع و ضروری

از مؤلفه های بنیادین اندیشه سیاسی سلفی تکفیری، «جهاد» به عنوان به عنوان تنها راه حل گذار از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی است. (2) به همین دلیل جهاد اوجب واجبات و بالاترین عبادات تلقی شده است. عبدالسلام فرج در «الفریضه الغائبه» می نویسد: «کسی که واقعاً می خواهد به اعلا درجه اطاعت مشغول شود و بالاترین عبادات را ایتان نماید، پس لازم است که به جهاد در راه خدا بپردازد». (3) با توجه به نقش بسیار پررنگ جهاد در اندیشه این جریان هاست که خود را «سلفی جهادی» معرفی می کنند. (4)

فرج با تقسیم دشمن اسلام به عدو قریب (حکام حاکم بر جهان اسلام) و عدو بعید (استعمار و اسرائیل) جهاد با دشمن قریب را

ص: 93

-
- 1- ر.ک: ابوقتاده، الفلستینی، ثیاب الخلیفه، ص 3؛ عبدالحلیم، طارق، الخلافة بین السنیة والعبثیة ص 5؛ الظواهری ایمن، رسالة الشیخ د. ایمن الظواهری وجوابه علی المشایخ بشأن تنظیم «الدولة»، ص 2.
 - 2- ابو مصعب السوری، دعوه المقاومة الاسلامیه، ص 888-893؛ عبدالسلام فرج، محمد، الفریضه الغائبه، ص 11.
 - 3- عبد السلام فرج محمد الفریضه الغائبه، ص 11.
 - 4- الظواهری، ایمن فرسان تحت رایه النبی ص 19.

اولی دانسته است: «أن قتال العدو القريب أولى من قتال العدو البعيد»، چراکه عامل وجود استعمار (عدو بعید) در بلاد اسلامی، حکام به ظاهر مسلمان هستند، لذا شروع جهاد با استعمار غیر مفید و تضرع وقت خواهد بود». (1) و این دیدگاه خود را به نظر ابن تیمیه مستند می کند: «ویقول ابن تیمیه: کل طائفة خرجت عن شريعة من شرائع الإسلام الظاهرة المتواترة فإنه يجب قتالها باتفاق أئمة المسلمين وإن تكلمت بالشهادتين». (2)

البته این جریان تلاش دارد معنایی ضیق از جهاد را ارائه نماید که با مفهوم گسترده در منابع اسلامی تفاوت دارد؛ از جمله دکتر شیخ عبدالله عزّام، از رهبران و متفکران جریان سلفی، می گوید: یک فهم نادرست از کلمه جهاد در میان مسلمانان شکل گرفته که فکر می کنند جهاد هر نوع تلاش در راه خداست و آن را محدود به سحرخیز بودن و خواندن خطبه و سخنرانی و یا خدمت به خانواده و پدر و مادر کرده اند؛ در حالی که جهاد صرفاً به معنای «قتال» است. (3) و جهاد عبادتی از برترین فرائض و افضل واجبات نزد خداوند است. (4)

ص: 94

1- عبد السلام فرج، محمد، الفریضه الغائبه، ص 15-16 و 19.

2- ابن تیمیه الفتاوی الکبری، باب الجهاد، ص 281.

3- عزّام عبدالله، خضم المعرکه، ص 1-2.

4- عزّام، عبدالله، اعلان الجهاد، ص 1.

همان طور که اشاره شد، در اندیشه سلفی تکفیری، جهاد نقش طریقت دارد و تنها طریق برای خروج از جهان جاهلی و نیل به حکومت و خلافت اسلامی است. از این رو رفاعی سرور، از مفتیان تکفیری، معتقد است: برپایی حکومت واجب است و به اعتبار اینکه برای حکومت حد نهایی است که آن خلافت است، خلافت به عنوان ساختار سیاسی برای هدایت می باشد. لکن برپایی حکومت ابتدائاً و خلافت به عنوان غایت نهایی مستلزم قدرت و جهاد است و آن مستلزم شهادت است و غایت شهادت بهشت می باشد. (1)

الظواهری امیر جماعه القاعده، در خصوص استراتژی القاعده در بهره گیری از جهاد می نویسد: راهبرد حرکت جهادی باید مبتنی بر سیطره بر بخشی از زمین در قلب جهان اسلام و برپایی دولت اسلامی در آن باشد که زمینه بازگشت خلافت راشد براساس منهج نبوی را فراهم نماید. همان طور که پیروزی محقق نمی شود مگر با اشغال نظامی یک سرزمین. وی در این باره به نمونه امارت طالبان در افغانستان اشاره می کند. (2)

ص: 95

1- سرور، رفاعی، التصور السياسي للحركة الاسلامية، ص 82.

2- الظواهری ایمن، فرسان تحت رایه النبی ص 231.

جریان سلفی تکفیری با عنایت به اینکه حکومت خلفای راشدین را حکومت آرمانی خود معرفی می کند، لذا هر نظم سیاسی در قالب خلافت غیر این را بر نمی تابد و به اعتقاد اینها حکومت تغلیبه موجود در کشورهای اسلامی مرتد و کافر محسوب می شوند و حتی قیام علیه شان به عنوان دشمن قریب واجب عینی است. این برخلاف دیدگاه خلافت در نظریه های قدیم و نیز جدید اهل سنت است که در نظریه های قدیم، استیلا و تغلب را یکی از منابع مشروعیت دانسته و قیام علیه آنها را مجاز نمی دانند و یا در نظریه های جدید اهل سنت که نظام های مدرن نظیر دموکراسی را می پذیرند.

به اعتقاد آنها مشروعیت حاکمان از جانب عالم بالاست و رهبران جوامع باید خاستگاه دینی و برآمده از شرع داشته باشند. (1)

مبنای مشروعیت حتی تغلب هم باشد، اما در خلافت و حکومت تکفیری حکومت های موجود و متغلب چون به اجرای احکام اسلامی اقدام نمی کنند مشروعیت ندارند و بلکه مرتد و کافر هستند و قیام علیه شان واجب عینی است.

نکته شایان ذکر اینکه محور این جریان ها عقیده است و براین اساس مشروعیت فقط الهی می باشد در نتیجه انسان در اندیشه آنها

نقشی ندارد و به تبع این، به شدت با تفکراتی که انسان در آنها مبنای مخالفت می‌کنند نظیر دموکراسی و لوازم آن مثل انتخابات و تفکیک قوا، و اینها در حد شرک و کفر تلقی می‌کنند. (1)

حال، به بیان مختصات خلافت و حکومت از دیدگاه جریان سلفی تکفیری می‌پردازیم.

1. اقتدارگرایی

حکومت آرمانی سلفی تکفیری، خلافت راشدین است و از ویژگی‌های این نوع نظام سیاسی اقتدارگرایی است که در دوره‌های پس از آن نیز در جهان اسلام تداوم یافت. این جریان قائل به مرجعیت سیاسی سلف هستند و می‌گویند که خلافت باید به شکل اولیه خود یعنی خلافت راشدین ایجاد گردد. البته برخی از طیف‌های این جریان خلافت راشدین را در عصر حاضر امکان‌پذیر نمی‌دانند و عصر تحقق آن را پس از ظهور مهدی موعود می‌دانند؛ (بیانیه «شروط الخلافة الراشدة و اثبات أنها لا تكون إلا للمهدی فی آخر الزمان») لذا تأسیس امارت یا دولت اسلامی نظیر امارت در پی طالبان در افغانستان می‌باشند؛ نظام امارت یا دولت اسلامی شکلی

ص: 97

1- رک همان ص 1021؛ الطرطوسي، ابوبصير، حكم الإسلام في الديمقراطية، ص 5، الزرقاوي، ابو مصعب، ديمقراطية، ص 3.

از اقتدارگرایی است. در این نظام سیاسی، اقتدارگرایی چنان گسترده است که سخنی از آزادی و مشارکت سیاسی مردم مطرح نیست؛ به طوری که مظاهر مشارکت جدید همچون دموکراسی، انتخابات و تفکیک قدرت به شدت مورد طرد جریان سلفی تکفیری است و حتی آنها را مظاهر شرک و کفر تلقی کرده و تمسک به آنها را موجب کفر و شرک خوانده است: «بی شک دموکراسی کثیف و کفر است که نفوس سلیم و مومن از آن ابا دارند...» (1) وی همچنین می نویسد: «دموکراسی فتنه این عصر است که الوهیت و حاکمیت مخلوق را موجب می شود». عمر عبدالحکیم (ابومصعب السوری)، از رهبران و متفکران سلفی تکفیری در کتاب «دعوه المقاومه...» (از مهم ترین آثار این جریان در این خصوص می نویسد: «جهادگرایان دموکراسی را فلسفه و نظام کافر تلقی می کنند که به تناقض دارد... عموم جهادیون معتقدند مسلمانان دموکرات که به پارلمان وارد می شوند و در قوه مقننه یا وزارت و حکومت که قوه مجریه است، مشغول می شوند مرتکب عمل کفرآمیز می شوند. (2) این رویکرد سلبی نسبت به دموکراسی به حدی است که گروه داعش آن را توجیهی برای قتل 1500 نفر از اهل سنت و ابسته به ارتش آزاد

ص: 98

1- الطرطوسي، ابوبصير، حکم الإسلام في الديمقراطية، ص 7.

2- ابو مصعب السوري، عمر عبد الحكيم، دعوه المقاومه الاسلاميه، ص 794.

سوریه دانسته و می نویسد: «اینها کمک کنندگان به ارتش آزاد بودند که تصریح دارد به برپایی دموکراسی و این در نظر علمای خودشان هم کفر است، چراکه بر سکولاریسم مبتنا دارد».(1)

از دیدگاه رهبران این جریان، دموکراسی براساس اصل به رسمیت شناختن نظر «اکثریت» استوار است؛ یعنی هر چه را اکثریت بپذیرد، حتی کفر و باطل، قبول می کند. بنابراین دموکراسی «حقیقت» را «اکثریت» می داند که از منظر اسلام اصلی باطل است. «حقیقت» از نگاه اسلام آن است که با کتاب و سنت سازگار باشد؛ خواه یاران آن کم باشند یا زیاد لذا هرچه با کتاب و سنت مخالف باشد، باطل است، هرچند تمام دنیا با آن موافقت کنند(2). به عبارت دیگر، علت مخالفتشان با دموکراسی این است که حکومت براساس «بغیر ما انزل الله» شکل می گیرد و طبق قوانین وضعی بشری یا عرف ها و

تقالید حکم می کنند و این کفر و شرک می باشد.(3)

البته وی در جای دیگر، این نظر خود را تا حدی تلطیف کرده و می گوید: مجاهدین نمی توانند با زور حکومت کنند یا مستقیماً قدرت

ص: 99

1- ابوزبیر، مختار، الدوله الاسلامیه باقیه ص 5.

2- الزرقاوی، ابو مصعب کلمات مضینه ص 5-7.

3- خصیر الخصیر، علی، فتوای مفتی شیخ علی بن خصیر الخصیر.

را به دست گیرند. حکومت باید به اصل اسلامی شورا وفادار باشد و امر به معروف و نهی از منکر را به اجرا گذارد. همچنین باید مبتنی بر نظر اهل حل و عقد باشد و نظر علما را به عنوان کارشناسان شریعت لحاظ کند. (1)

در همین راستا در نامه ای به زرقاوی، امیر القاعده عراق، که در 9 ژوئیه 2005 منتشر شد در خصوص ضرورت توجه به اقتضائات و مصالح سیاسی و هشدار درباره تکرار اشتباهات طالبان می نویسد: جهاد در عراق بدون دستیابی به حداقلی از حمایت مردم نمی تواند موفق باشد. (2)

با این وصف، آثار و تفکرات رهبران جریان سلفی تکفیری بیانگر آن است که اندیشه این جریان بر تغلب ابتدا دارد و اگر از توجه به نظر اهل حل و عقد یا مردم سخن گفته اند بنابر اقتضائات سیاسی می باشد.

ص: 100

1- عبدالحلیم، طارق، الخلفه بین السنیة و العبثیة، ص 1؛ همو، قیام الدوله الاسلام بین الواقع و الاوهام، قسمت 8.

2- همان.

2. شخص محوری

اندیشه سیاسی جریان سلفی تکفیر با تأثیرپذیری از اندیشه سیاسی قدیم اهل سنت، برای حکمرانی دو خصلت اساسی ملازم هم قائل است: شخص محوری و دانش محوری. لذا در این نظریه ها علم و اجتهاد از شرایط اصلی امیر یا خلیفه معرفی شده است و با نگاهی به نظرات علمای قدیم که حاکم اسلامی را افضل قریش در علم و دین می دانستند⁽¹⁾ سعی کرده اند بر این دو خصلت فضل و قریشی تأکید داشته باشند؛⁽²⁾ برای مثال خلافت داعش پس از اعلان خلافت، در پی جعل نسب قرشی و اجتهاد برای البغدادی برآمد.⁽³⁾

3. وحدت قوا؛ ولایت عام

ولایت عام نیز مانند دیگر خصلت های در نظام سیاسی قدیم اهل سنت در اندیشه جریان سلفی تکفیری نیز به وضوح مشاهده می شود. امیر یا خلیفه سلفی مسئول تمام امور سیاسی، دینی، اجتماعی و قضایی و غیره در جامعه اسلامی محسوب می شود. البته تجربه تاریخی اسلام درباره دو خلیفه نخست و نیز تأکیدات قرآن

ص: 101

1- فیرحی، داود نظام سیاسی و دولت در اسلام، ص 53.

2- رک: ابوزبیر، مختار، دولة الاسلام باقیه، ص 3-4؛ سرور، رفاعی، التصور السياسي للحركة الاسلامیه، ص 280 و 289؛ ابو مصعب السوری، عمر عبد الحکیم، دعوه المقاومه الاسلامیه، ص 793.

3- الأثری، ابوهمام ابوبکر عبدالعزیز، مدالایادی لیبعة البغدادی، ص 4 و 5.

مبنی بر مشورت و شورا باعث شده است تا نظریات الیتستی و نخبه گرایانه در اندیشه سلفی ها تقویت شود و جایگاهی نیز برای مشورت با اهل حل و عقد و نخبگان سلفی قائل شوند. اما این شورا و مشورت هیچگاه قابل تعمیم به عموم مردم و گروه های دیگر نیست. در همین راستا الدوله الاسلامیه فی العراق که بعدها به داعش مشهور شد، از زمان تأسیس آن در 2008م. مجلس الشوری نیز ایجاد کرده که نظرات و ملاحظات شورای مجاهدین و رهبران جهادی - به تعبیرشان اهل حل و عقد - در آن مطرح می گردد و خلیفه داعشی نیز - طبق بیانیه این مجلس - توسط مجلس الشوری با لحاظ شرایطی که در اندیشه سیاسی اهل سنت آمده، تعیین می کند. (1)

دکتر عبدالله عزام در «اعلان» الجهاد» ضمن اشاره به جایگاه امام و خلیفه درباره اختیارات و وظایف خلیفه می نویسد: «امام و خلیفه به عنوان امام نصب شده تا به حفظ دین، حمایت بلاد، سدّ مرزها اقامه حدود شرعی، حفظ حقوق، صیانت از نمادهای دینی، تقسیم غنائم، اقامه شعائر اسلامی مانند نماز و حج و روزه و جمع آوری زکات و طرد مفسدان اقدام نماید. (2)

ص: 102

1- الاثری ابوهمام ابوبکر عبد العزیز، مدی الأیادی لبیعه البغدادی، ص 6.

2- عزام، عبدالله، اعلان الجهاد، ص 4؛ رک: ابو مصعب السوری، عمر عبدالحکیم، دعوه المقاومه الاسلامیه، ص 794-795.

در ایدئولوژی سلفی تکفیری هیچ انسانی اعم از مسلمان و غیر مسلمان، اصالتی ندارد و اصالت با ایدئولوژی سلفی و حکومت مورد نظر است و تلاش برای کسب حکومت نیز با هدف هدایت، توجیه می گردد: «و باعتبار أن للسلطة حداً نهائياً.. وهو الخلافة، أصبحت الخلافة هي الصيغة السياسية لغاية الهداية»⁽¹⁾.

در واقع همان طور که ایمن الظواهری در «فرسان تحت رایه النبی» مبنای تکوین دولت اسلامی را عقیده می داند و جهاد نیز برای تحقق عقیده و شریعت در جامعه واجب شده است. لذا حدود و ثغور دولت اسلامی از نظر تکفیری ها با حوزه سکونت مسلمانان تلازم دارد رفاعی سرور از رهبران فکری این جریان می نویسد: «بنیان اقامه دولت اسلامی بر دعوت و نشر عقیده است ... اساساً وظیفه دولت اسلامی دفاع از عقیده است ... و مبنای مشروعیت حکومت و محور و سبب وجودش همانا تبلیغ دعوت در آن است ... در واقع دین مشروعیت بخش حکومت است و حکومت ابزار و وسیله دین به شمار می رود»⁽²⁾. وی در ادامه، دولت را ابزار اساسی اقامه دین تلقی می کند.⁽³⁾

ص: 103

1- سرور، رفاعی، التصور السياسي للحركة الاسلامية، ص 83.

2- سرور، رفاعی، التصور السياسي للحركة الاسلامية، ص 86.

3- همان، ص 88 و 89 و 90.

عبدالله عزام نیز در تعریف دارالاسلام، معیار آن را مستولی شدن احکام اسلامی می داند و در صورتی که به جای احکام، قوانین بشری اجرا گردد، دیگر دارالاسلام نخواهد بود. و بنا بر نظر جمهور فقها از مالکی، شافعی، احمد و دوشاگرد محمد حنفیه، همانا اگر در سرزمین هایی اسلامی به غیر ما آنزل الله حکم شود، آنها جزء دارالاسلام به حساب نخواهند آمد و دارالحرب خواهند شد». (1)

شاید صریح ترین بیان در اندیشه حکومت فراگیر و فراملی سلفی تکفیری، سخن ایمن الظواهری (امیر سازمان القاعده) در «فرسان تحت رایة النبی» باشد که بر تأسیس دولت اسلامی در قلب جهان اسلام و زمینه سازی برای بازگشت خلافت راشده براساس سیره نبوی - بدون لحاظ مرزبندی های ملی - تأکید می کند. (2)

بنابراین مبنای مرزبندی سیاسی جریان سلفی تکفیری، همان عقیده است؛ به خصوص که برخی از گروه های این جریان، دایره این عقیده را بسیار ضیق می بینند و تحت تأثیر سید قطب، جامعه جاهلی یا کافر (دارالکفر یا دار الحرب) را حتی شامل جوامع مسلمان نشین

ص: 104

1- عزام، عبدالله، اعلان الجهاد، ص 5.

2- الظواهری، ایمن فرسان تحت رایة النبی، ص 231.

که همفکر اینها نیستند می دانند. (1) اساساً دارالاسلام مورد نظر این جریان، به دلیل وحدت در عقیده، مغایر با مرزبندی های ملی است، به همین دلیل هم رشید رضا در ارائه پیشنهاد خلافت، منطقه بی طرفی را معرفی می کند که به عنوان مرکز خلافت اسلامی باشد و به تدریج همه مسلمین به آن روی آورند (2) و هم گروه داعش نیز با تبلیغات وسیع و معرفی دولت خود به عنوان خلافت اسلامی راشده، سعی در اخذ بیعت از مسلمانان دارد و در همین راستا گروه های سلفی ای از اندونزی تا مغرب با او بیعت کرده اند. (3) اصولاً ساختار القاعده یک ساختار جهانی و فراتر از مرزبندی های ملی است. (4) در این راستا داعش در نقشه سیاسی ای که برای خلافت

ص: 105

-
- 1- رک: سید قطب معالم في الطريق، ص 105-106؛ الزرقاوی، ابو مصعب، کلمات مضیئه، ص 34؛ ابو مصعب السوری، عمر عبد الحکیم، دعوه المقاومه الاسلامیه العالمیه، ص 964 و 985 و 1071.
 - 2- عنایت حمید، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ص 132.
 - 3- رمضان، صادق، «داعش در تونس» و میرخلیلی، سید جواد، «داعش در اندونزی»، مندرج در: نباتیان محمد اسماعیل، تحلیلی بر جریان بعثی تکفیری داعش، ص 92-97.
 - 4- رک: ابو مصعب السوری، عمر عبدالحکیم، دعوه المقاومه الاسلامیه، ص 191 و 1079؛ الزرقاوی، ابو مصعب، کلمات مضیئه، ص 21؛ الظواهری، ایمن، فرسان تحت رایه النبی، ص 143.

اسلامی منتشر کرده کل سرزمین های اسلامی از غرب چین تا اندلس را فرامی گیرد. اصولاً جهت گیری تکفیری ها به ویژه داعش با نگاه به گذشته و سلف صالح است و حتی در نام گذاری مناطق سرزمین های اسلامی از اسامی همان مقاطع زمانی بهره برده شده است. به تعبیر دکتر داود فیرحی اینها در پی احیای عصر هارون الرشید هستند. (1)

ساختار حکومت در اندیشه سلفی تکفیری

نگاهی به آثار جریان های تکفیری مبین آن است که ساختار آرمانی همانا خلافت خلفای راشدین است که با ساختار خلافت قدیم نزد اهل سنت شباهت بیشتری دارد و می توان عناصر، مرزها و شبکه قدرت مشابه گذشته در بیانیه ها و کتاب هایشان مشاهده کرد هرچند تفاوت های قابل توجهی در آنها دیده می شود که توضیح آن می آید.

1. عناصر قدرت: نگرش سلفی های تکفیری و به طور خاص جریان های مرتبط با القاعده، چون هدف خود را تأسیس حکومتی بر مبنای مؤلفه های خلافت خلفای راشدین معرفی می کنند، لذا در تبیین عناصر قدرت در این دیدگاه ها می شود به مفاهیم خلافت قدیم دست یازید. مهمترین این عناصر و نهادها عبارت است از:

ص: 106

1- فیرحی، «داود داعش در پی احیای عصر هارون است»، انصاف نیوز.

الف خلیفه: بی شک مهمترین نهاد قدرت در این نظریات خلیفه است. خلیفه به عنوان جانشین رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) رهبر و زعیم مسلمانان است که به تدبیر امور آنها اقدام می کند. متفکران قدیم اهل سنت شرایط و ویژگی هایی برای خلیفه برشمرده اند؛ از جمله ماوردی هفت خصلت عدالت علم سلامت حواس، سلامت اعضا، تدبیر سیاسی، شجاعت و نسب قریشی. (1)

رشید رضا از رهبران فکری سلفی گری در «الخلافة أو الامامة العظمی» ویژگی «اجتهاد» را از شروط لازم خلیفه قلمداد کرده است. (2)

گروه های جهادی و تکفیری بر خلاف گروه های سلفی غیر تکفیری مانند اخوان المسلمین، روش های مدرن در نیل به حکومت اسلامی را بر نمی تابند، بلکه با تمسک به راهکارهای سید قطب و دیدگاه های عبدالسلام فرج که خواهان حرکت های انقلابی و اصلاح امور مسلمین به صورت جهادی و نه تدریجی بودند، تلاش کرده اند با اعمال انقلابی به سرعت جامعه کافر شده را به جامعه ای مسلمان تبدیل و حکومت اسلامی را با جهاد مداوم احیا کنند، (3) و به

ص: 107

1- فیرحی، داود نظام سیاسی و دولت در اسلام، ص 104.

2- عنایت، حمید، اندیشه سیاسی اسلام معاصر، ص 132.

3- کوپل، ژیل، پیامبر و فرعون، ص 341-344.

تعبیر الظواهری، «پیروزی (برپایی دولت اسلامی) محقق نمی شود مگر با اشغال نظامی یک سرزمین». وی در این باره به نمونه امارت طالبان در افغانستان اشاره می کند. (1)

آنان به طور معمول با رهبر (ولی امر) خود بیعت می کنند و عملاً نوعی خلیفه گری کوچ کننده را به نمایش می گذارند. اوج این نوع رفتار را می توان در بیعت گروه های مختلف جهادی و تکفیری در سراسر جهان عرب با اسامه بن لادن، امیر سازمان القاعده، مشاهده کرد. (2)

البته در یک جهشی اعتقادی، گروه داعش (الدوله الاسلامیه فی العراق و الشام) با تصرف شهر موصل، اعلان الخلافه الراشده کرد و همه مسلمین را به بیعت با خود فراخواند، (3) در حالی که این مغایر با اندیشه جریان سلفی القاعده بود که راهبرد تأسیس امارت و دولت اسلامی برای زمینه سازی بازگشت خلافت راشده را در پیش گرفته اند. (4)

ص: 108

1- الظواهری، ایمن، فرسان تحت رایه النبی، ص 231.

2- الطویل، عبدالله، القاعده و خواهرانش، ص 391-393.

3- رك: الأثری، أبی همام بكر بن عبد العزيز، مدالایادی لیبعة البغدادي، ص 1-2.

4- بوقتاده الفلستینی، ثیاب الخلیفه، ص 1؛ الظواهری، ایمن، رساله الشیخ د. ایمن الظواهری وجوابه علی المشایخ، ص 1-2؛ عبدالحلیم، طارق، الدوله الاسلام بین الواقع والاوهام، قسمت 8.

دولت داعش در بیانیه های خود مدعی اند که خلیفه خود را بر مبنای شیوه خلافت راشد و توسط اهل حل و عقد انتخاب کرده اند و فرد خلیفه یعنی ابوبکر البغدادی (ابراهیم عواد ابراهیم البدری السامرایی) تمام شروط منصوص خلیفه یعنی اجتهاد، عدالت، تدبیر و قریشی بودن را داراست. حتی شجره نامه قریشی دقیقی را برای او جعل کرده اند:

- «ابوبکر القرشی الحسینی البغدادی من أحفاد عرموش بن علی بن عید بن بدری بن بدرالدین بن خلیل بن حسین بن عبدالله بن ابراهیم الأواه بن الشریف یحیی عز الدین بن الشریف بشیر بن ماجد بن عطیه بن یعلی بن دوید بن ماجد بن عبدالرحمن بن قاسم بن الشریف ادیس بن جعفر الزکی بن الهادی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی العابدین بن الحسین علی بن ابی طالب و فاطمه بنت محمد رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم»⁽¹⁾.

در این کتاب سعی شده همه خصوصیات خلیفه که در آثار گذشته اهل سنت ذکر شده برای ابوبکر البغدادی احصا نمایند؛ از جمله با اشاره به نظر ابن جماعه که ده خصلت برای خلیفه شمرده، همه این

ص: 109

1- الأثری، أبو همام بکر بن عبد العزیز، مد الأیادی لبیعه البغدادی، ص 2.

ویژگی‌ها را برای بغدادی احصا نموده اند: «قال الامام بدر الدین بن جماعه في شروط الامامه: «فالأهليتها عشر شروط وهي أن يكون الامام ذكراً، حراً بالغاً، عاقلاً، مسلماً، عدلاً، قرشياً، عالماً، كافياً لم يتولاه من سياسة الأُمه ومصالحها. فمتى عقدت البيعه لمن هذه صفتة - ولم يكن ثمه إمام غيره - انعقدت بيعته وإمامته، ولزمت طاعته في غير معصية الله ورسوله».(1)

فراتر اینکه در ادعایی معتقد شدند که: «ولقد اجتمع في الشيخ أبي بكر ما تفرق في غيره: علم ينتهي إلى النبي صلى الله عليه وآله وسلم، و نسب ينتهي إلى النبي صلى الله عليه وآله وسلم؛ در ابوبکر همه خوبی‌ها که میان دیگران پراکنده است جمع شده است: علمش که به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) می‌رسد و نسب‌اش که به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) منتهی می‌شود».(2)

همچنین در تطبیق شرایط خلیفه بر ابوبکر بغدادی، به سوابق وی اشاره کرد و نوشته‌اند: ابوبکر بغدادی در مساجد متعدد عراق به امامت جماعت و خطابه می‌پرداخت. همچنین امیر برخی از گروه‌های جهادی در عراق، عضویت در مجلس شورای مجاهدین،

ص: 110

1- ماوردی، ابوالحسن الاحکام السلطانیه، ص 6.

2- الأثری، أبو همام بکر بن عبد العزیز، مد الأیادی لبیعه البغدادی، ص 5.

ریاست کمیته های شرعی و قضایی در دولت اسلامی عراقی سپس امیر دولت اسلامی عراق به بیعت مجلس شورای مجاهدین و اهل حل و عقد می باشد. (1)

هر چند ایمن الظواهری، امیر شبکه القاعده، در بیانیه ای، ضمن ردّ خلافت اسلامی داعش، از جایگاه خود و ابوبکر البغدادی با عنوان «امیر» یاد کرده و می نویسد: «أن الدولة الإسلامية في العراق فرع تابع لجماعة قاعدة الجهاد، وأن أميرها وجنودها في عنقهم بيعة لجماعة قاعدة الجهاد وأميرها الشيخ أسامة بن لادن (رحمه الله) ثم شخصي الضعيف». (2)

ب) وزارت و وزیر: در نظام خلافت اسلامی، وزارت عالی ترین نهاد اجرایی است که از دوره عباسی تأسیس گردید. در این نظریه، نهاد وزارت به دو قسم وزارت تفویض و وزارت تنفیذ تقسیم می شود.

در وزارت تفویض، خلیفه تمام یا بخشی از اختیارات خود را به وزیر واگذار می کند. اما وزارت تنفیذ کار ستادی انجام می دهد و در هیچ کاری اختیار تام ندارد و صرفاً مجری دستورهای خلیفه است. (3)

ص: 111

1- همان.

2- <http://www.almaqreze.net>

3- فیرحی، داود نظام سیاسی و دولت در اسلام، ص 105.

به علت اینکه گروه های تکفیری سابقه حکومت داری ندارند؛ بیشتر نظراتشان برگرفته از علمای قدیم به ویژه ابن تیمیه، ابن جماعه ابن قیم و ... می باشد و آرای آنان را در متون خود بازگو کرده اند.⁽¹⁾

با این حال، در امارت ها و دولت هایی که در افغانستان، سومالی و عراق تشکیل داده اند، وزارت هایی تأسیس کرده اند؛ از جمله در بیانیه مجلس شورای داعش بر تعیین شیخ مجاهد ابو عبدالله حسنی قرشی به عنوان وزیر اول و نائب خلیفه اشاره شده است و یا دولت داعش قبل از اعلان خلافت، ابو حمزه به عنوان وزیر جنگ منسوب شده بود.⁽²⁾

در خلافت داعش، برای هر ولایتی (مانند ولایت موصل، رقه، تکریت، دیرالزور و...) یک امیری از سوی خلیفه منسوب شده است که جانشین خلیفه در آن محسوب می شود و همه امور سیاسی نظامی امنیتی و شرعی را برعهده دارد.⁽³⁾

ص: 112

-
- 1- رک: سید قطب، معالم في الطريق؛ عبد السلام فرج، محمد الفريضة الغائبة، ص 1؛ الظواهری، ایمن فرسان تحت رایة النبی، ص 5-
 - 6؛ ابومصعب السوری، عمر عبد الحکیم، دعوہ المقاومہ الاسلامیہ، ص 793.
 - 2- ر.ک: ابو حمزه المهاجر، زاد المجاهد.
 - 3- مشرق نیوز «نگاهی به ساختار گروهک تروریستی داعش»، mashreghnews.ir

با عنایت به محوریت عقیده در ایدئولوژی سلفی تکفیری، یکی از وزارت هایی که در این دولت ها تشکیل شده، وزارت امور شرعی است که شامل بخش های قضایی و امر به معروف و نهی از منکر و ارشاد و جذب افراد به داعش و دعوت و پیگیری رسانه ای، اجرای احکام دینی می باشد. (1)

2. مرزهای قدرت: گروه های سلفی جهادی تکفیری به نمایندگی القاعده، عمده تمرکز خود را بر مفهوم امت اسلامی و دارالاسلام معطوف داشته اند. اساساً در ذات فکری گروه هایی همچون گروه هایی القاعده چیزی به عنوان تکثر در عرصه های مختلف جایگاهی ندارد؛ خواه این تکثر در عرصه ذهن و بیان باشد یا در صحنه دیانت یا دولت ملت مفاهیم به کار رفته در اعلامیه ها و مصاحبه های رهبران القاعده بیش از آنکه به ملت و قومیت تأکید کند، مفاهیمی کلی و عام نگرند و متأثر از مفهوم امت گرایانه، جهان اسلام و جمیع مسلمانان را خطاب قرار می دهند. (2)

دکتر عبدالله عزام درباره مرزهای قدرت، ضمن مبنا قراردادن عقیده، در تعریف این مرزها معتقد است: «اگر دار دارالاسلام باشد ولی بر

ص: 113

1- بیانیه دیوان القضاء، وب سایت جهاد علیه بنیاد سکولاریسم.

2- الأثری، أبوهمام بکر بن عبد العزیز، مد الأیادی لیبعة البغدادی، ص 1؛ ابو مصعب السوری، عمر عبد الحکیم، دعوة المقاومة الاسلامیه، ص 794-794.

آن مردمی مستولی شوند که شریعت الهی را تعطیل کرده و در آن قوانین دیگری که براساس هواهای بشری تدوین شده، اجرا گردد و یا ترکیبی از شریعت الهی با قوانین بشری به منصفه اجرا گذاشته شود، در این صورت این دار، دارالاسلام نخواهد بود... . جمهور فقها می گویند که این دارالحرب است و این نظر مالک و شافعی و احمد حنبل و دو شاگرد ابوحنیفه (امام محمد و امام ابویوسف) است؛ چراکه آنها معتقدند: این دار با اجرای احکام شرک در آن به دارالحرب تبدیل می شود، زیرا ظهور اسلام به واسطه احکامش است و زمانی که این احکام زائل شود، دارالاسلام باقی نمی ماند».(1)

عبدالسلام فرج، بنیانگذار جماعه الجهاد، با طرح این سؤال که آیا ما در دولت اسلامی زندگی می کنیم یا نه، در تبیین شرایط دولت اسلامی و دارالاسلام می نویسد: «از شروط دولت اسلامی سیطره احکام اسلامی است... . امام محمد و امام ابویوسف صاحبی ابوحنیفه فتوا داده اند که حکم دار تابع احکامی است که در آن سیطره دارد؛ لذا اگر احکامی که سیطره دارند احکام اسلامی باشند آن دارالاسلام است و اگر احکامی که سیطره دارند احکام کفر باشند دارالکفر می باشند».(2)

ص: 114

1- عزّام عبدالله، اعلان الجهاد، ص 5.

2- عبد السلام فرج، محمد الفریضه الغائبه، ص 5.

عبدالسلام فرج در ادامه با اشاره به فتوای ابن تیمیه، چنین نتیجه می‌گیرد که: «هر فرقه ای که از شریعتی از شرایع مبین و متواتر اسلام خارج شود، ائمه مسلمین اتفاق نظر دارند که قتال با او واجب است».(1)

1

رفاعی سرور، از متفکران سلفی، معتقد است: «إن حقيقة دولة الدعوة لا تتجلى إلا في التجربة الإسلامية؛ لأن دار الإسلام هي الدار التي تعلوها أحكام الإسلام، وعندما لا تعلوها أحكام الإسلام لا تكون إسلامية، وتصير خارج نطاق التجربة».(2)

3- شبکه قدرت: شبکه قدرت در رویکردهای جریان های تکفیری گرچه تا حدی شبیه نظریه خلافت قدیم نزد اهل سنت است، اما تفاوت های معتنا بهی نیز دارد؛ از جمله افراد جامعه در این نظام سیاسی به سه قسم تقسیم می‌شود. 1. مسلمانان، 2. غیر مسلمانان، 3. مرتدان یا منافقان و یا مشرکان نظیر شیعیان و سکولارها.(3)

برخی از رهبران این جریان و به طور خاص القاعده «مسلمانان» قسم اول از سه گروه جامعه را به پنج گروه تقسیم می‌کنند:

ص: 115

1- همان، ص 6.

2- سرور، رفاعی التصور السياسي للحركة الاسلامية، ص 95.

3- ر.ک: الطویل عبدالله، القاعده و خواهرانش؛ عبدالقدوس بدرالدین مناصره، دولة الخلافة الإسلامية وأبو بصير رضی الله عنه؛ ابومصعب السوري، عمر عبدالحکیم، دعوه المقاومة الاسلامية ص 628 و 964 و 985.

1. عامه: آنها اکثریتی ساکت و حاضر، اما در اصل غایب اند. اینها برای تبلیغات و بازی های سیاسی طعمه ای مناسب هستند.

2. علما و نخبگان.

3. اخوان: آنان دست به تجارت با خون شهدا زده و بزرگی خود را بر جمجمه های مخلصان بنا نهاده اند دست از سلاح و زره برداشته به جهاد جواب «نه» گفته... و دروغ بافته اند. دین آنها دورنگی است، پای بند اصول ثابتی نیستند و سخنانشان از پایگاه شریعت برخوردار نیست.

4. مجاهدان: آنها مخلصان اهل سنت و عصاره بهترین های این سرزمین هستند. در یک کلام می توان آنان را منتسب به اصل عقاید اهل سنت و مذهب سلفی دانست. این گروه با دو ویژگی زیر از مجاهدین مهاجر متمایز می شوند: اول، بیشتر آنها دچار فقر تجربه و مهارت، به خصوص در زمینه کار گروهی و سازمانی هستند... دوم، با آنکه مین ها، کاشته موشک ها شلیک و خمپاره ها پرتاب می شوند، آنها همچنان خواهان سلامت و بازگشت به آغوش همسران خود بدون کوچکترین خراشی هستند.

ص: 116

5. مجاهدان مهاجر (همان سلفیان رادیکال): آنان مسلمانان واقعی هستند که تعدادشان بسیار اندک است. (1)

براین اساس تنها گروه پنجم هستند که به عنوان حامیان فعال سیاسی در دولت فعال می باشند و به تعبیر دقیق تر اهل حل و عقد محسوب می شوند؛ لذا تنها این گروه در تعیین خلیفه داعش حضور داشتند

و معتقدند این همان رویه خلفای راشدین است. (2) اما مجاهدان نیز حامیان فعال به حساب می آیند و گروه عامه اهل سنت را به عنوان حامیان منفعل می توان برشمرد.

قسم سوم، یعنی مرتدان یا مشرکان که همان مسلمانان شیعه و سکولارها هستند، را نیز می توان از فعالان سیاسی به حساب آورد، اما در بُعد مخالف و معارض نظام دولت و خلافت تکفیری، چراکه ماهیت نظام سیاسی و رویکرد سیاسی دو گروه شیعه و سکولارها با نظام خلافت اختلاف بنیادی دارد و اینها در صدد تغییر این نظام می باشند. به همین علت نظام خلافت تکفیری به ویژه شیعیان را حتی به عنوان شهروندان معمولی نیز قبول نداشته و آنها را

ص: 117

1- الزرقاوی، ابو مصعب، کلمات مضیئه، ص 69.

2- رك: الأثری، ابوهمام بكر بن عبدالعزیز مدی الأیادی لبيعة البغدادي.

مهدورالدم می داند که باید به علت شرک شان کشته شوند. (1) به طوری که محمدبن عبدالوهاب در یکی از کتاب هایش بیش از 25 بار مسلمان غیروهابی (که عمدتاً ناظر بر شیعیان است) را مشرک، کافر، بت پرست، مرتد منکر توحید و ... خوانده است. (2)

در این میان، غیر مسلمانان و نیز زنان هیچ نقشی در این شبکه قدرت ندارند، همان طور که در عصر خلفای راشدین به عنوان الگوی آرمانی این جریان ها غیر مسلمانان و زنان در هیچ منصب سیاسی و حکومتی حضور نداشتند و اصولاً در آثار اهل سنت از گذشته تاکنون برای زنان نقشی قائل نشده اند به طوری که در گزاره «همه مردم مدینه از کوچک و بزرگ با خلفا بیعت می کردند»، هرگز زنان را جزء همه مردم الناس اهالی مدینه یا اهل حل و عقد یا صحابه قصد و اراده نکرده اند (رک، فیرحی، نظام سیاسی اسلام، ص 123)

ص: 118

1- رک الزرقاوی، ابو مصعب، کلمات مضییئه، ص 495؛ منبر التوحید و الجهاد، حکم الشیعه الروافض؛ موثقی، احمد جنبش های اسلامی معاصر، ص 161-170.

2- رک، موثقی، احمد جنبش های اسلامی معاصر، ص 161-170.

مراد از کارکردهای حکومت وظایف و کمکی است که فعالیت هر جزء و بخش از نظام خلافت، به فعالیت مجموعه و کل آن نظام سیاسی می‌کند. در کارکرد حکومت سه مفهوم اصلی را می‌توان مشاهده کرد: نهاد رهبری و تصمیم‌گیری، دامنه و گستره قدرت حکومت، و شیوه و جهت جریان قدرت.

1. رهبری و مرکز تصمیم‌گیری: نگاهی به آثار مکتوب و بیانیه‌های جریان‌های تکفیری مبین آن است که نقش اصلی در تصمیم‌گیری، رهبری و صدور دستورهای مختلف شخص «امیر» (در دولت یا امارت مانند طالبان و یا شبکه القاعده) یا «خلیفه» (در خلافت داعش) می‌باشد. نقش تصمیم‌گیری امیر بعضاً به حوزه خصوصی مانند ازدواج هم‌سرایت می‌کرد؛ نظیر نقش شگری مصطفی (رهبری و امیر جماعه المسلمین مشهور به التکفیر و الهجره) در تعیین شوهر یا همسر و نیز طلاق برای اعضای جامعه اسلامی در هجرت که در کوه‌های اطراف قاهره تشکیل داده بود.⁽¹⁾ در واقع جایگاه امیر یا خلیفه جایگاه خلیفه در اندیشه قدیم اهل سنت است به طوری که تمام قدرت در دستان امیر یا خلیفه متمرکز بوده و همه عزل و نصب‌ها از او سرچشمه می‌گیرد.

ص: 119

1- کوپل، ژیل پیامبر و فرعون، ص 97-99.

البته در کنار جایگاه امیر یا خلیفه، مجلس الشوری دولة العراق الاسلامیه یا شورای مجاهدین نیز نقش قابل توجهی در اتخاذ تصمیمات دارد از تعیین خلیفه یا امیر تا ارائه مشورت در انتخاب فرماندهان.⁽¹⁾ که به نظر می رسد گاهی به سمت نوعی نخبه گرایی سوق پیدا می کنند و قدرت مطلق در دستان خلیفه قرار نمی گیرد.

2. دامنه قدرت: ایدئولوژی جریانهای تکفیری نظیر القاعده بیشتر مصروف جهاد و تشکیل خلافت اسلامی شده است؛ لذا در این ایدئولوژی هیچ انسانی اعم از مسلمان و غیر مسلمان، اصالتی ندارد و اصالت با ایدئولوژی سلفی و حکومت است؛ یعنی خلافت اسلامی بر بنیاد شریعت استوار است و حکومت حالت ابزاری دارد.⁽²⁾ براین اساس، گستره قدرت حکومت بسیار فراگیر بوده و محدود به حوزه عمومی نمی باشد و حوزه خصوصی را نیز شامل می گردد، چراکه در این نظام اساساً میان حوزه عمومی و خصوصی تفکیک روشنی انجام نشده است.⁽³⁾

ص: 120

1- رك: الأثری، ابوهمام بكر بن عبدالعزیز، مد الأیادی لیبعة البغدادي، ص 6.

2- سرور، رفاعي التصور السياسي للحركة الاسلامیه، ص 65 و 88

3- ر.ك: همان؛ ابو معصب السوری، عمر عبدالحكيم، دعوه المقاومه الاسلامیه، ص 794-796؛ الظواهری، ایمن فرسان تحت رایة النبي ص 6.

از آثار و بیانیه های رهبران این جریان ها به دست می آید که حدود اختیارات خلیفه یا امیر در امور امت به صورت مطلق بوده و از حفظ دین، اجرای شریعت احکام قضایی، امنیت، حفظ ثغور، جهاد با معاندان و کافران تا جمع آوری مالیات و خراج و تعیین مقامات نظامی و اقتصادی و مذهبی را شامل می گردد. (1)

عبدالله عزام، از رهبران اولیه و از متفکران جریان تکفیری، ویژگی ها و حوزه اختیارات دولت اسلامی با استناد به ماوردی، ابن جماعه و ابویعلی فراء، ده مورد شمرده و می نویسد، اول، حفظ دین براساس اصولی که سلف امت در آن اجماع داشتند؛ دوم، اجرای احکام و اقامه عدل میان مردم و اجرای احکام؛ 3. سوم، ایجاد امنیت داخلی؛ 4. اقامه حدود تا محارم الهی از هتک مصون بمانند؛ 5. حفظ ثغور و امنیت خارجی؛ 6. جمع آوری فیء و صدقات و آنچه شرع واجب کرده است؛ 7. تقسیم بیت المال میان مستحقین؛ 9. تعیین مقامات؛ 10. اشراف بر امور و نظارت ولایی بر امور سیاسی و دینی. (2)

در میان برخی از گروه های این، جریان به ولایت امیر یا خلیفه در حوزه خصوصی تصریح و تاکید شده است؛ نظیر نقش شگری مصطفی (رهبر جماعت التکفیر و الهجره) در تعیین شوهر یا همسر

ص: 121

1- الزرقاوی، ابو مصعب کلمات مضیئه، ص 21-23.

2- عزام، عبدالله، اعلان الجهاد، ص 8.

و نیز طلاق برای اعضای جامعه اسلامی در هجرت،⁽¹⁾ و جهاد النکاح در میان گروه جبهه النصره و داعش که براساس صلاح‌دید امیر ولایت یا جهاد ازدواج‌ها و طلاق‌ها انجام می‌شود.⁽²⁾

3. جریان قدرت: همان‌طور که در نظریه‌های قدیم خلافت ذکر شده و در نظر و عمل جریان‌های تکفیری نیز مشاهده می‌گردد، حکومت نه به عنوان ابزاری برای تحقق اراده مؤمنان بلکه ابزاری برای اجرای شریعت و نظارت و کنترل اعمال مردم واجب شده است لذا مجرای رسمی‌ای برای ارزیابی تصمیمات حکومت و انتقال بازخوردها به مرکز تصمیم‌گیری توجیه‌پذیر نمی‌باشد.⁽³⁾

اصولاً این جریان‌ها سازوکارهایی چون انتخابات و رأی‌اکثریت و دموکراسی که همه در راستای اعمال اراده مردم می‌باشد، به شدت رد کرده و آن را کفر و ارتداد می‌دانند.⁽⁴⁾ عمر عبدالحکیم (ابومصعب السوری) درباره دموکراسی معتقد است: «یعتبر الجهاديون

ص: 122

1- کوپل، ژیل پیامبر و فرعون، ص 97-99.

2- مشرق نیوز، «نگاهی به ساختار گروهک تروریستی داعش»، mashreghnews.ir.

3- الطواهری، ایمن، فرسان تحت رایة النبی ص 231-232.

4- ابو مصعب السوری عمر عبدالحکیم، دعوہ المقاومہ الاسلامیہ، ص 794 و 1021 و 1078 - 1080؛ سرو، رفاعی، التصور السیاسی للحرکة الاسلامیہ، ص 88؛ الطرطوسی، ابوبصیر، دیمقراطیہ قدرہ.

الديمقراطية، فلسفة ونظاماً كفيرياً يتناقض مع دين الإسلام جملة وتفصيلاً.. همان طور كه ابوبصير طرطوسی از مفتیان سلفی تكفیری نیز می نویسد: «وكذلك الديمقراطية.. فتنه هذا العصر التي تُكرس ألوهية المخلوق وحاكميته.. وترد له خاصية الحكم والتشريع من دون الله.. وتُعلى إرادته وحكمه على إرادة وحكم الله تعالى.. هي كفر بواح ومروق من الدين، فمن اعتقد بها بمفهومها هذا، والمعمول به في بلاد الغرب وغيرها من الأمصار.. أو دعا إليها، أو حكم بها.. فهو كافر مرتد مهما زعم بلسانه أنه من المسلمين».(1)

سلفی تكفیری معتقدند تشكيلات و احزاب سیاسی چون به گسترش فعالیت عناصر غیردینی یاری می رسانند مورد تأیید اسلام نیستند و با آن به شدت مخالفت می کنند. همچنین آزادی عقیده از آنجا که می تواند به ارتداد و الحاد بینجامد باطل است و نیز آزادی بیان چون به ناسزاگویی به خدا و قوانین الهی میانجامد مورد تأیید نیست.(2)

ص: 123

1- الطرطوسی ابوبصیر، هذه عقیدتنا وهذا الذي ندعو إليه، ص2.

2- ابو معصب السوری، عمر عبدالحکیم، دعوہ المقاومه الاسلامیہ، ص 794 و 1021 و 1078 - 1080، سرور، رفاعی التصور السیاسی للحركة الاسلامیہ، ص 88؛ الطرطوسی، ابوبصیر، حکم الديمقراطية فی الاسلام؛ الزرقاوی، ابو مصعب کلمات مضیئه، ص 43.

براساس اندیشه رهبران فکری این جریان نظیر سید قطب و عبدالسلام فرج و الظواهری، اینان خواهان حرکت های انقلابی و اصلاح امور مسلمین به صورت جهادی و نه تدریجی هستند. آنان به طور معمول با رهبر (ولی امر) خود بیعت می کنند و عملاً نوعی خلیفه گری کوچ کشته را به نمایش می گذارند. (1) اوج این نوع رفتار را می توان در بیعت گروه های مختلف جهادی و تکفیری در سراسر جهان عرب با اسامه بن لادن رهبر سازمان القاعده، مشاهده کرد. (2)

تحزب و رقابت سیاسی: یکی از مباحث مهمی که در قالب حکومت و حکومتداری، اندیشه سیاسی گروه های اسلامگرای سلفی را به خود مشغول کرده، مسئله تحزب و کثرتگرایی در جامعه اسلامی در قالب حکومت اسلامی است. اساساً ذات و بن مایه دیدگاه های سلفی گرا چندان تفاهم و توافقی با حضور و نقش آفرینی احزاب در حکومت اسلامی ندارد.

گروه های سلفی جهادی تکفیری به طور خاص القاعده عمده تمرکز خود را بر مفهوم امت اسلامی و دارالاسلام معطوف داشته اند. اساساً در اندیشه

ص: 124

1- سید قطب، معالم في الطريق، ص 98؛ عبدالسلام فرج، محمد، الفريضة الغائبة، ص 32؛ الظواهری، ایمن فرسان تحت رایه النبی ص 231.

2- الطویل، عبدالله القاعده و خواهرانش، ص 403.

گروه‌هایی همچون القاعده مفهومی به عنوان تکثر جایگاهی ندارد؛ خواه این تکثر در عرصه ذهن و بیان باشد یا در صحنه دیانت یا دولت ملت. مفاهیم به کار رفته در اعلامیه‌ها و مصاحبه‌های رهبران القاعده بیش از آنکه به ملت و قومیت تأکید کند، مفاهیمی کلی و عام نگرند و متأثر از مفهوم امت گرایانه، جهان اسلام و جمیع مسلمانان را خطاب قرار می‌دهند.⁽¹⁾

این جریان‌ها نظام دموکراسی را رد کرده و آن را از مظاهر شرک قلمداد می‌کنند؛ چراکه دموکراسی بر اساس آزادی تشکیل گروه‌ها، احزاب سیاسی و نهادهای گوناگون با هر فکر و عقیده‌ای استوار است و این از نظر شرعی، بنابه برخی دلایل باطل است؛ از جمله اینکه احزاب و گروه‌ها با تمام عقاید و افکار شرک آمیزشان به راحتی به رسمیت شناخته می‌شوند و می‌توانند امور بیهوده و باطل را در کشور و میان بندگان رواج دهند این مسئله کاملاً با متون دینی مغایر است؛ زیرا امور کفرآمیز را باید انکار کرد و درصدد تغییر آن، برآمد نه اینکه به آن اعتراف کرد... بنابراین به رسمیت

ص: 125

1- سرور، رفاعی التصور السياسي للحركة الاسلامية، ص 88-89؛ ابو مصعب السوری، عمر عبدالحکیم، دعوه المقاومة الاسلامیه، ص 794 و 1021؛ الطرطوسی، ابوبصیر، الديمقراطية قذره.

شناختن احزاب کافر، به مثابه راضی بودن به کفر است، و رضایت دادن به کفر عین کفر است.... (1)

سید قطب به عنوان یکی از نظریه پردازان مهم سلفی، اساساً با مفهوم تحزب مخالف بود و سرشت حکومتی را که بر پایه انتخابات و تحزب بنا شده باشد، با روح اسلام و شرع مغایر می دانست.

گروه های جهادی و تکفیری از اساس مفهوم تحزب و کثرتگرایی را در جامعه اسلامی و حکومتداری رد می کنند. (2)

محمد عبدالسلام فرج در رساله «الفريضة الغايبة» می نویسد احکامی مسلمانان حاکم است احکام کفر (آمیز) و قوانینی است که امروز بر که کافران وضع کرده، (3) و از این رو وی و قاطبه سلفی های جهادی مفاهیمی همچون تحزب مسلمانان را بدان سوق داده اند را خلاف شرع می دانند و نفی می کنند و اساساً نمی توانند نفرت و انزجار خود را به این شیوه حکومتداری که بر پایه انتخابات و از طریق احزاب حاکمیت خدا را به مردم تفویض می کند، پنهان دارند. سلفی های جهادی و تکفیری و در رأس آنها سازمان القاعده با تفسیر خاصی که از دموکراسی و تکثر به دست دهند، آن را

ص: 126

1- الزرقاوی، ابو مصعب کلمات مضیئه، ص 5-7.

2- سید قطب معالم في الطريق، ص 6.

3- عبدالسلام محمد، الفريضة الغايبة، ص 5.

مطلقاً خلاف شرع می دانند و بدین داند و بدین علت با هر گونه تحزب و آزادی بیان به شدت مخالف اند. اساساً در نظام سیاسی مد نظر القاعده با توجه به آنکه نهاد خلافت مطلوبیت خاصی دارد و قوانین نیز توسط فقها و علمای سلفی با تأسی به احکام الهی تبیین و وضع می شوند دیگر مجالی برای طرح احزاب یا تکثر سیاسی یا عقیدتی باقی نمی ماند

نقش و جایگاه امت و ملت در اندیشه سلفی تکفیری: به تعبیر دقیق تر القاعده در میان نظام های سیاسی موجود به تأسی از امپراتوری های اموی و عباسی همچنان نظام موناشرشی (سلطنتی) را بهترین نظام حکومتی می داند و با توجه به ویژگی های ایدئولوژیک خود و نیز از آنجا که نتوانسته در جلب افکار عمومی مسلمانان موفق باشد با دموکراسی مخالفت می ورزد. البته تجربه تاریخی اسلام درباره دو خلیفه نخست و نیز تأکیدات قرآن مبنی بر مشورت و شورا باعث شده است تا نظریات الیتستی و نخبه گرایانه در آنها تقویت شود و جایگاهی نیز برای مشورت با اهل حل و عقد و نخبگان سلفی قائل شوند اما این شورا و مشورت هیچ گاه قابل تعمیم به عموم مردم و گروه های دیگر نیست. لذا ظواهری تأکید دارد «مجاهدین» نمی توانند با زور حکومت کنند یا مستقیماً قدرت را به دست گیرند. حکومت باید به اصل اسلامی شورا وفادار باشد و امر به معروف و نهی از منکر را به اجرا گذارد. همچنین باید

مبتنی بر نظر «اهل حل و عقد» باشد و نظر علما را به عنوان کارشناسان شریعت لحاظ کند.⁽¹⁾

در واقع، اسلامگرایان سلفی چندان اهمیتی به مفهوم ملت نمی دهند و همواره بر مفهوم امت در مقابل ملت گرایی و ملی گرایی تأکید می ورزند. سید قطب با مذمت ملی گرایی و ناسیونالیسم عربی، آن را مفهومی وارداتی و غربی می دانست که مخدوش کننده قوام امت اسلامی است. اساساً وی قومیت گرایی و ناسیونالیسم را نشانه هایی از جاهلیت تلقی می کرد. قطب با تأکید بر مفهوم امت اسلامی در برابر ملت و ملی گرایی ایدئولوژی و اساس مرام اسلامگرایان را در قبال این دست مفاهیم مشخص کرده است و عملاً تمام اسلامگرایان، سلفی از جمله اخوان المسلمین و سلفی های جهادی و تکفیری در عرصه نظر کمابیش با این دیدگاه موافقتند.⁽²⁾

جریان های تکفیری اساساً از آن حیث دموکراسی را ردّ می کنند که دموکراسی براساس اصل به رسمیت شناختن نظر «اکثریت» استوار است؛ یعنی هر چه را اکثریت بپذیرد، حتی کفر و باطل قبول می کند بنابراین دموکراسی «حقیقت» را «اکثریت» می داند که از منظر اسلام اصلی باطل است «حقیقت» از نگاه اسلام آن است که

ص: 128

1- الطواهری، ایمن فرسان تحت رایه النبی، ص 98 و 168.

2- کوپل، ژیل پیامبر و، فرعون، ص 53 و 76-82.

با کتاب و سنت سازگار باشد؛ خواه یاران آن کم باشند یا زیاد. لذا هر چه با کتاب و سنت مخالف باشد، باطل است. هرچند تمام دنیا با آن موافقت کنند. (1)

جمع بندی

جریان های سلفی تکفیری در بستر اندیشه اهل سنت نضج و نمو یافته، اما با عنایت به رویکرد آرمان خواهانه به خلافت راشده و تمرکز نظر و عمل خود بر خروج از وضع موجود و تحول آن به سلف صالح، در زمینه های اعتقادی، سیاسی و اجتماعی، فاصله هایی از اهل سنت گرفته اند که می تواند الگوی حکومتی آنها را متمایز نماید. الگوی حکومتی مورد نظر جریان سلفی تکفیری، در ساختار و کارکرد به شدت ریشه در گذشته و خلافت راشده دارد و حتی شیوه دست یابی به قدرت سیاسی نیز در جهاد و یا انتخاب اهل حل و عقد خلاصه شده و برخلاف الگوی حکومت در اندیشه اسلامی معاصر، در مبانی و چارچوب، از تمسک به

تجارب بشری جدید به شدت استنکاف می کند.

ص: 129

1- الزرقاوی ابو مصعب کلمات مضمیئه، ص 7-5.

برای بررسی مسئله الگوی حکومت در اندیشه سلفی تکفیری از مدل تحلیل سیستمی بهره بردیم. در این راستا، ابتدا سیری از تطور این جریان و نیز ضرورت و مشروعیت حکومت از دیدگاه آنها را تبیین کردیم و سپس در بخش ساختار مسائل عناصر قدرت مرزهای قدرت و شبکه قدرت، را مورد بررسی قرار دادیم و در بخش کارکرد، مرکز رهبری دامنه قدرت و جریان قدرت را بحث و تبیین نمودیم.

با عنایت به گذشته گرایی غلیظ در اندیشه تکفیری، خصائص و ویژگی ها و نیز ساختار و کارکرد نظام سیاسی موردنظرشان دارای وجود تمایزی است؛ از جمله: تأکید بر عناصر قدر تقدیم مانند خلیفه و وزیر، نفی مرزهای ملی و تقسیم عقیدتی جهان به دارالاسلام و دارالکفر، فرآیند قدرت تحدید روابط قدرت به مسلمانان و ... می باشد.

منابع

الف) کتابها:

نباتیان، محمد اسماعیل و مسعود معینی پور، 1393، تحلیلی بر جریان بعثی تکفیری داعش، گزارش راهبردی شماره 5، قم، مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام).

ص: 130

ابوقتاده فلسطيني، 1435ق، ثياب الخليفة، منبر التوحيد و الجهاد.

عبد الحلیم طارق، 1435ق، الخلافة بين السنة والعبثية، منبر التوحيد و الجهاد.

الظواهری، ایمن، رسالة الشيخ د. أيمن الظواهری وجوابه على المشايخ بشأن تنظيم «الدولة»، منبر التوحيد و الجهاد.

مشرق نيوز، «نگاهی به ساختار گروهک تروریستی داعش»، mashreghnews.ir

الطرطوسی، ابوبصیر، 1435ق، هذه عقیدتنا وهذا الذي ندعو إليه، منبر التوحيد و الجهاد.

مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، 1391 وهابیت سیاسی، تهران انتشارات اندیشه سازان نور

الخطیب، ضحی، 1428ق، ضوابط التكفير بين الامس و اليوم، با اشراف: كمال السيد، بيروت، دار البراق.

ابن تیمیه، الفتاوى الكبرى، 1435ق، باب الجهاد، سایت روح الاسلام.

ابوزبير، مختار، 1431ق، دوله الاسلام باقيه، بی جا، مؤسسة الكتاب.

ابوقتاده الفلسطيني، عمر محمود عثمان، بی تا، حکم الله تعالى في مبدلين لشريعته الرحمن منبر التوحيد و الجهاد.

ابوقتاده الفلسطيني، عمر محمود عثمان، بی تا، حکیم الحركه الاسلاميه الدكتور ايمن الظواهري، منبر التوحيد والجهاد.

الأثرى، ابوهمام بكر بن عبدالعزيز، 1435ق، مد الأيادي لبيعه البغدادي، بی جا، بی نا.

حسين بن محمود 1429ق مراحل التطور الفكري في حياه سيد قطب، دار الجبهه للنشر و التوزيع.

خدوري، مجيد، 1372، گرايش های سياسی در جهان عرب، ترجمه عبد الرحمن عالم، تهران: دفتر مطالعات سياسی و بين المللی.

زرقاوی، ابو مصعب، 1427ق، كلمات مضيئه، الكتاب الجامع لخطب و كلمات الشيخ المعتر بدينه، شبكه البراق الاسلاميه.

سرور، رفاعی، 1433ق التصور السياسي للحركه الاسلاميه، بی جا، النخبه الاعلام الجهادی، چاپ دوم،

سيد امام الشريف، عبد القادر عبد العزيز، العمدة في اعداد العدة للجهاد في سبيل الله.

الطراطوسی، ابوبصير ديمقراطيه قدره، منبر التوحيد والجهاد.

الطويل، عبدالله، 1391، القاعده و خواهرانش، ترجمه محمد علی پویشی و محمدرضا بلوردی، تهران، اندیشه سازان نور.

ظواهري، ايمن، 1423ق، الولاء والبراء؛ عقیده منقولہ و واقع مفقود، بی جا، بی نا.

الظواهري، ايمن، فرسان تحت رايه النبي، منبر التوحيد والجهاد.

عبدالحکیم عمر (ابومصعب السوری)، بی تا، دعوه المقاومه الاسلاميه العالميه، بی جا، بی نا.

عبد الحلیم، طارق 1435ق، الدوله الاسلاميه بين الواقع و الاوهام،

وب سایت د. طارق عبدالحلیم

www.tariqabdelhaleem.net

عزّام، عبدالله، بی تا، اعلان، الجهاد، بی جا منبر التوحید والجهاد.

عزّام عبدالله، بی تا، جهاد الشعب المسلم، بی جا، منبر التوحید والجهاد.

عزّام، عبدالله، بی تا، خضم المعرکه، بی جا، منبر التوحید والجهاد.

عطوان، کمیل، 1391، سازمان سری القاعده، تهران، اندیشه سازان نور.

علیزاده موسوی، سید مهدی، 1393، تبارشناسی سلفی گری و وهابیت، قم، آوای منجی، چاپ ششم.

عنایت، حمید، 1363، سیری در اندیشه سیاسی عرب، تهران: امیر کبیر.

عنایت، حمید، 1372، اندیشه سیاسی اسلام معاصر، تهران: خوارزمی

الفوزان، صالح بن فوزان، الولاء والبراء فی الاسلام، مرکز البحث العلمی و جمعیه دار الكتاب والسنة لواء غزّة - فلسطین.

فیرحی، داود، 1382، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران، سمت.

قطب، سید 1435ق، معالم في الطريق، بی جا، منبر التوحید و الجهاد.

کرمی چرمه، کامران، 1393، سلفی گری و خاورمیانه عربی، تهران، خبرگزاری فارس.

کوپل، ژیل، 1382، پیامبر و فرعون، ترجمه حمید احمدی، تهران: کیهان.

موثقی، احمد، 1389، جنبش های اسلامی معاصر، تهران: سمت.

(ب) مقالات:

افشار، حسام، «کالبدشکافی تفکر وهابیت و القاعده»، بانک مقالات جهان اسلام.

جوکار، محمد صادق، 1386، «چیستی نو بنیادگرایی اسلامی»، وب سایت باشگاه اندیشه.

(ج) اینترنت:

<http://www.jameataleman.org>

<http://www.alboraq.info>

<http://www.nadyelfikr.com>

<http://www.tawhed.ws>

<http://www.almaqdese.com>

<http://www.alsunnah.info>

* مختار شیخ حسینی (1)

مقدمه

کشور عراق به دلیل اکثریت جمعیتی شیعه و تأثیرگذاری در سطح منطقه، از اهمیت بالایی برخوردار است. به قدرت رسیدن شیعیان بعد از سال 2005 براساس قانون اساسی عراق و جهت گیری های این کشور در راستای تقویت جبهه مقاومت در منطقه، بسیاری از کشورهای منطقه را به فکر ناامن سازی این کشور انداخته است.

حمله آمریکا به عراق در سال 2003 و سقوط نظام دیکتاتوری صدام، سامان سیاسی این کشور را وارد مرحله ای انتقالی کرد که در نتیجه آن، ساختارهای دیکتاتوری از بین رفته، گذار به دموکراسی آغاز شد. تصویب قانون اساسی در سال 2005 نیز سامان سیاسی جدیدی را برای این کشور پیش بینی کرده است که مهمترین ویژگی آن، مردم سالاری است.

ص: 135

در سطح داخلی بسیاری از اعراب سنی، روند دموکراتیک در عراق را به معنای سلطه شیعیان تفسیر کرده، قواعد بازی دموکراتیک را نپذیرفتند. جلوگیری از تبدیل عراق به یک دولت الگویی دموکراتیک در بین کشورهای عربی، دولت های موروثی در این کشورها را به فکر تضعیف عراق و ناکارآمد جلوه دادن مردم سالاری سوق داد. از آغاز تأسیس عراق، بیش از 96 درصد از سران حکومت را اعراب اهل سنت در اختیار داشته اند؛ در حالی که حداکثر 24 درصد جمعیت این کشور را در اختیار دارند. شکاف های قومی - مذهبی، مهم ترین چالش فرهنگ سیاسی عراق بوده است که زمینه های تضعیف حکومت را در این کشور فراهم کرده است. در سطح داخلی مشکلاتی مانند شکاف های عمیق قومی - مذهبی، فساد اداری، وضعیت بد اقتصادی، ضعف ارتش، شکل گیری گروه های تروریستی و... موانع مهمی در برابر شکل گیری یک دولت قوی است. به لحاظ خارجی نیز حضور نظامی ایالات متحده، نفوذ کشورهای منطقه و دخالت آنها در روند جریان دولت سازی این کشور را با بحرانی جدی روبه رو کرده بود.

مجموعه این عوامل داخلی و خارجی مهم، زمینه های شکل گیری، رشد و فعالیت تروریسم و گروه های تکفیری را در کشور عراق فراهم کرده است.

رشد و گسترش جریان بعثی - تکفیری داعش در عراق هر چند بسیاری از کارشناسان را غافلگیر کرد اما تحلیل شرایط عراق جدید نشان می دهد در گسترش و رشد جریان های تکفیری و تروریستی در این کشور شرایط جامعه شناختی عراق نقش مهمی داشته است که در این فصل به آن پرداخته می شود.

بررسی اجمالی اهمیت عراق

کشور عراق با بررسی جغرافیا و ساکنانش شناخته می شود. این سرزمین در زمان های گذشته به نام «بین النهرین» معروف بوده که علت این نام گذاری، قرار گرفتن این منطقه بین دو رود دجله و فرات بیان شده است. این کشور که در حال حاضر حدود 26 میلیون نفر جمعیت دارد. با کشورهای، سوریه اردن، ترکیه، عربستان و ایران مرز مشترک دارد. آب و هوای منطقه شمالی عراق، سرد و شغل اصلی مردم آن کشاورزی است حدود یک ششم از مردم عراق در این منطقه زندگی می کنند که بیشتر آنها کردهای سنی مذهب هستند.

مرکز عراق بر خلاف منطقه شمالی، دارای آب و هوای گرم و خشک است و تعداد زیادی از ساکنان آن را سنی مذهبانی تشکیل داده اند که در شهرها و مکان های نزدیک به دو رود دجله و فرات به زراعت مشغول هستند. بیشتر ساکنان منطقه جنوبی عراق با

مرکزیت بصره، شیعه مذهب هستند که به دلیل هم جواری و هماهنگی مذهبی با ایران ارتباطات نزدیکی با این کشور برقرار کرده اند. جمعیت این منطقه از عراق، به پانزده میلیون نفر می رسد.

منطقه غربی عراق، از صحرا و کویر، پوشیده شده که به دلیل خشکی آب و هوا خالی از سکنه و زراعت است. این صحرا از یک سو به کشور اردن و سوریه و از سوی دیگر به کشور عربستان منتهی می شود. (ماکفرن، 2006: 34)

به لحاظ قومیتی نیز تقریباً از بغداد به سمت جنوب، محدوده سکونت شیعیان است. اگر از بغداد یک خط مستقیم به سمت شمال رسم شود، در بخش غربی اعراب سنی و در بخش شرقی، کردها سکونت دارد. دولت عراق در سال 1921 توسط بریتانیا و از پیوستن سه ایالت تابعه امپراتوری عثمانی یعنی بصره، بغداد و موصل شکل گرفت. این سه ایالت، زیر نظر دولت عثمانی، دارای قانون و شیوه اداری خاص خود بودند. در حال حاضر هشتاد درصد از مردم عراق به زبان عربی و بیست درصد به زبان کردی صحبت می کنند. (همان 2006: 38)

حدود 58 تا 65 درصد از جمعیت این کشور را شیعیان و حدود 17 تا 20 درصد را اعراب سنی تشکیل می دهند (الهاشمی، محمد صادق، 2013: 20)

این کشور مهد یکی از تمدن های بزرگ خاورمیانه است که در

ششصد سال قبل از میلاد مسیح، افراد زیادی به دلیل وجود سرسبزی و آب فراوان، در بین النهرین ساکن شدند. طبیعت بی نظیر و وجود رودخانه ها زمینه های شکل گیری اولین آثار سکونت و تمدن را در سومر (جنوب بین النهرین) به وجود آورد. در دوره حکومت سومریان، عراق با مرکزیت بابل، تمدنی بسیار مهم به شمار می رفت که توسط کورش، امپراتور ایران سقوط کرد. (مریجی، 1387: 24)

تاریخ سیاسی عراق به وجود آمدن دولت های زیادی را در این کشور شاهد بوده است. عراق در برهه ای از زمان، جزئی از قلمرو ساسانیان ایران بوده که توسط یک حاکم عرب، اداره می شد. با ورود اسلام به این سرزمین، تعداد زیادی از اعراب عشایر به این منطقه کوچ کردند. در دوره حکومت حضرت علی و نیز امویان و

عباسیان این کشور مرکز خلافت اسلامی قرار گرفت. با روی کار آمدن دولت عثمانی نیز عراق بخشی از این دولت محسوب شد.

رقابت بین دو دولت عثمانی و بریتانیا بستر ورود انگلستان به صحنه سیاسی عراق و تلاش این کشور برای تحت الحمایه کردن را فراهم کرد. عدم توجه انگلستان به ویژگی های جامعه شناختی این سرزمین، انقلاب مردم و علما را علما را به رهبری آیت الله محمدتقی شیرازی بر ضد دولت انگلیس در سال 1920 رقم زد.

(سعد 2009: 188) با شکست انقلاب مردمی عراق، انگلیس به حمایت از دولت های سلطنتی حامی منافع اهل سنت در این کشور پرداخت و زمینه اختلافات زیادی را فراهم ساخت.

با روی کار آمدن حزب بعث در عراق و ایجاد یک سامان سیاسی بسته و خفقان آمیز براساس آموزه های حزبی و دیکتاتوری صدام حسین، پایه های پیدایش یک دولت مدرن در این کشور، شکل نگرفت و تاریخ سیاسی آن نیز همواره با کودتاهای پی در پی و حکومت های دیکتاتوری شخص محور همراه بوده است. این کشور از لحاظ جغرافیایی در منطقه حساس خاورمیانه قرار دارد و از یک موقعیت استراتژیک برخوردار است. به همین جهت وقوع هر حادثه ای در این کشور بازیگران منطقه ای و حتی بین المللی را متأثر می کند. پس از سال 2003 و با حمله آمریکا، این کشور وارد مرحله جدیدی شد که بازیگران منطقه ای مانند، ایران، عربستان و ترکیه به دلیل منافع ملی خود، نسبت به آینده آن حساس هستند. بنابراین ویژگی های قومی - مذهبی داخلی و نیز موقعیت جغرافیایی عراق، حوادث این کشور را با همسایگان و بازیگران بین المللی دخیل در آن گره زده است.

ص: 140

با سقوط رژیم بعث توسط ایالات متحده در سال 2003، عراق وارد مرحله جدیدی شد که در ابتدا ژنرال بازنشسته ارتش آمریکا، «جی گارنر» و بعد از او «پل بریمر» اداره امور این کشور را بر عهده گرفتند. با منحل شدن ارتش و نهادهای سیاسی زمان صدام حسین، آمریکا با تشکیل شورای حکومت انتقالی، فعالیت هایی را برای تأسیس دولت و ساختارهای جدید عراق، انجام داد. هدف اصلی آمریکا از حضور مستقیم در روند شکل گیری دولت عراق، این بوده است که سیستم سیاسی را به گونه ای طراحی کند که منافع آنها در این کشور تأمین شود. هاس (2010: 257) با تصویب قانون اساسی جدید در سال 2005، هرچند یک دولت مردمی، سکان اداره عراق را به دست گرفت؛ اما شکاف های قومی - مذهبی و زمینه های اجتماعی و تاریخی، شرایطی را به وجود آورده است که این کشور از نفوذ حاکمیتی کافی برای اداره امور برخوردار نیست. حملات انتحاری و انفجارهای متعدد در سال های اخیر، عراق را به یک کشور ناامن تبدیل کرده است.

با حمله ایالات متحده به عراق در سال 2003م، ساختارهای سیاسی و تمام نهادهای سیاسی - اجتماعی شکل گرفته براساس ایدئولوژی حزب بعث، از بین رفت و عراق وارد مرحله جدیدی شد. گذار به

دموکراسی در عراق از سال 2003، آغاز و با تدوین قانون اساسی در سال 2005 م و برگزاری انتخابات متعدد براساس آرای مستقیم مردم، به سطح قابل قبولی از مشارکت سیاسی منجر شد. بسیاری از بحران های عراق از جمله بحران مشروعیت، مشارکت، توزیع و نفوذ، یا حل شد یا در مسیر اصلاح قرار گرفت؛ اما شکل گیری یک هویت واحد براساس درک جمعی، در این کشور ناکام مانده است.

هرچند بحران هویت مهم ترین چالش درونی عراق جدید محسوب می شود؛ اما در کنار این عامل متغیرهایی مانند ضعف دولت، طایفه گرایی، نفوذ بیگانگان، نقش عشایر و... زمینه های حرکت این کشور به سمت چالش های امنیتی را فراهم کرده است.

در این مقاله، زمینه های رشد تروریسم در عراق با تمرکز بر شرایط جامعه شناختی بررسی می شود.

1. بحران هویت

اصطلاح «بحران هویت» از دو کلمه بحران و هویت ترکیب شده است. بحران (Crisis) از ریشه یونانی و به معنای قضاوت و لحظه حساس است؛ همچنین به حالت و فرایندی اطلاق می گردد که در آن تعادل ناپدید می شود و از انتقالی نسبتاً اجتناب ناپذیر به سوی شرایط و اوضاعی دیگر خبر می دهد. (بیرو 1370: 73) از منظر سیستمی نیز بحران به وضعیتی اطلاق می شود که نظم سیستم اصلی

یا قسمتهایی از آن (سیستم فرعی) را مختل کرده، پایداری آن را بر هم زند. (تاجیک، 1379: 61) «هویت» نیز کلمه ای عربی است که از پیوستن «هو» ضمیر منفصل مفرد مذکر غایب و «ال تعریف» به وجود آمده است که به معنای «اتحاد با ذات» به کار می رود. (المنجد فی الغه، 1986، 878) «هویت» در اصطلاح، عبارت از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، مجموع روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان است که به رسایی و روانی بر ماهیت و ذات گروه؛ یعنی یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر، دلالت کند و آنها را در یک ظرف زمانی و مکانی معین به طور مشخص قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه ها و افراد آن متمایز سازد (الطائی 1378: 139) هرچه یک گروه از شباهت های بیشتر و نزدیک تری برخوردار باشد حالت یگانگی، بیشتر خواهد بود. در تعریف «هویت» حداقل از سه علم کمک گرفته می شود: 1. حوزه جامعه و گروه های تشکیل دهنده آن که علم جامعه شناسی به این موضوع می پردازد؛

2. احساسات افراد که در علم روانشناسی مورد بررسی قرار می گیرد؛

3. فرد در درون گروه که روانشناسی اجتماعی از آن صحبت می کند (الطائی 1378: 141 - 140)

«لوسین دبلیوپای» بحران های سیاسی را به پنج دسته تقسیم می کند: هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ و توزیع. (سیف زاده، 1386: 173) «بحران هویت» زمانی رخ می دهد که یک جامعه دریابد آن چه را که تاکنون بدون چون و چرا به عنوان خود جمعی اش پذیرفته است در شرایط تاریخی جدید دیگر قابل پذیرش نیست. برای این که نظام سیاسی براساس تغییر در قلمرو، شدت و اشکال ساختاری یا رویدادی، به سطح جدیدی از عملکرد دست یابد، ضروری است که مشارکت کنندگان در نظام را از نو تعریف کند؛ این که چه کسانی هستند و چگونه با دیگر نظام های سیاسی یا اجتماعی تفاوت دارند.

بحران هویت چهار شکل اصلی دارد:

1. احساسات مربوط به سرزمین و روابط فضای جغرافیایی با احساسات ناسیونالیستی ارتباط می یابد؛
2. زمانی که ساختار اجتماعی و به ویژه تقسیمات طبقاتی، چنان گسترش یابد که مانع وحدت ملی گردد؛
3. تعارض بین هویت های فراملی و تعهد به یک هویت ملی مشترک؛

ص: 144

4. آخرین شکل از بحران هویت در اثر پیامدهای روانشناسانه تغییر سریع اجتماعی و احساسات دوگانه نسبت به بیگانگان ایجاد می شود (پای، 1380: 171 - 172)

هویت ها را نمی توان به شکل ماهوی؛ یعنی جدا از بستر اجتماعی آنها تعریف کرد؛ آنها ذاتاً اموری رابطه ای هستند و باید به عنوان مجموعه ای از معانی تلقی شوند که یک کنش گر نیز بتواند با در نظر گرفتن چشم انداز دیگران به عنوان یک ابژه اجتماعی، آن را به خود نسبت دهد. هویت های اجتماعی برداشت های خاصی را از خود در رابطه با سایر کنشگران نشان می دهد (مشیرزاده، 1386: 332)

بسیاری از دولت ها؛ به ویژه کشورهای جهان سوم، با مشکل شکل نگرفتن هویت جمعی در قلمرو سیاسی خود مواجه هستند. تکوین یک شعور مشترک بین اعضای این دولت ها که به واسطه آن بتوانند خود را از دولت های دیگر تمییز دهند، به تأخیر افتاده است.

شکل نگرفتن هویت جمعی برای سامان سیاسی دولت ها به حدی است که از آن به عنوان یکی از مهمترین زمینه های ایجاد بحران یاد می شود. مهم ترین عامل داخلی مؤثر بر روند دولت سازی در عراق که آن را به شدت تحت تأثیر قرار داده «بحران هویت» است.

وجود بحران هویت در یک کشور، اجماع نخبگان را غیر ممکن می سازد که در نتیجه آن، تعریف روشن و واحدی از منافع ملی

شکل نمی‌گیرد و اولویت‌های قومی و مذهبی نیز از منافع پیشی می‌گیرد. کشور عراق از زمان شکل‌گیری تا به امروز، از جمله کشورهایی است که با این مشکل، دست و پنجه نرم می‌کند. ساختار سیاسی و واقعیات اجتماعی، این کشور را به سمتی سوق داده است که چه در زمان دولت‌های پادشاهی چه در حکومت‌های دیکتاتوری و حتی در سیستم دموکراتیک امروزی عراق، این مشکل یکی از زمینه‌های بحران‌زا به‌شمار می‌رود دولت‌های سلطنتی که اغلب براساس تأمین منافع اهل سنت کشور عراق را اداره می‌کردند، زمینه‌های بروز اختلافات را در این کشور به وجود آوردند. با شکل‌گیری حکومت‌های، کودتایی به تدریج اختلافات شیعه و سنی به مقابله حکومت مرکزی با کردها نیز کشیده شد. مقابله با ترکمن‌ها و مسیحیان در برهه‌ای از تاریخ این کشور، معادلات قومی - مذهبی را به شکل پیچیده‌ای رقم زد.

فرهنگ حاکم بر عراق را میتوان فرهنگی «محلی» قلمداد کرد که نبود حس شهروندی در آن، فرهنگ برجسته است. (Heywood 2002:200 شکل نگرفتن احساس واحد جمعی در بین گروه‌های مختلف، عراق زمینه‌های زیادی دارد که در برابر ایجاد یک هویت واحد، مانع شده و در نهایت این کشور را با بحران هویت روبه‌رو کرده است.

روش حکومت های استبدادی هماهنگ کردن جامعه با ایدئولوژی مورد نظر خود است؛ به گونه ای که در این راه از به کار گرفتن خشونت و حذف گروه های قومی - مذهبی نیز هیچ ابایی ندارند.

آنها تلاش می کنند با کاربرد خشونت و عدم توجه به واقعیات جامعه، یک هویت واحدی را تشکیل دهند و از هویت های فرعی موجود در جامعه، چشم پوشی کنند و در صورت مقاومت، به سرکوب آن نیز می پردازند. هویت فرعی در حکومت های استبدادی؛ حتی در صورت پوشش دادن بیشتر افراد جامعه مورد توجه قرار نمی گیرد.

دولت های عراق که بر توده های عظیم مذهبی حکومت می کردند، نه تنها مشروعیت مذهبی نداشتند؛ بلکه با مشارکت ندادن مردم، از مشروعیت سیاسی نیز برخوردار نبودند (خرمشاد، 1390: 169) حتی در زمانی که عراق توسط امپراتوری عثمانی اداره می گردید، به واقعیت این جامعه توجه نشد و حاکمان به نمایندگی از طرف خلیفه سنی مذهب عثمانی بر این کشور حکومت می کردند و دیگر گروه ها در شکل گیری هویت ملی نقشی نداشتند. بعد از به دست آوردن استقلال نیز استعمار انگلستان و پس از آن حکومت های کودتایی پی در پی در عراق به نفع ایدئولوژی طبقه مسلط عمل کرده و با مشارکت ندادن تمام جامعه مانع از به وجود آمدن یک حس جمعی واحد در این کشور شده است.

عامل مهمی که در شکل‌گیری هویت ملی یک کشور نقشی اساسی برعهده دارد، جایگاه نخبگان در هدایت جامعه به سوی ایجاد احساس جمعی در قالب یک ملت است. اساسی‌ترین نقش نخبگان سیاسی در پویا و نهادینگی سیاسی و بسط حوزه سیاست، مشروعیت بخشیدن به ارزش‌ها و نهادهای جدیدی است که اصول و مبانی همکاری و هم‌زیستی عمومی را تبیین می‌کنند و به پویا سیاسی، خصلتی ملی - اخلاقی می‌بخشند (ازغندی، 1379: 20) این نخبگان فعال در مسیر شکل‌دادن به هم‌زیستی عمومی، گاهی به عنوان نخبه فکری و گاه در نقش نخبه ابزاری عمل می‌کنند؛ به گونه‌ای که پیوند این دو گروه از نخبگان در شکل‌گیری یک اجماع درونی، نقشی اساسی دارد. در تاریخ سیاسی عراق، بین نخبگان درون قدرت و خارج از قدرت اعم از ابزاری و فکری، این اجماع به وجود نیامده است تا براساس آن به جهت‌دهی جامعه پرداخته شود.

مهم‌ترین دلیل اختلاف نخبگان در عراق تبعیت از ایدئولوژی‌های متفاوت است؛ عده‌ای از نخبگان، خواهان ایدئولوژی غربی و عده دیگری پیرو ایدئولوژی، مذهبی ملی و حتی دینی هستند. همین اختلاف در گزینش ایدئولوژی مانع از شکل‌گیری یک روح جمعی در این کشور و حول محور دولت ملی عراق شده است.

(سلیم 2002: 43) به عنوان نمونه، اجرای دیکتاتوری در دوره صدام حسین از چهار طریق و براساس سلسله مراتب اعمال می شده است: حاکمیت شخص رئیس جمهور بر حزب بعث، حزب بعث بر اقلیت سنی اعراب سنی بر شیعیان و کردها که عمدتاً خود را در توزیع اقتدار آمیز ارزش ها و مواهب جامعه باز تولید می کردند. رسمی سازی هویت عربی به عنوان هویت واحد در عراق از طریق پاک سازی قومی شیعیان و کردها، سلب تابعیت عراقی، اسکان اعراب سنی در مناطق حساس مانند کرکوک، سرکوب حوزه های علمیه شیعه توسط حزب بعث و با امنیتی کردن جامعه به وسیله دستگاه های امنیتی و ارتش صورت می پذیرفت. علاوه بر آن که ترکیب قومیتی این دستگاهها و سازمانها نیز به طور غالب و معمول شامل قبایل و طایفه های سنی مذهب از جمله دلیمی ها می شد. (al-marashi 2002: 57) تاریخ سیاسی عراق از زمان شکل گیری تا امروزه شاهد «بحران هویت» در این کشور بوده است و دولت های شکل گرفته در هر زمان نیز به دلیل وابستگی های قومی و مذهبی نتوانسته یا نخواسته اند به حل این مشکل پردازند و با محروم ماندن گروه های زیادی از منافع قدرت در این کشور، این مشکل به تدریج پیچیده تر و حل آن سخت تر شده است. گذار به دموکراسی در این کشور نیز نتوانسته است عراقی ها را به سوی یک

عامل وحدت آفرین سوق دهد. عدم وجود یک عامل متحد کننده، زمینه مناسبی را برای گروه های تروریستی مهیا کرده است تا با خروج از حاکمیت، منافع قومی و گروهی را بر منافع ملی ترجیح دهند و زمینه بحران را در چنین کشوری فراهم کنند.

2. عدم شکل گیری دولت قوی

دولت عراق بر پایه های سست و شکننده ای بنا شده است؛ به طوری که در زمان استقلال این کشور، حدود 53 درصد از جمعیت، شیعه 21 درصد اعراب سنی، 14 درصد کرد و 12 درصد مسیحی و ترکمن و یهودی بودند (Dodge 2005:44) مهم ترین اولویت گروه ها نیز قومیت گرایی بوده و منافع ملی در درجه اولویت های اول افراد قرار نداشت.

اگر بر تاریخ پر از فراز و نشیب عراق مروری داشته باشیم، در می یابیم که عراق کشوری بسیار پرتنش و سرزمین منازعات خون بار بوده است با فروپاشی امپراتوری عثمانی، اتفاقات زیادی در عراق به وقوع پیوست؛ از جمله شورش مردم عراق بر ضد انگلیس در سال 1921، کشتار آشوری ها در سال 1933، سرکوب کردها در سال 1936 توسط ژنرال بکر صدقی، کودتای نظامی بکر صدقی در سال 1937، کودتای رشید علی در سال 1941، کودتای قاسم در سال 1958 کودتا بر ضد قاسم توسط حزب بعث

در سال 1963، برکناری حزب بعث توسط عبدالسلام عارف در سال 1963، کشته شدن عارف در تصادف هوایی و جانشینی برادرش عبدالسلام عارف در سال 1966 کودتای دوم بعثی ها توسط احمد حسن البکر در سال 1968 حمله به ایران از سال 1980 تا 1988 حمله به کویت در سال 1990 حمله آمریکا و متحدانش برای آزادسازی کویت در سال 1991 شورش کردها در منطقه شمال و انتفاضه شیعیان در منطقه جنوب در سال 1991، جنگ داخلی بین دو حزب اصلی کرد یعنی حزب دموکرات کردستان و اتحاد میهنی کردستان در سال 1994 جنگ دوم آمریکا برضد عراق در سال 2003 تنها بخشی از اتفاقات نود ساله دولت در عراق بوده است.

عراق در منطقه خاورمیانه، اولین کشوری است که شاهد کودتای نظامی بوده و در طول سی سال حکومت حزب بعث، بیش از دوازده سال را در تحریم به سر برده است زندگی، (6: 1389) وجود ریشه های فرهنگی و سنتی در جامعه عراق، باعث تشکیل دولت های ضعیفی شده که با مدل دولت های اروپایی قابل مقایسه نیست. (zubaida, 1989: 136)

با توجه به سابقه حزب بعث در کشور عراق و تأسیس یک سامان سیاسی بسته و خفقان آمیز براساس آموزه های حزبی و کاریزمایی

صدام حسین، پایه های ایجاد یک دولت مدرن در عراق، شکل نگرفته و تاریخ سیاسی این کشور نیز شاهد کودتاهای پی در پی و حکومت های دیکتاتوری شخص محور بوده است. (Rear 2008:39) در مسیر دست یابی چنین کشوری به یک دولت مدرن، چالش هایی اساسی وجود دارد اولین مشکل، اشغالی بودن این کشور است؛ عراقی ها به رغم برخورداری از تجربه حکومت های دیکتاتوری با حضور دولت اشغالگر کنار نیامده اند. در سابقه تاریخی آنها نیز مبارزه با استعمار انگلستان وجود دارد و با توجه به فزونی مسلمانان در این کشور وجود اشغالگران خارجی، قابل پذیرش نخواهد بود دولتی که قادر به بیرون کردن اشغالگران از کشور خود نباشد، از جمع کردن افراد مجتمعات و گروه های مختلف داخلی با محوریت یک، قانون ناتوان است. جدایی این علایق اجتماعی به مبادله دولت و فرد نخواهد انجامید. (بادی، 1997:77)

یکی از پیامدهای وجود اشغالگران در کشور عراق، عدم تمیز بین حکومت و دولت است حریق (2001:169) در چنین کشوری امکان فساد مالی، فراهم و روابط پنهانی قدرت و ثروت، تعیین کننده ترین ضابطه است و در قراردادهای مهم اقتصادی این دولت ها، رد پای اشغالگران مشاهده می شود. هرچند که به لحاظ

ظاهری در پایان سال 2011 نظامیان آمریکایی کشور عراق را ترک کردند؛ اما زمینه های نفوذ آمریکا و برخی از قدرت های منطقه ای مانند عربستان و ترکیه در این کشور مقدمات تضعیف دولت مرکزی را فراهم آورده است.

دولت عراق پس از سال 2003 نیز به دلیل دخالت آمریکا و اختلافات درونی از انسجامی برخوردار نبوده است. این دولت با توجه به فشارهای فزاینده داخلی و بین المللی بر آمریکا، «جورج بوش» را مجبور کرد تا در قالب یک طرح، روند سیاسی انتقال قدرت را با توافق «پل برمر»، حاکم آمریکایی و «جلال طالبانی»، رئیس وقت دوره ای شورای حاکم عراق، اعلام کند که بر پنج مرحله استوار بود:

شورای حکومتی با مشورت، آمریکا پیش نویس منشور حقوق اساسی عراق که حقوق همه مردم این کشور را تأمین کند، تنظیم خواهد کرد همچنین ساختارهای اداری و حکومتی دولت آینده عراق نیز در این مرحله تدوین خواهد شد؛

*شورای حکومتی، یک قرارداد امنیتی برای تأمین امنیت مردم عراق، با آمریکا امضا خواهد کرد؛

*عراقی ها با مشورت و نظارت آمریکا بر اساس تناسبات منطقه ای مجمع ملی انتقالی را انتخاب می کنند؛

مجمع ملی انتقالی به احتمال زیاد یک رئیس جمهور موقت انتخاب و حاکمیت ملی عراق را به وی اعطا می کند و همچنین عمومی هیئتی که «پل بر مر» ریاست آن را برعهده دارد، منحل می شود؛

* دولت انتقالی، نمایندگان تدوین قانون اساسی را با رأی گیری انتخاب می کند. این نمایندگان قانون اساسی را تدوین و انتخابات مقامات و نمایندگان مجلس عراق را براساس قانون اساسی تدوین شده برگزار خواهند نمود (برنا بلداجی، 1383: 84) تمام این مراحل اختلافات درون گروهی دولت های موقت و دائم عراق را با چالش های زیادی مواجه کرده است با وجود تصویب قانون اساسی و شکل گیری قوه مجریه به عنوان مهمترین رکن یک دولت قوی این مسئله در عراق همچنان باقی است.

بر اساس قانون اساسی سال 2005 که پاسخ مثبت به آن تا اندازه ای مشروعیت را برای عراق به ارمغان آورد (Zunes, 2007: 16)، قوه مجریه از یک رئیس جمهور، نخست وزیر و هیئت دولت تشکیل می شود رئیس جمهور وظایف تشریفات را به عهده دارد. نخست وزیر اعضای کابینه خود را معرفی می کند. وزیران مسئولیت اجرای سیاست های کلی دولت پیشنهاد قانون و بودجه ارائه راهکار و نظارت بر آژانس های امنیت ملی را برعهده دارند.

در آوریل سال 2005، اعضای دولت موقت عبارت بودند از ابراهیم جعفری (شیعه) نخست وزیر، جلال طالبانی (کرد) رئیس جمهور، حکیم حسنی (سنی) رئیس مجلس ملی. به دنبال تصویب قانون اساسی در اکتبر و انتخابات مجلس در دسامبر سال 2005، زمینه مناسبی برای شکل گیری دولت پایدار در عراق، مهیا گردید در اولین جلسه قوه مقننه که در دوره انتقال برگزار شد، شورای ریاست جمهوری متشکل از رئیس جمهور به همراه دو، معاون انتخاب گردیدند تصمیمات شورا با هماهنگی و موافقت هر سه عضو اتخاذ می شد آقای جلال طالبانی همچنان در پست ریاست جمهوری باقی ماند. عادل عبدالمهدی (شیعه) و طارق الهاشمی (سنی) نیز از معاونان او بودند در بهار سال 2006، نوری المالکی که جانشین جعفری شده بود با گرفتن رأی اعتماد برای 36 عضو کابینه اش از مجلس اولین دولت پایدار را پس از سال 2003 در عراق تشکیل داد و این کشور را از بن بست سیاسی که ماه ها با آن درگیر بود خارج کرد چهار وزیر کابینه او زن هستند. مالکی به منظور کسب حمایت، بیشتر در اواسط سال 2006، کمیته عالی آشتی و گفت و گوی ملی را تشکیل داده و از نمایندگان تمام گروه ها برای عضویت در آن دعوت به عمل آورد. (قربانی

صدیق محمدی، 1387: 24) تقسیم قومیتی قدرت، یک سیستم شکننده مانند کشور لبنان را در عراق ایجاد کرده است.

در یک جمع بندی می توان مهمترین ویژگی دولت های عراق را بی ریشگی آنها دانست (Yamacoguz, 2009: 55) که در آن پست های سیاسی و اجرایی براساس وابستگی های قومی تعیین می شود. در عراق هر چند رأی گیری صورت می گیرد؛ اما تا این زمان یک توافق قومی وجود داشته است که نخست وزیر باید شیعه رئیس مجلس سنی و رئیس جمهور کرد باشد این مسئله در مورد معاونان آنها نیز صادق است براساس قانون اساسی، بعد از برگزاری انتخابات پارلمان اعضای پارلمان رئیس مجلس و رئیس جمهور را . انتخاب و رئیس جمهور نیز رئیس بزرگترین ائتلاف پارلمان را مأمور به تشکیل کابینه می کند.

تأخیر در شکل گیری دولت ها بعد از انتخابات پارلمانی، یکی از مهمترین زمینه های تضعیف دولت مرکزی عراق محسوب می شود. در انتخابات پارلمانی اخیر نیز با تأخیری زیاد، رئیس مجلس (سلیم الجبوری) و رئیس جمهور فؤاد (معصوم) شدند؛ اما ائتلاف دولت قانون - هر چند که بزرگترین ائتلاف موجود در پارلمان است - با فشارهایی مبنی بر معرفی فردی غیر از نوری المالکی مواجه شده بود هر چند معرفی حیدر العبادی به عنوان نخست

وزیر مورد حمایت بیشتر جریان های عراقی قرار گرفت اما این تاخیر در شکل گیری دولت همواره موانع زیادی را بر سر راه دولت سازی در عراق ایجاد کرده است و این ضعف دولت مرکزی، زمینه فعالیت گروه های تکفیری - تروریستی در عراق را تشدید کرده و نیروهای امنیتی نیز با دولتی روبه رو هستند که کسی از رهبر آینده آن خبری ندارد تصور چنین دولت ضعیفی، منافع ملی عراق را با چالش مواجه خواهد کرد.

3. ضعف ارتش

وجود ارتش در یک کشور نشان اقتدار، مایه آرامش و افتخار ملت و نبود آن حاکی از ضعف دولت است در سال 2003 «پل برمر» در اقدامی غیر منتظره انحلال ارتش عراق را اعلام کرد و این در حالی بود که تنها بیست درصد از ارتش به جهت مشارکت در جنگ آسیب دیده بودند. «برمر» در مصاحبه با نشریه شرق الأوسط عربستان گفت: «انحلال کامل ارتش عراق حرف صحیحی است و اکنون اصلاً ارتشی وجود ندارد (حسیب الغالبی، 2007: 239) پس؛ کشور اشغال شده، عراق ارتشی برای برقراری امنیت در اختیار نداشت و مهمترین چالش «برمر» در این کشور نیز مبارزه با گروه «أنصار الإسلام» وابسته به «القاعده بود (Zunes, 2007, 13) و مهم تر آنکه روند انتقال قدرت به کندی پیش می رفت و با دخالت

بازیگران منطقه ای و بین المللی، امکان یک اجماع در مورد تأسیس دولت وجود نداشت از سوی دیگر نبود امنیت در یک کشور جنگ زده، توجیهی را برای حضور نیروهای خارجی در این کشور فراهم می کرد.

با آموزش نیروهای آمریکایی، شکل گیری ارتشی جدید با امکانات و زیرساخت های جدید نسبت به ارتش منحل شده، آغاز شد که در بلند مدت از لحاظ اطلاعات و نیازمندی امکانات، در خدمت منافع این کشور باشد. آمریکایی ها اذعان می کنند که نیروی عراقی کافی برای جایگزینی با آنها وجود ندارد؛ (Cloud 2007، 5) پس برای آموزش نیروی جدید باید از سوی ایالات متحده برنامه ریزی شود. در حال حاضر و در جنگ بر ضد گروه داعش نیز ناکارآمدی حداقل بخشی از ارتش عراق مسجل شده است که چنین ارتشی توان ایجاد امنیت در درون مرزهای ملی عراق را ندارد و دولت مرکزی تقاضای کمک از کشورهای خارجی از جمله آمریکا را برای مقابله با این گروه مطرح کرده است.

مشکلات شکل گیری ارتش مقتدر در عراق را می توان وجود گروه های نظامی و شبه نظامی در این کشور انگیزه های حزبی و طایفه ای در ارتش وجود نظامیان خارجی و نبود امکانات بومی دانست (جعفر ضیاء، 2005: 253) که زمینه نفوذ آمریکایی ها را در

این ارتش فراهم می آورد امروزه ارتش عراق در بین کشورهای منطقه یکی از ضعیف ترین نیروهای نظامی است؛ در حالی که بوده حافظه تاریخی این کشور ارتش قوی و منسجم عراق را در برهه - ای از زمان به یاد دارد که خواهان مدیریت امنیت در منطقه است؛ به طوری که در سال 2008 توان نظامی حکومت خودمختار کردستان با دارا بودن 150 هزار نیروی نظامی و امکانات تسلیحاتی، به مراتب بهتر از دولت مرکزی این کشور برآورد شده است. (مجموعه من الباحتین 2008: 94) البته رشد نظامی گری نیز چالش هایی برای این کشور به همراه داشته؛ مثل اولین کودتای جهان عرب در سال 1936 که در عراق اتفاق افتاده است.

(Tripp, 2002,88)

وجود چالش های امنیتی در عراق باعث طمع برخی از همسایگان این کشور از جمله ترکیه شده است که خواهان نفوذ و دخالت بیشتر در عراق هستند. نگاه اصلی ترکیه جلوگیری از احیای مقوله فدرالیسم و تشکیل دولت گُرد در شمال عراق و همچنین خواستار عدم تسلط دولت کردها بر کرکوک و موصل است. در واقع ترکیه با یک تناقض دیدگاه نسبت به دولت عراق برخورد می کند؛ زیرا از یک سو خواهان استقرار دولتی ضعیف در بغداد است که حاکمیتی شمال بر عراق نداشته باشد تا مانع از تجاوزات این کشور به شمال

ص: 159

عراق شود و از سوی دیگر استقرار دولت ضعیف در بغداد را عاملی برای تقویت کردها می داند (تحقیق و پژوهش، 1383: 70) آموزش نظامیان جدید عراقی نیز نیازمند یک شیوه آموزشی واحد است که از یک استراتژی نظامی بومی و خاص آن کشور ناشی شود؛ در حالی که این استراتژی واحد وجود ندارد و نیروهای عراقی به وسیله کشورهای مختلف با عقاید نظامی متفاوت، آموزش می بینند. نکته مهم در آموزش این است که گردان ها، نیروها و تیپ- های مختلف به یک قومیت خاص تعلق نداشته باشند. بازسازی ارتش در عراق نیز به صورت حرفه ای انجام نگرفته است؛ بلکه ارتش براساس مناطق و طرز تفکر فرقه ای ایجاد شده و نمی تواند براساس ملیت عمل کند (قهوه چی، 1386: 102)

براساس قانون اساسی عراق نخست وزیر فرمانده کل نیروهای مسلح است و ارتش باید به صورت یک نیروی ملی و فراحزبی در این کشور عمل کند؛ اما در سیستم پارلمانی نخست وزیر که رهبر یک حزب است، مدیریت ارتش را به دست می گیرد و ارتش و نیروهای نظامی نیز زیر نظر حزب مسلط خواهند بود که در نتیجه، دوری ارتش از تأثیرات حزبی سیاسی و قومی در این کشور غیرممکن خواهد شد. با توجه به قوی بودن روحیه طایفه گرایی در، عراق، انتصاب فرماندهان

ارتش نیز متأثر از مذهب و زبان آنهاست و انتصاب توسط افکار عمومی و براساس شایستگی و منافع ملی به ندرت تفسیر می شود. وجود چالش های امنیتی در، عراق زمینه نفوذ و دخالت ترکیه در شمال این کشور را فراهم کرده است که مقبول هیچ یک از گروه های عراقی نیست. فعالیت جریان های رادیکال سنی در استانهای سنی نشین نیز مورد حمایت دولت عربستان قرار دارد که برای ناکارآمد جلوه دادن دموکراسی و دولت منتسب به شیعیان از هیچ اقدامی دریغ نمی کنند ارتش عراق علاوه بر چالش های درونی با طمع کشورهای منطقه نیز باید به مقابله برخیزد؛ در حالی که فاقد چنین قدرتی است تجربه اشغال شهر موصل توسط گروه داعش و عدم مقاومت، ارتش خیانت بزرگی در برابر منافع ملی عراق بود که نشان دهنده رسوخ جهت گیری های قومی و مذهبی در ارتش این کشور. است تأثیر گذاری فرهنگ سیاسی عراق بر ساختار ارتش این کشور زمینه ضعف این نهاد امنیتی را فراهم کرده است.

4. طایفه گرایی

قاعده کلی جامعه شناسی سیاسی، بر این مبنا استوار است که زندگی سیاسی در هر کشوری به شیوه های گوناگون، متأثر از شکاف های اجتماعی خاص آن کشور و نحوه صورت بندی آن شکاف هاست.

ص: 161

در بررسی شکاف های اجتماعی باید به تنوع جغرافیایی و تاریخی توجه کرد. شکاف های اجتماعی به طور معمول زمانی فعال می شوند که بر اساس آنها گروه بندی های، سیاسی تکون یابند. (بشیریه، 1374: 99) این مسئله از آغاز در عراق وجود داشته است که تشکیل دولت ها و تقسیم قدرت براساس همین شکاف ها صورت پذیرفته است.

عراق از بافت جمعیتی متنوع و ناهمگونی برخوردار است. پس از جنگ جهانی اول و تقسیم جهان عرب توسط انگلستان، عراق از به هم پیوستن هجده استان عثمانی به وجود آمد. تنوع عناصر جمعیت عراق تنها از منظر امنیت داخلی مشکل ساز نبوده؛ بلکه از منظر آسیب شناسی امنیت منطقه ای و بین المللی، نیز، همواره نگرانی هایی را به دنبال داشته است.

کشور عراق را از نظر قومی - مذهبی به دو منطقه می توان تقسیم کرد:

الف. نیمه جنوبی عراق از بغداد به سمت چپ که بیشتر از اعراب شیعه هستند.

ب. نیمه شمالی عراق سنی مذهب هستند که اعراب سنی در بخش غربی و کردهای سنی در بخش شرقی ساکن اند. (ویلی، 1373: 22)

از نگاه تاریخی طایفه گرایی در عراق در دوران عثمانی به اوج خود رسید که منجر به اختلافات شیعه و سنی شد. عثمانی ها برای مقابله و رقابت با حکومت صفویان، ایران بر فشارهای خود نسبت به شیعیان عراق می افزودند. این اختلاف تا کودتای سال 1958 توسط عبدالکریم قاسم برضد حکومت پادشاهی عراق، کم و بیش وجود داشت؛ اما پس از کودتا درگیری قاسم با جنبش کردها به رهبری مصطفی بارزانی کردها را نیز وارد این اختلاف کرد. حزب بعث عراق در سال 1949 توسط عده ای از دانشجویان سوری که در عراق تحصیل می کردند شکل گرفت. آنها دولت عبدالکریم قاسم را در سال 1962 با یک کودتا سرنگون کردند و پس از او عبدالسلام عارف قدرت را در دست گرفت. بعد از عارف نیز برادرش عبدالرحمن عارف در سال 1966 قدرت را به دست گرفت که اوج قدرت حزب بعث در این دوران بوده است.

گفته می شود عبدالسلام، عارف نخستین کسی است که بحث طایفی گری را به طور جدی مطرح کرد. او معتقد بود که باید انقلاب را نجات داده و سه گروه، شیعیان کردها و مسیحیان را مستأصل کنیم از نگاه وی دولت جدید می بایست به طور انحصاری در اختیار اعراب سنی باشد (جعفریان، 1386: 88)

عرب محوری در دورهٔ صدام نیز یکی از مسائل مهمی بود که به شورش کردها انجامید. (Eyadat,2009:97) کردها به عنوان بزرگترین اقلیت غیر عرب یک پنجم از جمعیت عراق را تشکیل می دهند و در استان های سلیمانیه اربیل، دهوک، موصل و کرکوک سکونت دارند. از زمان شکل گیری دولت مدرن، مسئله کردها و هویت طلبی این اقلیت قومی، همواره برای دولت های عراق مشکل ساز بوده است؛ تا حدی که گاهی کلیت نظام و تمامیت آن را به چالش کشیده و تلاش دولت های مختلف جهت ادغام فرهنگی و همانندسازی دست کم تا زمان سقوط نظام بعثی، ارضی نتیجهٔ پایداری نداشته است تحقیق و پژوهش، 1383: 19)

در عراق جدید پس از سال 2003 نیز مسئله قوم گرایی به شدت رواج دارد؛ به طوری که بررسی قوهٔ مقننه به عنوان یکی از مهم ترین ارکان دولت سازی در عراق نشان می دهد که در این کشور، نمایندگان خود را نماینده گروه های قومی - مذهبی می دانند و احزاب در عراق متأثر از قوم گرایی به زیست مشترک نمی اندیشند.

(Wimmer,2003 : 119)

براساس قانون اساسی سال 2005، مجلس 275 عضو دارد که برای دوره های چهار ساله انتخاب می شوند و وظیفه قانون گذاری، انتخاب رئیس جمهور و نظارت بر کار قوهٔ مجریه، تصویب

ص: 164

قراردادها، تأیید صلاحیت نامزدهای پست نخست وزیری وزارت و سایر مسئولان را برعهده دارد.

رئیس جمهور با رأی دو سوم و اعضای کابینه با رأی اکثریت نمایندگان مجلس انتخاب می شوند اولین جلسه مجلس نمایندگان پس از تصویب قانون اساسی جدید در مارس سال 2006 برگزار شد. در سال 2004 مجلس ملی موقت با صد نماینده از طرف حکومت ائتلافی موقت عراق تعیین گردید. در سال 2005 این مجلس جای خود را به مجلس شورای ملی به عنوان مجلس قانون گذاری موقت که 275 نماینده داشت، داد. از تعداد 275 کرسی این مجلس، اتحادیه همبستگی شیعیان عراق، 140 کرسی، اتحادیه همبستگی میهنی کردستان متشکل از دو حزب اصلی کردها 75 کرسی و گروه سکولار حزب میثاق ملی عراق، 45 کرسی را به خود اختصاص دادند اقلیت سنی مذهبانی که انتخابات را تحریم کرده بودند، فقط هفده کرسی را به دست آوردند. با این حال در جریان تقسیم قدرت در پارلمان یکی از نمایندگان سنی به عنوان سخنگوی مجلس انتخاب گردید. پس از تصویب قانون اساسی در سال 2005 انتخابات جدیدی با هدف تشکیل دولتی پایدار در عراق برگزار گردید در نتیجه انتخابات، توازن قدرت در

ص: 165

مجلس مابین گروه های اصلی به نفع سنی ها تغییر کرد. (قربانی و صدیق محمدی، 1387: 25)

ائتلاف ها و مخالفت های موجود در مجلس عراق، همواره از یک مبنای قومی برخوردار بوده و منافع ملی عراق به عنوان دولتی یک پارچه کمتر مورد توجه قرار گرفته است در حال حاضر نیز به دلیل حساسیت مناصب مهم ریاست مجلس در همه دوره ها برعهده اهل سنت بوده است؛ در حالی که اگر بر اساس منطق دموکراسی رفتار شود هیچ گاه ریاست مجلس به اهل سنت نخواهد رسید. سلیم الجبوری در حال حاضر ریاست پارلمان را برعهده دارد. طایفه گرایی مانع مهمی در برابر شکل گیری یک دولت قوی در عراق بوده و هست این عامل از تشکیل یک هویت واحد در این محدوده جغرافیایی جلوگیری کرده است؛ در حالی که ملت در سایر کشورها، حول محور یک عامل وحدت بخش که هویت جمعی تمام افراد جامعه است ایجاد میگردد. در عراق، علایق مذهبی و طایفه ای هنوز هم از مهمترین عامل اجتماعات انسانی به شمار می رود در واقع این مشکل اساسی عقلانیت عربی است. الجابری (2000: 98 - 90) در چنین فضای اجتماعی روی کار آمدن هر دولتی و عملکرد آن بر اساس همین دیدگاه تحلیل می شود و دیگر گروه های اقلیت یا خارج از قدرت الزامات دولتی را بیشتر

ص: 166

منافع گروه مسلط تلقی می کنند و به آن نگاه ملی ندارند. به همین دلیل در کشور عراق در صورتی که یک گروه مانند «حزب علاوی» نتواند قدرت را در دست گیرد از ائتلاف سازنده با دیگر گروه ها خودداری می کند و چون هویت ملی در این کشور شکل نگرفته انگیزه کار جمعی و ائتلاف نیز وجود ندارد.

طایفه گرایی در پارلمان نیز به وضوح وجود دارد که با توجه به اختلافات این گروه ها در بسیاری از موارد شکل گیری اجماع به سختی ممکن می شود. در حقیقت طایفه گرایی که بیشتر در سطح محلی مطرح است، به سطح پارلمان و دولت می رسد و هویتی ملی برای ادغام در آن وجود ندارد در سطح ملی نیز همان رفتار محلی را ارائه می دهد و امکان توافق را از بین می برد. در چنین فضایی هر چند رأی گیری انجام می شود و پارلمانی نیز به وجود می آید؛ اما توانایی یک سویه کردن منافع این گروه ها را نخواهد داشت. (ثناء فواد (2001): 182)

نتیجه طایفه گرایی قوی، ایجاد دولتی ضعیف خواهد شد که به نفوذ دیگر بازیگران خارجی در این کشور منجر خواهد شد؛ به طوری که در سال 2006 از بین ششصد کشته ای که با گروه القاعده در عراق مرتبط بوده اند، 41 درصد از آنها سعودی و لیبیایی بوده اند که نشان از دخالت اتباع دیگر کشورها در عراق دارد.

زمینه های اختلاف فرقه ای محمل خوبی را برای القاعده در عراق فراهم کرده است. (Ride 2007: 2) از دیدگاه ابراهیم بحر العلوم، وزیر نفت پیشین، عراق در یک تحلیل دقیق باید به این نکته توجه کرد که کشور مدرن عراق براساس طایفه گری شکل گرفته است و از طرف دیگر به این دلیل که انگلیسی ها می خواستند از کردها و شیعیانی که در انقلاب سال 1920 شرکت داشتند انتقام بگیرند، آنها را از دسترسی به حکومت محروم کردند. بنابراین دولت هایی که از زمان شکل گیری عراق تا قبل از سقوط صدام روی کار آمدند، همگی نشان از فرقه گرایی داشتند (بحر العلوم، 1386: 80)

5. بازگشت عشایر به صحنه سیاسی عراق

در حالی که عراق قدیم در دوران حکومت سومریان، آشوریان بابلیان و دوره اسلامی از دولت منسجمی برخوردار بود؛ اما در دوره عثمانی این دولت دچار انشقاق شد عشایر این کشور به لحاظ تاریخی در سامان، سیاسی نقشی اساسی داشته اند. این دولت در دوره عثمانی فقط بر بغداد و مراکز شهرها تسلط کافی داشت ولی سلطه دولت مرکزی بر عشایر برقرار نشد. قبایل مهمی مانند خزعل و بنولام و... هر کدام محدوده مشخصی برای خود داشته اند و حتی مؤسسات محلی و اداری را نیز برای رفع مشکلات خود

تأسیس کرده بودند که از اختیار دولت مرکزی به دور بوده است. (الحسینی، 1958: 154)

عراق با رفتن زیر سلطه بریتانیا در سال 1917، با مشکل ایجاد تعامل بین هویت های متعدد در این کشور مواجه شد. آنها برای ایجاد این تعامل کوشیدند تا یک حکومت مرکزی قوی در بغداد شکل دهند و مناطق اطراف را از طریق به کار گرفتن نخبگان محلی اداره کنند، غسان (1999: 32)؛ اما با انقلاب سال 1920 برضد انگلیسی ها که عشایر مخالف سلطه بریتانیا در آن نقشی اساسی برعهده داشتند با امتیازات زیادی از سوی بریتانیا مواجه شدند و کسب رضایت آنها برای این کشور اهمیت زیادی پیدا کرد که به قدرت یافتن عشایر در عراق منجر شد. (مجموعه من الباحثین، 2008: 197) انگلستان بر آن بود تا با وارد کردن هندی ها به عراق این کشور را تحت الحمایه خود قرار دهد که با مخالفت مراجع از جمله میزا محمدتقی شیرازی قرار گرفت. نکته مهم آن است که اگرچه رهبران قیام سال 1920 از مجتهدان شیعه ایرانی بودند؛ اما این قیام یک نهضت عربی بود؛ زیرا به جز شیرازی و شیخ الشریعه عمده رهبران نهضت از سران شهرها و از اعراب، طوایف و عشایر بودند. (جعفریان، 1386: 70)

ص: 169

آمریکا با از میان بردن دولت عراق به ویژگی های اجتماعی فرهنگی و تاریخی این کشور توجهی نکردند و نفوذ عشایر را که هفتاد درصد از مساحت عراق را در اختیار دارند، در نظر نگرفتند و با ذهنیت وجود یک دولت مدرن به سراغ عراق آمدند. بعد از انحلال ارتش عراق با از بین رفتن ساختارهای امنیتی که صدام حسین براساس آن سه دهه این کشور را به امنیت نسبی رسانده بود، فروپاشید و ساختار سیاسی و نظام اجتماعی این کشور که با سرکوب و اقتدار، گرد هم آمده بود با یافتن فضای باز و از بین رفتن سیستم سرکوبگرانه به حالت سابق بازگشت و تعهدات و علایق ملی سست بنیاد از بین رفت و انتساب به گروه ها، احزاب، مذاهب و عشیره ها جایگزین آن شد در سایه این وضعیت سیاسی جدید سران طوایف و شیوخ عشایر که در بین طایفه نفوذ داشتند ملجأ و مأمن اعضای پراکنده و غیر منسجم طایفه ها شدند. در ماه های اول سران عشایر در بسیاری از مناطق با به وجود آوردن گروه های نظامی و شبه نظامی امنیت حوزه های تحت کنترل خود را برعهده گرفتند و مسئولیتی را در قبال اعضای وابسته به طایفه برای حل مشکلات امنیتی و اقتصادی احساس کردند. مجموعه من الباحثین، (2008: 203)

ظهور گروه های شورشی عشایر سنی در عراق از سال 2003 و گسترش خشونت ها و ناامنی ها در این کشور پیشبرد روند سیاسی با مدیریت آمریکا را با چالش ها و موانعی اساسی روبه رو کرد. عدم مشارکت گروه های سنی در روند سیاسی به همراه شورش مسلحانه روابط آمریکا را با گروه های سنی در مقطع اولیه بعد از اشغال عراق به صورت تقابلی تعریف کرد. اعمال اقدامات خشونت آمیز برضد غیر نظامیان شیعی در کنار نیروهای آمریکایی و عراقی از سوی شورشیان سنی باعث برجستگی نگرانیهای امنیتی در عراق و تبدیل شدن امنیت سازی به اولویت اصلی در این کشور شد. شرایط نا امن و بی ثبات عراق و الزامات امنیت سازی از منظر آمریکا به همراه افزایش تمایل گروه های سنی برای مشارکت در روند سیاسی و ساختارهای امنیتی به تدریج روابط آمریکا و سنی ها را از تقابل به تعامل رهنمون ساخت مشارکت گروه های سنی در مجلس نمایندگان و دولت عراق بعد از سال 2005 در این چهارچوب آغاز شد و موانعی چون قانون بعضی زدایی نیز با فشار آمریکا تعدیل شد؛ اما فعالیت بخش وسیعی از گروه های شورشی سنی در برابر نیروهای، آمریکا نظامیان و غیر نظامیان عراقی همچنان تداوم داشت.

خیزش قبایل سنی در برابر القاعده و ظهور شوراهای بیداری با حمایت و تجهیز مقامات آمریکایی در سال 2007، مرحله پیشرفته تری از تعامل آمریکا و گروه های سنی و استفاده مقامات آمریکایی از گروه های سنی در جهت امنیت سازی محسوب می شود. هرچند این امر فرصت هایی را برای بهبود شرایط سیاسی و امنیتی عراق ایجاد کرده است؛ اما از سویی دیگر به وارد شدن متغیر نوینی در معادلات این کشور و پیچیدگی بیشتر شرایط منجر شده است؛ شرایطی که در آن احتمال و ظرفیت منازعات گروه های داخلی به دلیل تجهیز نیروهای خارج از ساختارهای نظامی - امنیتی، رسمی افزایش می یابد. (اسدی 1389 گزارش راهبردی) با توجه به این حوادث، وقتی دولت، قوی نباشد شبه نظامیان از اهمیت زیادی برخوردار می شوند. (Roberg) با ضعف دولت عراق، عشایر به جایگاه سنتی خود بازگشتند؛ به گونه ای که حل بسیاری از معماهای امنیتی عراق بدون هماهنگی آنها ممکن نیست در حال حاضر نیز عشایر اهل سنت در حمایت از داعش نقش عمده ای دارند. فضای استان های تحت کنترل داعش (نینوا الأنبار، صلاح الدین و...) نیز بیشتر در حیطه نفوذ عشایر اهل سنت است و سران عشایر در پیروزی و در اختیار قرار دادن امکانات به داعش نقش مهمی ایفا کردند و در

حال حاضر نیز عشایر نقشبندیه در همکاری با داعش از جایگاه مهمی برخوردارند.

6. عدم شکل گیری اجماع در سطح ملی

علاوه بر اختلاف گروه های عراقی با یکدیگر (شیعه - سنی و عرب کرد)، در داخل گروه بندی ها و قومیت ها نیز اختلافاتی حاکم است. زمینه شکل گیری اجماع بین نخبگان عراقی در سطح منافع ملی نیز وجود ندارد. در حال حاضر گروهی متأثر از القاعده در عراق برای احیای خلافت اسلامی در این کشور تلاش می کنند؛ عده ای نیز لیبرال هستند و با ویژگی حکومت های لیبرالی آشنایی دارند و خواهان اجرایی شدن آن در عراق هستند. کردها، اهل سنت و شیعیان نیز آرمان های خاص خود را دنبال می کنند. شیعیان و سنی ها نیز که مهمترین گروه های عراقی هستند، مشکلاتی دارند که مانع از شکل گیری انسجام درونی و در نهایت، هویت واحد می شود. اعراب سنی حدود یک سوم از جمعیت عراق را در اختیار دارند و از لحاظ طایفه ای بعد از شیعیان دومین مجموعه بزرگ این کشور هستند کردها با حدود پانزده درصد از جمعیت سومین نیروی عراق محسوب می شوند و اقلیت های ترکمن و آشوری ها که اغلب مسیحی اند، حدود دو درصد از عراق را شکل می دهند. تنوع منافع و عدم اجماع سازی در سطح ملی، عراق، به گونه ای است که

ص: 173

برخی از اهل سنت، منطق دموکراتیک حاکم بر این کشور را نپذیرفته اند و انتخاب نخست وزیر شیعه را هر چند با داشتن بیشترین رأی در رستای طایفه گرایب تلقی می کنند. همین نگرش، زمینه رشد گروه های تروریستی و تکفیری را در عراق فراهم کرده است.

هرچند که آمریکا و انگلیس در اشغال عراق با مقاومت مردمی آنچنانی روبه رو نشدند؛ اما مقاومت های مسلحانه قبل و بعد از اشغال در مثلثی شکل گرفت که اضلاع آن را بغداد، الرمادی و فلوجه شکل می داد. اغلب ساکنان این مناطق را که در وسط عراق قرار گرفته است اهل سنت تشکیل می دهند گروه های دیگر سیاسی از جمله گروه «مقتدی صدر» در نجف و برخی دیگر از شهرها و شهرک های شیعه نشین برضد آمریکایی ها تحرکاتی داشته اند؛ اما مقاومت ها نیز جهت گیری قومی - مذهبی داشته است. علاوه بر اختلافاتی که بر اساس شکاف های قومی - مذهبی در عراق شکل گرفته است، در بین هر گروه نیز اختلافات و انشعابات زیادی به وجود آمده است که مانع بزرگی در مسیر شکل گیری ائتلاف در این کشور به حساب می آید عدم امکان اجماع سازی در سطح ملی، زمینه رشد گروه هایی مانند داعش را مهیا کرده است.

7. اختلافات درون گروهی (موردی شیعیان)

علاوه بر اینکه شیعیان کردها و اهل سنت در عراق با یکدیگر اختلافات زیادی دارند؛ در داخل گروه بندی ها نیز اختلاف شدیدی وجود دارد. اهل سنت در عراق یکپارچه عمل نمی کنند، کردها نیز که به صورت سنتی در دو جریان بارزانی و طالبانی فعالیت دارند؛ رقیب جدید مانند حزب گوران را در صحنه عراق همآورد خود می بینند و شیعیان نیز که بزرگترین بلوک جمعیتی عراق اند نیز اختلافات درون گروهی زیادی دارند که به اختصار به آن اشاره می شود.

هر چند که شیعیان در عراق از جمعیت زیادی برخوردار هستند؛ اما از لحاظ جهت گیری های سیاسی با یکدیگر اختلاف زیادی دارند که توسعه این اختلافات می تواند چالشی برای آینده شیعیان در این کشور ایجاد کند برای فعالیت شیعیان در عراق چهار دوره را می توان در نظر گرفت:

1. دوره ضعف ژئوپلیتیکی: این دوره مربوط به قبل از سرنگونی صدام است در این دوره به رغم وجود عوامل ژئوپلیتیکی همچون علما و مراجع جمعیت با اکثریت شیعه ایدئولوژی ضد سلطه مبارزات ضد استبدادی و استعماری نتوانستند موقعیت مناسب ژئوپلیتیکی به دست آورند. بنابراین از این دوره به عنوان دوره ضعف ژئوپلیتیکی یاد می شود.

2. دوره باور ژئوپلیتیکی: با سرنگونی صدام، شیعیان از اعتماد به نفس و امید فراوانی برخوردار شدند. در این دوره شیعیان با پتانسیل های ژئوپلیتیکی خود برای ایجاد تحول ژئوپلیتیکی در تمام عرصه های کشور وارد شدند. این دوره که زمینه ورود به دوران جدیدی را فراهم کرد دوره باور ژئوپلیتیکی نام گذاری شده است . 3. دوره گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی در این دوره با استفاده از امکانات و مقدرات خود نقش ویژه ای را در دولت سازی نوین این کشور ایفا کردند . شیعیان توانستند به رغم موانع موجود، سهم مناسب جمعیت اکثریت شیعه را در تمام ارکان حکومتی نوین عراق به دست آورند. این دستاوردها آنچنان عمیق و گسترده بود که تأثیرات شگرفی را در خارج از مرزهای این کشور؛ به ویژه کشورهای همسایه عرب بر جای گذاشت به همین دلیل از این دوره به عنوان دوره گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی یاد شده است.

4. دوره تثبیت قلمرو ژئوپلیتیکی: در حال حاضر به رغم گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی شیعیان در عراق متغیرهای مزاحم داخلی و خارجی که منافع خود را در خطر می بینند سعی در تغییر وضع موجود دارند. آنها برای رسیدن به هدف خود از وسایل و امکانات متنوعی استفاده می کنند. دولت مردان عراق باید این مرحله را نیز

با اتخاذ تدابیر مقتضی به زودی سپری کنند تا تثبیت قلمرو ژئوپلیتیکی محقق شود. (تلاشان، 1388: 36)

هر چند که شیعیان، بیشترین جمعیت عراق را در اختیار دارند؛ اما بین آنها مؤلفه های اختلاف زا وجود دارد که منبعث از مباحث طایفی گری و تحت تأثیر جامعه عراق است. یکی از موضوعاتی که در عراق نقش مهمی در رویکرهای سیاسی شیعیان این کشور ایفا می کند، مرجعیت است آیت الله خویی پیش از وفاتشان نقش ممتازی در بین شیعیان و حوزه های علمیه و علما برخوردار بودند؛ هر چند که برای مدتی نقش آیت الله شهید محمدباقر صدر به عنوان مرجع در بین روشنفکران شیعه برجسته شد؛ اما به دلیل مرجعیت علمی آیت الله خویی ایشان نقشی اساسی در هدایت شیعیان برعهده داشت.

پس از فوت آیت الله خویی، مرجعیت به آیت الله سیستانی که از نظر فکری به آیت الله خویی نزدیک بود رسید؛ ولی اعلام مرجعیت آیت الله سید محمد صدر که در ابتدا از سوی حکومت عراق نیز حمایت می شد چالشی را در رهبری ایجاد کرد؛ چون آیت الله صدر یک مرجع عرب و وابسته به خانواده صدریون بود و در بین جوانان و توده های عرب به ویژه بعد از شهادتش به محبوبیت زیادی رسید. پس از شهادت آیت الله صدر خط ایشان به دو گروه انشعاب پیدا کرد؛

ص: 177

عده ای به حمایت از آیت الله یعقوبی، شاگرد سید محمد پرداخته و به تأسیس حزب «فضیلت» اقدام کردند و گروه دیگر که بیشتر جوانانی با افکار انقلابی و ضد اشغالگری بودند، به پیروی از مقتدی صدر فرزند سید محمد صدر پرداختند ولی همچنان نقش آیت الله سیستانی به عنوان یک مرجع اعلم و فراملی در بین شیعیان عراق از دیگران برجسته تر است (جعفریان، 1386: 134)؛ اما بعضاً جهت گیری طرفداران مراجع شیعی در عراق تحت تأثیر طایفی گرایشی قرار دارد که همین امر یکی از چالش های شیعیان در این کشور است.

حزب الدعوة که با سابقه ترین حزب شیعه در عراق و از انسجام خوبی در مبارزه با رژیم بعث برخوردار بوده است، نمونه اختلافات درون گروهی است؛ به طوری که مهمترین گرایش در این حزب، اداره حزب و رهبری به صورت شورایی است که همین مسئله باعث انشعاباتی در حزب از جمله الدعوة الاسلامیه شده است. گرایش دوم به قرائت جمهوری اسلامی از ولایت فقیه اعتقاد دارد. دیگر گروه های فعال شیعی مانند مجلس اعلای انقلاب اسلامی که نزدیکترین گروه به ایران است و گروه عمل اسلامی به رهبری مدرسی ها و جندالمهدی به رهبری مقتدی صدر در صدر گروه های فعال شیعی هستند؛ اما به رغم مشترکات زیاد از انسجام کافی

برخوردار نیستند. هرچند مرجعیت مسلط شیعه در عراق (آیت الله سیستانی) خواهان دخالت مستقیم در سیاست نیست؛ اما فعالیت این گروه‌ها برای به دست گرفتن قدرت در عراق دارای اختلافات گسترده‌ای با یکدیگر است؛ به طوری که بحث طایفه‌گرایی در این گروه‌های سیاسی قابل پیگیری است؛ در حالی که مجلس اعلا به رهبری حکیم‌ها، نماینده نجفی‌ها، حزب الدعوه، نماینده بصره‌ای‌ها و حزب عمل اسلامی، نماینده کربلایی‌ها محسوب می‌شود و رقابت تاریخی نجفی و کربلایی‌ها در این گروه‌ها قابل مشاهده است.

ویژگی‌های ساختاری قومی - مذهبی عراق در برخی از برهه‌های تاریخی در انتخاب مراجع نیز بی‌تأثیر نبوده است. بعضی از دولت‌های عراق بر تبلیغ مرجعیت عرب در مقابل عجم تأکید کرده و تلاش‌هایی برای شکل دادن مدارس علمیه عربی انجام داده‌اند. دلیل اعتقاد تمام گروه‌ها به مذهب شیعه شکاف در این زمینه به تفاوت میان عرب و عجم کشیده شده است. به اعتقاد علی‌الوردی، جامعه‌شناس شهیر عراقی، هر چند مرجعیت شیعه ماهیت فراملی دارد؛ اما در برخی از برهه‌های زمانی مانند بعد از درگذشت شیخ انصاری پدیدار شده است که عرب‌ها به سراغ شیخ محمد حسین

کاظمی و فارس ها به سراغ میرزای شیرازی و حبیب الله رشتی رفتند. (الوردی، 1972: 87)

یکی از تلاش های آمریکا ایجاد ائتلاف بین شیعیان است تا بتواند گروه های ملی گرا و سکولار شیعه در عراق را در ائتلافهای جدید شکل دهد. براساس یک تحلیل، برآیند گزاره ها نشان دهد که سناریوی محتمل تر عراق آینده، سناریوی میانه یا برقراری نوعی شبه دموکراسی در این کشور است که به واسطه احیای نوعی ناسیونالیسم قومی یا غیر مدنی رقیق در این کشور، پیگیری می شود.

این، سناریویی است که از سال 2007، همزمان با تغییر راهبرد ایالات متحده در عراق و با اجماع نسبی و ضمنی کشورهای عرب منطقه، ترکیه و اهل سنت عراق دنبال می شود. مضمون این سناریو بازگشت عراق به دنیای عرب و احیای نوعی هویت عربی برای این کشور بدون تغییر در قانون اساسی آن است. راهکار تحقق این سناریو نیز برقراری نوعی ائتلاف میان اعراب سنی، ترکمن ها، نوبعثی ها و سکولارها و ملی گرایان؛ اعم از شیعیان و سنی هاست.

در حقیقت هر سه گروه بعثی ها، سکولارها و ملی گرایان، به دو دسته شیعی و سنی تقسیم می شوند که مبنای ارتباط آنها با یکدیگر نه مذهب بلکه ایدئولوژی است از این رو می توان با ایجاد ائتلاف میان گروه ها و تبدیل شدن شیعیان به ویتترین و نمای

بیرونی آن، رأی اکثریت مردم عراق یعنی شیعیان را جلب کرد و از آنجای که دموکراسی پارلمانی در قانون اساسی این کشور از نوع دموکراسی اکثریتی است ائتلاف مذکور می تواند به شیوه قانونی و با سازوکارهای دموکراتیک به رأس ساختار سیاسی این کشور راه یابد. (پورسعید، 1389: 205 - 206)

در عراق بعد از سال 2003 نیز فارغ از نقش فراملی آیت الله سیستانی که مورد پذیرش بیشتر شیعیان قرار دارد؛ اما وابستگی های عشیره ای در جهت گیری های سیاسی بین حکیم ها، خانواده صدرها و شیرازی ها قابل تبیین است اختلافات درون گروهی شیعیان می تواند باعث پیوستن بخشی از آنها به گروه ها و ائتلاف هایی شود که در راستای منافع شیعیان قدم بر نمیدارند معرفی حیدر العبادی به عنوان نخست وزیر جدید عراق بعد از ماه ها چالش و کنارگذاشتن نوری المالکی به دلیل عدم مقبولیت عمومی در عراق، نشان داد که جمهوری اسلامی باید در یک استراتژی منسجمی به میانجی گری بین شیعیان پرداخته و انسجام آنها را شکل دهد؛ چراکه شکنندگی شیعیان در عراق فرصت را در اختیار کسانی قرار می دهد که جزو مخالفان جمهوری اسلامی و شیعیان محسوب می شوند.

ص: 181

8. جنگ های پی در پی

یکی از مسائلی که با روان سیاسی افراد یک جامعه و دولت مردان آن سروکار دارد، حاکمیت بر درون مرزهای کشور است که با خدشه دار شدن آن، مهمترین ارزش سیاسی یک کشور خدشه دار می شود. در صورت تکرار این وضعیت، به روان اجتماع رسوخ خواهد کرد و مردم در درون سیستم احساس استقلال و برابری با دیگر دولت ها نخواهند داشت و تصمیم های درون حکومتی را مستقل از فشارهای بیرونی نمی دانند در تاریخ عراق ثبت شده است که حضور اشغالگران انگلیس و ورود آنها به صحنه سیاسی عراق و تلاش این کشور برای تحت الحمایه کردن عراق با واکنش گروه های عراقی مواجه شد انگلستان تلاش می کرد تا در همسایگی عثمانی پایگاهی به دست آورد تا از فشارهای این دولت در اروپا بکاهد. اشغال بصره در سال 1914م توسط انگلیسی ها ادامه پیدا کرد و در سال 1918 تمام این کشور به اشغال انگلستان درآمد. انگلیس سعی کرد با وارد کردن تعداد زیادی از نیروهای هندی به جنوب عراق و اعلام نصب یک حاکم انگلیسی برای این کشور به اهداف خود در خلیج فارس دست یابد و راه عثمانی برای رسیدن به این منطقه استراتژیک را محدود کند.

عدم توجه انگلستان به ویژگی های جامعه شناختی این سرزمین، زمینه انقلاب علما و مردم را به رهبری آیت الله محمدتقی شیرازی در سال 1920م برضد انگلیس فراهم کرد. با شکست انقلاب انگلیس یکی از پسران شریف حسین حاکم مکه را که در بین مسلمانان از مقبولیت خاصی برخوردار بود برای حکمرانی بر عراق انتخاب کرد.

با قدرت یافتن حزب بعث در این کشور یک دولت اقتدارگرا و متکی به شخص صدام حسین شکل گرفت که با خصوصیات ویژه اش؛ به خصوص بعد از جنگ سرد مورد توجه بوده است (Rear 2008,163) و با سیاست های این دولت در طول دوازده سال دوبار مورد حمله ایالات متحده آمریکا قرار گرفت؛ حمله اول در سال 1991 با مجوز سازمان ملل و با همراهی بسیاری از کشورها و افکار عمومی جهانی انجام شد حمله دوم آمریکا در سال 2003 و بدون مجوز سازمان ملل انجام گرفت و با سرنگون شدن رژیم بعثی این کشور وارد مرحله سیاسی جدیدی شد. به تدریج با شکل یافتن قانون اساسی جدید سیستم سیاسی در این کشور به یک ثبات نسبی رسید ایالات متحده در هر دو تهاجم به عراق، نقش اصلی را برعهده داشت؛ اما این دو حمله تفاوت هایی نیز با هم

ص: 183

دارند که بررسی آنها تبیین کننده سیاست آمریکا در عراق خواهد بود:

الف) حمله اول یک تهاجم محدود با هدف اخراج عراق از کویت بود؛ در حالی که حمله دوم تهاجمی تر و با هدف انهدام سیستم سیاسی موجود در این کشور انجام گرفت و به دنبال ایجاد تغییر در این کشور بود که سنگ بنای خاورمیانه جدید از نگاه نو محافظه کاران گذاشته شد.

ب) جنگ اول در سطح بین المللی با قاعده دفاع از خود، مورد پذیرش بازیگران و افکار عمومی جهانی قرار گرفت که کشور کویت توسط یکی از اعضای سازمان ملل مورد اشغال واقع شده و برای دفاع از خود به کمک دیگر اعضا نیاز دارد و موجودیت خود را به خطر افتاده تلقی می کند و این درخواست کویت از سوی سازمان ملل و اعضای آن مورد پذیرش قرار گرفت؛ در حالی که جنگ دوم از نظر قانونی و سیاسی به این راحتی مورد پذیرش بازیگران و سازمان های بین المللی قرار نگرفت.

ج) جنگ اول، متعدد الاطراف بود که با مشارکت کشورهای زیادی مانند، روسیه، ژاپن، مصر، سوریه و سازمان های بین المللی دولتی و غیر دولتی انجام شد. در این جنگ از ابزارهای حملاتی دیپلماتیک سیاسی، اقتصادی و نظامی استفاده شده بود ولی جنگ دوم یک

جنگ یک جانبه گرایانه بود که تنها با تأیید اساسی بریتانیا همراه شد و بسیاری از کشورها با تحریم های اعمالی از سوی ایالات متحده برضد عراق همکاری نکردند.

د) در جنگ اول بیش از پانصد هزار نظامی آمریکایی حضور داشت؛ اما در جنگ دوم با مشارکت حدود 150000 آمریکایی همراه بود. در جنگ اول بیشتر عملیات ها با استفاده از نیروی هوایی انجام گرفت؛ اما در حمله دوم علاوه بر نیروی هوایی نیروی زمینی نیز نقشی اساسی برعهده داشت هزینه جنگ اول حدود صد میلیارد دلار شد ولی جنگ دوم به بیش از تریلیون ها دلار رسیده است؛ این در حالی است که در حمله سال 91 کشورهای مشارکت کننده در حمله، در پرداخت هزینه ها نیز شریک بودند؛ اما در حمله دوم تمام هزینه جنگ به طور تقریبی برعهده ایالات متحده قرار گرفت. مهم تر از، همه تلفات آمریکایی ها در جنگ اول صدها کشته بود؛ اما در جنگ دوم به چهار هزار نفر رسیده است. (هاس، 2010: 18 - 20) نمود این تحقیر را در قراردادهای دوجانبه آمریکا و دولت عراق به خوبی می توان شناسایی کرد؛ به طوری که در ماده دهم از قرارداد امنیتی دو کشور در مورد خروج نیروهای امنیتی آمریکا از عراق آمده است: «نیروهای آمریکایی براساس قوانین داخل آمریکا، مجازند برای خرید لوازم و دریافت خدمات ضروری در عراق با

پیمانکاران قرارداد منعقد کنند و در صورت نیاز به هر چیزی، می توانند آن را از هر منبعی که می خواهند تهیه کنند؛ اما باید این اقدام با احترام به قوانین عراق و براساس قرارداد انجام شود». (وودورد، 2004: 612)

طبق این ماده دست آمریکایی ها برای عقد هرگونه قرارداد اقتصادی در عراق باز بوده و این مسئله به معنای نقض حاکمیت اقتصادی عراق است که ایالات متحده می تواند در این کشور براساس قوانین آمریکا با هر شرکتی که دوست دارد، قرارداد امضا و زمینه را برای نفوذ شرکت های مورد نظر خود به این کشور و بدون اطلاع حکومت عراق فراهم کند یکی از دلایل وجود اختلاف آمار در تعداد شرکت های اقتصادی و امنیتی فعال در عراق همین موضوع عدم اطلاع سیستم حکومتی عراق از وجود و حوزه فعالیت این شرکت هاست.

با مسائل به وجود آمده خروج نظامیان آمریکایی از عراق در نگاه مردم این کشور تنها یک اختیار نبود؛ بلکه یک ضرورت به شمار می رفت. از نظر آنها حتی بسیاری از آمریکایی های موافق حمله نیز اکنون به دنبال راه خروج هستند و این مسئله از میان سیاسیون به مباحث نظامیان نیز کشیده شده است. «عدنان پاچه چی»، وزیر خارجه اسبق عراق اعلام کرده بود حقیقت این است که تمام

عراقی ها بدون استثنا خواهان خروج نیروهای خارجی از این کشور هستند در نظر سنجی مؤسسه گالوپ نیز آمده است که 81 درصد از عراقی ها به آمریکایی ها به چشم یک اشغالگر نگاه می کنند؛ نه آزادکنندگان آنها (ماکفرن و بولک 2006: 100) بسیاری از جریان های تکفیری و تروریستی در عراق نیز در ابتدا برای مقابله با آمریکا تشکیل شدند؛ اما با خروج آمریکا از عراق به تدریج جنبه اعتقادی پیدا کرد و فعالیت های تروریستی خود را بر ضد شیعیان و برخی از اهل سنت گسترش دادند؛ بنابراین جنگ زدگی عراق و از بین رفتن انسجام سازمان ، دولت زمینه فعالیت گروه های تروریستی را در این کشور فراهم کرده است.

9. سیاست آمریکا در عراق (از خروج فیزیکی تا نفوذ دائمی)

بدون تردید یکی از متغیرهای اصلی تأثیرگذار بر عراق امروزی، سیاست های ایالات متحده است. آمریکا که با هزینه های زیادی عراق را مورد تهاجم قرار داد، به راحتی نمی خواهد این کشور را از دست دهد. یکی از سیاست های ایالات متحده دخالت در دولت سازی کشورها پس از حمله به آنهاست. این سیاست در بسیاری از کشورها پس از جنگ جهانی دوم توسط ایالات متحده دنبال شده است. حضور نظامی ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم در ژاپن، آلمان افغانستان سومالی عراق و... تلاشی برای نفوذ در روند دولت سازی

این کشورها بوده است. شکل دادن ساختارهای جدید این کشورها براساس تأمین منافع خود از اهداف ایالات متحده بوده است.

حمله ایالات متحده به عراق در سال 2003، به دلیل مخالفت افکار عمومی و همراهی نکردن سازمان ملل و بسیاری از قدرت های بزرگ نظام بین الملل به یک معضل در سیاست خارجی آمریکا در دهه اول قرن بیست و یکم تبدیل شد آمریکا در ابتدا با حضور مستقیم، نظامی به دنبال ایجاد یک ساختار سیاسی جدید در عراق مجبور بوده است؛ اما مشکلات داخلی و بین المللی این کشور را به طراحی استراتژی خروج از عراق کرد.

آمریکا از لحاظ حضور نظامی در عراق، امکان سه انتخاب داشت که با عمل به توافقنامه امنیتی دوجانبه یک راه میانه را انتخاب کرد تا با فشار افکار عمومی مواجه نشود. از سال 2003 م زمینه هایی در این کشور فراهم شد که نفوذ ایالات متحده را در پی داشت.

سناریوهای ممکن برای انتخاب ایالات متحده عبارت بودند از:

الف. حضور دائم فیزیکی: طبق این سناریو آمریکا با تعداد زیادی از نیروهای نظامی در عراق باقی می ماند؛ همان طور که در ژاپن و کره جنوبی این اتفاق افتاد؛ اما به نظر می رسید در واشنگتن و بغداد کسی خواهان این سناریو نباشد؛ چون در دولت بوش به دلیل هزینه های زیاد و مخالفت، افکار عمومی، کاهش نیروهای نظامی

براساس توافقنامه دوجانبه پذیرفته شد یکی از مهمترین شعارهای انتخاباتی اوباما نیز خروج از عراق بوده است. پس؛ انجام این سناریو در عراق با محدودیت های زیادی مواجه است؛ چراکه این کشور مانند کشور کره و ژاپن از لحاظ فرهنگی و سیاسی با ایالات متحده مشابهت نزدیک ندارد و گروهها و احزاب زیادی در عراق خواهان خروج قطعی نظامیان خارجی بودند در نتیجه موفقیت این سناریو در عراق ممکن نبود.

ب. خروج قطعی: عراقی ها خوش بین بودند که طبق توافقنامه امنیتی تا پایان سال 2011 و با خروج قطعی نظامیان آمریکایی از عراق، این سناریو در کشورشان محقق شود؛ اما انجام این سناریو نیز به دلایلی غیر ممکن است؛ چون طبق توافقنامه امکان حضور تعدادی از نظامیان آمریکا برای آموزش نیروهای عراقی وجود دارد و ارتش عراق به توانایی برقراری امنیت دست نیافته است. آمریکا به دلیل اهمیت استراتژیک عراق و پرداخت هزینه های زیاد در این کشور به راحتی به سناریویی تن نخواهد داد که هیچ منفعتی را در عراق برای آنها به دنبال نداشته باشد.

ج. خروج فیزیکی و نفوذ دائمی: طبق این سناریو آمریکا برای تأمین نظر گروه های عراقی و افکار عمومی، بخشی از نیروهای نظامی خود را از عراق خارج کرد تا پای بندی به توافقنامه امنیتی و

شعارهای انتخاباتی اوپاما تحت تأثیر قرار نگیرد؛ اما در ضمن توافقاتی مانند آموزش ارتش عراق، گسترش اعضای سفارت خود و در قالب شرکت های امنیتی به حضور خود در این کشور ادامه خواهد داد با وضعیت بد اقتصادی عراق از سال 1991 تا 2003 که باعث نابودی نهادها و زیر بناهای اقتصادی این کشور شده و زمینه نفوذ خارجی ها در این کشور را فراهم خواهد کرد (المعموری، 2011: 25) سناریوی انتخابی ایالات متحده همین گزینه خواهد بود تا بر این اساس به نفوذ بلندمدت خود در یکی از غنی ترین کشورهای نفتی جهان و در یک منطقه حساس و استراتژیک ادامه دهد.

ایالات متحده به دلیل فرصت ایجاد شده در سطح ساختار و نداشتن رقیب در بخش نظامی با یک جانبه گرایی به عراق حمله کرد و در سال های نخستین دخالت مستقیمی در روند دولت سازی عراق داشت که این موضوع با انتصاب دولت های «گارنر» و «برمر» انجام شد؛ اما به دلیل مخالفت های داخلی و بین المللی مجبور به خروج از عراق گردید. این خروج به معنای عدم نفوذ آمریکا بر روند دولت سازی در عراق نیست؛ بلکه با توافقتنامه های دوجانبه و حضور شرکت های نظامی خصوصی سعی دارد روند دولت سازی را براساس منافع خود جهت دهی کند.

خروج نظامیان آمریکایی از عراق حتی به طور کامل به معنای پایان اشغال این کشور نخواهد بود؛ چون زمینه های نفوذ توسط ایالات متحده در عراق شکل گرفته است که در بلندمدت به نفوذ قطعی و کم هزینه ایالات متحده در کشور عراق خواهد انجامید. خروج نیروهای آمریکایی از عراق به دلیل جلب افکار عمومی این کشور ترمیم وجهه این کشور در خاورمیانه و کشورهای اسلامی و هزینه های سنگین نظامی فرصتی در برابر این کشور قرار خواهد؛

اما عواملی مانند ساختار متزلزل سیاسی در عراق طایفه گرایی وجود شرکت های امنیتی، خصوصی شرکت های نفتی آمریکایی و ارتش ضعیف، عراق زمینه نفوذ بلندمدت ایالات متحده در این کشور را فراهم خواهد کرد.

زمینه های نفوذ آمریکا در عراق پس از خروج آمریکا

امکان بررسی خروج نیروهای آمریکایی از عراق در صورتی منطقی است که اهداف آنها از ورود به این کشور را با دقت مطالعه نماییم و با در نظر گرفتن شرایط بعد از حادثه یازده سپتامبر و ادعاهای گسترش دموکراسی و طرح خاورمیانه بزرگ و نیز شکل گیری نظام های جدید عربی در نگاه سیاست مداران آمریکا، به تحلیل این اهداف بپردازیم. (خوری، 2004: 31 - 35)

اهدافی که به طور آشکار از سوی مسئولین آمریکایی به آن اشاره شده است، عبارتند از: پاک سازی عراق از سلاح های کشتار جمعی، از بین بردن تروریست های موجود در این کشور کمک به شکل گیری نظام های دموکرات در منطقه و نیز شکل دادن عراقی جدید براساس معیارهای دموکراتیک که بتواند الگویی برای کشورهای منطقه باشد. بدون شک در انجام یک حمله با پذیرش هزینه های زیاد و مخالفت بازیگران مهم بین المللی و افکار عمومی جهان باید اهداف مهمتری نیز وجود داشته باشد که در بیانات رسمی سران ایالات متحده به آنها اشاره نمی شود و می توان این اهداف غیر اعلانی را چنین برشمرد:

الف. حضور فیزیکی در منطقه حساس خلیج فارس و به وجود آوردن بزرگ ترین سفارت خانه دنیا در بغداد که هزاران نفر در آن مشغول به فعالیت هستند.

ب. در اختیار داشتن منابع مهم و حیاتی نفتی که در آینده نقش بسیار مهمتری از امروز را در صحنه اقتصاد بین الملل ایفا خواهد کرد؛ به طوری که میزان نفت این کشور را تا سیصد میلیارد بشکه تخمین زده اند؛ با توجه به این مسئله که نفت عراق در مقایسه با سایر کشورها از اکتشاف و بهره برداری کم هزینه تری برخوردار است. نکته اصلی برای ایالات متحده، نیاز رقبای اقتصادی این کشور

به نفت عراق است که آمریکا با در اختیار داشتن این منبع انرژی در مقابل رقبا از توان تحرک بیشتری برخوردار خواهد شد.

ج. یکی از اهداف آمریکا نزدیکی بیشتر با دو همسایه عراق یعنی سوریه و ایران است که مهمترین کشورهای حامی مقاومت در لبنان و فلسطین هستند که سیاست کشورشان نیز در تضاد با استراتژی های ایالات متحده در این منطقه است. آمریکا سعی می کند با حضور در عراق بر این دو کشور همسایه فشار بیشتری وارد آورد. عراق مهم ترین کشور از لحاظ ژئوپلتیکی برای مهار ایران است پورسعید (1389: 197) که با تضعیف این دو کشور و نیروی مقاومت در، منطقه به امنیت اسرائیل کمک می شود. با اشغال عراق یکی از تهدیدات اسرائیل یعنی صدام حسین از میان برداشته شد و زمینه نفوذ اسرائیل را در قالب شرکت های خصوصی در عراق؛ به خصوص شمال این کشور فراهم کرده است. دولت بوش در راهبرد خود برای کنگره تأکید کرد که عراق باید همچون گذشته، سدی در برابر ایران و نه پلی برای آن باشد. (The White House, January 2007:10) ایالات متحده زمینه ای را در عراق فراهم کرده است که حتی در صورت خروج نظامی از این کشور، منافع و اهداف خود را در بلندمدت به دست خواهد آورد و

ص: 193

هزینه های پرداخت شده در عراق به طور غیر مستقیم و بدون حساسیت های حضور نظامی به این کشور باز خواهد گشت.

شرکت های امنیتی خصوصی در عراق

یکی از مسائلی که در حوزه مطالعات امنیت بین المللی مطرح شده است، پدیده شکل گیری شرکت های امنیتی خصوصی است که می-توان آنها را در بسیاری از ویژگی ها با شرکت های چندملیتی مقایسه کرد؛ اما در کارویژه ها تفاوت های مهمی با هم دارند حوزه فعالیت شرکت های امنیتی ورود به صحنه های نظامی جاسوسی و سرکوب است. در واقع این شرکت ها بسیاری از کارکردهای یک ارتش مجهز را انجام می دهند؛ اما انگیزه آنها کسب درآمدهای اقتصادی است؛ برخلاف ارتش که به جهت دخالت نظامی در کشورهای دیگر از انگیزه های متنوعی برخوردار هستند.

اعضای این شرکت ها از ملیت های مختلفی تشکیل شده که در لغت عربی به «مرتزقه» شهرت یافته اند و آنها را افرادی نظامی می دانند که برای به دست آوردن مال می جنگند. در لاتین از کلمه mercenaries گرفته شده که آن هم از کلمه فرانسوی mercy) به معنای شکر و پاداش است و در واقع به معنای دریافت اجرت در مقابل خدمتی که انجام می دهد، به کار می رود.

«مرتزق» در اصطلاح به کسی اطلاق می شود که در مکانی می جنگد و تنها انگیزه او از قتل و سرکوب، منافع مادی است.

در قرن بیستم، بسیاری از کشورهای دیکتاتور در آفریقا و آمریکای لاتین برای تحکیم سلطه خود بر مردم، به این شرکت ها متوسل شدند. کارکرد این شرکت ها نشان داده است که کشورهای استعمارگر اروپایی برای تداوم منافعشان در کشورهای استقلال یافته به این شرکت ها نیاز دارند؛ چون این شرکت ها با انعقاد قراردادهای مالی با استعمارگران سابق در کشورهای هدف به تأمین منافع آنها کمک می کنند بدون اینکه هزینه حضور مستقیم نظامی را پردازند یا با مخالفت افکار عمومی مواجه شوند. آمریکا بعد از حادثه یازده سپتامبر در بسیاری از مأموریت های جنگ افغانستان و، عراق از این شرکت ها استفاده کرد؛ به طوری که جنگ سال 2003 آمریکا برضد عراق را اولین جنگی دانسته اند که در بیشترین حد از این شرکت ها استفاده شده است. (حسیب الغالی 2007: 45) حتی یکی از زمینه هایی که موجب ورود تسلیحات به عراق شده و زمینه حملات تروریستی را فراهم کرده، حضور همین شرکت ها بوده است.

آمار این شرکت ها به دلیل محرمانه بودن بسیاری از فعالیت آنها، متفاوت است. این آمار در عراق از سی تا بیش از دویست شرکت

نیز بیان شده است؛ حتی هماهنگ کننده شرکت های امنیتی خصوصی در عراق در سال 2006 تعداد آنها را 181 شرکت اعلام کرد ولی یکی از مسئولان نظامی آمریکایی این آمار را تا 239 شرکت نیز بیان کرده است. (حسیب الغالبی، 2007: 48) با توجه به حساسیت مردم عراق نسبت به فعالیت این شرکت ها، ایالات متحده در مورد تعداد و نیروهای این مجموعه ها به طور شفاف برخورد نکرده است؛ اما این نکته غیر قابل انکار مطرح است که با وجود این شرکت ها و حوزه فعالیت بسیار متنوع آنها و ظرفیتی که آمریکا برای آنها در عراق فراهم کرده است زمینه نفوذ و تأمین منافع ایالات متحده را در این کشور و در بلندمدت رقم خواهند زد. درآمد روزانه برخی از اعضای این شرکت ها، بین 1500 تا 1700 دلار است که حقوق ماهیانه آنها چندین برابر حقوق نظامیان آمریکایی در عراق است و وجود منافع اقتصادی سرشار در این شرکت ها باعث حضور افراد زیادی از ملیت های مختلف در این شرکت ها شده است؛ به طوری که بعضی از مطلعین در ارتش آمریکا اعلام کرده اند که پنجاه درصد از هزینه های نظامی در عراق به این شرکت ها اختصاص می یابد (حسیب الغالبی 2007: 49) برخی از مهمترین این شرکت ها عبارتند از:

1. black water. : نام این شرکت در سال 2007 و بعد از حمله تعدادی از اعضای آن به مردم بغداد و کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از آنها شناخته شد. این شرکت در سال 1997 به وسیله یک میلیارد در مسیحی به نام «اریک برینس» که سابقاً در نیروی دریایی آمریکا مشغول بوده تأسیس شده است و بیشتر اعضای آن از اعضای سابق ارتش و نهادهای اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا هستند که حضور این افراد با نفوذ زمینه بستن قرارداد و فعالیت را برای این شرکت به راحتی فراهم کرده است؛ به طوری که این شرکت مسئولیت حفاظت از سفارت آمریکا در بغداد و «پل برمر»، حاکم آمریکایی عراق را برعهده داشته است. رقم قراردادهای این شرکت به 750 میلیون دلار می رسد که اعضای آن حدود 1500 نفر هستند. نیویورک تایمز، (2007/9/18)

2. dyn corp international: این شرکت از شرکت های مهم بزرگ و فعال در زمینه های امنیتی است که سابقه تأسیس آن به سال 1946 باز می گردد. اهم فعالیت های این شرکت به دوران جنگ سرد باز می گردد که طی این سال ها با شرکت های مختلفی ادغام شده است و در نهایت در سال 2003 به شرکت «computer sciences corporation» پیوست. مهمترین حوزه فعالیت این

شرکت در زمینه مخابرات و الکترونیک است که در عراق و برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس نیز فعالیت می کند.

3. Triple Canopy: این شرکت در سال 2003 تأسیس شد و مقر آن در ویرجینیای آمریکا است مسئولین آن اغلب از نظامیان سابق هستند که ارتباط نزدیکی با نهادهای اطلاعاتی ایالات متحده دارند. نیروهای این شرکت بیشتر از آمریکای لاتین و کشورهایمانند نیکاراگوئه، شیلی و هندوراس هستند. مهمترین حوزه فعالیت آنها در «منطقة الخضراء» بغداد است.

این شرکت که دارای تسلیحات و امکانات نظامی بسیار مهمی است از نوامبر سال 2005 امنیت این منطقه حساس در بغداد را از طریق مزایده از یک شرکت انگلیسی گرفته است. علت به کارگیری نیروهای آمریکای لاتین در این شرکت ها عدم تشابه فرهنگی این نیروها با مردم عراق است تا در مقابل اعمال هرگونه خشونت، احساس نزدیکی به عراقی ها نداشته باشند و با خشونت کامل در پی اجرای خواسته های شرکت برآیند.

4. Aegis Defense Services: این شرکت بریتانیایی توسط «تیم اسپایسر» (tim spicer) تشکیل شده است که بیست سال در ارتش بریتانیا خدمت کرد و در ایرلند، شمالی جنگ سال 1991 با عراق و جنگ بوسنی حضور داشته است. در مواردی هم به قاچاق

اسلحه به سیرالئون و سرکوب انقلاب در گینه نو متهم بوده است.

این شرکت در سال 2002 تأسیس شد و در حالی که سرمایه آن قبل از جنگ عراق 554 هزار لیبره استرلینگ، بود در پایان سال 2005 به 62 میلیون لیبره رسید. (حسیب الغالبی 2007: 55) شرکت های مهم دیگری مانند (Armour Group) که دارای 7600 نیرو است و 27 کشور فعالیت می کند. تنها در عراق 1400 نیرو دارد یا مانند شرکت انگلیس « Erinys » که در آفریقای جنوبی فعال بود؛ با ممنوع شدن فعالیت این شرکتها در آن کشور، تمرکز فعالیت های خود را در عراق دنبال می کند؛ مانند بسیاری از شرکت های دیگر که در راستای منافع اشغالگران در کشور عراق در حال فعالیت هستند. این شرکت ها بخش زیادی از فضای اشتغال در عراق را پر کرده اند؛ در حالی که در سال 2006 حدود 27/8 درصد از مردان 19 تا 15 سال و 25/3 درصد از مردان 20 تا 24 و 17 درصد از 25 تا 29 سال در این کشور بیکار بوده اند عمر الراوی 2011 (39) حوزه فعالیت این شرکت ها به اندازه ای گسترده است که نقش آنها را در تحلیل سیاست خارجی آمریکا و تحولات عراق، نمی توان نادیده گرفت.

خروج نیروهای آمریکایی از عراق به دلیل جلب افکار عمومی این کشور، ترمیم وجهه این کشور در خاورمیانه و کشورهای اسلامی و

هزینه های سنگین نظامی فرصتی در برابر این کشور قرار خواهد داد؛ اما عواملی مانند ساختار متزلزل سیاسی در عراق (طایفه گرایی)، وجود شرکت های امنیتی، خصوصی شرکت های نفتی آمریکایی و ارتش ضعیف، عراق، زمینه نفوذ بلندمدت ایالات متحده در این کشور را فراهم خواهد کرد. فعالیت گسترده این شرکت های خصوصی امنیتی، زمینه ورود سلاح و مواد منفجره به عراق را فراهم کرده است. تسلیحات سبک نظامی و مواد منفجره، در دسترس ترین کالا در این کشور است که وجود این، زمینه به وسیله شرکت های امنیتی فراهم شده است و با ترکیب این تدارکات با اندیشه داعش زمینه حملات تروریستی در عراق به راحتی فراهم خواهد شد.

نتیجه گیری

مهمترین بحرانی که دولت های گذشته عراق از سال 1920 تا به امروز در آن مشترک هستند «بحران هویت» است. بعد از سال 2003 با تأکید بیش از حد بر عوامل خارجی مشکل ساز در مسائل عراق، به زمینه های داخلی این بحران توجه کافی نشده است. مهم ترین عامل زمینه ساز این، بحران مشکلات ساختاری، تاریخی و تقسیم قدرت به طور ناعادلانه بین گروه های قومی - مذهبی بوده که امروزه شکاف های عمیق قومی - مذهبی را در این کشور ایجاد کرده است. تعلقات قومی - مذهبی و طایفه ای به قدری در این

کشور قوی است که فعالیت آزاده احزاب، انتخابات، جهت گیری ها و تصمیمات سیاسی این کشور را تحت الشعاع قرار می دهد. به رغم گذار این کشور از رژیمهای سلطنتی به کودتایی - دیکتاتوری و از سال 2003 به سمت دموکراسی خواهی هنوز زمینه های این بحران در عراق موجود است و عواملی مانند دولت ضعیف، طایفه گرایی نفوذ بیگانگان بازگشت عشایر به صحنه سیاسی و... زمینه های رشد تروریسم در عراق را فراهم کرده است؛ گروه های تروریستی نیز در پرتو این متغیرها به راحتی در عراق به فعالیت می پردازند.

منابع

فارسی

1. ابا امان قوم من، تهران انتشارات بانک ملی، 1351.
2. ازغندی، علیرضا نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب، تهران قومس، 1379.
3. بحرالعلوم، ابراهیم، آینده عراق و مبدأ مشارکت سیاسی، مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی تحولات عراق و چشم انداز امنیت منطقه ای: تهران مرکز تحقیقات استراتژیک 1386.
4. برزگر، کیهان سیاست خارجی ایران در عراق جدید تهران مرکز تحقیقات استراتژیک، 1385.
5. برنکاتی داون، آیا فدرالیسم به سامان سیاسی عراق می انجامد؟،

چاپ دوم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه، 1387.

6. پای، لوسین بحران مشروعیت و توالی در توسعه سیاسی، ترجمه: غلامرضا خواجه سروی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1380.

7. تاجیک، محمدرضا مدیریت بحران تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان، 1379.

8. جعفریان، رسول تشیع در عراق مرجعیت و ایران، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، 1386.

9. رضوی، سلمان، فرصت های سیاسی عراق جدید برای اسرائیل عراق پس از صدام و بازیگران منطقه ای، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1387.

10. قربانی، عادل، و صدیق، محمدی میر فرهاد، روابط اقتصادی ایران و عراق: تهران تدبیر اقتصاد، 1387.

11. قهوه چی، ریاض رویکردهای متعارض به مسئله امنیت در عراق مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی تحولات عراق و چشم انداز امنیت منطقه ای تهران مرکز تحقیقات استراتژیک، 1386.

12. مریجی، شمس الله، مبانی فکری و زمینه های اجتماعی جریان های معاصر عراق، قم: بوستان کتاب، 1387.

13. محمودیان، محمد، تأثیر اندیشه نوسلفیسم بر روند فکری - ایدئولوژیک، القاعده پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره سوم، تابستان.

14. مشیرزاده، حمیرا، تحول در نظریه های روابط بین الملل تهران: سمت، 1388.

15. ویلی، ان جویس، نهضت اسلامی شیعیان، تهران: اطلاعات، 1373.

16. های، کالین، ساختار کارگزار روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1384.

17. های، کالین درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی، 1385.

مقالات

1. اسدی، ناصر، دیپلماسی اجبار: بررسی سیاست ایالات متحده آمریکا در قبال عراق، فصل نامه روابط خارجی، سال اول، شماره سوم، پاییز 1388.

2. برنا، بلداجی، سیروس روند دولت سازی در عراق نوین؛ بایسته ها و رویکردهای ج.ا.ایران نامه دفاع، شماره چهارم، 1383.

ص: 203

3. بخشایش اردستانی، احمد هرمنوتیک رویکردی برای شفافیت سازی مفاهیم فصل نامه، سیاست، دوره 37، شماره 3، پائیز 1386.
4. پورسعید، فرزاد، برآورد استراتژیک عراق آینده، فصل نامه مطالعات راهبردی سال سیزدهم شماره اول، مسلسل 47، 1389.
5. تلاشان، حسن ژئوپلتیک شیعه در عراق قبل و بعد از صدام، فصل نامه میثاق سال دوم، شماره هشتم پاییز 1388.
6. توحید فام، محمد، و حسینیان، امیری مرضیه، تلفیق کنش و ساختار در اندیشه گیدنز، بوردیو و هابرماس و تأثیر آن بر جامعه شناسی جدید پژوهش نامه علوم سیاسی، سال چهارم شماره سوم، تابستان 1387.
7. خسروی، عباس مؤلفه های داخلی پایدار و مؤثر بر سیاست خارجی عراق، جدید فصل نامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره اول مسلسل 47 1389.
8. خرمشاد، محمدباقر و نادری، احمد، نقش حزب الدعوة الإسلامية در گفتمان مقاومت جنبش گفتمان مقاومت جنبش شیعی، شیعه شناسی، سال نهم، شماره 33، 1390.
9. خطیب زاده، سعید، ترکیه و اسرائیل فصلنامه سیاست خارجی،

سال شانزدهم، 1381.

10. خلجی، عباس، رویکرد سیاست خارجی آمریکا به تروریسم، فصل نامه سیاست، دفاعی سال یازدهم شماره 46، آذر، 1382.

11. رضایی، علیرضا نظم ایده محور الگوی ایالات متحده آمریکا از نظم در نظام بین الملل پساجنگ سرد فصل نامه تحقیقات سیاسی و بین المللی سال دوم شماره 3، تابستان، 1389.

12. روحانی، حسن، آینده روابط خاورمیانه و غرب رویارویی یا همکاری فصل نامه بین المللی روابط، خارجی، سال اول، شماره 2، تابستان 1388.

13. زهرانی، مصطفی از کشورهای یاغی تا محور اهریمنی: مهارت تا حمله پیشگیرانه فصل نامه سیاست خارجی، سال شانزدهم، شماره 1، بهار، 1381.

14. زندی غریاق، داوود فرآیند ملت دولت سازی و هویت ملی بازسازی در عراق، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره اول مسلسل 47، بهار، 1389.

15. زیباکلام، صادق و عبدالله پور، محمدرضا، بررسی نقش هم گرایی کردها و شیعیان عراق در موفقیت سیاست گذاری امنیتی ایران در قبال، عراق فصل نامه، سیاست دوره 39، شماره چهارم، صفحه 47 - 62، زمستان، 1388.

ص: 205

16. زیباکلام، صادق و عبدالله پور، محمدرضا ژئوپلیتیک شکننده کردستان عراق، عاملی هم‌گرا در نزدیکی کردهای عراق به اسرائیل، فصل‌نامه سیاست دوره 41 شماره چهارم، صفحه 59-75، زمستان، 1388.
17. ساعی، احمد، و، مرادی، جهانبخش معضلات فدرالیسم در عراق، فصل‌نامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی شماره هفتم صفحه 31-58 تابستان 1390.
18. عبدالوهاب المسیری، و آریه ناتور والی پوده، بحث امنیتی اسرائیل: مبانی نظری و ملاحظات عملی، ترجمه: اصغر افتخاری، فصل‌نامه مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل شناسی آمریکاشناسی، شماره پنجم، زمستان، 1379.
19. عباس زاده فتح‌آبادی، مهدی، القاعده پس از یازده سپتامبر با تأکید بر عراق فصل‌نامه سیاست دوره 401، شماره دوم، صفحه 151-1389.
20. مشیرزاده، حمیرا چرخش در سیاست خارجی ایالات متحده و حمله به عراق: زمینه‌های گفتمانی، داخلی، فصل‌نامه سیاست، سال 37، شماره دوم، تابستان 1386.
21. یعقوب زاده، جلیل، اسرائیل و کردهای شمال عراق، فصل‌نامه خاورمیانه سال، پانزدهم شماره 3، صفحه 4، 1387.

1. السيستاني، سيد على، النصوص الصادرة، اعداد حامد الخفاف بيروت: دارالمورخ العربي، 2007.
2. الوردى، على لمحات اجتماعيه من تاريخ العراق الحديث بغداد، جلد 3، 1972.
3. الجابري، محمد عابد، العقل السياسي العربي محدثاته و تجلياته، طبعه 4، بيروت: مركز الدراسات الوحدة العربية، 2000.
4. المجذوب، حمد، أمن القومي العربي بين النظرية و التطبيق، مركز دمشق للدراسات النظرية و الحقوق المدنية، 2009.
5. الوردى، على لمحات اجتماعيه من تاريخ العراق الحديث، بغداد جلد 3، 1972.
6. الحسينى، عبدالرزاق العراق قديما و جديدا، صيدا: مطبعة العرفان، 1958.
7. بادى برتران الدولة المستورة: تعزيب النظام السياسي، ترجمه: لطيف فرج القاهرة: دار العالم الثالث.
8. برنا بلداجى، سيروس 1383، نامه دفاع: روند دولت سازى در عراق نوين، تهران مركز تحقيقات استراتژيك دفاعى،
9. الهاشمي، محمد صادق، سنه العراق 2013، مركز العراق للدراسات، 1996.
10. بريمر، بل مع مالكوم مك كوئل عام قضية في العرلق النضال

لبناء غد المرجو، ترجمه عمر، ايوبى بيروت در الكتاب العربي.

- 11، ثناء فواد، عبدالله الدوله و القوى الاجتماعيه في الوطن العربيّة: علاقات التفاعل و الصراع، بيروت مركز الدراسات الوحدة العربية، 2001.
 12. حسيب الغالبي، ابراهيم، شركه بلاك و وتر و حقيقه المرتزقه، مركز العراق للدراسات، 2007.
 13. حريق، ايليا الديمقراطية و تحديات الحداثة بين الشرق والغرب، بيروت: دارالساقى، 2001.
 14. سليم، مطر، جدل الهويات... صراع الانتماءات في الشرق الاوسط، بيروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر، 2003.
 15. ضياء جعفر، جعفر، برنامج لمستقبل العراق بعد انتهاء الاحتلال، بيروت مركز الدراسات الوحدة العربية، 2005.
 16. غسان سلامة المجتمع العربي في المشرق العربي، بيروت: مركز الدراسات الوحدة العربية، 1999.
 17. ماكفرن، جورج و ويليام، بولك الخروج من العراق خطة عملية الانسحاب الان بيروت مركز دراسات الوحدة العربية، 2006.
 18. مجموعه من الباحثين، العراق تحت الاحتلال تدمير الدولة و تكريس الفوضى، بيروت مركز الدراسات الوحدة العربية، 2008.
- ص: 208

19 مجموعه من الباحثين (2006) استراتيجية التدمير، بيروت: مركز الدراسات الوحدة العربية، 2006.

20. مجموعه من الباحثين (2005) مناهضة احتلال العراق دراسات و وثائق أمريكية وعالمية بيروت مركز الدراسات الوحدة العربية، 2005.

21. وودورد، بوب، (2004) خطة الهجوم، الرياض: مكتبة العبيكات، 2004.

22، هاس ريتشارد (2010) حرب الضرورة حرب الاختيار سيرة الحربين على العراق، ترجمه نورما، نابلسى بيروت: دارالكتاب العربي، 2010.

مقالات

1. الأسدي، عبد الرسول (2011) نفاذ تدويل ثقافة مكافحة الفساد في القوانين، العراقية مركز العراق للدراسات شئون العراقية، العدد الخامس، كانون الثاني، 2011.

2. الربيعي خليل مخيف (2009) ظاهر الصحوات في العراق، مركز العراق للدراسات شئون العراقية، العدد الثاني شباط، 2009.

3. الشجيري رنا (2009) السيادة العراقية في ظل العلاقات مع الولايات المتحدة مركز العراق للدراسات شئون العراقية العدد الثاني شباط، 2009.

ص: 209

4. الشجيري رنا (2011) الازمة الدولية و ادارتها... العراق انموذجا، مركز العراق للدراسات شؤون العراقية العدد الخامس، كانون الثاني.
- العطية، عصام (2011) الوضع القانوني لاتفاقية الجزائر بين العراق و ايران مركز العراق للدراسات، شؤون العراقية، العدد الخامس كانون الثاني.
5. المعموري، عبدعلي كاظم (2011) التوجهات الامريكي بعد انسحاب الجزيري من العراق مركز العراق للدراسات، شؤون العراقية، العدد الخامس، كانون الثاني.
6. بغدای عبدالسلام ابراهيم (2009) تطور اتعيم اعالي و الحريات الاكاديمية في العراق مركز العراق للدراسات، شؤون العراقية العدد الثاني شباط.
7. بيضون، احلام، (2011) المسؤولية القانونية للولايات المتحدة عن حروب العراق، مركز العراق للدراسات، شؤون العراقية، العدد الخامس، كانون الثاني.
8. سعد، عادل، (2009) النخبة الحاكمة في العراق و حاجتها الى قوة المنشا و تعميق النفوذ شؤون ،العراقية مركز العراق للدراسات ، العدد الثاني شباط.
9. عمر الراوى ، احمد (2011) البطالة في العراق، مركز العراق للدراسات شؤون العراقية العدد الخامس، كانون الثاني.

10. اسدی علی اکبر (1389) روند تشکیل دولت ائتلافی در عراق و رویکرد بازیگران داخلی گزارش راهبردی مرکز تحقیقات استراتژیک.

سایت ها و روزنامه ها

1. الجزیره.

2. العربیه.

3. <http://feirahi.halghe.ir>

4. [_http://mesc.com.jo/Activities/Act_Saloon/Act_Saloon](http://mesc.com.jo/Activities/Act_Saloon/Act_Saloon)

17.html

منابع انگلیسی

Al-Marashi, Ibrahim (2002); "Iraq's Security intelligence network, a guide and analysis", Meria Journal, .1
Vol1, No.3

Al-Marashi, Ibrahim (2002); "Iraq's Security intelligence network, a guide and analysis", Meria Journal, .2
Vol6, No.3

Heywood, Andrew (2002); Politics, (New York: Palgrave, Second Edition .3

Dodge, Toby (2008) "Iraqi Transitions: from regime change .4

to state collapse", in Sultan Barakat (ed.)Reconstructing

ص: 211

- .Post-Saddam Iraq, London and New York: Routledge
- Rear, Michael (2008) Intervention, Ethnic Conflict and State .5
- ,Building in Iraq: A Paradigm for the Post-Colonial State
- .New York and London: Routledge
- "Zunes, Stephen (2007) Belligerent Hegemon, in "the Iraq war .6
- .edited by Pick Fawn and Raymond Hinnebusch, New Delhi: Viva Books
- Cloud, David S and Thom Shanker,(2007) "Gaps in Training .7
- Iraqi Forces Worry Top U.S Commanders," New York Times, 14/7/2007
- Tripp, Charles A History of Iraq, (Cambridge: Cambridge University Press, Second Edition)2002 .8
- Eyadat, Zaid. (2009), An Alternative Model Of Transition in .9
- the middle East
- ,Ph.D Dissertation in political sciences
- .University of Southern California
- Wimmer, Andreas. (2003-4), "Democracy and Ethno .10
- .Religious Conflict in Iraq", Survival, Vol.45, No. 4
- Riedel, Bruce, (2007), "Al-Qaeda Strikes Back," Foreign .11
- .Affairs, May/June, Vol. 86, No

نقش قدرت های منطقه ای و بین المللی در رشد و گسترش جریان های تکفیری (1).

مختار شیخ حسینی (2)

* محمد جواد خلیلی (3)

چکیده

شکل گیری و رشد سلفی گری تکفیری که امروزه به مهم ترین معضل جهان اسلام تبدیل شده است؛ ریشه در عوامل مختلفی دارد. تاکید بر عوامل داخلی و اندیشه ای این جریان بخش زیادی از واقعیت جریان تکفیری را تبیین می کند اما تحلیل جامع از عملکرد تاریخی و فعلی این جریان در صورتی امکان پذیر است که متغیر

ص: 213

-
- 1- این مقاله در جلد دوم مجموعه مقالات کنگره بین المللی «جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام» با عنوان «نقش قدرت های بین المللی در رشد جریان های تکفیری و پیامدهای آن بر جهان اسلام» منتشر شده است.
 - 2- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) و پژوهشگر گروه مطالعات راهبری مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام).
 - 3- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه یاسوج.

استعمار و قدرت های بزرگ بین المللی را نیز در تقویت و توسعه این جریان در نظر داشته باشیم. به لحاظ تاریخی پیوند اندیشه تکفیری سلفیه به رهبری محمد بن عبدالوهاب با قدرت سیاسی آل سعود با هدایت و پشتیبانی بریتانیا برای مقابله با عثمانی صورت گرفت و این جریان در شبه جزیره عربستان همواره در راستای منافع استعماری بریتانیا عمل کرده است. در دوران جنگ سرد نیز حمایت امریکا از القاعده در افغانستان برای مقابله با نفوذ شوروی سابق، یک واقعیت تاریخی است که بلوک غرب از ظرفیت های این جریان در راستای منافع استعماری خود بهره گرفت. در حال حاضر نیز گسترش فعالیت جریان های تکفیری در برخی کشورهای اسلامی مانند عراق و سوریه مورد حمایت این قدرت های بزرگ است.

گسترش و رشد تفکر تکفیری فرصت هایی برای منافع قدرت های استعماری فراهم کرده است که از رشد آن در برخی مناطق جهان اسلام حمایت و در برخی مناطق با آن مقابله می کنند. با این رویکرد گزینشی استعمارگران در مقاطعی از جریان تکفیری حمایت کرده اند و در مقاطعی نیز با استناد به عملکرد تروریستی و خشونت امیز آنها زمینه تهاجم نظامی علیه کشورهای اسلامی با ادعای مبارزه با تروریسم را فراهم کرده اند. در این مقاله با بررسی تاریخی نقش قدرت های بزرگ در تقویت و توسعه جریان

تکفیری، به ارتباط این دو متغیر با یکدیگر و تأثیرات آن بر جهان اسلام خواهیم پرداخت.

کلمات کلیدی سلفی‌گری استعمارگران، اسلام، القاعده، وهابیت، آمریکا

مقدمه

جریان تکفیری که امروز به عنوان مهمترین چالش جهان اسلام مطرح است؛ در بستر اندیشه‌ای و شرایط محیطی خاصی رشد کرده است. هر چند مهمترین زمینه اندیشه تکفیر تفسیر متصلب و ظاهرگرایانه از نص است. اما تبدیل این اندیشه به کنش خشونت‌آمیز حاصل زمینه‌های عینی است که شرایط را برای بروز و ظهور این اندیشه فراهم کرده است. تحلیل صرفاً اندیشه‌ای از این جریان تنها بخشی از واقعیت جریان تکفیری را تبیین می‌کند بیشتر پژوهش‌ها در تاریخ و ادوار جریان تکفیری به جنبه کلامی و اعتقادی این جریان توجه دارد در حالی که تحلیل عینی، شرایط محیطی منطقه‌ای و بین‌المللی رشد این اندیشه و تبدیل آن کنش‌های خشونت‌آمیز در تبیین دلایل رشد و گسترش این جریان نقش مهمی دارد.

یکی از عوامل عینی در رشد و گسترش جریان‌های تکفیری نقش قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است که تاریخ اندیشه

تکفیری ها نیز نشان دهنده نقش این عامل در چند مرحله تاریخی بوده است. مهمترین هدف قدرت های بزرگ در رابطه با جریان تکفیری استفاده از ظرفیت آنها برای نفوذ در جهان اسلام و رسیدن به منافع ملی و فراملی خودشان بوده است در واقع، جریان های تکفیری تا زمانی که در راستای سیاست های قدرت های بزرگ عمل کرده اند مورد حمایت مستقیم و غیر مستقیم این قدرتها بوده اند اما در صورتی منافع قدرت های بزرگ از سوی این گروهها مورد تهدید قرار گرفته است؛ به شدت سرکوب شده اند. با توجه به آنارشیسم بودن نظام بین الملل (عدم وجود قدرت فائده)، قدرت های بزرگ با تکیه بر منابع مادی قدرت ظرفیت بیشتری برای دستیابی به منافع فراملی خود دارند. در هر دوره تاریخ روابط بین الملل نیز برخی قدرت ها در جهت دهی رفتارهای بین المللی نقش بیشتری بر عهده داشته اند رشد اولیه جریان تکفیری در منطقه نجد در قرن 19 همراه با موافقت و حمایت بریتانیا به عنوان بزرگترین قدرت بین المللی مواجه شد و در قرن 20 نیز حمایت امریکا از جریان القاعده در افغانستان در برابر شوری نشان دهنده اهمیت جریان تکفیری در سیاست قدرتهای بزرگ است امروزه نیز نقش قدرتهای بزرگ بین المللی (آمریکا، اتحادیه اروپا و ..) و منطقه ای عربستان قطر و ترکیه در رشد و گسترش این جریان ها

انکار ناشدنی است در این مقاله به صورت اختصار به زمینه های اندیشه ای رشد جریان تکفیر در سه مقطع (وهابیت نجد، القاعده در افغانستان و گروه داعش) اشاره خواهد شد و سپس به نقش قدرت های بزرگ در رشد و گسترش این جریان با استفاده از چارچوب تئوریک رئالیسم ساختاری خواهیم پرداخت.

رئالیسم ساختاری به مثابه چارچوب تئوریک

نواقعگرایی یکی از نظریاتی است که مسأله تأثیر گذاری نظام بین الملل بر رفتار کشورها و تأثیر پذیری واحدها از نظام بین الملل را تحت عنوان نظریه رئالیسم ساختاری مطرح نمود. و مهم ترین اندیشمند آن کنث والتز است که این تئوری را در کتاب تئوری سیاست بینالملل بیان کرده است. به عقیده والتز سیاست خارجی کشورها تحت تأثیر نظام بین الملل شکل می گیرد در این دیدگاه دولت و فرد در تصمیم گیری ها نقش چندانی ندارند بلکه ساختار نظام بین الملل محدودیت هایی بر سیاست های کشورها و گروهها اعمال می کند. در این تئوری سیستم بین المللی و ساختارهای آن بر رفتار دولت ها تأثیر می گذارند و با قید و بندهایی که بر رفتار دولت ها اعمال می کنند روابط بین المللی را شکل می دهند و رفتار دولت ها را شبیه به هم و یکسان می سازند.⁽¹⁾

ص: 217

1- احمدی، حمید، ساختار گرایی در نظریه روابط بین الملل، 122 .

اصل اول یا اصل سازمان دهنده در نظام داخلی سلسله مراتبی و در نظام بین المللی آنارشی است؛ البته آنارشی به معنای فاقد اقتدار مرکزی. (1) بر این اساس در نظام بین الملل یک قدرت فائده که نظم دهنده باشد وجود ندارد.

اصل دوم کار ویژه واحدها یا دولت ها است. دولت ها از نظر قدرت اگرچه یا یک دیگر متفاوت هستند اما رفتاری مشابه و یکسان دارند این رفتار مشابه ناشی از تأثیر و قید و بندهای ناشی از اصل نظم دهنده سیستم یعنی آنارشیسم است. (2) در واقع به دلیل این که در محیط بین الملل هیچ اقتدار مرکزی وجود ندارد هر واحد است خودش امنیت خودش را تأمین کند. زیرا مرجعی که مجبور امنیت اعضایش را تأمین کند وجود ندارد این تأمین امنیت اعضا توسط خودشان برای آنها امری حیاتی است. (3) مهمترین ارزش در این فضا، بقا است و کشورها برای بقای خود باید قدرت نظامی را افزایش دهند یا دست به ائتلاف زنند تا بتوانند در این سیستم آنارشیکی به منافع خود دست یابند اصل سوم، توزیع توانمندی ها

ص: 218

1- مشیرزاده، حمیرا، تحول در نظریه های روابط بین الملل، 114.

2- احمدی، حمید ساختار گرایی، در نظریه روابط بین الملل 123

3- Waltz, 1979 : 126 .3

است. در نظام بین الملل توزیع توانمندی ها در میان واحدها عامل تمایز آن ها است. این اصل تعیین می کند که هر یک از واحدها چه میزان از توانمندی لازم را برای تأمین امنیت برخوردار است. (1)

اگرچه رفتار دولت ها با هم یکسان است ولی از نظر توانمندی با هم دیگر متفاوت هستند، (2) از آنجا که این توزیع توانمندی ها و تغییر در چگونگی توزیع برای والتز اهمیت دارد، وی به اشکال مختلف نظام هایی می پردازد که حاصل تغییر در توزیع توانمندی ها هستند. از نظر والتز از میان انواع نظام ها ساختار دو قطبی باثبات تر است. در حالی که به نظر مورگنتا نظام چند قطبی همراه با یک عامل ایجاد توازن باثبات تر است (3)

والتز با استفاده از نظریه ی سیستم ها و با تأثیرپذیری از رفتارگرایی نظریه ای ارائه می دهد که در آن ضمن تأیید برخی اصول اساسی واقع گرایی مورگنتا و تقویت هنجارهای مرسوم آن، برخی از ویژگی ها و هنجارهای مرسوم را به چالش می کشد و در مقابل آن اقدام به هنجار سازی می کند وی در مقابل واقع گرایی که بر سه اصل دولت گرایی بقا و خودیاری تأکید داشت، به محوریت مفهوم

ص: 219

1- مشیرزاده، حمیرا، تحول در نظریه های روابط بین الملل : 114.

2- احمدی پیشین: 124.

3- مشیرزاده، پیشین، 116.

سیستم حاکم بر نظام بین الملل پایبند است و به جای افراد و دولت ها بر ساختار نظام بین الملل به عنوان اصل سازمان دهنده تأکید دارد؛
والتز نظریه ی خود را بهترین نظریه برای تحلیل نظام بین الملل می داند(1)

بر اساس این تئوری هر بازیگری که قدرت بیشتری داشته باشد می تواند به منافع بیشتری در سطح بین الملل دست یابد و نظم موقتی
سیستم در این تئوری بوسیله بازیگران برتر فراهم می شود.

در دوره امپراتوری نظم سیستم سلسله مراتبی است و در دوره دو قطبی ، دو بلوک نظم سیستم را طراحی می کنند و در صورت تعدد قدرت
ها در نظام بین الملل بازیگری بیشترین منافع را کسب می کند که از قدرت بیشتری برخوردار باشد با توسعه مفهومی این نظریه می توان در
رابطه با موضوع این مقاله سه دوره زمانی را در نسبت به رشد جریان تکفیری و نظام بین الملل در نظر گرفت. در مقطع اول در قرن 19 که
امپراتوری بریتانیا مهم ترین قدرت نظام بین الملل بود و نظم سیستم تا حدی وابسته به این قدرت برتر بود و به تبع نظم بین المللی نظم
منطقه ای در خاورمیانه نیز تابعی از منافع بریتانیا بود شکل گیری اولیه حکومت ال سعود با تکیه بر

ص: 220

1- فروزی ، علیرضا، مبانی انسان شناختی نظریه های روابط بین الملل (واقع گرایی و لیبرالیسم) و اسلام ، 1392.

قدرت مذهبی و هابیت و پیوند آن با بریتانیا زمینه رشد این جریان را فراهم کرد. در مقطع دوم نیز شاهد حمایت اولیه امریکا از رشد القاعد در افغانستان برای مقابله با نفوذ شوروی هستیم و مقطع سوم در قرن 21 حمایت قدرت های بزرگ و منطقه ای از رشد جریان های تکفیری در عراق و سوریه نشان دهنده تاثیر این متغیر (قدرت های بزرگ) در رشد این جریان هاست بر اساس رئالیسم ساختار چون قدرت نظم دهنده ای در سطح ساختار وجود ندارد قدرت های بزرگ به میزان قدرتی که دارند از این گروهها در راستای رسیدن به منافع خود بهره می گیرند.

نقش استعمارگران در رشد و گسترش جریان تکفیری

اشاره

هر چند زمینه های اندیشه ای در گسترش جریان تکفیری نقش مهمی داشته است و بدون توجه به این زمینه های درونی جهان اسلام نمی توان تحلیل جامعی از این جریان ها ارائه داد؛ اما رشد قارچ گونه این گونه جریان ها در مقاطع زمانی مختلف نشان دهنده تاثیر گذاری یک متغیر جدید «نقش قدرتهای بزرگ» در گسترش این جریان بوده است از دیدگاه دکتر فیرحی نیز «هر چند برخی از تحلیل گران معتقدند که سلفیزم یک اندیشه تهی است و دست ساز بیرونی ها هست اما مطالعات من نشان می دهد سلفیزم یک جریانی

است که از درون بحران جهان اسلام در می آید اما اگر کشورهای دیگر می توانند از آن استفاده کنند در واقع هنر استفاده را دارند و بلدند که چگونه از جریان های درون جوش در جهان اسلام استفاده کنند ... طبیعی است که هر کشوری به فراخور دریافت سیاست خارجی و قدرت و تجربه اش از این جریان های محلی بهره می برد درک من این است که این تحولات پایه درونی دارد اما بهره برداری های بیرونی صورت می گیرد علتش هم این است که اولاً خود این جریان پتانسیل دارد، دوم اینکه آنهایی که بهره می برند دیپلماسی های پخته چندین صد ساله دارند، می دانند که از جریان های محلی چگونه استفاده کنند و استفاده هم می کنند؛⁽¹⁾

بنابراین به نظر می رسد نقش قدرت های خارج از جهان اسلام در رشد و گسترش این جریان تاثیر مهمی دارد به طوری که آیت الله آصفی از علمای نجف نیز در این زمینه اعتقاد دارد: «زمینه های شعله مختلفی موجب و ر شدن آتش فتنه های مذهبی در جهان اسلام شده است که فقط نگاه سطحی به این مسئله نقش استکبار جهانی را نادیده می گیرد در حالی که تجربه استعمارگرانی مانند فرانسه،

ص: 222

پرتغال، ایتالیا و دیگر کشورهای استعمارگر نشان دهنده استفاده از فتنه مذهبی در داخل ملت‌ها برای رسیدن به اهداف استعمار دارد.

جنگ‌های مذهبی به دلیل اینکه زود شعله‌ور می‌شود در سیاست استکبار جهانی نقش زیادی دارد این تجربه استعمارگران قرون گذشته در اختیار آمریکا قرار گرفته است»(1) و امروز آمریکا در خشونت‌های مذهبی و شعله‌ور کردن آتش آن نقش اساسی دارد در عراق امروزه این مسئله اثبات شده است که آمریکا در زمینه‌های این مسئله نقش اصلی را دارد و آمریکا سعی می‌کند تا با ایجاد دیوار بلند بی‌اعتمادی بین اهل سنت و شیعه عراق آنها را وارد این جنگ مذهبی کند و بهترین فرصت برای نفوذ و سلطه آمریکا زمانی است که مسلمانان وارد این بازی طراحی شده استکبار جهانی شوند و هیچ ابزاری مانند جنگ‌های مذهبی فرصتی برای سیطره آمریکا بر جهان اسلام فراهم نمی‌کند»(2) با توجه به تاثیر گذاری این متغیر (نقش قدرتهای بزرگ) در رشد و گسترش جریان‌های تکفیری، به بررسی نقش این متغیر در سه دوره زمانی

ص: 223

1- آصفی، محمد مهدی، الامه الواحده و الموقف من الفتنه الطائفیه، 22.

2- همان، 23.

فعالیت گروه های تکفیری (وهابیت در نجد القاعده و داعش) می - پردازیم و در نهایت به پیامدهای رشد این جریانها بر جهان اسلام اشاره می شود.

بریتانیا و جریان تکفیری

آل سعود قبیله ای در منطقه نجد بود که با داشتن رقبای زیاد و نداشتن پایگاه اجتماعی برای گسترش قلمرو با چالش های جدی روبرو بود و با توجه به دور بودن سرزمین نجد در آن زمان از حیطة بازی قدرت های بزرگ بهترین راه برای یک قبیله که ارزوی رهبری سیاسی بر مناطق اطراف را داشت به خدمت گرفتن یک ایدئولوژی با قدرت کنندگی بالای توده های اجتماعی بود. بسیج محمد ابن عبدالوهاب نیز که ارائه دهنده تفسیر جدیدی از دین و به تبع آن استنباط های جدید از مساله توحید و شفاعت و.. بود نیاز به یک پشتیبان سیاسی داشت تا تحت حمایت آن بتواند به گسترش نفوذ عقیدتی خود پردازد. این نیاز دو جانبه وهابیت را به ال سعود نزدیک کرد و با پیوند قدرت و مذهب باعث گسترش قلمرو هر دو نهاد شد.

ترویج آرا و افکار ابن تیمیه توسط محمد بن عبد الوهاب در شرایطی در دهه های نخست قرن 13 و قرن 19 میلادی صورت

پذیرفت که امت اسلامی از چهار سو مورد حمله استعمارگران صلیبی قرار داشت انگلیسی ها که بخش زیادی از هند را از دست مسلمانان خارج کرده بودند و به سمت جنوب ایران در حرکت بودند، فرانسویها با اشغال، سوریه مصر و فلسطین و در رقابت با عثمانی بودند روسها نیز با حملات مکرر خود به ایران و عثمانی به دنبال توسعه نفوذ خود در جهان اسلام بودند و امریکایی ها نیز چشم طمع به کشورهای شمال آفریقا داشتند در چنین شرایطی که جهان اسلام نیاز به وحدت و همدلی داشت محمد بن عبدالوهاب مسلمانان را به جرم «شفاعت خواهی از پاکان و (زیارت قبور اولیاء الهی) مشرک و بت پرست خواند و با برانگیختن اعراب بادیه نشین مناطق سنی و شیعه نشین را به خاک و خون کشید و اموال مسلمین را به عنوان غنیمت به غارت برد. (1)

مثلاً قدرت در شرایط آن روز شبه جزیره به این صورت بود که شریف حسین بر مکه و مدینه حکومت داشت و مورد حمایت عثمانی قرار داشت و بیطرفی او در بین مسلمانان پذیرفته شده تلقی می شد آل رشید یکی از قدرت های دیگر شبه جزیره بود که مستقیماً تحت نفوذ عثمانی ها قرار داشت و جریان وهابیت نیز در نجد مورد حمایت بریتانیا قرار گرفت. سیاست برتانیا برای

ص: 225

تضعیف عثمانی، حمایت از آل سعود به عنوان مخالفان عثمانی در منطقه بود. عبدالوهاب نیز با همه مذاهب اسلامی (به جز حنبلی) در افتاد و چون در روزگار او عثمانیان بر اعراب و از جمله عربستان حکومت می کردند، نهضت او رنگ ضد عثمانی به خود گرفت و جنبه سیاسی یافت (1) با توجه به سیستم نظام بین المللی در قرن 19 و تا قبل از جنگ جهانی دوم بریتانیا تقریباً مهم ترین قدرت نظام بین الملل محسوب می شد و در نظام موازنه قوا نیز نقش موازنه دهنده را ایفا می کرد و با توجه به قدرت نظامی و دریایی منافع فراملی زیادی برای خود تعریف کرده بود.

با توجه به اینکه سیاست بریتانیا استفاده ابزاری از این جریان در راستای سیاست های خود بود در زمان های که تحرکات این جریان علیه آنها بود به مقابله شدید با آنها می پرداخت مثلاً در سال 1921 پس از گردهمایی عالمان و پیروان قبایل در ریاض که طی آن ابن سعود را پادشاه نجد و همه سرزمین های وایسته به آن خواندند، فیصل پسر سعود، به اشغال "ابها" پایتخت عسیر پرداخت که در این هنگام انگلیسی ها مستقیماً وارد جنگ شدند و از سوی عراق و اردن به نجد تاختند و چندین شکست بر وهابیان وارد آوردند. (2)

ص: 226

1- حلبی، علی اصغر تاریخ نهضت های دینی سیاسی معاصر 98.

2- همان 31.

انگلیسی‌ها حتی در زمانی که شریف حسین با وهابیه‌ها درگیر بود از پشتیبانی او شانه خالی کردند و در مقابل به او وعده حکومت فرزندان او در عراق و اردن دادند و چون آل سعود با این طرح مخالفت داشت، انگلیس از ترس عقیم ماندن طرحش مجبور شد امتیازی برای ابن سعد قائل شود و پیمانی در سال 1927 میان طرفین امضا شد که براساس آن انگلستان استقلال کامل و مطلق ابن سعود را به رسمیت شناخت. (1)

با آغاز جنگ جهانی اول، انگلیس دو خاندان ابن سعود و شریف حسین را علیه عثمانی تحریک می‌کرد و توماس او دارد لارسن را به اردوگاه شریف حسین و ویلیام شکسپیر را به اردوگاه سعودی‌ها فرستاد... و با بستن پیمان‌هایی با آل سعود از نفوذ ترک‌های جوان و آلمان در سواحل خلیج فارس جلوگیری کرد. (2)

در مارس 1934 دولت آل سعود تصمیم به حمله به یمن را داشت و در این حمله هم منابع اقتصادی و جایگاه یمن مهم بود و هم تحریک علمای وهابی مبنی بر تکفیر گروه زیدیه تاثیر گذار بود با توجه به اینکه یمن قدرت مقاومت در برابر آل سعود را نداشت از بریتانیا تقاضای کمک کرد و انگلستان به تقاضای امام یحیی پاسخ

ص: 227

1- همان، 32.

2- مسجد جامعی زهرا، نظری بر تاریخ وهابیت، 90.

مثبت داد زیرا امنیت عدن و تنگه باب المندب برای او جنبه سوق الجیشی بسیار مهم داشت و بندر عدن از یک قرن پیش تحت سلطه بریتانیا قرار داشت از طرفی ایتالیا نیز از سلطه آل سعود و وهابی ها بر این منطقه نگران بود و نگرانی ایتالیا متوجه مستعمراتش یعنی اریتره و سومالی بود به همین دلیل صد و پنجاه سرباز خود را در ناحیه مجاور باب المندب قرار داد تا ورودی دریای سرخ را کنترل کنند. ابن سعود که موازنه قدرت را به نفع خود نمی دید راضی به مذاکره با یمن شد. (1)

در منطقه خلیج فارس علاوه رقابت با عثمانی ها که یکی از مهمترین رقبای بریتانیا بودند برای این کشور اهمیت خاصی داشت و از دست دادن این منطقه به معنای از دست دادن بازار و منابع معدنی و از همه مهمتر از دست دادن هندوستان بود. سیاست انگلستان در مورد حکومت ابن سعود را می توان تابعی از اختلاف این کشور با عثمانی دانست که تا قبل از فروپاشی عثمانی از حکومت آل سعود به عنوان ابزاری در امتیاز گرفتن از عثمانی ها بهره می بردند و در این راه گاهی مجبور به حمایت همه جانبه از عبدالعزیز می شدند و بعد از فروپاشی عثمانی در برخی موارد که آل

ص: 228

سعود رقیبی برای انگلستان در منطقه بود به مبارزه مستقیم نیز کشیده می شد سیر این برخوردها را می توان از قرارداد 1915م کاکس از سوی انگلستان و ابن سعود مشاهده کرد در این قرارداد برای طرفین تعهداتی قرار داده شد که عبارت بودند از :

1 . ابن سعود بر سرزمین های حمایت شده بریتانیا در شبهه جزیره حمله نکند (منظور قلمرو شریف حسین دیگر متحد بریتانیا بود که از سوی آل سعود با خطر مواجه بود. ولی حضور بازیگر دیگری مانند شریف حسین در قلمرو حجاز خوشایند آل سعود نبود و در نهایت نیز بوسیله آنها از میان برداشته شد).

2 . آل سعود نباید به دشمنان بریتانیا در نجد امتیازی دهد (احتمالاً منظور آنها آلمانی ها و عثمانی ها بودند).

3. آل سعود باید سیاست خارجی خود را با انگلستان هماهنگ سازد انگلیسی ها با این دست آل سعود را از ایجاد ارتباط با دیگر قدرت ها کوتاه می کردند و در واقع آنها را در محدوده قدرت خود نگه می داشتند.

4 . انگلستان تعهد می نماید در برابر این تعهدات آل سعود هر سال مبلغ 60000 لیره به ابن سعود پردازد.(1)

ص: 229

بنابراین رابطه بریتانیا و وهابیت را میتوان تابعی از نظام بین المللی در آن دوره دانست که مهمترین قدرت نظام بین الملل (بریتانیا) از این جریان افراط گرا در راستای سیاست های خود بهره گرفت و هر زمان منافعی از سوی این گروه به خطر افتاد به شدت با آن برخورد کرد.

امریکا و القاعده

بعد از جنگ جهانی دوم به دلیل تغییر بازیگران، آمریکا و شوروی به عنوان مهم ترین بازیگران نظام بین الملل ظهور کردند و با شکل گیری بلوک دو قطبی تقریباً همه موضوعات و چالش ها در نظام بین الملل در اصطکاک منافع این دو بازیگر رخ می داد. این نظام از اواخر دهه 1940 تا اواخر دهه 1980م بر جوامع حاکم بود که ویژگی اساسی آن را منازعه و رقابت میان ایالات متحده ی آمریکا و شوروی تشکیل می داد(1) بر اساس نظریه رئالیسم ساختاری والتز، در این نظام نیز بازیگرانی که از قدرت بیشتری برخوردار بودند به منافع بیشتری دست می یابند و ظرفیت جهت دهی ساختار را

ص: 230

1- حاجی یوسفی، امیر محمد، سیاست خارجی ج.ا.ا در پرتو تحولات منطقه ای، ص 61.

دارند. بر همین اساس ایالات متحده که مهمترین تعارضش در این دوره با منافع شوروی بود از جریان های تکفیری و افراطی در راستای رسیدن به منافعش بهره گرفت القاعده یکی از سازمان های تکفیری معاصر است که در سال 1988 میلادی در پیشاور پاکستان از دفتر خدمات بیت الانصار که وظیفه پشتیبانی و لجستیک مجاهدان افغانی را برعهده داشت تجلی یافت و از سال 1988 تا 1995 حوزه فعالیت این سازمان در افغانستان و سودان بود، اما از 1995 به بعد و هم زمان با انفجارهای ریاض و تعدادی انفجار دیگر در شرق قاره افریقا نام این سازمان بر سر زبان ها افتاد(1).

از سال 1986 تا 1989 مبارزان عرب در بسیاری از درگیری ها جبهه ها در کنار مبارزان افغان به جنگ علیه روس ها پرداختند این مدت بهترین فرصت برای مجاهدان عرب از این لحاظ بود که از سوی دولت عربستان پاکستان و امریکا نه تنها هیچ گونه سخت گیری نمی دیدند، بلکه به ادامه کار تشویق هم می شدند. استراتژی آمریکا در این مقطع مبتنی بر حمایت از مجاهدان افغانی و هر گروهی استوار بود که بتواند جلوی گسترش کمونیسم را بگیرد؛

ص: 231

1- محمودیان، محمد تاثیر اندیشه نو سلفیسم بر روند فکری - ایدئولوژیک القاعده، ص 81 .

امریکا در همین رابطه کمک های مالی - تسلیحاتی قابل ملاحظه ای در اختیار مبارزان افغان حتی عرب های افغان قرار داد. (1) در این مقطع سیاست آمریکا حمایت از جریان تکفیری القاعده بود و بر اساس این سیاست امریکا، عربستان و پاکستان در یک اتحاد نانوشته برای کنترل تهدید شوروی از ایدئولوژی وهابیت برای ایجاد جنگ نیابتی علیه شوروی حمایت کردند (2)

شکست شوروی در افغانستان و فروپاشی بلوک شرق زمینه قدرت بیشتر ایالات متحده را فراهم کرد در این بازه زمانی به دلیل عدم وجود شوروی، فعالیت گروه های تکفیری به نفع آمریکا نبود و آمریکا به دنبال نوع خاصی از دولت سازی بر اساس منافع خود بود این نوع دولت سازی در ادبیات روابط بین الملل فرایند خاصی شده از شکل دادن دولت است که بعد از جنگ جهانی دوم مرسوم است و در کشورهایی مانند آلمان ژاپن افغانستان سومالی و عراق با دخالت ایالات متحده انجام گرفته است. (3) گروه های تکفیری پس از بازگشت از افغانستان به سمت افراط گرایی تمایل پیدا کردند (4) و در

ص: 232

-
- 1- محمودیان، محمد تاثیر اندیشه نو سلفیسم بر روند فکری - ایدئولوژیک القاعده 85.
 - 2- عباس زاده فتح آبادی، مهدی، 114.
 - 3- حاجی یوسفی سامان سیاسی در عراق جدید، ص 92.
 - 4- عباس زاده فتح آبادی، مهدی القاعده پس از 11 سپتامبر با تاکید بر عراق، ص 151

این مقطع خطری برای سیاست های آمریکا در کشورهای اسلامی محسوب می شدند حادثه 11 سپتامبر بهانه ای از سوی جریان تکفیری برای آمریکا فراهم کرد تا با اشغال نظامی افغانستان و عراق جهان اسلام را مورد تهاجم قرار دهد تاریخ ارتباط آمریکا با القاعده نشان داد تا زمانی این جریان در راستای منافع آمریکا قرار داشت مورد حمایت قرار می گرفت اما زمانی منافع آمریکا را مورد تهاجم قرار داد به شدت سرکوب شد و آمریکا در جنگ شوروی علیه افغانستان به تجهیز این جریان ها پرداخت اما در حمله به عراق و افغانستان از اقدامات همین جریانها دلایلی برای حمله به کشورهای اسلامی فراهم کرد و در سیاست خارجی آمریکا مثلی از سه عنصر تروریسم دولت های یاغی و سلاح های کشتار جمعی زمینه ی ظهور چالش گرانی را فراهم آورد که آمریکا با نیروها و تجهیزات متعارف قادر به مهار آنها نیست، در نتیجه توسل به راهبرد پیش گیرانه برای مقابله با آنها ضرورت می یابد. عملیاتی کردن این مساله مستلزم تغییراتی بود که حادثه 11 سپتامبر اسباب آن را فراهم کرد(1) سیاست های اسلام هراسی و محکوم کردن مسلمانان به عنوان تروریست نتیجه فعالیت جریان تکفیری القاعده بود که این بهانه را در اختیار آمریکا قرار داد و ایالات متحده نیز با توجه به توان نظامی و رسانه ای از این ابزار بهره کافی برای رسیدن به منافعش را پیگیری کرد

ص: 233

1- خلجی، عباس، رویکرد سیاست خارجی آمریکا به تروریسم، 131-132.

سقوط نظام دو قطبی و حرکت نظام بین الملل به سمت تک- چند قطبی و ظهور قدرتهای نوظهور هر چند یکجانبه گرایی آمریکا را محدود کرده است اما به لحاظ منابع نظامی همچنان ایالات متحده مهم ترین قدرت در سطح بین الملل است به همین دلیل نیز توان بهره گیری از جریان های تکفیری را بیش از همه دار است. تجربه امروز داعش نیز نشان دهنده نفوذ قدرت های بین المللی مانند آمریکا و قدرت های منطقه ای مانند ترکیه و عربستان در این جریان تکفیری است. و هر قدرت به تناسب منابع و توان ، ظرفیت بهره برداری از این جریان تکفیری را دارد.

در رابطه با رشد داعش هر چند زمینه های داخلی در عراق مانند: طائفه گرایی ضعیف ارتش و عدم نفوذ دولت بر همه مناطق کشور زمینه های رشد این گروه تکفیری را فراهم کرده است اما انتخابات اخیر پارلمانی عراق و رای بالای ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری مالکی موجب نگرانی برخی اهل سنت از شکل گیری سومین دولت شیعی در عراق شده است عدم تمکین به رای اکثریت مردم عراق حمایت های منطقه ای عربستان از گروه داعش و پیوستن بازمانده های حزب بعث به این گروه تروریستی در عراق یک هدف دنبال می کند و آن هم ناکارآمد جلوه دادن دولت شیعی

نوری المالکی است تا در استانه شکل گیری دولت جدید از نخست وزیر شدن یک شیعه دیگر جلوگیری شود.

در سطح منطقه ای قطر یکی از مهمترین حامیان این جریان است که در رقابت با عربستان برای رهبری کشورهای عربی از هیچ حمایتی از جریان های تکفیری دریغ نمی کند. عربستان سعودی به عنوان مهمترین حامی جریان های تکفیری در خاورمیانه، اجازه فعالیت این جریان ها در کشور خود را بسیار محدود کرده است و حضور شرکت های نفتی و صنعتی غربی خصوصا آمریکایی در این کشور نیاز به فضای امن برای فعالیت دارند و عربستان با درک این شرایط جریان های رادیکال این کشور را به دیگر کشورهای منطقه سرازیر می کند و انتخاب کشورهای هدف نیز بر اساس سیاست راهبردی این کشور طراحی می شود مثلا هیچگاه جریان های تکفیری در بحرین فعالیت علیه دولت نداشته اند اما کشورهایی مانند عراق، یمن، سوریه، لبنان مقصد این گروهها تعیین می شود. (1)

در سطح بین المللی نیز آمریکایی ها به خوبی می دانند در صورت قدرت یافتن گروه های تکفیری، منافع آنها تامین نخواهد شد چون

ص: 235

1- شیخ حسینی، مختار زمینه های ذهنی عینی رشد داعش در عراق.

این گروه های منشأ نا امنی خواهند بود و این نامی در منطقه ای که مهمترین مسیر انتقال انرژی جهان است؛ به ضرر آمریکایی ها خواهد بود از سویی آمریکایی ها به جنبه ضد غربی اندیشه این جریانات

آگاهند و می دانند در صورت قدرت یافتن این جریانات ، یهودیان و مسیحیان عدو، بعید این جریان اند و در صورت پیروزی این جریان بر عدو قریب (مسلمانان و دولت های اسلامی فعلی مخالف این جریان) سراغ عدو بعید خواهند رفت. در کنگره ای که در پایتخت اردن با عنوان الموقف الأمريكي تجاه الأزمة في سوريا: المحددات والتحولات ، 11 در تاریخ 2014/5/ برگزار شد کارشناسان بر این مسئله تاکید کردند که گسترش جریانهای تکفیری و تروریستی در سوریه و کشورهای اسلامی منجر به تضعیف کشورهای اسلامی خواهد شد و این موضوع فرصتی برای امنیت بیشتر اسرائیل است انهدام سلاح های شیمیایی سوریه نیز در راستای همین سیاست آمریکا دنبال می شد تا در آینده خطری از جانب این سلاحها متوجه آمریکا نباشد تناقض در سیاست های آمریکا در زمینه حمایت از جریان های تکفیری به چشم می خورد که آمریکا از سویی از آزادی و دموکراسی حمایت می کند اما از سوی دیگر از جریان های تروریستی در عراق و سوریه حمایت می کند و سیاست کلی آمریکا در منطقه این است که گروههای

تروریستی و تکفیری انقدر گسترش یابند و انقدر جهان اسلام را ناتوان و ضعیف سازند تا هیچ خطری اسرائیل را تهدید نکند. (1)

بنابراین آمریکا سعی می کند از این جریان تا جایی حمایت کند که منافع ملی اش تامین شود صدور نفت عراق و شرکت های اقتصادی امریکایی در این کشور نگرانی عمده امریکایی هاست و در بلند مدت حمایت از این گروه به نفع آنها نیست اما در کوتاه مدت به دلیل تضعیف دولت نوری مالکی و ایجاد زمینه برای حضور نظامی مجدد و محدود در عراق به صورت عملی با داعش مخالفت نمی کند. امریکا بعد از خروج نظامی از عراق در سال 2011 و سپردن امنیت این کشور به دست دولت مرکزی عراق از ناتوانی دولت نوری مالکی در تامین امنیت این کشور استقبال کند و ایجاد ناامنی های داخلی می تواند درخواست ها برای بازگشت آمریکا را با هزینه کمتری در این کشور فراهم کند. تجربه حمایت مقطعی آمریکا از القاعده در حمله شوروی به افغانستان و مخالفت شدید بعدی با آن در حمله 2001 به افغانستان نشان می دهد جریان های تکفیری ابزاری برای منافع ملی آمریکا تلقی شده

ص: 237

و تازمانی در راستای ان هدف باشند از آنها حمایت می شود؛ اما حمایت بلند مدت از آنها در استراتژی آمریکا جایی ندارد. (1) در یک استراتژی کلی در عصر کنونی غرب به جریان های غرب ستیز و مخالف خود عنوان سلفی می دهد و می کوشد طیف های اسلامی مخالف غرب را در ردیف جریان های واپس گرا و سلفی قرار دهد تا هم مورد تهاجم تبلیغاتی و نظامی غرب قرار گیرند و هم به عنوان گروه های سلفی و افراطی از سوی جهان اسلام طرد شوند. (2)

نتیجه گیری

بر اساس چارچوب تئوریک مقاله (نظریه رئالیسم ساختاری کنث والتز) ساختار نظام بینالملل آنارشیک است و قدرت فائقه و نظم دهنده در سطح بین المللی وجود ندارد در چنین سیستمی اصل اولی، بقا دولت هاست و هدف هر دولت دست یابی به منافع ملی خود در فضایی منازعه آمیز است مبنای سنجش نفوذ کشورها در چنین سیستمی قدرت مادی با اولویت نظامی است و هر کشوری که از قدرت نظامی و سخت بیشتری برخوردار باشد توان

ص: 238

1- شیخ حسینی ، پیشین.

2- علیزاده موسوی سید مهدی تبارشناسی سلفی گری و و هابیت، ص 91.

دست یابی به منافع ملی خود را دارا خواهد بود. بنابراین در چینی سیستمی اصل برای کشورها دست یابی به منافع ملی است و قدرتهای بزرگ به دلیل در اختیار داشتن منابع مادی بیشتر توان تاثیرگذاری و دست یابی به منافع بیشتر را دارند. تحلیل شکل گیری و توسعه جریان های تکفیری در سطح بین الملل نشام می دهد در هر مقطع زمانی قدرت های مختلف بین المللی از این جریانات در راستای منافع ملی خود بهره برده اند و در واقع جریان های تکفیری به عنوان یک متغیر در سیاست منطقه ای هر یک از قدرت های بزرگ بین المللی خصوصا بریتانیا و امریکا از جایگاه مهمی برخوردار بوده اند.

یافته های این مقاله نشان می دهد هر چند زمینه های ذهنی و عینی جوامع اسلامی مستعد رشد چنین جریانی بوده است اما منفعی که این جریانات تکفیری برای قدرت های بزرگ ایجاد کرده اند، این گروه ها را به عنوان یک ابزار در سیاست خارجی قدرت های بین المللی تبدیل کرده است. پس از شکل گیری اولیه جریان وهابیت در منطقه نجد و پیوند آن با قدرت سیاسی ابن سعود، بریتانیا از این جریان در مقابل نفوذ عثمانی در شبه جزیره عربستان بهره گرفت و با ایجاد ارتباط با این گروه و کمک های مالی و نظامی زمینه رشد این جریان را فراهم کرد و به تدریج با تکیه بر ظرفیت های این

جریان تکفیری به نفوذ عثمانی با سقوط آل رشید در شبه جزیره پایان داد.

تجربه جنگ سرد در قرن بیستم نیز نشان می‌دهد امریکا به عنوان یکی از قدرت‌های مهم نظام بین‌الملل برای رسیدن به منافع ملی و فراملی خود در رقابت با شوروی به شارژ مالی و نظامی این جریان پرداخت و با تجهیز آنها در قالب القاعده در افغانستان توانست بر رقیب خود در عرصه بین‌المللی یعنی شوروی فائق آید و این دومین تجربه استفاده قدرت‌های بزرگ بین‌المللی از جریان تکفیری در راستای منافع خود بود سومین تجربه استفاده از جریان تکفیری در راستای اسلام‌هراسی و مقابله با گسترش اسلام در غرب بود در این پروژه نیز قدرت‌های بین‌المللی با استفاده از ابزار رسانه به نشان دادن چهره‌ای خشن از اسلام دست زدند تا زمینه‌گرایی به اسلام را در جهان معاصر کاهش دهند. آخرین تجربه نیز حمایت قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از جریان تکفیری در سوریه و عراق است که برای تضعیف محور مقاومت در منطقه (ایران - عراق - سوریه . حزب الله و حماس) از این جریان حمایت کنند اما جریان تکفیری هیچ‌گاه یک متحد استراتژیک و بلندمدت برای قدرت‌های بزرگ نبوده است بلکه صرفاً تا زمانی در راستای منافع آنها قرار داشته مورد حمایت قرار گرفته است.

ص: 240

اله بداشتی، 1382 نقد مبانی سلفیه در، توحید، مقالات و بررسی ها، شماره 74

احمدی، حمید، 1376، ساختارگرایی در نظریه روابط بین الملل مجله حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

اصفی، محمد مهدی، الامه الواحده و الموقف من الفتنه الطائفیه، 1432 نجف: مجمع العالمی لاهل البیت

امین، محسن، 1387، کشف الارتیاب، ترجمه علی اکبر فائزی پور تهرانی قم: انتشارات مطبوعات دینی.

بخشی شیخ احمد، مهدی، 1385، جهاد از ابن تیمیه تا بن لادن راهبرد، شماره 39

حاجی یوسفی 1384، سیاست خارجی جمهوری اسلامی در پرتو تحولات منطقه ای تهران دفتر مطالعات سیاسی بین المللی وزارت خارجه.

حاجی یوسفی، امیر محمد و سلطانی نژاد احمد، 1386، سامان سیاسی در عراق، جدید تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی. حلبی، علی اصغر، 1390 تاریخ نهضت‌های دینی سیاسی معاصر، چاپ چهارم، تهران: نشر زوار.

سبحانی جعفر، 1380، وهابیت؛ مبانی فکری و کارنامه عملی، قم، انتشارات توحید.

سبحانی، جعفر، 1388 آئین وهابیت قم: دفتر انتشارات اسلامی.

خلیجی، عباس، 1382، رویکرد سیاست خارجی آمریکا به تروریسم، فصلنامه سیاست، دفاعی سال 11، ش 46، آذر 82.

علیزاده موسوی، سید مهدی 1389، تبارشناسی سلفی گری و وهابیت، چاپ ششم، قم اوای منجی

عباس زاده فتح آبادی، مهدی، 1389، «القاعده پس از 11 سپتامبر با تاکید بر عراق فصلنامه، سیاست، دوره 401 ش 2.

شیرازی، نورالدین 1367، نظام آل سعود، انتشارات فراندیش.

جمعی از، مولفان 1390 وهابیت، سیاسی، تهران، اندیشه سازان نور.

شیخ حسینی، مختار 1393 زمینه های ذهنی عینی رشد داعش در، عراق هفته نامه پنجره شماره 199.

شیخ حسینی، مختار 1393، سه ضلعی رشد داعش در عراق، در ویژه نامه تحلیلی بر جریان بعثی - تکفیری داعش، قم مجمع جهانی اهل بیت.

قادری حاتم، 1385 اندیشه های سیاسی در اسلام و ایران تهران: سمت.

کرمانی، طوبی، نگاهی بر وهابیت مقالات و بررسی ها دفتر 73 تابستان.

کاظمی دینان، سید، مرتضی، 1388، علل خیزش شیعیان حاشیه جنوبی خلیج فارس عربستان سعودی بحرین، کویت، مؤسسه شیعه شناسی.

ص: 242

عطوان، عبدالباری، 1391، سازمان سری، القاعده ترجمه فرزانه شهیدی، تهران اندیشه سازان نور.

فروزی، علیرضا، 1392 پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه، مبانی انسان شناختی نظریه های روابط بین الملل (واقع گرایی و لیبرالیسم) و اسلام.

محمودیان، محمد، تاثیر اندیشه نوسلفیسم بر روند فکری - ایدئولوژیک القاعده، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، ش 3.

مشیرزاده، حمیرا، 1388 تحول در نظریه های روابط بین الملل، تهران: سمت.

مسجد جامعی، زهرا 1380 نظری بر تاریخ وهابیت، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد.

موسوی مبلغ، سید محمد حسین موسوی 1384، مبلغ، مشکوه شماره 86 بهار.

. Theory Of International Politics, New (1979) (Waltz, K

York: Random House

<http://feirahi.halghe.ir/1392/12/25>

http://mesc.com.jo/Activities/Act_Saloon/Act_S

aloon IV.html

ص: 243

فصل سوم: چالش های درونی جریان تکفیری و راهکارهای مواجهه با آن

اشاره

ص: 245

جریان تکفیری علیرغم موفقیت های کوتاه مدت در عراق و سوریه اما با چالش های دورنی و بیرونی متعددی مواجه است که به لحاظ درونی، اختلاف ایدئولوژی در سازمان، داعش اختلاف داعش و القاعده، عدم پذیرش این اندیشه از سوی اهل سنت و دیگر مذاهب اسلامی از مهمترین چالش های این جریان است و به لحاظ جامعه شناختی نیز شکل گیری دولت جدید، عراق نقش مرجعیت در بسیج عمومی مردم علیه داعش شکست های متعددی برای این جریان فراهم کرده است که در این بخش به صورت تفصیلی چالش ها درونی و بیرونی این جریان و راهکارهای مواجهه با جریان تکفیری در قالب سه مقاله اشاره خواهد شد.

محمد اسماعیل نباتیان(1)

مقدمه

تصرف شهر بزرگ موصل عراق به دست گروه تکفیری داعش و متعاقب آن اعلان خلافت در این شهر سبب اتخاذ مواضع مختلف و متفاوتی میان جریانها و گروه های مختلف در جهان اسلام گردید. در کنار تقبیح و محکومیت خلافت داعش و اقدامات جنایتکارانه آن از سوی غالب جریان های اسلامی، نکته مهم و قابل تأمل محکومیت و نقد آن از سوی جریان اصلی تکفیری یعنی مرکزیت القاعده و همفکران و شخصیت های فکری تکفیری در کشورهای مختلف می باشد ویژگی مهم محکومیت ها و نقدهای تکفیری ها اتخاذ نگاه از درون و نقد دولت و خلافت البغدادی

ص: 249

1- استادیار دانشگاه اراک و مدیر گروه مطالعات راهبردی مجمع جهانی اهل بیت(علیهم السلام).

بر اساس مبانی تفکر سلفی تکفیری است که گروه داعش نیز در قالب همین گفتمان اهداف خود را پیش می برد. در واقع، نقد از درون و بر پایه مبانی اندیشه ای گروه داعش توسط دیگر جریان های، تکفیری مبین وجود امکان و زمینه های ایجاد تزلزل در مشروعیت و مبانی فکری تکفیری در میان افکار نخبگان تکفیری و حتی افکار است؛ در حالی که گروه داعش با استمداد از همین مبانی، تاکنون توانسته افراد زیادی را در جهان اسلام تحت تأثیر قرار داده و آنها را برای اقدامات خصمانه خود به ویژه علیه شیعیان جذب عمومی نماید.

ذکر این نکته لازم است که با عنایت به عناد و دشمنی سرسخت همه جریانهای تکفیری با پیروان اهل بیت (علیهم السّلام)، بهره گیری از این نقدهای اندیشه ای و جامعه شناختی را صرفاً فرصت و ظرفیت مغتنمی در شناخت زمینهای تزلزل در مبانی فکری و رسوا کردن هر چه بیشتر این جریان ها در افکار عمومی مسلمانان تلقی میکنیم. این مقاله با استناد مستقیم به آثار چند تن از رهبران و شخصیت های برجسته فکری و سیاسی جریان تکفیری - که نقش مؤثری در جذب و تبلیغ اندیشه تکفیری دارند - تدوین گردیده است. نقدهای مطرح شده از سوی آنان در دو بخش اصلی قالب بندی شده است: بخش اول: با عنوان «نقد خلافت البغدادي

بر اساس مبانی اندیشه اهل سنت» با رویکردی اندیشه به تدوین آرا و نظرات منتقدان خلافت داعش پرداخته است و در سه قسمت دسته بندی شده است فقدان مبانی و مؤلفه های خلافت العظمی در خلافت البغدادي تقدم بیعت با ملاعمر بر بیعت با البغدادی، و تفاوت عمیق خلافت البغدادی با خلافت علی منهاج النبوة.

بخش دوم، نقد خلافت و دولت داعش با توجه به اقدامات جنایتکارانه (بُعد عینی): در این بخش با رویکرد جامعه شناختی، آرا و نظرات منتقدان تکفیری داعش را در قالب چهار موضوع مورد توجه قرار داده ایم که عبارت است از: عدم پذیرش مرزهای ملی توسط داعش و نقد آن تلقی دولت بغدادی به عنوان محصول اتحاد محور بعثی - صهیونیستی - صلیبی، عامل تفرقه بودن خلافت بغدادی و خلافت بغدادی مولود جهّال و جماعت غلوّ و اشرار.

با عنایت به اینکه این مقاله با استناد به نقدهای برخی از شخصیت های فکری و سیاسی جریان تکفیری تدوین شده، در اینجا ضرورت دارد به معرفی اجمالی برخی از این افراد بپردازم.

1. دکتر ایمن الظواهری: وی پزشک مصری و در حال حاضر امیر القاعده می باشد. الظواهری عضو جماعة الجهاد عبدالسلام فرج در مصر بود که پس از ترور انور سادات توسط اعضای این گروه در

سال 1980 تا سال 1985 در زندان به سر برد و پس از آزادی و نبود فضای لازم برای مبارزه در مصر برای جهاد به افغانستان رفت. او در افغانستان به تدریج جایگاه بالایی در میان رهبران عرب - افغان ها یافت به ویژه پس از ترور عبدالله عزام در 1989، که اسامه بن لادن رهبری این گروه ها بر عهده گرفت، نقش الظواهری و جماعة الجهاد به شدت افزایش یافت و القاعده در این فضا تفکرات تکفیری بر جماعه الجهاد و مصری ها تأسیس شد. الظواهری حتی در زمان حیات بن لادن نیز به عنوان تئوریسین القاعده مطرح بود. وی آثار متعددی دارد که مهم ترینش «فرسان تحت رایة النبی» و «الولاء والبراء» است. البته ابوقتاده الفلستانی کتاب «حکیم الحركة الإسلامية الدكتور ایمن الظواهری» درباره حیات وی نوشته است.

2. شیخ دکتر طارق عبدالحلیم: او از متفکران و مبلغان جریان تکفیری و همفکر و از انصار ایمن الظواهری است. عبدالحلیم معاون «مرکز المقریزی للدراسات التاریخیه» در لندن است که دکتر هانی السباعی از علما و مبلغان با سابقه جماعه الجهاد و القاعده رئیس این مرکز می باشد همچنین دکتر عبدالحلیم رئیس «التيار السنی لإنقاذ مصر» (جریان سنی برای نجات مصر) و مدیر مرکز آمار در کانادا می باشد. وی مقیم کانادا است و مقالات و کتب

متعددی از وی درباره عقاید جریان سلفی موجود است که سایت وی نیز سایت منبر التوحید والجهاد قابل دانلود می باشد.

3. شیخ دکتر هانی السباعي: السباعی دارای دکترای فقه و حقوق از دانشگاه قاهره و از متفکران با سابقه جریان سلفی تکفیری و از مبلغان این تفکر در دهه 70 و 80 میلادی بوده و از طرفداران و دوستان سرسخت ایمن الظواهری است در حال حاضر مقیم لندن و رئیس «مرکز المقریزی للدراسات التاريخية» و نایب رئیس «التيار السني لإنقاذ مصر» (جریان سنی برای نجات مصر) می باشد.

مقالات و کتب متعددی از وی درباره جریان سلفی و نیز نقد خلافت البغدادی در سایت مرکز المقریزی قابل دسترسی می باشد.

4. ابو المنذر الشنقيطی: وی اهل کشور موریتانی و از مفتیان برجسته سلفی تکفیری در جهان است برجسته ترین حامی و مبلغ جبهه النصره در سوریه رهبری معنوی سازمان تکفیری التوحید و الجهاد در سینا مصر و فتوا دهنده به قتل مرتبطين با حکومت الجزائر و به طور خاص منطقه گازی جنوب الجزائر محسوب می شود. الشنقيطی مورد احترام غالب جریانهای تکفیری است به

ص: 253

طوری که حتی گروه داعش نیز در پاسخ به نقدهای وی بر خلافت بغدادی، با احترام از او یاد می کنند.

5. ابوقتاده الفلستانی: شیخ عمر بن محمود أبو عمر، معروف به أبو قتادة الفلستانی، از رهبران سلفی با سابقه و یاران بن لادن از کشور اردن که به سفیر بن لادن در اروپا معروف بود. ابوقتاده در حال حاضر در اردن در زندان به سر میبرد وی از موافقان ایمن الظواهری و القاعده می باشد و رساله ای تحت عنوان «حکیم الحركة الإسلامية الدكتور أيمن الظواهری» نوشته است. ابوقتاده دارای آثار فراوانی است که از سایت «منبر التوحید و الجهاد» قابل دانلود می باشد از جمله وقفة نصیحة مع الدراسات النصیحية في مفاهيم الجهاد و الحسبة، أسس قوام الشخصية، الفاعله، هدایه اهل الايمان طيب المقال في حديث الاستعجال القواعد الأول في صناعة الإنسان والدول و الاسعاف الأولية في الساحات الجهادية.

6. ابو محمد المقدسی: تئوریسین برجسته و از مفتیان تأثیر گذار سلفی تکفیری و تبعه کشور اردن است وی دارای آثار متعددی است. المقدسی حامی القاعده و ایمن الظواهری و نیز جبهه النصر در سوریه می باشد سایت پر مخاطب سلفی «منبر التوحید و الجهاد» متعلق به اوست و کتب و مقالات و محاضرات او در این سایت

ص: 254

ارائه شده است. وی در سال 2012م به پنج سال زندان در اردن محکوم شد.

مقدمه: بین خلافة البغدادی و الخلافة علی منهاج النبوی، بُعد المشرقین!

اشاره

در اندیشه سلفی، بازگشت به عصر سلف صالح و الگوی آرمانی خلافت راشده و خلافت بر منهاج نبوی مهم ترین غایت تعریف و تلقی می گردد به طوری که اعتقاد و التزام به آن، ملاک و معیار در طی طریق سلفی محسوب می شود.⁽¹⁾ اساساً این الگوی حکومت را همان الگویی می دانند که خداوند وعده داده است.

این معیار به مثابه میزانی برای نقد خلافت داعش توسط جریان تکفیری به کار گرفته شده است و در مقایسه ای به فاصله بسیار زیاد میان آن دو اشاره کرده اند.

وعده الهی [در تحقق خلافت] به دست کسی محقق می شود که بر مسلمین ترحم نماید، موافق مسلمین باشد یا مخالف؟ وعده الهی به دست کسی تحقق می یابد که مسلمان را کافر نخواند مگر با دلیل

ص: 255

1- قال النبي (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): خَيْرُ الْقُرُونِ قَرْنِي ثُمَّ يَلُونَهُمْ ثُمَّ يَلُونَهُمْ؛ بَهْتَرِينَ قَرْنَهَا قَرْنٌ بَعْدَ مِنْ، سِيسَ كَسَانِي كِه وَ سِيسَ كَسَانِي كِه بَعْدَ مِنْهَا مِي آيِنْدُ. (صحيح مسلم)

و برهان روشن مانند خورشید.... وعده الهی به دست کسی عملی می شود که خون محترم را در راه تحقق وعده الهی و حفظ آن حلال نشمارد حتی یک قطره از آن را وعده الهی به دست فردی صادق و نه دروغگو فردی صابر و نه عجول، فردی عادل و نه ظالم انجام می دهد. وعده الهی به دست کسی محقق می شود که اهل حل و عقد انتخاب کرده و امت بر او اجماع نموده است و نه اینکه عده ای گمنام انتخاب کرده باشند (عبدالحلیم، 1435ج: 1) در حقیقت از نظرگاه برخی از متفکران، تکفیری اعلان خلافت بغدادی، یک بدعت است؛ «قد تبین من حالهم أن مُقدّمیهم أهل غلو و بدعة (ابوقتاده، الفلستینی 1435: 1) ابوقتاده در این خلافت داعش هیچ خیری را نمی بیند و معتقد است «شر اعلان خلافت روشن است و خیری در آن نیست چراکه نوعی منازعه و جنگ بر سر امارت و رهبری است و این جنگ اعظم شرور در تاریخ اسلام بوده است. مسلمانان با اینکه به همه جوانب تاریخ اسلام افتخار می کنند، اما که به همین مسئله امارت می رسند، تیرگی، حسد، ریختن خون های محترم را مشاهده می کند». (همان)

به همین علت است که دکتر عبدالحلیم نسبت به خلافت داعش اظهار تنفر کرده و می نویسد: «در من ذره ای ترحم و محبت بر

جماعت بغدادی زمانی که می آیند وجود ندارد، به خاطر گردنکشی، تکبر و برتری طلبی شان به زعم جماعت بغدادی، اینها اصحاب دین و دیگران، کافر اینان اصحاب حق و دیگران اصحاب باطل، اینها فرزندان و دوستداران خدا و مردم و برگزیده خدا هستند؛ اینان همان امت محمد می باشند؟ در حالی که این گروه دروغگویند». (عبدالحمید، 1435ج: 1)

الف) فقدان مبانی و مؤلفه های خلافت اهل سنت در خلافت بغدادی (رویکرد اندیشه ای)

اشاره

با عنایت به لزوم تحقق چهار مؤلفه اصلی در تکوین خلافت راشده در اندیشه اهل سنت به ویژه سلفی گری یعنی اهل حل و عقد قرشی بودن، خلیفه بیعت و جهاد و نیز مؤلفه هایی چون رضایت تمکین و عصیبت دینی منتقدان تکفیری داعش در مقام نقض یا تنقیص وجود این مؤلفه ها و اصولی در خلافت البغدادی برآمدند و معتقدند چون این مؤلفه ها در خلافت البغدادی محقق نشده لذا این خلافت مشروعیت ندارد به تعبیر ابوقتاده الفلستینی: «آنچه که گروه دولت اسلامی در عراق به عنوان دولت خلافت اسلامی اعلان کرده، از وجوه مختلف باطل است و جهالتی کسانی است که

ص: 257

نمی توانند فروع را بر اصول شریعت تطبیق دهند». (ابوقتاده الفلستانی، 1435، ص 3)

در اینجا به تبیین نقدهای تکفیری ها با توجه به مؤلفه های فوق به تفکیک می پردازیم.

1. تکذیب تجمّع اهل حل و عقد در انتخاب بغدادی

یکی از مؤلفه های مهم در تأسیس خلافت در اندیشه اهل سنت، اهل حل و عقد است و اصولاً مبنای تشکیل خلافت حضور و انتخاب اهل حل و عقد میباشد. به علت این تأکید در اندیشه اهل سنت، دولت البغدادی با انتشار یادداشت ها و مقالات و کتاب ها از جمله «مدالایادی لیبعه البغدادی» در صدد توجیه تحقق خلافت برآمده است. اما جریان های تکفیری با نقض و تکذیب تجمّع اهل حل و عقد در انعقاد خلافت البغدادی، معتقدند:

«این اهل حل و عقد که دروغگوی تهمت زن، العدنانی، از آن سخن گوید کجاست؟ چه کسانی هستند؟ اینها مگر اسمی ندارند که بشناسیم؟... آیا این زنازاده البغدادی معتقد است که تسلیحاتی که ارتش عراق از خود به جا گذاشته برایش ادامه خواهد داشت تا به وسیله آن مسلمین (اهل سنت) را بکشد؟ یا اینکه گمان می کند که

ص: 258

اموالی را که غضب کرده تا به وسیله آن محبت هر خائن و مزدور و بعضی را بخرد که راضی باشند که او را خلیفه بنامند، تداوم خواهد داشت». (طارق عبدالحلیم، 1435 و 2)

نظام سیاسی در اسلام سنّی بر شورا مبتنا دارد و نه بر قدرت زور یا نظام دیکتاتوری؛ نظام ثالثی مدنظر اسلام است، نه دیکتاتوری است و نه دموکراسی است؛ و نه دیکتاتوری حروریه (خوارج) و نه دموکراسی اخوان. هر دو اینها از دیدگاه اهل سنت باطل و ساقط هستند... . اهل حل و عقد، بعد از مرحله تمکّن و قدرت یابی، واجب است که اجتماع کنند و تصمیم آنها بالاترین است. لذا امیر یک سازمان که در مرحله تمکّن و قبل از تمکّن، قاتل بوده و خودش را امیرالمؤمنین نامیده و خودش را بر همه اتباع دولتش تحمیل کرده است، این اقدام او نتیجه فهم غلط و انحرافی از اصول امامت و نقش امام و وظیفه اهل حل و عقد است. این برداشت و تصور ظاهری و مبتنی بر زور و دیکتاتوری نتیجه ای جز درگیری مستمر در میان امت اسلامی و نیز ابزاری برای قتل انسانهای مسلمان به جای حمایت از آنها نخواهد داشت؛ چراکه در نظر آنها، هدف وسیله را توجیه می کند حتی در صورتی که پیروان این فهم انحرافی از این دیکتاتور حروری (خوارجی) حمایت کنند،

همانا موجودیت آن هیچوقت همانند دولتی نخواهد بود که بر منهاج نبوی مبتنا دارد». (طارق عبدالحلیم، 1435ب، ج 8: 2)

دو ویژگی از ویژگی های اهل حل و عقد بسیار مهم است: نفوذ سخنشان در میان عموم مردم و علم شریعتشان بدون هر یک از اینها صحیح نیست که فردی از اهل حل و عقد شمرده شود. بدون صفت، اول سخن ها وحدت پیدا نمی کند و بدون دومی، نظر و عقیده منحرف می شود (همان)

طارق عبدالحلیم بیعت کنندگان با بغدادی را عده ای غافل از علم شریعت و خائف از سلاح دانسته و معتقد است از رهبران و امیران القاعده نظیر الظواهری المقدسی ابوقتاده السباعی و العلوان، کسی با وی بیعت نکرده است؛ (عبدالحلیم 1435د: 1) یعنی هیچ اهل حل و عقدی در بیعت وی شرکت نداشته است.

وی خلافت بغدادی را طنزی کودکانه و رؤیای بغدادی می داند و خلافت را جایگاهی بزرگتر و راهی پایدارتر از عمل بغدادی معرفی می کند که جز عده ای مغرور بی خرد و نادان و خام، دنبالش نخواهند رفت ای بغدادی تو خلیفه کسی نیستی، مگر اراذل و اوباشی که از تو تبعیت کردند خواه از روی ساده لوحی بوده یا جهل و یا هوا و هوس». (عبدالحلیم، 1435د: 2)

ص: 260

ابوقتاده اهل شورا و اهل حل و عقد را صاحب نظران و کارشناسان دینی می‌داند که وکلای امت در امور و شئونشان هستند؛ یعنی تحقق مقاصد و مصالح امت به دست ایشان است. اساساً به این طریق است که روشن می‌شود که اول و آخر قدرت به دست امت است و نه غیر آن. (ابوقتاده الفلسطینی، 1435: 4) در حالی که بیعت کنندگان با بغدادی از چنین شأن و جایگاهی برخوردار نمی‌باشند.

«اصل و قاعده ای که خلیفه دوم، عمر بن خطاب، در قولش آورده این است که: «کسی که بدون مشورت با مسلمین با مردی بیعت کند، از او پیروی نکنید و نیز از کسی که با فریب بیعت گرفته و هر دو را بکشید». این سخن دلالت دارد بر اینکه بیعت برای امام با یک نفر یا مانند آن از دو یا سه نفر منعقد نمی‌شود. بعضی ندانسته گمان کرده اند که به مجرد بیعت عده ای، او استحقاق خلافت پیدا می‌کند و پذیرش او بر مسلمین واجب می‌گردد؛ در حالی که عمر بن خطاب به عدم متابعت او امر می‌به عدم متابعت او امر می‌کند، مگر اینکه میان مسلمانان را شورا تشکیل گردد. البته مراد از مسلمین، بزرگان و صاحب نظران هستند که اهل الشورا یا اهل حل و عقد نامیده می‌شوند براین اساس، قتال با مخالف چنین خلیفه ای گمراهی

بیشتر است؛ لذا این عدم متابعت نه تنها موجب قتال با مخالف نمی گردد، بلکه به سبب این کار او مورد مدح نیز واقع می شود، و مقاتله مخالف فقه و سیره خلیفه دوم می باشد». (همان)

«[در تحقق خلافت بغدادی] اهل حل و عقد کجا هستند؟ خلافت مسلمین پس از گذشت یکصد سال از سقوطش، برپا شده، در حالی که اهل حل و عقدش شناخته نمی شود». (طارق عبدالحلیم، 1435: 3)

2. کذب نسب قریشی ابوبکر بغدادی

در اندیشه سیاسی اهل سنت یکی از شرایطی که برای خلیفه ضروری و گاهی ترجیحی گفته شده، نسب قریشی اوست. (ماوردی، الاحکام السلطانیة) به طوری که حتی حکامی که با اتکای بر شمشیر به حکومت رسیدند و حتی حاکمان سکولار نیز در پی جعل نسب قریشی برای خود برآمدند مانند ملک عبدالله پادشاه اردن که خود را هاشمی می دانند.

جریان های تکفیری با توجه به اینکه غایت اصلی خود را بازگشت خلافت راشدین معرفی می کنند و جهاد و هجرت را در راه برپایی خلافت قلمداد می نمایند یکی از ویژگی هایی که در خلیفه مورد نظرشان تأکید دارند دارا بودن نسب قریشی خلیفه است و از این رو

البغدادی نیز در توجیه نامه خلافتش یعنی مدالایادی لیبغه البغدادی، نسبی قرشی را این چنین برای خود جعل نموده است: «او از نوادگان عرموش بن علی بن عید بن بدری بن بدر الدین بن خلیل بن حسین بن عبد الله بن ابراهیم اواه بن شریف یحیی عزالدین بن شریف بشیر بن ماجد بن عطیه بن یعلی بن دوید بن ماجد بن عبد الرحمن بن قاسم بن شریف ادیس فرزند جعفر زکی⁽¹⁾ پسر علی پسر هادی، پسر محمد جواد، پسر علی رضا پسر موسای کاظم، پسر جعفر صادق پسر محمد باقر، پسر علی زین العابدین، پسر حسین بن علی بن ابی طالب و فاطمه دختر محمد رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می باشد». (الأثری، 1435: 3 و 4)

این ادعای البغدادی با تکذیب از سوی جریان تکفیری دیگری مواجه گردید از جمله برخی شخصیت های تکفیری می نویسند: «شرط قرشی کجاست؟ اینکه البغدادی پخش کرده که قرشی است، پس دلیلش کجاست؟ (عبد الحلیم 1435 د: 3) در واقع، «با شناخت اهل حل و عقد، فرد اصلح برای رهبری دولت شکل گرفته انتخاب می شود، البته با رعایت صفات لازم در امیر؛ نه مانند البغدادی که قرشی بودنش کذب است» (عبدالحلیم، 1435 ب، ج 10: 5)

ص: 263

1- ظاهراً این همان کسی است که در تاریخ شیعه به نام جعفر کذاب معروف است.

3. عدم تحقق بیعت در تکوین خلافت بغدادی

جریان های تکفیری بیعت ادعایی بغدادی را بازی بیعت تلقی می کنند که وی برای ایجاد مشروعیت دولتش به راه انداخته است.

«پروان این ساده لوح فقط به اندازه عقلشان می فهمند؛ اینکه فردی که خروج کند و بگوید من، خلیفه ام، پس همه مردم دنیا با من بیعت کنید این نهایت یک خیال است! تحقق خلافت عظمی، چه آرزوی دست نیافتنی و چه نادانی است؟ (عبدالحمید، 1435: 4)

الشنقیطی، از مفتیان، تکفیری، بیعت ادعایی بغدادی را بازی بیعت و معتقد است: «بیعت، دین و میثاق محکمی است که به خاطر خداوند عزوجل به آن متعبد هستیم؛ اما امروز برخی از مسلمانان با آن بازی می کنند به طوری که می بینیم با گروهی بیعت می کنند و زمانی که او را دوست نداشتند به گروه دیگری روی آورده و با آنها بیعت می کنند، و سپس که برایشان جاذبه نداشت به دنبال سومی می روند این چنین بین بیعت و نقض آن در نوسان باقی می مانند... از خدا بترسید و بر بیعتتان ثابت قدم باشید و با دینتان بازی نکنید» (ابو المنذر الشنقیطی، 1435 الف (2))

اساساً امامت و خلافت بیعتی از روی رضایت است که قول عمر بن خطاب شاهی بر آن است که می گوید «کسی که بدون مشورت با

مسلمین با فردی بیعت کند با او بیعت نکنید و نه با کسی که با فریب بیعت اخذ نموده و هر دو را بکشید. لذا شرط خلافت عظمی، کسب رضایت است. (ابوقتاده الفلستانی، 1435: 4)

4. فقدان رضایت در تأسیس خلافت بغدادی

در اندیشه سیاسی اهل سنت شرط تحقق خلافت، کسب رضایت است و این شرط لازم خلافت محسوب می شود. این در حالی است که به اعتقاد جریان تکفیری مخالف، داعش، در اقامه خلافت بغدادی این شرط محقق نشده است به طوری که ابوقتاده الفلستانی، از رهبران فکری، تکفیری می نویسد: «امامت و خلافت بدون رضایت امکان نمی یابد. امامت فقط با اتفاق آرای صاحب قدرت از اهل الشورا حاصل می شود؛ این در حالی است که می دانیم که صاحبان قدرت همانا مجاهدین فی سبیل الله در دنیا از سوریه و یمن و افغانستان و چین و سومالی و الجزائر و لیبی و غیر اینها از ظفرمندان هستند در حالی که خلافت بغدادی بدون اینها منعقد شده است و از بیانیه گروه داعش فهمیده می شود که فقط یک جماعتی با او بیعت کرده اند که براساس امر عمر بن خطاب جایز نیست تبعیت از این بیعت کنندگان و بیعت شوندهگان،

ص: 265

بلکه هر دو اینها فریبکارند و باید کشته شوند (ابو قتاده الفلستانی، 1435: 2)

ابو قتاده برای اثبات نظر خود به روایتی از پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) - مذکور در منابع اهل سنت - استناد می‌کند که حضرت می‌فرماید: «اگر در زمانی که همه مسلمانان بر فردی اجماع کردند، بخواهد میان مسلمانان اختلاف افکند و تفرقه ایجاد کند او را بکشید. (ابو قتاده الفلستانی، 1435: 6)

5. فقدان عصیت دینی در تأسیس دولت بغدادی

از مؤلفه‌هایی که در اندیشه سیاسی اهل سنت در تأسیس دولت نقش مؤثری دارد و متفکران اهل سنت بر آن تأکید می‌کنند، وجود عصیت دینی است. حتی جریان‌های تکفیری در اقامه شاهد بر این امر به نقش عصیت دینی در تأسیس دولت آل سعود در جزیره العرب اشاره می‌کنند به طوری که با اعتماد مردم به مرجعیت محمد بن عبدالوهاب به ملک و پادشاهی دست یافتند. در واقع به اعتقاد اینان دعوت دینی محور دولت نبوی بود. (عبدالحمید، 1435 ب، ج 9: 4)

ص: 266

دکتر عبدالحلیم با انتساب جماعت بغدادی به خوارج حروریه ، به جنگ امام علی (علیه السلام) با خوارج به علت بدعت شان در دین، استناد می کند. (همان: 5)

6. عدم «تمکین» (به عنوان امر لازم زمینه ساز دولت اسلامی) در دولت بغدادی

از اصول تحقق خلافت در اندیشه اهل سنت، تحقق تمکین به عنوان پیش شرط تحقق خلافت می باشد. درباره مفهوم تمکین در آثار تکفیری ها آمده است که: «مفهوم تمکین در اینجا به معنای خاصی می آید و آن خواهان بازگشت تسلط و غلبه بر بحران امور با توسل به قدرت در دولتی که مستقر میباشد یا در بخشی از سرزمین آن دولت که برای ساکنان آن، دولت، امکان حمایت و دفاع از آن سرزمین وجود داشته باشد از آنجا که تمکین به معنای بازگردان سیطره در مناطق مختلف از سرزمین اسلامی است و از آنجا که دولت در مناطق متعدد استقرار یافته است، لذا مستلزم به کارگیری پایگاه مردمی خاص است» (عبدالحلیم، 1435، ب، ج 7: 9)

از این رو چون سخنگوی رسمی جماعت البغدادی قبل از نیل به فتح عراق اعلان خلافت را مطرح کرد لذا دلالت می کند که این

میکروب جهل به مسئله خلافت احتیاجی به تمکین ندارد! (ابوقتاده الفلستانی، 1435: 23)

نکته شایان ذکر اینکه باید روشن شود که تمکینی که بر آن دولت یا امارت در این عصر یا هر، عصری مبتنا می یابد، مستلزم وجود مرزهای ثابت تحت حاکمیت دائمی و وجود پایتختی برای امارت است که امور حکومت مرکزی را مدیریت می کند و نیز برای این، امارت امیری لازم است که میان مردم ظاهر و مشخص خواهد بود؛ در حالی که در خلافت البغدادی چنین تمکینی تحقق نیافته است. (عبد الحلیم، 1435 ب، ج 8: 2)

دکتر عبدالحلیم در بحثی استفهامی می نویسد: «تمکینی که جماعت البغدادی ادعا می کند کجاست؟ ... حمایت دولت اسلام کجاست، در حالی که مسلمانان در همه دنیا آواره و مضطرب و پریشان هستند؟ ... کجاست رحمت بر مسلمین در حالی که شما مخالفان را به بریدن سر تهدید می کنید؟ این خلافت است یا خیانت یا ناامیدی از آرمان و یا محل قصابی است؟ طارق عبدالحلیم، 1435 د: 5)

ص: 268

7. جهاد؛ تنها راه حل برای اقامه دولت اسلامی

در اندیشه جریان های سلفی تکفیری، «جهاد» بنیادین ترین مؤلفه می باشد که به عنوان تنها راه حل خروج از جامعه جاهلی و اوجب واجبات معرفی شده است؛ جهاد راه دست یابی به جامعه آرمانی سلف صالح و خلافت راشد به حساب می آید. از این رو در ادبیات تکفیری به شدت بر آن به عنوان مقدمه نیل به آرمان خلافة العظمی تأکید می شود. «به اعتقاد ما [سلفیه تکفیری]، راهی برای اقامه دولت اسلامی که براساس شریعت حکومت کند نیست جز راه جهاد؛ که با تمسک به آن حکومتی ساقط می گردد و حکومتی جایگزین آن می شود. این فرآیند تخریب و بازسازی کامل است، تخریب ریشه ها نهادها و بنیان های نظری نظام موجود، و ایجاد نظامی جایگزین مبتنی بر جهان بینی اسلامی و تأسیس نهادها براساس آن جهان بینی» عبد الحلیم، 1435 ب، ج 7: 1)

«از این رو به اعتقاد ما بسط بیداری اسلامی و گسترش پایگاه مردمی از مهمترین عوامل برپایی دولت یا امارت می باشد. این برداشت ما در برپایی دولت اسلامی بیشتر شبیه به فرآیند شکفتن گل است تا فرآیند انفجار بمب گرچه این دو فرآیند ثمر واحدی دارند، اما اولی استمرار داشته و منجر به زندگی و رشد می شود و

دومی موجب اذیت و قتل شده و اثرش پایان می یابد». (عبدالحمید، 1435، ب، ج 8: 3)

8. نقض قواعد مهم «فوا بیعه الأول...» و «مسبوق نبودن بیعت خلیفه دیگر» در خلافت البغدادی

یکی از قواعد مهم در اندیشه سیاسی اهل سنت، قاعده «فوا بیعه الأول فالأول» است که از روایتی منقول در منابع اهل سنت اخذ گردیده است،⁽¹⁾ به طوری که براساس این قاعده، در صورت بیعت

ص: 270

1- النبي صلى الله عليه وسلم قال: كانت بنو إسرائيل تسوسهم الأنبياء كلما هلك نبي خلفه نبي وإنه لا نبي بعدى وستكون خلفاء تكثروا قالوا فما تأمرنا؟ قال: فوا ببيعة الأول فالأول. (صحيح مسلم، كتاب الاماره، باب وجوب الوفاء ببيعة الخلفاء الاول فالأول) ومعنى هذا الحديث: إذا بويع لخليفة بعد خليفة فبيعة الأول صحيحة يجب الوفاء بها، وبيعه الثاني باطلة يحرم الوفاء بها، ويحرم عليه طلبها، وسواء عقدوا للثاني عالمين بعقد الأول أو جاهلين. وسواء كانا في بلدين أو بلد، أو أحدهما في بلد الإمام المنفصل والآخر في غيره، هذا هو الصواب الذي عليه أصحابنا وجماهير العلماء، وقيل: تكون لمن عقدت له في بلد الإمام، وقيل: يقرع بينهم، وهذان فاسدان، واتفق العلماء على أنه لا يجوز أن يعقد لخليفتين في عصر واحد سواء اتسعت دار الإسلام أم لا، وقال إمام الحرمين في كتابه الإرشاد: قال أصحابنا: لا يجوز عقدها لشخصين، قال: وعندى أنه لا يجوز عقدها لاثنتين في صقع واحد، وهذا مجمع عليه. وقال: «إذا بويع لخليفتين فاقتلوا الآخر منهما» [رواه مسلم] وإجماع الصحابة منعقد على أنه لا يتولى أحد الخلافة إلا إذا ولاء المسلمون ذلك. وقد وصل كل من الخلفاء الراشدين الأربعة بالبيعة. واستخلاف أبي بكر لعمر كان بتفويض من الصحابة لأبي بكر رضوان الله عليهم، ثم بايعه المسلمون. وقال النووي في شرح مسلم ج 12/232: «واتفق العلماء على أنه لا يجوز أن يعقد لخليفتين في عصر واحد سواء اتسعت دار الإسلام أم لا».

مسلمانان با خلیفه ای و مسبوق بودن این بیعت (ما دام لم یسبق بیعه شرعیه انجام بیعت با فرد دیگر به عنوان خلیفه نامشروع و باطل است. برخی از رهبران و شخصیت های فکری تکفیری، با اشاره به مسبوق بودن بیعتشان با ملامعمر به عنوان امیرالمؤمنین در، افغانستان اساساً بیعت ادعا شده توسط دولت داعش در انتخاب ابوبکر البغدادی را باطل می دانند و با ذکر روایات و مستندات متعدد در پی اثبات استدلال خود و بطلان خلافت البغدادی برآمده اند؛ از جمله: «اعلان خلافت ابوبکر البغدادی قطعاً برای وی جایز نیست؛ چراکه مسبوق به بیعت ملامعمر است». (ابوقتاده الفلستانی، 1435: 19)

ص: 271

«اعلان خلافت یکی برنامه سیاسی است که تغییری در احکام فقهی ایجاد نمی کند، چراکه احکام فقهی مرتبط با بیعت هستند نه اعلان!... . لذا نخستین امیری که پس از سقوط خلافت اسلامی (در عثمانی در سال 1924م) با او بیعت شرعی صحیح براساس کتاب و سنت انجام شد، او ملاعمر در افغانستان است. و این بیعت شرعی صحیح مسبوق به بیعت دیگری نبود پس به واسطه این بیعت، احکام خلافت برای ملاعمر اثبات می شود... . از این رو هر امارتی که پس از امارت طالبان شکل بگیرد شرعاً ملزم به تبعیت از آن است با استناد به قول پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) که «فَوَابِيَعَهُ الْأَوَّلُ فَالْأَوَّلُ». الشنقيطي، 1435 ب: 2)

الشنقيطي در مخالفت با اعلان خلافت جماعت البغدادي می نویسد: «جماعت البغدادي در اعلان خلافت و دعوت مبارزان به شکستن بیعتشان و برانگیختن آنها به جدایی از فرماندهانشان دچار خطا شدند و این دعوت موجب فتنه عظیمی خواهد شد، زیرا برخی آن را خواهند پذیرفت و بعضی با آن به مخالفت خواهند برخاست». (همان 3)

یکی از مقاصد خمسہ شریعت حفظ جان و خون مسلمانان و محترم بودن آن است، به طوری که در فقه اهل سنت و شیعه بر آن، به عنوان یکی از ملاک های شرعی در استنباط احکام، تأکید گردیده است. نگاهی به اقدامات گروه تکفیری داعش مبین آن است که خون هر انسانی اعم از مسلمان و مسیحی، و شیعه و سنی، که تن به بیعت نداده باشد، مباح است و در این راستا جنایاتی مرتکب شده که تاریخ اسلام کمتر شاهد آن بوده است. گرچه بر برخی از جریان های تکفیری دیگر نیز در مهدورالدم بودن شیعیان نظرات مشابهی دارند اما جنایات داعش چنان ددمنشانه است که برخی از این جریان های تکفیری نیز علیه آن موضع گرفته و محکوم کرده اند. البته در نقدهای تکفیری ها عمدتاً مراد از مسلمان، اهل سنت می باشد؛ در حالی که در گفتمان خلافت البغدادی، خون هیچ مسلمانی اعم از اهل سنت شیعیان و حتی سلفی ها، که به بیعت وی تن نداده است محترم شمرده نمی شود.

«خون مسلمین حرام است تحت هر عذری که باشد، به ویژه که با ادعای برپایی دولت اسلامی باشد برپایی دولت اسلامی ذیل حمایت از جان ها اموال و اعراض است لذا اگر موجب از بین

رفتن جان ها اموال و اعراض گردد، شکل خواهد گرفت». «سیاست جماعت دولت البغدادی سیاست تکفیر و قتل و تلاش برای توسعه خودش است بدون توجه به خون و اموال». (عبدالحلیم، 1435ز: 4)

در واقع دولت البغدادی به ویژه سخنگوی آن ابو محمد العدنانی با به کارگیری ادبیات، حماسی در پی تهییج مسلمین در پیوستن به خودشان است در حالی که این دولت بر اساس اغراض شخصی و خودخواهی ها شکل گرفته است و اینان اسلام و احکام شرعی و خلافت را شعارهای خود اتخاذ کرده اند اما در وراء آن چیزی نیست جز ریختن خون مسلمین و اعلان جنگ و نیز تکفیر علیه همه مجاهدین مخالف خودشان و در مقابل اتحاد با بعثی ها و ابناء شیطان برای شکست اهل سنت چهره البغدادی زنازاده، یادآور انسان قاتل و سفاک است (عبدالحلیم، 1435و: 2)

10. رحمت؛ مبنا و غایت خلافت بر منهج نبوی و بی رحمی، مبنا و غایت خلافت بغدادی

از قواعد فقهی در اندیشه اهل سنت، «رحمت» به مثابه غایت خلافت بر منهج نبوی است؛ چراکه موضوع خلافت همانا مؤمنین

هستند و رحمت بر مؤمنین موضوع همه احکام شرعی محسوب می شود، از حیث جلب مصلحت و تسهیل آن و منع ضرر و مشکل بر مسلمین. لذا هدف اصلی از رسالت حضرت محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) رحمت است همان طور که خداوند به صیغه حصر می فرماید: «تورا فرو نفرستادیم مگر برای رحمت بر جهانیان»، نه اینکه پیامبر را برای شکنجه یا اقامه حدود بر جهانیان ارسال نموده باشد. اقامه حدود از رحمت نشأت می گیرد و حدود بدون رحمت صحیح نخواهد بود. (عبدالحلیم، 1435هـ-: 2).

اصولاً حتی ابعاد به ظاهر خشن احکام اسلامی نظیر حدود نیز از باب رحمت است و «همه احکام شرعی از باب رحمت بر بندگان است نه عقاب و عذاب برای آنها... این نگاه به احکام و روحیه رحمت کجاست در افرادی که با قطع سر مجاهدین و مخالفان از دولت سوریه و شیعه (رافضه) و قتل زنان و کودکان انتقام می گیرند و سپس به آن تفاخر می کنند؟!» (عبدالحلیم، 1435هـ-: 1)

«به خلافت ابراهیم عواد (البغدادی) نگاه کن، و قبل از او، به همه خوارج حروری نگاه کن که روح انتقام و دشمنی و کینه بر کسانی که تصور می کنند مرتکب معصیت شده اند، پس. با اقامه حد بر آن آرام می گیرند. گویا خداوند اینها را برای انتقام و مجازات مردم

فرستاده، نه رحمت و نیکی. لذا جماعت البغدادی با اقامه خلافت به طور مستقیم مخالف مقاصد شریعت عمل کرده است». (عبدالخلیم، 1435هـ-: 1)

آیا اجرای حد سرقت و زنا تنها وظیفه خلافت است؟! این چنین نیست، بلکه احقاق حقوق رعایا توسط خلیفه مقدم بر اجرای واجبات رعایاست. در حالی که این خوارج البغدادی برعکس این عمل می کنند و از مردم در همه مناطق دنیا می خواهند که با آنها بیعت کنند، قبل از اینکه توان حمایت و دفاع از آنها را کسب کرده باشند... این خلافت باطل ادعایی هدف شرع در اقامه حدود را از بین برده و در تحقق هر بنیانی از بنیان های آن شکست خورد جز در اعلان آن!». (همان)

در روایتی مرفوع احمد و نسائی از ابوهریره آمده است: «کسی که علیه امت من طغیان کند و نیکوکار و بدکارش را بزند و از مؤمن هم نگذرد و به عهده خود وفا نکند از من نیست و من از او نیستم» (المقدسی، 1435: 3)

«وقتی جماعت البغدادی در قلوب شان رحمی بر برادران مجاهدشان نیست چگونه حکومتشان بر مردم فقیر و مساکین و ضعفا و عوام خواهد بود.» (ابوقتاده الفلستانی، 1435: 21)

یکی از اصول اندیشه سلفی تکفیری نیل به خلافت بر منهاج نبوت است و این مفهوم اساسی را از روایتی از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) اقتباس کرده اند که منابع اهل سنت آورده اند: «ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةُ عَلِيٍّ مِنْهَاجَ النَّبُوَّةِ»؛ لذا یکی از نقدهای جدی اینان بر خلافت داعش این است که هیچ تناسبی بین شیوه خلافت البغدادی با شیوه نبوی وجود ندارد بلکه فاصله آنها فاصله مشرق تا مغرب است. از این رو در یادداشت ها و مقاله های متعدد سعی در تبیین و روشن ساختن این فاصله برآمدند؛ از جمله:

«آیا راه البغدادی و جماعتش راه نبوت است؟ به خدا سوگند، راه این جماعت راه نبوی نیست و نه آنچه که خداوند وعده داده، نیست. راه پیامبر راه رحمت، حکمت، عدل قسط، درمان، ادب، صداقت جوانمردی حُسن، خلق، شجاعت، صبر و قدرت است. (عبدالحمید، 1435ج: 3)

گروه بغدادی مدعی اند که براساس شریعت حکومت می کند! آیا دروغ و قتل انسانی که خداوند آن را حرام کرده و تکفیر مسلمین و مصادره اموال و تهدید افراد برای بیعت از روی خوف و ترس، آیا این اجرای شریعت است؟ اینان مرادشان از اجرای شریعت اجرای برخی از حدود شرعی قطع دست سارق و حد زناکار و پوشیه زدن

زنان است و همه اینها حقی است که از آنها اراده باطل شده است». (عبدالخلیم، 1435: 4)

ب) نقد خلافت داعش با توجه به اقدامات جنایتکارانه

اشاره

عملکرد داعش در حدود چهار ماه پس از اعلان خلافت مملو از جنایات و اقداماتی است که جهان اسلام تصور پذیرش آنها را ندارد! جنایاتی که چهره ای بسیار دهشتناک از دولت اسلامی را در افکار عمومی تجسم می بخشد و اقداماتی که نمی توان در آنها حداقل سودی را برای مسلمانان مشاهده کرد در این قسمت به خلافت ادعایی البغدادی با رویکردی جامعه شناختی و با عنایت به تحولات و اقدامات این گروه جنایت پیشه می پردازیم. مطلع بحث را با عبارتی از متفکر سلفی تکفیری، دکتر طارق عبدالخلیم آغاز می کنیم:

«حین سمعت أن الكاذب المُبتهت العدناني، قد أعلن قيام "الخلافة"، وأن ذلك الرجل، سفاك الدماء البغدادي "هو" الخليفة" لم أتماسك من الضحك، ثم التعجب، ثم الحزن، ثم الأسى على حال المسلمين...؛ زمانی که دروغگوی بهتان زن ابومحمد العدناني [سخنگوی البغدادی] برپایی خلافت را اعلان کرد که البغدادی، آن

ص: 278

مرد، سفاک، همان خلیفه است نتوانستم خودم را از خنده نگه دارم، و سپس از تعجب، و آنگاه از حزون و اندوه، و آنگاه از تأسف بر حال مسلمین» (طارق عبدالحلیم، 1435: 1)

1. خلافت داعش؛ عامل و زمینه ساز تجزیه جهان اسلام و ادامه توافقنامه «ساکس - پیکو»

یکی از اهداف مؤکد جریان سلفی تکفیری بازگشت به خلافت راشد و نفی نمادهای جریان سکولار حاکم بر جهان اسلام از جمله مرزهای ملی است؛ با این حال در زمان کنونی مطلوب مقدر را ایجاد امارت در مناطق مختلف به حاکمیت یک «امیر» می دانند که تحت بیعت امیر القاعده، در مقام خلیفه بی نام قرار دارد. از این رو مرکزیت القاعده و شخصیت های وابسته به آن با نفی عملکرد داعش در اعلان خلافت اسلامی، آن را زمینه ساز تجزیه مجدد جهان اسلام و منطقه به ویژه عراق و سوریه و شکل گیری «ساکس - پیکو» دیگر می دانند که پیامد آن کوچک شدن هر چه بیشتر کشورهای اسلامی و در نتیجه کاهش قدرت این کشورها در مقابل قدرت های بزرگ و اسرائیل (به عنوان عدو بعید) می باشد.

«امریکا طرح جدیدی را با تمسک به ائتلافی از بقایای حزب بعث صدام و داعش خوارجی ترسیم کرده که هدف اصلی آن تجزیه و قطعه قطعه کردن منطقه عراق و شام براساس توافقنامه سایکس -

پیکو در تقسیم میراث دولت عثمانی به دولت های کوچک زیاد باشد». (عبدالحلیم، 1435 الف: 2)

طارق عبدالحلیم البغدادی را مزدوری می خواند که به تقسیم جدید منطقه رضایت دارد. در واقع مسئله حروریه یا خوارج یا جنگ با مرتدین نیست، بلکه مسئله تصفیه انقلاب با ایجاد وضع جدید است که به البغدادی اجازه می دهد در رأس این کیان جدید قرار گیرد؛ کیانی که بر خون بنا شده است؛ همان طوری که در تأسیس آن [سایکس - پیکو] نقش شاه حسین اردن و نیز نقش ملک عبدالعزیز در جزیره العرب با همکاری انگلیس هویدا بود». (همان)

2. خلافت ابوبکر بغدادی؛ مولود محور بعثی - صهیونیستی - صلیبی

یکی از نقدهای جدی تکفیری ها بر دولت داعش، این است که آن را محصول ائتلاف محور بعثی - صهیونیستی - صلیبی می داند. به اعتقاد، اینان اطرافیان البغدادی را بعثی های سکولار گرفته اند که این محور در جهت منافع اسرائیل و آمریکا عمل می کند. شایان ذکر است که یکی از اهداف اصلی جریان های سلفی تکفیری از دوره سید قطب به بعد مبارزه با سکولاریسم و دولتهای سکولار به عنوان عدو قریب است؛ در حالی که داعش امروز با بعثی های سکولار هم پیمان شده است!

ص: 280

«توطئه بزرگتر البغدادی همانا ادعای خلافت است که خنجر مسمومی در پشت جهاد می باشد چراکه به واسطه آن همه مجاهدین در جهان را به خود جذب کرده و در پی تحلیل همه سازمان های جهادی و طغیان آنها علیه امیرانشان است. این عمل البغدادی در واقع تحت سیطره محور بعثی - صهیونیستی - صلیبی انجام می گیرد» (عبدالخلیم، 1435 الف: 3)

وی در بیانی دیگر می نویسد: این توطئه بزرگتر از العدنانی و البغدادی است؛ سیاست جهانی این افراد را برای تحقق اهدافش در شرق اسلامی استخدام کرده است این کار البغدادی بازگشت اسلام نیست، بلکه در آن اسلام، غریب طرده شده، آواره و فراری از طاغوتی به آغوش طاغوتی زشت تر... امروز داعش سلاح صهیونیستی - صلیبی برای تثبیت نشانه های جدید مرزهاست که در جهت حمایت از منافع رژیم صهیونیستی و افزایش تفرقه و تجزیه در سرزمین های اسلامی می باشد (همان: 4)

3. خلافت بغدادی؛ عامل تفرقه میان مسلمین

با عنایت به رویکرد تکفیر دیگران حتی اهل سنت توسط داعش، و تأکید بر مقابله با اهل سنت مخالف خود نخبگان سلفی تکفیری

غیر داعش، به شدت به محکومیت داعش پرداخته اند و این عمل داعش را موجب تفرقه میان مسلمین (اهل سنت) به ویژه خود سلفی های تکفیری دانسته اند این در حالی است که در ادبیات اهل سنت و حتی تکفیری های غیر داعش بر سیره وحدت بخش پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) تأکید کرده اند. در این راستا ابو محمد المقدسی، تئورسین و مفتی برجسته جریان سلفی تکفیری می نویسد:

«خلافت و امامت از مناصب مهم و عظیم الشان در میان مسلمانان است که مسلمین همواره در پی بازگشت و برپایی آن هستند... . خلافت تشریح شده برای حفظ کیان مسلمین تشریح شده و نه برای تکه تکه شدن و تفرقه صفوف همچنان که امام - همان طور که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) خبر داده - سپر و حافظ مسلمین از هر شرّ و مفسده ای است و نه داعی شرّ باشد. خلافت باید پناه و مأمن برای هر مسلمانی باشد نه تهدید و ترس و جدا کردن سرها (المقدسی، 4:1435)

در واقع، بزرگترین خطر اقدام داعش، دعوت به تکه تکه شدن مسلمین و تلاش برای شکستن صفوف مجاهدین و مبلغین است پس از آنکه میان مسلمین خواه طرفدار آنها و خواه ضد شان،

تفرقه ایجاد کردند و به ضعیفان رحم نکردند... اینان در صدد هستند که هر آنکس که با آنها بیعت نکند بکشند». (همان: 6)

یکی از اصولی که داعش حتی قبل از اعلان خلافت بر آن تأکید داشت این بود یا با ما و یا برضد ما براین مبنا بسیاری از مسلمانان از دایره اسلام خارج شده و مورد تهاجم داعش قرار می گیرند. این در حالی است که خلافت اسلامی باید پناهگاه مسلمین و بهشت گمشده ای باشد که در پی آن هستند، نه آنکه جهنمی برای مسلمین باشد! (همان: 3)

نبی گرامی اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) که به عنوان امام مسلمین بلکه امام جهانیان، امامت برای تفرقه مسلمانان و تکه تکه شدن آنها نبود، بلکه برای وحدت آنان بود؛ امامت پیامبر برای شکافتن سرهای افراد معصوم با مسلسل یا شمشیر نبود بلکه برای حفظ آن سرها و رشد و نمو آنها به درجات رفیع بود؛ حتی آن حضرت با گروه های ستیزه جو مانند گروه ابوبصیر در زمان صلح حدیبیه نیز که بیعت نکردند نیز چنین برخورد نکردند. (همان: 5)

4. دولت بغدادی؛ مولود جهال و جماعت غلو و اشرار

از دیدگاه علمای تکفیری سازمان دولت بغدادی از دو جهت دچار انحراف است: اول اینکه اینها جماعتی جاهل هستند که تصور

می‌کنند حقیقت خلافت عظمی این است که با بیعت یک نفر از مسلمین با یک فرد از اهل بیت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) محقق می‌شود! در حالی که شیوه بغدادی همانا طریق خوارج است که دچار شرّ اکبر شده که مخالفان خود و مخالفان بیعت با خلافت بغدادی را کافر می‌خوانند. این جهّال اندیشه و اعتقاد خلافت را اخذ کرده و بر تن امیرشان بغدادی پوشانده اند، و این منبع و مبدأ انحراف اول در گروه داعش است.

منشأ دوم برای انحراف دولت بغدادی بقایای جماعات غلو است؛ کسانی که بر آنها جماعات تکفیر اطلاق می‌شود». (ابوقتاده الفلستانی، 1435: 2 و 5)

ج) راهکارهایی در راستای تفرّق در تصلّب تکفیری

امعان نظر در نقدها و دیدگاه‌های انتقادی جریان‌های تکفیری علیه دولت داعش مبین ظهور شکاف و بروز شکنندگی در اعتقادات متصلب آنها به ویژه در خصوص، خلافت به عنوان محور و غایت نظر و عمل، آنها و مبانی آن و شیوه‌های تحقق آن می‌باشد. حال، اگر زمینه‌ها و عوامل نضج و تکوین جریان‌های تکفیری و به طور خاص، داعش را یک سه ضلعی ترسیم کنیم که زمینه‌های اندیشه‌ای، عوامل جامعه‌شناختی و قدرت‌های منطقه‌ای و

بین المللی، اضلاع آن را تشکیل می دهند، بی شک ضلع نخست، نقش پررنگ تری در تکوین و توسعه این جریان داشته است.

بنابراین تزلزل در مبانی اندیشه ای این جریان که نقدهای متقابل القاعده و داعش حاکی از آن است فرصت مغتنمی است در جهت مقابله با این شرّ اعظم در جهان اسلام از این رو در ذیل فرصت های پیش آمده در این شرایط را با توجه به مبانی سلفی تکفیری، استخراج و ارائه می نماییم:

1. عامل اصلی انسجام و ایجاد جذب و حس همگرایی در میان هواداران جریان های تکفیری اندیشه بازگشت خلافت و آرمان خلافت راشد است. این در حالی است که امروزه میان این جریان ها بر سر تحقق خارجی خلافت و ادعای داعش، به شدت منازعه شکل گرفته است تأکید و توسعه این گونه منازعات در فضای مجازی به ویژه با استفاده از بیان و نظر خودشان فرصت مغتنمی برای شکل گیری تزلزل در اندیشه و تفرق در همگرایی شان می تواند باشد. این چالش را در سخنان شخصیت های جریان تکفیری به وضوح می توان دید که از آن به فتنخ یاد کرده اند؛ از جمله الشنقيطي، مفتی برجسته تکفیری، می نویسد: «الإخوة في الدولة الإسلامية أخطأوا بدعوتهم إلى إلغاء بيعات سبقتهم وتحريضهم المجاهدين على نزع أيديهم من طاعة قادتهم. وقد

ص: 285

يحدث بسبب هذه الدعوى فتنة عظيمة لو تابعهم البعض وخالفهم البعض؛ (ابو المنذر الشنقيطي إعلان الخلافة في الميزان الشرعي)

جماعت البغدادی در اعلان خلافت و دعوت مبارزان به شکستن بیعت شان و برانگیختن آنها به جدایی از فرماندهانشان دچار خطا شدند، و این دعوت موجب فتنه عظیمی خواهد شد، زیرا برخی را خواهند پذیرفت و بعضی با آن به مخالفت خواهند برخاست».

2. استفاده از ابزارهای مجازی و رسانه ای در ایجاد فاصله هرچه بیشتر میان این جریان ها ایجاد تردید و تزلزل در عقاید این گروه مستلزم بهره گیری از ابزارهایی است که خودشان به شدت از آنها استفاده می برند، یعنی فضای مجازی. با عنایت به تمسک و توسل شدید اعضای این گروه ها به فضای مجازی اعمال راهکار اول مستلزم این ابزارهاست.

3. جریان های تکفیری خود نیز تلاش دارند که از اطلاق واژه تکفیر به دور باشند، لذا بسط چنین واژه هایی علیه این گروه ها البته با ادبیات خود این جریان ها می تواند تأثیرگذار باشد؛ برای مثال ابوقتاده از رهبران قدیمی القاعده که به سفیر بن لادن در اروپا معروف بود، در منشأ انحراف داعش می نویسد: «منبع دوم برای انحراف دولت بغدادی بقایای جماعات غلو است؛ کسانی که بر آنها جماعات تکفیر اطلاق می شود». (ابوقتاده، ثياب الخليفة)

ابوغازى، فتحى محمد سليم(1429)، الخلافه بين الأمس و اليوم،

<http://khilafah.net>

1. ابو المنذر الشنقيطي (1435 الف)، إعلان الخلافة في الميزان الشرعي،

<http://www.tawhed.ws>

2. ابوالمنذر الشنقيطي (1435ب)، التمييز بين المفهوم الشرعي للاخلافة و المفهوم السياسي للاخلافة،

<http://islamion.com/news/10971>

3. طارق عبد الحلیم (1435 الف)، خلافة البغدادى... خنجر المسموم في ظهر الجهاد،

<http://www.almaqreze.net/ar/news.php?re>

admore 2484

4. طارق عبد الحلیم (1435ب)، قيام دولة الاسلام بين الواقع و الأوهام،

<http://www.almaqreze.net/ar/news.php?re>

admore2484

5. طارق عبد الحلیم (1435ج)، لا والله .. ما هذا منهاج النبوة ولا هو وعد الله!

ص: 287

<http://www.almaqreze.net/ar/news.php?re>

admore£2484

6. طارق عبد الحلیم (1435د)، لا یا بغدادی .. ما هكذا تورد الخلافة!

<http://www.almaqreze.net/ar/news.php?re>

admore £2484

7. طارق عبد الحلیم (1435هـ)، بین الخلافة وتطبيق الحدود ... بعد المشقین!

<http://www.almaqreze.net/ar/news.php?re>

admore=2487_ftnrefi

8. طارق عبد الحلیم (1435و)، الخلافة .. بین السنية والعبثية عبد الحلیم 1435

<http://www.almaqreze.net/ar/news.php?re>

admore=2471

9. طارق عبد الحلیم (1435ز)، نداء عاجل إلى علماء وحکماء ودعاة أهل السنة والجماعة،

<http://www.almaqreze.net/ar/news.php?re>

admore2484

10. ابوقتاده الفلستانی (1435)، ثياب الخلیفه،

ص: 288

<http://www.almaqreze.net/ar/news.php?re>

admore=2479

11. ابو محمد المقدسى (1435)، وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَصَتْ غَزْلُهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةِ أَنْكَاتِهَا، منبر التوحيد والجهاد،

<http://www.tawhed.ws>

<http://www.almaqdese.net>

12. أبى همام بكر بن عبد العزيز الأثرى، مدالايادي لبيعه البغدادي.

ص: 289

اشاره

* مختار شیخ حسینی

مقدمه

اشاره

عملکرد جریان تکفیری داعش با ترسیم چهره ای غیر رحمانی از اسلام در دنیای معاصر پیامدهای مختلفی بر جهان اسلام داشته است اما پیروزی های ابتدایی این جریان نیز دوام نیاورد و این جریان با چالش های عمده ای مواجه است که در این مقاله ابتدا به پیامدهای فعالیت این جریان بر جهان اسلام و سپس به چالش های فراروی آن پرداخته اشاره می شود.

الف) پیامدهای گسترش جریان تکفیری بر جهان اسلام

1. فراموشی آرمان امت اسلامی

جهان اسلام در صورت عمل به آموزه های دین و قرآنی ، یک امت واحده است. تصور جهان اسلام به عنوان یک امت واحده و کل یکپارچه که نیروی انسانی و منابع انرژی بسیار زیادی دارد، هر قدرت بین المللی را با چالش مواجه خواهد کرد. حرکت هایی در

جهان اسلام در این زمینه مانند شکل‌گیری کنفرانس اسلامی، حرکت‌های تقریبی و ... نیز بر همین اساس شکل گرفته است اما مهم‌ترین موضوعی که می‌تواند رسیدن جهان اسلام به این ارمان را ناکام گذارد؛ درگیری‌های مذهبی و تشنیت‌های درونی است. کوبیدن بر طبل تکفیر و افراط‌گرایی جهان اسلام را به درگیری‌های داخلی فرو خواهد برد و امت واحده در حد ارمانی دست نیافتنی باقی خواهد ماند در حالی که براساس دستور قرآن کریم "ان هذه امتکم امة واحده"⁽¹⁾

2. فراموشی اولویت فلسطین

مسئله فلسطین یکی از مهمترین چالش‌های دهه‌های اخیر جهان اسلام بوده است. اشغال بخشی از جهان اسلام با واکنش متفاوت مسلمانان مواجه شد به طوری که چهار جنگ موسوم به جنگ‌های اعراب و اسرائیل به دلیل همین مسئله رخ داد. به تدریج برخی سران کشورهای اسلامی اولویت فلسطین را از سیاست خارجی خود حذف کردند و عادی‌سازی روابط با اسرائیل در دستور کار قرار گرفت. دولت حسنی مبارک در مصر نمونه این فراز و فرود در زمینه فلسطین بود هر چند دولت‌های اسلامی در سیاست‌های

ص: 292

خود نسبت به فلسطین تجدید نظرهایی داشتند اما جایگاه فلسطین در میان ملت های مسلمان همچنان برجسته و حساسیت برانگیز بوده است و همواره در مناسبت های مختلف مسلمانان با مصائب فلسطینیان همدردی کرده اند. رشد جریان های تکفیری و مشغول کردن جهان اسلام به درگیری های درونی موجب فراموشی فلسطین از اولویت دولت ها و ملت های در جهان اسلام شده است فراموشی فلسطین زمینه حملات شدید تر رژیم صهیونیستی بر غزه را فراهم کرده است و جهان اسلام نیز به دلیل درگیر بودن با مسئله تکفیر نتوانسته است راه حل عملی برای حمایت از این مردم مظلوم ارائه دهد.

3. بستن راههای تقریب مسلمانان

یکی از زمینه های همگرایی در جهان اسلام حرکت های تقریبی است که توسط علمای زیادی در اهل سنت و شیعیان مورد اهتمام بوده است. علمایی مانند شیخ شلتوت، آیت الله بروجردی، امام خمینی و ... سیر تفکری را دنبال کرده اند که به همگرایی جهان اسلام کمک کنند و توجه به مشترکات در این اندیشه فرصت های زیادی برای جهان اسلام فراهم کرده است اما شارژ جریان های تکفیری و حمایت قدرت های بین المللی از آنها این سنت فکری و عملی را در تاریخ مسلمانان مورد خدشه قرار می دهد. گسترش

اندیشه جریان تکفیری منجر به برجسته شدن افتراقات گروه های مختلف مسلمانان و فراموشی محورهای مشترک و در نهایت شکسته شدن استراتژی های تقریب خواهد شد.

5. نا امن سازی جهان اسلام

امروزه پیش فرض مسلم پیشرفت و توسعه در هر کشوری امنیت است. در واقع امنیت اولی و ضروری ترین نیاز بشر است و دولت ها نیز مهم ترین وظیفه خود را تامین امنیت می دانند. عدم سرمایه گذاری های بلند مدت در کشورهای اسلامی زمینه عقب ماندگی و توسعه نیافتگی آنها را موجب شده است. یکی از پیامدهای جریان تکفیری نا امن سازی جهان اسلام است که نتایج منفی زیادی به دنبال خواهد داشت. عدم رغبت شرکت های بزرگ بین المللی برای سرمایه گذاری در جهان اسلام یکی از این نتایج است. پیامد دیگر نا امن سازی جهان اسلام فراهم شدن بازار فروش تسلیحات در کشورهای اسلامی است و با نا امن شدن منطقه توسط جریان تکفیری، کشورهای منطقه به سمت خریداری تسلیحات از غرب پیش خواهند رفت و این انبار تسلیحات نیز یکی از زمینه های احساس ناامنی در جهان اسلام است.

ص: 294

امروز پس از سقوط کمونیسم و بلوک شرق و پایان یافتن جنگ سرد بین غرب و شرق با دو ایدئولوژی لیبرالیسم و کمونیسم، سرمایه داری تنها رقیب خود را اسلام می داند و آنها مرکز گسترش اصلی اسلام را خاورمیانه می دانند که بیشتر کشورهای آن را مسلمانان تشکیل می دهند. رسانه های غربی برای مخدوش جلوه دادن چهره مسلمانان عده ای تکفیری را که با خشونت و ترور قرین هستند به عنوان مسلمانان خاورمیانه جلوه می دهند و با استفاده از ابزارهای رسانه ای قوی سعی در القای این تفکر دارند که خاورمیانه کانون بحرانی برای جهان است و دلیل بحرانی بودن این منطقه را وجود مسلمانان در این منطقه ابراز می کنند امروز در رسانه های غربی اسلام به عنوان دشمن جدید سرمایه داری بعد از کمونیسم تبلیغ می شود و برای این تبلیغ نیاز به خوراکی دارند که متأسفانه جریان تکفیری در اختیار آنها قرار می گیرد نتیجه این عملکرد نشان داده چهره ای خشونت آمیز و متصلب از اسلام رحمانی است که مردم دنیا را از اسلام ناب دور می کند.

(ب) چالش های جریان تکفیری در عراق

اشاره

هر چند جریان تکفیری بعثی در عراق به صورت کوتاه مدت به موفقیت های ظاهری دست یافت، اما مؤلفه های زیادی وجود دارد

که چالش های زیادی فراروی این جریان قرار داده است که به اشاره می شود:

1. اختلاف ایدئولوژی در سازمان داعش

همکاری گروه های مخالف دولت فعلی عراق مانند بعثی ها با گروه داعش در موفقیت های نظامی آنها نقش مهمی داشته است. نکته مهم این است که مخالفت با وضعیت موجود عراق، این گروه ها را کنار هم قرار داده است؛ اما به لحاظ ترسیم وضعیت مطلوب، با یکدیگر تعارض اساسی دارند، داعش خواستار ایجاد یک خلافت اسلامی براساس قرانت خاص خود از اسلام است؛ اما بعثی ها و مخالفان دولت عراق به دنبال بازگشت بعثی ها و ایجاد دولتی ملی گرا در این کشور هستند. این تفاوت ایدئولوژیکی، چالش دیگری است که به زودی انسجام این جریان را با خطر جدی مواجه خواهد کرد.

2. حضور مرجعیت

یکی دیگر از چالش های اساسی داعش در، عراق، حضور مرجعیت شیعی است که با اعلان جهاد برضد این گروه مردم عراق را در مقابله با این جریان تکفیری یک پارچه کرده است. مردم عراق تجربه انقلاب سال 1920 و پیروی از علما و مرجعیت در مبارزه با

ص: 296

انگلیس را در خاطر دارند و امروز نیز بار دیگر این فضا برای مردم عراق بازسازی شده است با توجه به درک خطر داعش گروه های مختلف عراقی ضرورت ترجیح مصالح ملی بر طایفه ای را مدنظر قرار داده اند و در صورت تقویت این مسئله و ایجاد هم گرایی بین گروه های عراقی داعش در تنگنای شدیدی قرار خواهد گرفت.

3. اختلاف داعش و القاعده

یکی از چالش های جریان تکفیری در منطقه، اختلافات درونی است. این جریان در ابتدا با مدیریت ایمن الظواهری (رهبر القاعده) به صورت سه ضلع در منطقه تعریف شد تا بتواند خلافت سلفی را در این منطقه تأسیس کند. ضلع اول این جریان به رهبری ماجد الماجد در لبنان ضلع دوم به رهبری الجولانی در سوریه (جبهه النصره) و ضلع سوم به رهبری ابوبکر البغدادی در عراق (در آغاز نام این جریان دولت اسلامی عراق بود)؛ با اعلام رهبری دولت اسلامی منطقه عراق و شام توسط البغدادی، زمینه اختلاف بین او و الجولانی فراهم شد و جبهه النصره نیز این ادعای البغدادی را به رسمیت نشناخت سران القاعده و شخص ایمن الظواهری برای حل این اختلاف اقدام کردند؛ اما نتوانستند البغدادی را راضی کنند تا فقط در حوزه عراق به فعالیت پردازد. هر چند کشته شدن الماجد در لبنان حوزه فعالیت تکفیری ها را در این کشور محدود کرده

است؛ اما اختلاف موجود در سطح رهبری جریان در منطقه، مهمترین چالش پیش روی آنها خواهد بود.

داعش در زمان تأسیس، شعبه ای از القاعده در عراق بوده است و بن لادن در یکی از بیانیه های خود درباره عراق می گوید: عراقی هایی که برضد آمریکایی های کافر یا دولت خائن علاوی جهاد می کنند برادران و یاران ما هستند؛ حتی اگر فارس، کرد یا ترک باشند. عراقی هایی هم که به این دولت خائن می پیوندند تا برضد مجاهدینی که برضد اشغال مقاومت می کنند، بجنگند، آنها هم خائن و جزو کفار هستند؛ حتی اگر عرب و از قبایل [اصیل] ربیعه... باشند.» (Blanchard, 2005: 7) بر این اساس او حتی همکاری با بعضی های سوسیالیست را مجاز می دانست و می گفت: «به رغم اعتقاد ما به کافر بودن سوسیالیست ها، می توان با آنها همکاری کرد.

(الجزیره، 11 فوریه 2003) به هر حال، به رغم وجود این اختلاف ها تا اواخر سال 2004 زرقاوی و بن لادن منافع مشترکی برای خود تعریف کردند. در یک بیانیه اینترنتی در اکتبر سال 2004، زرقاوی اعلام می کند که نام گروهش را به «القاعده در سرزمین بین النهرین» تغییر داده و طرفداری خود را از بن لادن اعلام می کند و بن لادن را بهترین رهبر برای ارتش اسلام در برابر کفر و نفاق

می‌داند. او در بیانیه متذکر می‌شود که با بن لادن ارتباط برقرار کرده و برای ترکیب نیروها برضد دشمنان اسلام توافق کردند. (258 - 257 : 2000Gerges) در خصوص راهبرد زرقاوی در عراق، به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- انزوای آمریکا در بین متحدان و حامیان بالقوه خود (بمب‌گذاری‌های مادرید و لندن به همین منظور طراحی شده است)؛

- جلوگیری از همکاری عراقی‌ها با اشغالگران از طریق حملات انتحاری در مراکز جذب نیروی نظامی و ایستگاه‌های پلیس؛

- اعمال خشونت و جنگ روانی از طریق گروگانگیری و اعدام افراد.

- جنگ فرقه‌ای برضد شیعیان برای ایجاد جنگ داخلی عباس زاده فتح آبادی، (1389: 164 - 165)

تا قبل از اعلام خلافت البغدادی، عراق به صورت یک امارت تعریف شده بود و در مکاتبات رسمی آنها عمر البغدادی، رئیس قبلی داعش نیز به عنوان امیر مورد خطاب قرار می‌گرفت. جبهه‌النصره نیز در سوریه چون ظرفیت تأسیس امارت را نداشت؛ به عنوان یک جبهه معرفی شده است؛ اما زمانی که ابوبکر البغدادی سعی در ادغام جبهه النصره و دولت اسلامی عراق داشت، این

ص: 299

موضوع مورد پذیرش القاعده به عنوان سازمان دهنده حرکت های تکفیری قرار نگرفت. چون براساس منطق این جریان تکفیری، هر کدام از این دو جریان به محیط جغرافیایی خاصی تعلق داشتند. حوزه فعالیت النصره در سوریه تعریف شده بود و در صورت گسترش قلمرو می توانست به عنوان یک امارت اعلام موجودیت کند. بنابراین براساس منطق درونی این گروه ها در نهایت داعش به عنوان یک امارت شناخته می شد. تشکیل امارت های متعدد می توانست زمینه تأسیس خلافت را فراهم کند اعلام ناگهانی خلافت توسط ابوبکر البغدادی همه جریان های تکفیری را نیز غافلگیر کرد. سران گروه های تکفیری که در مناطق مختلف شاخه ای از القاعده هستند ایمن الظواهری را به عنوان فردی که در حکم خلیفه باشد، پذیرفته اند. به همین دلیل همه سران القاعده از جمله ابوبکر البغدادی گذشته با او بیعت کرده اند. خروج البغدادی از منطق القاعده و

در اعلان خلافت و دعوت از همه مسلمانان به مهاجرت و بیعت موجب نوشته شدن نامه ای از سوی برخی سران تکفیری القاعده به ایمن الظواهری شد که در این نامه افرادی مانند طارق عبدالحلیم هانی السباعی ایاد قنایی عبدالله المحیسنی الشیخ محمد الحصم و سامی العریدی در مورد وضعیت داعش پرسیده اند و ایمن الظواهری در پاسخ به این نامه آورده است البغدادی در موارد مختلفی با حقیر

«ایمن الظواهری» و در گذشته با بن لادن بیعت کرده است؛ اما زمانی که من از او خواستم از سوریه خارج شود، نپذیرفت و بیعت را شکست و برای خودش بیعت‌هایی شکل داد که باطل‌اند؛ چون او در بیعت با من وفادار نماند؛ در حالی که در موارد متعدد من را امیر خود معرفی کرده بود. (1) یکی از چالش‌های اساسی داعش در عراق، عدم پذیرش خلافت آن از سوی دیگر گروه‌های تکفیری است که نسبت به داعش سابقه بیشتری دارند.

4. ضعف ائتلاف سازی

در صورتی که این جریان در تأسیس دولت موفق شود؛ اقبالی به سوی آنها وجود نخواهد داشت؛ چون این جریان نه تنها از توانایی برقراری امنیت برخوردار نیست؛ بلکه محل امنیت منطقه‌ای خواهد بود و در بلندمدت هیچ دولتی حاضر به اتحاد استراتژیک با چنین تفکری نیست هر چند که در کوتاه مدت ممکن است برخی کشورها از آنها حمایت کنند. به علاوه قدرت‌های منطقه‌ای مانند ترکیه و عربستان به خوبی می‌دانند که براساس اندیشه داعش، حاکمان

ص: 301

کشورهای اسلامی بر طبق غیر ما انزل الله حکمرانی می کنند و در صورت تمرکز قدرت به تدریج سراغ دیگر کشورهای اسلامی می روند. در حقیقت این اندیشه مرزهای مدرن را به رسمیت نمی شناسد چنین اندیشه ای چالشی اساسی برای متحدان موقت این جریان است به همین دلیل برخی کشورهای عربی در کوتاه مدت حامی این جریان بودند اما در حال حاضر در صف اول ائتلاف به رهبری آمریکا علیه داعش وارد جنگ شده اند.

5. شکل گیری دولت جدید عراق

تصرف موصل توسط داعش در مقطع زمانی رخ داد که دولت مرکزی عراق با ریاست نوری مالکی وضعیت متزلزلی را تجربه می کرد ائتلاف نوری مالکی هر چند در انتخابات پارلمانی بیشترین کرسی را به دست آورده بود اما عدم مقبولیت او در بین گروه های مختلف عراقی از جمله شیعیان وضعیت خاصی را در دو سال اخیر در این کشور فراهم کرده بود ضعف دولت مرکزی عراق و اختلافات شدید در شکل گیری، دولت زمینه قدرت یافتن این جریان تکفیری را فراهم کرد اما به تدریج با معرفی فواد معصوم به عنوان رئیس جمهور سلیم الجبوری به عنوان رئیس پارلمان و حیدر العبادی به عنوان نخست وزیر دولت جدیدی در عراق شکل گرفته است که از مقبولیت نسبی بین گروه های مختلف برخوردار است. این دولت

با پشتوانه افکار عمومی و جریان های مختلف عراقی ظرفیت مقابله و برخورد شدیدتر با داعش را دارد در صورت تکمیل کابینه و انسجام دولت جدید همبستگی در عراق افزایش خواهد یافت و همین مساله چالش برای داعش است که فقط از زمینه های اختلاف و واگرایی در عراق برای رسیدن به قدرت استفاده کرده است.

ص: 303

راهکارهای مواجهه با جریان های سلفی تکفیری (با تأکید بر داعش)

اشاره

*محمد تقی پورامینی (1)

*عبدالوهاب فراتی (2)

مقدمه

اشاره

بدون تردید امروزه بسط گروه های سلفی تکفیری در جهان اسلام به یکی از مصائب مسلمانان تبدیل شده است. این گروهها که دعوی حذف اختلافات مذهبی و بازگشت همگان به یک مذهب را عامل عبور مسلمانان از دوره انحطاط می دانستند امروزه نه تنها به بحران عقب ماندگی کشورهای اسلامی کمک نکرده اند بلکه با ترویج خشونت راه هر گونه تعامل سازنده را مسدود و بر تطویل بحران عقب ماندگی مسلمانان افزوده اند. آنان با متوجه ساختن اذهان مسلمانان به مسئله دست و پا افتاده ای مثل تمایز اعتقادات

ص: 305

1- عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

2- عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مذهبی، عملاً مسلمانان را از مسائل مهم آنان منحرف و شعله های جنگ و خشونت را دوباره به جهان اسلام باز گردانده اند. آنچه که در این میان اهمیت دارد آن است که وظیفه ما در قبال گروه های تکفیر چیست؟ و چه راهبرد مشخصی باید در قبال آنان اتخاذ کرد؟ مجموعه مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته است نشان می دهد که راهکارهای ذیل از اهمیت والایی برخوردار است:

1. تدوین یک راهبرد مشخص

برای مواجهه با سلفیان، وجود استراتژی و راهبرد مشخص ضرورت دارد تا بر اساس ارزش های ناب اسلامی، اصولی علمی و سنجیده محور برنامه های مواجهه قرار گیرد تا ضمن مهار و محو فتنه گروه های تکفیر، از شکل گیری فتنه های شیطانی دیگر جلوگیری شود. فقدان یک نقشه راه مشخص واکنش های انفجالی و عاطفی را در پی خواهد داشت و خشونت، تنش و کشتار را فزونی می بخشد و فرصت مدیریت تولید بحران جدید را برای وهابیت فراهم می آورد.

بدیهی است در تدوین راهبرد مواجهه با گروه های تکفیری، به صورت کلان ضمن واکاوی زمینه های فرهنگی، اجتماعی و روانی پیدایش فرق انحرافی، روش ها و ابزارهای شیطانی آنان در ایجاد اختلاف و فتنه بررسی می گردد؛ زیرا حرکت شیطان به سلفی گری

تکفیری منحصر نیست و بازوال این جریان، پدیداری جریانات کژ و شیطانی با عنوان دیگری محتمل است.

2. تفکیک وهابیون تکفیری از سلفی گری

وهابیان خود را محور اصلی تفکر سلفی قلمداد کرده، ضمن دوری از وهابی نامیدن خود، بر سلفی بودن اصرار دارند، آنان سعی دارند سایر جریانات سلفی را با محور خویش مدیریت نمایند در مواجهه با وهابیون، تکفیری این حرکت انحرافی را باید در تضاد با اصول و باور سلف دانست و بر عدم مصادره این عنوان از سوی آنان، تاکید کرد؛ راه کاری که در سخن مقام معظم رهبری چنین بیان می شود: «سلفی گری اگر به معنای اصولگرایی در کتاب و سنت و وفاداری به ارزش های اصیل و مبارزه با خرافات و انحرافات و احیای شریعت و نفی غرزدگی باشد همگی سلفی باشید و اگر به معنای تعصب و تحجر و خشونت میان ادیان و مذاهب اسلامی ترجمه شود، با نوگرایی سماحت و عقلانیت - که ارکان تفکر و تمدن اسلامی اند - سازگار نخواهد بود و خود باعث ترویج سکولاریزم و بی دینی خواهد شد».

ص: 307

3. باورمندی به تقریب مذاهب اسلامی

تاکید بر تعمیق شناخت مذاهب اسلامی از یکدیگر، حفظ و پررنگ شدن مشترکات، بحث آرام در مسائل اختلافی و پرهیز از تنش، به عنوان محورهای تقریب مذاهب حرکتی عقلانی برای وفاق در برابر وهابیون تکفیری است. رویکرد تکفیری ها در این راستا، برجسته کردن نقاط افتراق بین شیعه و سنی و نفی تقریب، نادیده گرفتن اختلاف با سایر مذاهب اسلامی به منظر محو شیعه است. بنابراین تحقق اجماع جهان اسلام جهت تحقق آرمان تقریب و وحدت امت اسلامی و تقویت روحیه همکاری میان مسلمانان و پایداری در برابر دسیسه ها و خنثی سازی توطئه نظام سلطه جهت اختلاف بین مسلمانان لازم است.

4. گفت و گوی روشمند و علمی با وهابیون تکفیری

در مواجهه علمی با وهابیان رعایت اصول، انتخاب بهترین سبک گفت و گو و انتخاب بهترین موضوع می تواند نسبت به تفوق و پیشرفت بحث کمک کند در این راستا نکات زیر قابل توجه:

الف) گفت و گو براساس ادب قرآنی: استوار بودن به حکمت، موعظه حسن و جدال احسن، شنیدن سخن خصم و تأمل و نگریستن در آن لزوم بکارگیری سخن نرم و نیک گفتن با مخالفان، دوری از رفتار توهین آمیز.

ب) گفت و گوی مستقیم: وابسته بودن به خبرگی و تسلط گوینده، لزوم تسلط به منابع و سخنان صحیح علمای اهل سنت.

ج) شیوه ورود به بحث و مدیریت موضوع: دوری از بحث در موضوعات کلی و گسترده سودمند بودن گفت و گو با وهابیت با احادیثی نظیر ثقلین، کساء اثنی عشر و آیه تطهیر.

5. تمرکز بر تناقضات موجود در آرا

یکی از نکات محوری در مواجهه با سلفیان، تناقضات موجود در آراء و افکار آنان است. دو نمونه مهم در این راستا، حمله سلفیان بر تأویل گرایان با تکیه بر ظاهرگرایی و تعطیل عقل در کنار پذیرش تأویل در موارد متعدد و نیز اتهام دیگران به شرک در کنار افتادن آنها به شرک در مسأله «نسبت صفات و ذات» است.

6. اصلاح نگرش غلط از تشیع

جهان اسلام تصویر روشنی از تشیع ندارد و تصویر ارائه شده از این مذهب، غالباً از زاویه وهابیت و با اتکا بر تبلیغ وسیع آنان، غیر واقعی و تحریف شده است وهابیت به عمد تلاش می کند که مذهب امامی را با غالیان یکسان بیانگارد و به بسط آن خلط اشتباه پرداخته، شیعیان را از دایره مسلمانان خارج سازد. سلفیان وهابی

ضمن برجسته کردن اعتقادات غالیان، آن را منسوب به شیعه امامیه کرده و با این ابزار به دروغ پراکنی خود می پردازند.

محمد غزالی ضمن آسیب شناسی کسانی که شیعه و غالیان یکسان انگارند، معتقد است که «آنان از روی تهمت و برای انتقام گیری از شیعه، اعتقاد به تحریف و کاسته شدن از آیات قرآن را به شیعه نسبت می دهند»

اصلاح نگرش غلط از تشیع، تلاش مضاعف متفکران و نویسندگان شیعی را نیز می طلبد تا تصویر روشنی از عقاید مذهب امامی را به جهان اسلام ارائه کنند. به همین منظور باید جمهوری اسلامی تکلیف خود را در قبال مراکز و موسسات شیعی مثل جریان شیرازی ها و اللهیاری ها که در عرصه جهانی فعالیت می کنند و قرائتی ناصواب از تشیع ارائه می کنند را روشن کند و راهی به سوی به حاشیه بردن یا قانع ساختن آنها فراهم آورد تا بهانه را از مخالفین تشیع بستانند.

1. تقویت جبهه مخالفان به دلیل فقر نظری و مشی افراطی سلفیان وهابی زمینه تقویت مخالفان به وجود آمده است. سه طیف مهم دارای اقبال خاص و نیز نقش تعیین کننده در آینده جهان اسلام (به جز شیعه) را می توان، ماتریدی صوفیه و نومعتزلیه دانست.

ص: 310

2. جریان ماتریدی ابونصر ماتریدی (333-248 یا 250 ق) همانند کوشش ابوالحسن اشعری با ارائه مکتبی به دنبال صلح و آشتی بین اهل حدیث و معتزله بود. اهم دیدگاه‌های وی را می‌توان در مواردی چون تفکر تنزیهی در خصوص خداوند و نفی تجسیم و تشبیه، خداوند عدم پذیرش انکار صفات (تفاوت با معتزله)، بها دادن بسیار به عقل در کنار توجه به نقل (تفاوت با اشاعره) مشاهده کرد. بنابراین مذهب ماتریدی بین اشاعره و معتزله قرار دارد. مهم‌ترین مرحله تکامل در عصر عثمانی بود که این حاکمان خود را در اصول پیرو ماتریدی و در فروع پیرو ابوحنیفه می‌دانستند. امروز در مناطق شمالی و شرق جهان اسلام مانند هند، پاکستان، افغانستان، بنگلادش و ترکیه از این جریان پیروی می‌شود. محمد زاهد کوثری (م 1371 ق) از چهره‌های شاخص ماتریدی، وهابیت را به عنوان گونه جدیدی از شرک معرفی نموده است. به دلیل چنین تفکراتی این جریان مورد هجوم وسیع از جانب سلفیان وهابی قرار گرفته است.

3. جریان صوفیه: سلفیان وهابی نسبت به صوفیه موضع کاملاً مخالفی دارند و آن را انحرافی می‌دانند این تیمیه نیز در کنار دفاع از برخی عرفا آنان را اولیای شیطان می‌خواند. در دوران معاصر و در عربستان و مصر شاهد ظهور و بروز تقابل صوفیان با سلفیان

وهابی هستیم انتشار آثار صوفیان مالکی عربستان به رهبری محمد بن علوی المالکی (متوفی 1425ق) در نقد جریان وهابی و تکفیر او به وسیله سلفیان حجاز جزو نمونه های فعالیت آنها در عربستان است در مصر نیز شاهد افزایش نقش و فعالیت صوفیان مصر پس از انقلاب فوریه 2011 و رقابت شدید آنها با سلفیه مصر و اعتقاد به وهابی بودن آنها هستیم.

4. نومعتزلیان: امروز گروهی از نواندیشان دینی به اندیشه کلامی معتزله روی آورده اند و کوشش در جهت تفسیر عقلانی از دین در مواجهه با مدرنیته دارند. البته این تفاسیر جدید از دین با پاره ای از باورهای معتزله در تعارض است اندیشه های این اندیشمندان بر آرای امین الخولی و محمد احمد خلف الله متمرکز است. چهره های مهم جریان نومعتزلیه شامل محمد عابد الجابری (مراکش)، طه حسین، حسن حنفی نصر حامد ابوزید، جابر عصفور، عبدالرحمن بدوی، طهطاوی (مصر)، لیلا احمد (کانادایی عرب تبار) محمد الطالبی (تونس) می شود. اندیشه نواعترالی به تفکر شیعی نزدیک است، اما خطر انحطاط به دلیل افراط در عقل گرایی، تأویل متون دینی و نقد صحابه در آنها جدی است.

ص: 312

*دکتر صادق رمضانی گل افزانی (1)

*سید جواد میرخلیلی (2)

مقدمه

جریان تکفیری داعش حوزه فعالیت گسترده ای را برای خود ترسیم کرده است و در هر یک از کشورهای اسلامی که شرایط فکری - سیاسی برای رشد این جریان فراهم شود به عملکرد تخریبی خود ادامه خواهد داد که در این مقاله به حوزه نفوذ این جریان در دو کشور تونس و اندونزی اشاره می شود.

داعش در تونس

مرکز مطالعات استراتژیک سوفان گروپ که مقر آن در نیویورک است در گزارشی که با عنوان «جنگجویان خارجی در سوریه» منتشر

ص: 315

1- رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تونس (نویسنده گزارش تونس).

2- دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی (نویسنده گزارش اندونزی).

کرده است و براین گزارش ریچارد باریت دیپلمات سابق و مسئول اطلاعاتی انگلیس نظارت داشته است آورده است: تعداد جنگجویان خارجی که در طول سه سال گذشته به سوریه وارد شدند بالغ بر 12 هزار نفر است.

در این گزارش آمده است که این عدد بمراتب بیش از تعداد جنگجویانی بوده است که در جریان اشغال افغانستان توسط شوروی سابق طی ده سال وارد افغانستان شده بودند. براساس این گزارش جنگجویان از 81 کشور از پنج قاره بوده که بیشترین آنان از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا هستند .

هماهنگ کننده مبارزه با تروریسم از سوی اتحادیه اروپا، فیلیپس دی کیرجوف، نیز تعداد جنگجویانی که در آوریل گذشته از اتحادیه اروپا برای جنگ به سوریه رفته اند را دوهزار نفر اعلام کرد.

طبق گزارشی نیز که به طور غیر مستقیم از سیستم های اطلاعاتی بعضی کشورها بدست آمده است تونسلی ها با تعداد بیش از سه هزار جنگنده نسبت به دیگر کشورها در رأس لیست همراهان داعشی هستند که بعد از آن عربستان با سه هزار، مغرب با 1500 نفر، الجزایر با 200 نفر فرانسه با 700 نفر، انگلستان با 400 نفر، روسیه با 800 نفر ترکیه با 400 نفر، استرالیا با 150 نفر، دانمارک با

100 نفر و آمریکا با 70 نفر در ردیفهای بعدی اعزام نیرو به داعش قرار دارند.

براساس این گزارش که در روزنامه الشروق تونس در مورخ 30 ژوئن 2014 با عنوان «13 الالف تونس فی داعش» چاپ شده است تعداد 6 درصد از مسلحین خارجی که از اروپا می آیند اخیراً دین اسلام را پذیرفته اند و نیز اکثر آنانی که از کشورهای غیراسلامی به داعش پیوسته اند از افراد نسل دوم و یا نسل سوم مهاجران مسلمان در کشورهای خود هستند.

در این گزارش از تونسسی ها به عنوان رهبران تشکیلات دولت خلافت اسلامی در عراق و شام نام برده و خارجی های دیگر را به عنوان ستون فقرات داعش معرفی می کند.

در گزارشی دیگر در همین روزنامه در مورخ 6 جولای 2014 به بیعت سیف الدین الرایس از رهبران سلفی و از اعضای انصار الشریعه تونس و امام جمعه مسجدی در استان قیروان تونس، با داعش اشاره شده است.

رفیق الشلی مدیر کل سابق وزارت کشور تونس و از اعضای مرکز مطالعات امنیت عمومی در مصاحبه مورخ 26 جولای 2014 با روزنامه تونسسی الصریح با تمجید از هشیاری ملت تونس در خنثی کردن بموقع توطئه های امنیتی تروریستی داعش در تونس

ص: 317

گفت: آنچه امروزه ذهن ما را به خود مشغول داشته است سفر یکی از رهبران عالی رتبه سیاسی لیبی به عراق و ملاقات وی با ابوبکر البغدادی و نمایندگان او در دولت خلافت اسلامی و موافقت های اولیه البغدادی برای ضربه زدن به جریان همراه با حفر نظامی بازنشسته لیبیایی است و در مرحله دوم انتشار داعش در مغرب اسلامی و تونس بعنوان جزئی از این کشورها می باشد.

رفیق الشلی با اشاره به توانمندی های بالای نظامی و جنگ های چریکی داعشی های لیبیایی معتقد است که ارتباط تنگاتنگی میان این گروه از داعش با رهبران تکفیری و تروریست تونسسی دارد. و شکی نیست که تونسسی هایی که از عراق در حال بازگشتند با هدایت و برنامه ریزی البغدادی و با قصد ضربه زدن به کشور وارد می شوند و اینان بسیار خطرناک هستند. السلی بازگشت رهبران سلفی تونسسی از سئریه را نیز با همین هدف بیان کرد و اظهار داشت: اینان با رهبران درنه از تشکیلات انصار الشریعه لیبی و تونس هماهنگ بوده و اخیرا با ابوبکر البغدادی بیعت نیز کرده اند و خطرناکتر آن است که بدانیم همه اینها با گروه بمختار بلمختار که در صحرای الجزایر جولان می دهد همداستان شده اند و با این پیمان بسیار مخرب هدف خود را تونس و لیبی و مغرب اسلامی قرار داده اند.

الشلی وجود گروه های تونسسی تکفیری و هماهنگ با القاعده و داعش را بسیار خطرناک و در برابر امنیت ملی تونس بیان نموده است.

دستگیری 700 نفر مجرم در ماه مبارک رمضان و کشف 50 هزار مواد آتش زا که برای استفاده در بازی ها و سرگرمی ها از آنها استفاده می شود و دستگیری دو عنصر بسیار خطرناک انصار الشریعه که متهم به قتل 15 نظامی تونسسی در منطقه مرزی الشعانی هستند نمونه های کوچکی از حجم بزرگ توطئه ایی عظیم علیه مستقبل تونس هستند.

به نقل از خبرگزاری الجزایر تعداد جنگجویانی که از کشورهای مغرب اسلامی (تونس الجزایر، لیبی، مغرب و موریتانی) به دولت خلافت اسلامی در عراق پیوسته اند از مرز 8 هزار نفر تجاوز کرده است که همین تعداد در جبهه النصره در سوریه در حال جنگ با دولت بشار اسد هستند که تعداد 3 هزار نفر از اینان تونسسی می باشند .

نکته حائز اهمیت این است که تونسسی ها و لیبیایی ها در کنار داعش و الجزایری ها و مغربی ها در کنار القاعده یا جبهه النصره در سوریه می باشند.

ص: 319

این روزها داعش به گروه وحشتناک و مرموز و جنایتکاری تبدیل شده است که رسانه‌ها کمتر جزئیاتی از حامیان و دستورات عمل‌های منتشر می‌کنند. البته این فقط عراق نیست که گروهک داعش در آن جولان می‌دهد بلکه رسانه‌های منطقه خبر از تهدید سایر کشورها توسط داعش نیز می‌دهند.

یکی از کشورهایی که این روزها خبرهایی از ارتباط شهروندان آن با داعش منتشر شده، کشور اندونزی در جنوب شرق آسیا است که باعث ایجاد نگرانی‌هایی در بین مسئولان این کشور اسلامی شده است؛ چنانکه حمله انتحاری اخیر در سوریه توسط یک شبه نظامی اندونزیایی صورت گرفت. همچنین حدود دو هزار نفر از اهالی منطقه «تنگارا» استان جاوه شرقی اندونزی طی مراسمی با ابوبکر البغدادی رهبر تروریست‌های داعش بیعت نمودند.

از نکات قابل تأمل، حمایت «ابوبکر بشیر» رئیس جماعت اسلامی اندونزی و رهبر معنوی شبکه‌های تروریستی این کشور، از گروهک داعش است. وی که در حال حاضر به دلیل رهبری گروه جماعت اسلامی در بمب‌گذاری سال 2002 جزیره بالی در زندان به سر می‌برد، در حالی از گروهک داعش حمایت کرده است که پیش از آن روزنامه «جاکارتا پست» در گزارشی اعلام کرد گروه تحت

رهبری ابوبکر بشیر از داعش حمایت مالی کرده است. در این گزارش، انسیاد مبائی، رهبر آژانس ملی ضد تروریسم اندونزی، به حمایت مالی گروه ابوبکر بشیر در دو ماهه اخیر از داعش اشاره کرده و معتقد است هر چند ابوبکر بشیر بیعت خود را با داعش انکار نموده است، اما در واقع، گروه تحت رهبری وی، در حال حمایت مالی و عضوگیری برای داعش می باشد. به گفته انسیاد مبائی آژانس ضد تروریسم با پیگیری های خود از افراد گروه جماعت اسلامی متوجه شده است که بسیاری از آنها در حال ترک کشور برای پیوستن به داعش بودند به گفته مبائی، خطری که این روزها کشور اندونزی را تهدید می کند طرفداری و هواخواهی بعضی از گروه های اسلامی همچون جماعت اسلامی جماعت انصار التوحید، مجلس مجاهدین اندونزی و دولت اسلامی اندونزی از داعش است که به دلیل داشتن آرزوهای مشترک، آشکارا حمایت خود را از داعش اعلام کرده اند ضمن آنکه طبق برآوردهای آژانس ملی ضد تروریسم، اندونزی حداقل 30 اندونزیایی با گروهک تروریستی جبهه النصره در سوریه همکاری دارند که وابسته به القاعده است و 56 نفر اندونزیایی نیز برای پیوستن به داعش، درخواست ویزا کرده اند این در حالی است که این افراد پس از بازگشت به اندونزی قصد ایجاد شاخه ای از داعش را در جاکارتا

پایتخت اندونزی و «تنگارا نوسا غربی» دارند امری که پیش از این سابقه داشته و بیشترین اقدامات تروریستی در کشور اندونزی توسط شبه نظامیانی صورت گرفته که زمانی در افغانستان و میندائو فیلیپین می جنگیدند.

بسیاری از شبه نظامیان اندونزیایی، سوریه را محل ظهور آخرین خلیفه و جنگ نهایی یا آرماگدون علیه دجال می دانند. البته آنها جنگ علیه بشار اسد رئیس جمهور فعلی سوریه را به عنوان جنگ نهایی نمی دانند اما معتقدند این یک ساز و کار الهی برای خلاصی از کفار از سرزمین مقدس است.

هر چند طبق قوانین شهروندی 2006 کشور اندونزی، هر اندونزیایی که با کشور خارجی و گروهک های خارجی اعلام بیعت کند، حق شهروندی را از دست خواهد داد و همچنین طبق ماده 136 قوانین جنایی، اندونزی همکاری با گروهک یا افراد شورشی خارجی که قصد براندازی حکومت را دارند، جرم محسوب شود، اما با وجود، این شاهد حمایت بعضی از گروه های اسلامی از داعش هستیم که به گفته مسئولان آژانس ضد تروریسم اندونزی، این مسئله ناشی از عدم بازدارندگی قوانین این کشور در جلوگیری از فعالیت شاخه های حامی داعش و پیگرد قانونی آنها است.

آنچه که بیش از هر چیزی مسئولان اندونزیایی را نگران کرده است، اهداف پنهان شاخه های طرفدار داعش در اندونزی است که هر چند تاکنون علیه حکومت اندونزی اقدام براندازانه ای را شروع نکرده اند، اما به گفته بانتارتو باندورو استاد دانشگاه دفاع اندونزی، نیاز به گام های پیشگیرانه جهت جلوگیری از اقدامات خرابکارانه این گروهک ها است؛ چرا که با توجه به جذب افراد بیشتری توسط این گروه های حامی داعش و تشکیل شاخه هایی از آن در جاکارتا و تانگرانگ به عنوان حرکتی استراتژیک پلیس و سایر نهادهای امنیتی باید اقدامات آنها را تحت نظر داشته باشند.

اندونزی با بیش از 95 درصد مسلمان، اگر چه از همان قرون اولیه به واسطه بازرگانان ایرانی به سوی تشیع فراخوانده شدند، اما تبلیغات گسترده مبلغان مذهبی، عربستانی مصری و مسافرت مسلمانان اندونزی به حجاز برای انجام مراسم عبادی حج تا حدودی از درصد شیعیان را در این منطقه کاسته و اکثریت از آن سنی های شافعی مذهب شده است؛ اما رابطه شافعی ها با شیعیان در سال های اخیر رابطه خوب و مسالمت آمیزی بوده است. بنابراین گسترش فعالیت این گروهک تروریستی ضمن آنکه تهدید بزرگی برای نظام و امنیت ملی اندونزی می تواند باشد و خطر وقوع حوادث مشابه آنچه در سوریه و عراق اتفاق افتاد را تداعی می کند.

زنگ خطری برای جهان اسلام است که بی تردید در گام اول، وحدت مسلمین را نشانه گرفته که به دنبال به سرانجام رساندن پروژه ناتمام گروه های میسیونری و به ظاهر بین المللی در مسیحی نمودن مسلمانان اندونزی می باشند.

منابع

جغرافیای جهان اسلام، غلامرضا گلی زواره - موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

The Jakarta Post, Jakarta | National | Sat, June 14

2014AM 9:32

-<http://www.theguardian.com/world/middle-east>

-[live/2014/jun/30/isis-declares-caliphate-in-iraq](http://www.theguardian.com/live/2014/jun/30/isis-declares-caliphate-in-iraq)

[and-syria-live-updates](http://www.theguardian.com/live/2014/jun/30/isis-declares-caliphate-in-iraq)

-<http://www.straitstimes.com/news/opinion/more-opinion-stories/story/impact-isis-caliphate>

[indonesias-militants-2010711](http://www.straitstimes.com/news/opinion/more-opinion-stories/story/impact-isis-caliphate)

-<http://www.straitstimes.com/news/asia/south-east>

[-asia/story/jailed-indonesian-terrorist-abu-bakar](http://www.straitstimes.com/news/asia/south-east)

[bashir-has-been-funding-isis-a](http://www.straitstimes.com/news/asia/south-east)

ص: 324

-[http://www.asianews.it/news-en/More-than-a-thousand-Indonesian-supporters-ready-to-fight-for-ISIS-in-Syria-and-Iraq-9\).html](http://www.asianews.it/news-en/More-than-a-thousand-Indonesian-supporters-ready-to-fight-for-ISIS-in-Syria-and-Iraq-9).html)

ص: 325

*احمد خامه یار(1)

کشور عراق پس از حمله آمریکا به خاک این کشور و سقوط رژیم بعثی حاکم بر آن در سال 2003 میلادی به صحنه فعالیت گسترده گروه های مسلح سلفی تکفیری تبدیل شد. آنها در فاصله سال

2004 تا زمان بحران سوریه دست به تخریب و انفجار بسیاری از زیارتگاه ها و آثار اسلامی این کشور زدند که نقطه اوج آن انفجارهای آستان مقدس امامین عسکریین در شهر سامرا بود. با آغاز بحران سوریه و انتقال گسترده گروه های تکفیری به صحنه جدید فعالیت های تروریستی، خود تخریب زیارتگاه ها در عراق دچار رکود نسبی شد. اما به دنبال بازگشت گروه موسوم به «داعش» (دولت اسلامی عراق و شام از سوریه به عراق و تصرف استان

ص: 327

نینوا (به مرکزیت شهر موصل) در شمال این کشور در ماه ژوئن 2014 (خرداد 1393)، موج جدیدی از تخریب زیارتگاه و آثار اسلامی آغاز شد. گروه داعش در مدت کوتاه تسلط خود بر موصل و برخی از دیگر شهرهای شمال عراق دست به تخریب بسیاری از زیارتگاه های این مناطق - که تعدادی از آنها از آثار معماری بسیار مهم و باارزش در عراق به شمار می آیند - زده اند و بدین ترتیب ضربه جبران ناپذیری به میراث دینی و تاریخی مسلمانان در این منطقه وارد کرده اند. در این نوشتار گزارشی از مهم ترین آثار و زیارتگاه هایی که گروه داعش در استان نینوا تخریب کرده اند، ارائه می کنیم:

الف) شهر موصل

اشاره

شهر موصل، مرکز استان نینوا سومین شهر بزرگ عراق پس از بغداد و بصره، و مهمترین شهر شمال عراق به شمار می آید. این شهر که در ساحل رود دجله و در فاصله حدود 460 کیلومتری بغداد قرار دارد پیش از اسلام از مراکز مهم مسیحیان، و پس از اسلام نیز یک مرکز مهم علمی و سیاسی برای مسلمانان بوده است.

در سده چهارم، هجری این شهر مرکز حکومت امرای شیعه مذهب «حمدانیان موصل» بوده است. در نیمه نخست سده هفتم هجری نیز برای مدتی «بدرالدین لؤلؤ»، حاکم شیعه مذهب، امارت خودمختار

ص: 328

خود را در این شهر و اطراف آن تأسیس کرد. او در این منطقه تعداد قابل توجهی از بناهای یادمانی و زیارتگاه های شیعه را احداث نمود که بیشتر آنها تا به امروز باقی مانده است و از آثار برجسته معماری اسلامی در عراق به شمار می آید.

1. زیارتگاه دانیال پیامبر (علیه السلام)

این زیارتگاه در شهر موصل قرار دارد و به حضرت دانیال پیغمبر (علیه السلام) منسوب است. البته زیارتگاه های دیگری برای حضرت دانیال (علیه السلام) وجود دارد که از نظر تاریخی مشهورترین و معتبرترین آنها، زیارتگاه واقع در شهر شوش در استان خوزستان ایران است. ساختمان زیارتگاه دانیال نبی در موصل شامل اتاق مربع نسبتاً قدیمی است که بر فراز آن گنبد مخروطی ترک دار کم ارتفاعی با ساقه هشت ضلعی وجود دارد.

نیروهای داعش در روز چهارشنبه 23 ژولای 2014 میلادی، پس از تخریب زیارتگاه یحیی بن قاسم دست به انفجار و تخریب زیارتگاه دانیال نبی در موصل زدند.

2. زیارتگاه حضرت یونس (علیه السلام)

موصل و شهر باستانی «نینوا» که ویرانه های آن امروزه نزدیک موصل قرار دارد، از دیرباز با نام حضرت یونس پیامبر (علیه السلام) ارتباط

یافته و در منابع تاریخی و جغرافیایی، اسلامی به وجود مکان هایی منسوب به آن حضرت در این شهر و اطراف آن سخن به میان آمده است. بسیاری از مفسران و مورخان مسلمان تصریح کرده اند که موصل شهری است که یونس پیامبر (علیه السلام) از سوی خدا بر مردم این شهر مبعوث گردید. زیارتگاه حضرت یونس (علیه السلام) در موصل نیز همواره مهمترین زیارتگاه این شهر و محل احترام مردم آن بوده است.

زیارتگاه یونس (علیه السلام) در بالای تپه مرتفعی در شرق موصل قرار دارد که در گذشته به نام «تل توبه» شناخته می شده است. در وجه تسمیه آن گفته اند: زمانی که عذاب الهی بر قوم یونس نازل شد، آنها در این تپه گرد آمدند و توبه کردند و لذا خداوند عذاب خود را از آنان رفع کرد. (1) ساختمان زیارتگاه شامل بنای وسیعی است که رسیدن به آن از طریق یک پلکان بزرگ امکان پذیر است. مقبره حضرت یونس (علیه السلام) دارای مناره مدور مرتفع و گنبد مخروطی ترک دار به شیوه گنبد های رایج در شمال عراق بوده است. اتاق مقبره از داخل دارای کتیبه ها و تزئینات گیاهی زیبا و قدیمی بوده

ص: 330

1- الهروی علی بن ابی بکر الاشارات الی معرفة الزیارات، تحقیق: جانین سوردیل - طومین دمشق المعهد الفرنسی، 1953م، ص 70.

است. این زیارتگاه در طول تاریخ بارها از سوی حاکمان و والیان شهر موصل بازسازی شده و توسعه بنا یافته است. (1)

نیروهای گروه داعش در روز پنج شنبه 24 ژوئای 2014، با بی توجهی به احساسات مردم، موصل دست به انفجار و تخریب این زیارتگاه زدند و سپس بخش های باقی مانده از آن را با بولدوزر با خاک یکسان کردند.

3. زیارتگاه یحیی بن قاسم

این زیارتگاه در محله «شفاء» شهر موصل، در ساحل غربی رود دجله قرار دارد و نزد اهالی این شهر به نام «یحیی ابوالقاسم» شناخته می شود. بر اساس منابع تاریخ موصل و نیز کتیبه های روی قبر، این زیارتگاه قبر یحیی بن قاسم بن امام حسن مجتبی (علیه السلام) به شمار می آید. گرچه در این انتساب تردید وجود دارد و ممکن است در واقع قبر یکی دیگر از سادات علوی باشد.

این زیارتگاه در سال 637ق به دستور بدرالدین لؤلؤ، در کنار مدرسه ای که همین حاکم با نام «مدرسه بدریه» پیش از سال 615ق

ص: 331

1- برای آگاهی تفصیلی درباره تاریخچه و توصیف معماری مسجد و زیارتگاه حضرت یونس (علیه السلام) در موصل، ر.ک الدیوه جی، سعید، جوامع الموصل في مختلف العصور بغداد مطبعه، شفیق 1382ق / 1963م، ص. 73-106.

ساخته بود، احداث شد ساختمان مدرسه تا دوره اخیر از بین رفته بود و در واقع زیارتگاه یحیی بن قاسم تنها بازمانده این مدرسه به شمار می آمد ساختمان این زیارتگاه در عین حال از نفیس ترین و ارزشمندترین بناهای معماری اسلامی موصل از سده هفتم هجری به شمار می آمد. (1)

متأسفانه این زیارتگاه و بنای تاریخی ارزشمند، در روز چهارشنبه 23 ژولای 2014، میلادی به دست نیروهای داعش منفجر شد و ساختمان آن به طور کامل ویران گردید.

4. زیارتگاه عون الدین بن حسن (علیه السلام)

این زیارتگاه که به نام «امام عون الدین» یا «ابن حسن» شناخته می شود در محله ای به همین نام در موصل قرار دارد و بر اساس باور اهالی فرزند امام حسن (علیه السلام) به شمار می آید. البته چنین باوری سند تاریخی ندارد و ممکن است مدفون در این زیارتگاه از نواده های آن امام (علیه السلام) باشد. (2) این زیارتگاه در سال 640 ق به دستور

ص: 332

1- همو، ص 147.

2- ر.ک: العمری الخطیب محمد، امین منهل الأولیاء ومشرّب الاصفیاء من سادات الموصل الحذباء تحقیق سعید الدیوه جی الموصل: مطبعة الجمهورية، 1388 ق / 1968 م، ص 60-61.

بدرالدین لؤلؤ ساخته شده است و ساختمان آن از بناهای معماری دوره بدرالدین لؤلؤ و در کنار زیارتگاه یحیی بن قاسم، از نفیس ترین بناهای آرامگاهی این شهر به شمار می آید. (1)

متأسفانه نیروهای داعش در روز پنج شنبه 24 ژولای 2014 میلادی دست به تخریب این اثر تاریخی ارزشمند زدند.

5. مسجد و زیارتگاه جرجیس پیامبر (علیه السلام)

مسجد جرجیس پیامبر (علیه السلام) از مساجد بزرگ موصل است که در محله ای به نام «باب النبی» نزدیک بازار «شعارین» قرار دارد. (2) زیارتگاه جرجیس پیامبر (علیه السلام) در این مسجد، از مهم ترین و کهن ترین زیارتگاه های شهر موصل است که جهانگردان مسلمان از سده ششم هجری، از جمله علی بن ابی بکر هروی و ابن جبیر، به وجود آن در این شهر اشاره کرده اند. (3) گفته می شود که تیمور لنگ

ص: 333

1- برای آگاهی بیشتر ر.ک: الدیوه، جی، سعید الموصل فی العهد الاتابکي ص - 167 - 168.

2- الخطیب العمری یاسین منیة الادباء فی تاریخ الموصل الحدباء، تحقیق: سعید الدیوه جی، الموصل: مطبعة الهدف 1374 ق / 1955م، ص 94.

3- الهروی علی بن ابی بکر، همان ص 69؛ ابن جبیر محمد بن احمد، رحلة ابن جبیر بیروت دار صادر، بی تا، ص 211.

در سال 796 هـ- ق این مسجد را توسعه و بازسازی کرد. سپس پادشاهان عثمانی روستای «تلکیف» در اطراف موصل را بر آن وقف کردند. در دوره اخیر نیز حاج حسین پاشا جلیلی بخش جدیدی را آن افزوده است.⁽¹⁾

این مسجد و زیارتگاه در روز جمعه 25 ژوئای 2014 میلادی به دست گروه داعش منفجر و تخریب شد.

6. مسجد و زیارتگاه حضرت شیث (علیه السلام)

مسجد و زیارتگاه منسوب به شیث پیامبر فرزند حضرت آدم (علیه السلام) در خارج از باروی قدیمی موصل قرار دارد. درباره چگونگی پیدایش قبر حضرت شیث در موصل چنین گفته شده است که مصطفی پاشا نیشانچی زاده والی، موصل در سال 1057 ق این پیامبر را در خواب رؤیت کرد که محل قبرش را به او نشان می داد. مصطفی پاشا پس از بیدار شدن به همراه تاجری به نام حاج علی معروف به «ابن نومه» به محلی که در خواب دیده بود رفت. آنها آنجا را کردند و به قبر رسیدند. لذا حاج علی تاجر به دستور والی در آن محل گنبدی بنا کرد و بر روی قبر صندوقچه ای ساخت. در سال 1206 ق نیز یکی از نوادگان همین تاجر به نام حاج علی بن

ص: 334

1- الخطیب، العمری، یاسین، همان، ص 94-95.

حاج احمد بن حاج محمود بن حاج علی، نومه، مسجدی را در کنار این زیارتگاه ساخت سپس در سال 1232ق احمد پاشای وزیر این مسجد را توسعه داد و بازارها و روستاهایی را وقف آن کرد؛ به گونه ای که به یکی از مهمترین مساجد و زیارتگاه های موصل تبدیل شد.⁽¹⁾

نیروهای داعش در روز جمعه 25 ژولای 2014 میلادی دست به انفجار و تخریب این مسجد و زیارتگاه زدند.

7. آرامگاه ابن اثیر جزری

آرامگاه ابن اثیر جزری، مورخ بزرگ مسلمان، در وسط میدانی در محله «باب سنجار» موصل قرار دارد و بنای آن شامل چهار طاقی سنگی کوچکی بوده که در نیم قرن اخیر بر روی قبر وی بنا شده است. این آرامگاه در دوره های متأخر نزد اهالی موصل به نام «قبر البنت» (قبر دختر) شناخته می شده است. ابوالحسن عزالدین علی بن ابوالکرم محمد بن محمد بن عبدالکریم بن عبدالواحد شیبانی، ملقب به ابن اثیر جزری دارای تألیفات مهمی است که عبارت اند از: 1) «الکامل فی التاریخ»؛ 2) «أسد الغابة في معرفة الصحابة»؛ 3) «التاریخ الباهر فی الدولة الاتابکیة»؛ 4) «اللباب فی تهذیب الانساب».

ص: 335

نیروهای گروه داعش در روز دوشنبه 16 ژوئن 2014 (26 خرداد 1393)، با بولدوز دست به تخریب آرامگاه ابن اثیر زدند. این تخریب نخستین اقدام این گروه تکفیری در راستای محو آثار و زیارتگاه های اسلامی موصل به شمار می آید.

8. زیارتگاه شیخ فتحی

زیارتگاه مهم دیگری که نیروهای داعش پس از تصرف موصل تخریب کردند، مقبره «شیخ فتحی» است که در محله ای به همین نام در غرب موصل قرار دارد ساختمان آن شامل مقبره کوچکی با گنبد مخروطی ترک دار بوده که قدمت آن از قرن هفتم هجری برآورد شده است. (1) البته در سال های اخیر گنبد و ساختمان قدیمی آن به طور کامل نوسازی شده است. این مقبره از زیارتگاه های مورد توجه موصل به شمار می آمده و اهالی این شهر برای قضای حوائج و شفای بیماری های خود در آن نذر و نیاز می کرده اند.

درباره شخصیت مدفون در زیارتگاه، منابع تاریخی از دو شخصیت به نام فتح موصلی یاد کرده اند که هر دو زاهد و صوفی بودند و در زمان های نزدیک به یکدیگر در موصل می زیستند:

ص: 336

1- الحدیثی، عطا و عبدالخالق هناء القباب المنحروطیة فی العراق، بغداد: مديرية الآثار العامة، 1974م، ص79.

شخصیت اول، فتح بن محمد بن وشاح ازدی موصلی (درگذشته 165 یا 170 هجری) است که شمس الدین ذهبی از وی با نام «فتح موصلی کبیر» یاد کرده است.⁽¹⁾ دومین کسی که فتح موصلی نام داشته، ابونصر فتح بن سعید موصلی (درگذشته 220 هجری) است.⁽²⁾

نیروهای گروه داعش در نیمه شب سه شنبه 24 ژوئن 2014 (3 تیر 1393) با بولدوزر دست به تخریب مقبره «فتح موصلی» زدند.

9. زیارتگاه شیخ ابوالعلا

این زیارتگاه در منطقه «باب الجدید» در جنوب شهر موصل قرار دارد. در برخی منابع تاریخی موصل از این زیارتگاه یاد شده است؛

اما درباره شخص مدفون در آن اطلاع دقیقی در دست نیست.⁽³⁾

نیروهای داعش در روز پنج شنبه 24 ژولای 2014 میلادی دست به انفجار و تخریب این زیارتگاه زدند.

ص: 337

1- الذهبي، محمد بن احمد، تاريخ الاسلام ووفيات المشاهير والأعلام، تحقيق: عمر عبدالسلام تدمري، بيروت: دار الكتاب العربي، ج 10، ص 391-392.

2- الذهبي، همان، ج 15، ص 338-339.

3- ر.ك: العمري الخطيب محمد امين، همان، ص 132.

این زیارتگاه در جنوب غربی موصل قرار دارد و از زیارتگاه های بسیار مهم و مورد توجه اهالی این شهر به شمار می آید. شخصیت مدفون در این زیارتگاه از صوفیان سده ششم هجری است که نامش حسین بن ابی القاسم بن حسین و کنیه اش ابو عبدالله بوده و به لقب «قضیب البان» شهرت داشته است. (1) در منابع متأخر به تفصیل از احوال و فضائل و کرامات وی سخن به میان آمده است و حتی برای وی نسب سیادت تا امام حسن مجتبی (علیه السلام) ذکر شده است. (2) تاریخ وفات قضیب البان را در حدود سال 570 هـ - ق ذکر کرده اند (3) و قبر وی از همان زمان در موصل زیارتگاه بوده است. (4) ساختمان زیارتگاه قضیب البان را اداره اوقاف موصل در سال 1957 نوسازی و مسجد بزرگی در کنار آن ساخته بود. (5)

ص: 338

1- ابن المستوفی تاریخ اربل، ج 1، ص 371.

2- ر.ک: العمری، الخطیب محمد امین، منهل الأولیاء و مشرب الاصفیاء من سادات الموصل الحدباء، صص. 117-129.

3- ابن الوردی، تاریخ ابن الوردی، ج 2، ص 122.

4- ابن المستوفی تاریخ، اربل، ج 1، ص 371؛ الهروی، علی بن ابی بکر، همان، ص 71.

5- ر.ک: الدیوه جی، سعید الموصل فی العهد الاتابکی ص 158.

نیروهای داعش در روز شنبه 26 ژولای 2014 میلادی، این مسجد و زیارتگاه را منفجر و ویران کردند.

ب) سایر مناطق استان نینوا

1. زیارتگاه سلطان عبدالله بن عمر در منطقه «مخمور»

این زیارتگاه بالای تپه ای در سمت شرقی رود دجله، در منطقه «مخمور» در 85 کیلومتری جنوب شرقی، موصل، نزدیک ویرانه های شهر «حُدَیْثَه» (حُدَیْثَةُ موصل قرار دارد و در منابع تاریخی از آن به عنوان قبر منسوب به عبدالله بن عمر بن خطاب یاد شده است. (1) اما با توجه به اینکه عبدالله بن عمر در سال 73ق در مکه از دنیا رفته و در همانجا دفن شده است محمد امین العمری الخطیب مورخ بزرگ موصل احتمال داده است که شاید این زیارتگاه، مدفن یکی از نوادگان خلیفه دوم به نام عبدالله بن عمر بن حفص بن عاصم بن عمر بن خطاب باشد (2) که از راویان اهل سنت بوده و در سال 171ق از دنیا رفته است. (3)

ص: 339

-
- 1- صفی الدین، البغدادي عبد المؤمن بن عبدالحق مرصد الاطلاع على اسماء الامكنة والبقاع تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل، 1412ق / 1992م، ج 1، ص 387؛ العمری الخطیب محمد امین، همان، ص 51.
 - 2- العمری الخطیب، همانجا.
 - 3- الذهبي، تاریخ الاسلام، ج 11، ص 214.

به گزارش بسیاری از پایگاه های خبری نیروهای داعش در صبح روز جمعه 4 ژولای 2014 این زیارتگاه را بمب گذاری و منفجر کردند.

2. زیارتگاه های شهر «تلعفر»

تلعفر از شهرهای قدیمی استان نینوا است که نام آن در اصل «تل اعفر» یا «تل یعفر» بوده⁽¹⁾ و به مرور زمان به «تلعفر» تحریف شده است. این شهر در منطقه ای کوهستانی میان موصل و سنجار قرار دارد. عوامل گروه تکفیری - تروریستی داعش پس از تسلط بر این شهر، در روز چهارشنبه 25 ژوئن 2014 / 4 تیر 1393 دست به تخریب دو زیارتگاه سعد بن عقیل و خضر الیاس در این شهر زدند. سپس در روز پنج شنبه 26 ژوئن نیز زیارتگاه آر محمود را تخریب کردند.⁽²⁾ آنها همچنین چند حسینیه را در این شهر منفجر کردند. تصاویری که گروه داعش از تخریب این بنا ها منتشر

ص: 340

1- ر.ک: الحموی یاقوت معجم البلدان بیروت دار صادر، 1397ق / 1977م، ج 2، ص 39.

2- روزنامه بحرینی الوسط داعش تختطف ترکمان شیعه و تدمر مزارات»، العدد 4314، دوشنبه 30 ژوئن 2014 / 2 رمضان 1435 [به

آدرس] <http://www.alwasatnews.com/4314/news/read/900075/1.html>

کرده اند نشان می دهد که همه این آثار به شیوه بمب گذاری منفجر شده است. در ادامه توضیح مختصری درباره زیارتگاه های تخریب شده در تلعفر بیان می کنیم:

الف) زیارتگاه خضر الیاس: این زیارتگاه بر روی تپه ای در جنوب شهر تلعفر واقع است و به باور اهالی، تلعفر به حضرت خضر و الیاس، که مردم منطقه هر دو را یک پیامبر واحد می دانند، منسوب می باشد. این زیارتگاه از مهمترین زیارتگاه های تلعفر است که از سوی مسلمانان مسیحیان و نیز پیروان فرقه یزیدیه زیارت می شود. ساختمان آن دارای دو گنبد مخروطی شکل است که از نظر معماری شبیه گنبد های زیارتگاه های یزیدیان در شمال عراق است. گفتنی است اهالی منطقه عیدی به نام عید خضر الیاس دارند که تاریخ آن نخستین پنجشنبه بعد از 17 فوریه هر سال میلادی است و در این روز گروه گروه به زیارت آن می روند. (1)

ب) زیارتگاه سعد بن عقیل بن ابی طالب: این زیارتگاه در داخل «سوق التمر» (بازار خرمافروشان) در مرکز شهر تلعفر واقع است و به سعد فرزند عقیل بن ابی طالب و پسر عموی امام علی (علیه السلام) منسوب است. از زیارتگاه های قدیمی و معتبر تلعفر به شمار می آید

ص: 341

و محوطه اطراف آن به قبرستانی برای دفن اهالی شهر تبدیل شده است.⁽¹⁾ اهالی تلعفر - از شیعه و سنی - همه ساله در روزهای عاشورا این زیارتگاه را مقصد خود قرار می داده و برای عزاداری امام حسین (علیه السلام) در این زیارتگاه گرد هم می آمدند.

ج) زیارتگاه آر محمود یا آرماموط: این زیارتگاه که در گویش اهالی منطقه به صورت «آرماموط» تلفظ می شود، مدفن یکی از اولیای محلی و مشایخ متأخر صوفیه به نام محمود بن اورکان بن محمد (درگذشته 1324ق) است و گفته می شود نسب وی به امام موسی کاظم (علیه السلام) می رسد. اهالی تلعفر کراماتی برای وی نقل می کنند و به قبرش متوسل شده و از آن حاجت می طلبند.⁽²⁾

3. زیارتگاه های شهر محلیه

«محلّیه» شهری کوچک واقع در 35 کیلومتری غرب موصل است که تاریخ شکل گیری آن به سال 1835 میلادی برمی گردد و همه ساکنان آن از طوایف ترکمن هستند نیروهای داعش در صبح روز جمعه 4 ژولای، 2014 با بولدوزر دست به تخریب دو زیارتگاه

ص: 342

1- المراقد والمشاهد الدینیة فی تلعفر، <http://www.majalisna.com>

2- المراقد والمشاهد الدینیة فی تلعفر، <http://www.majalisna.com>

شیخ ابراهیم و شیخ احمد رفاعی در این منطقه زدند. در اینجا به معرفی مختصر این دو زیارتگاه می پردازیم:

الف) زیارتگاه شیخ ابراهیم: این زیارتگاه در روستای «شیخ ابراهیم» در دامنه کوهی کوچک و در حدود 10 کیلومتری «محلّیه» - قرار دارد و مدفن یکی از اولیای محلی است که گفته می شود نسب وی به خلیفه دوم می رسد این زیارتگاه نزد اهالی منطقه بسیار مورد احترام است و برای آن کرامات فراوانی قائل اند. (1)

ب) زیارتگاه شیخ احمد رفاعی: شیخ احمد رفاعی (500-578ق) از صوفیان بزرگ مسلمان در سده ششم هجری و مؤسس طریقه رفاعیه (از طرف تصوف رایج در عراق و شام) است. او در روستای «ام عبیده» در منطقه «بطائح» در جنوب عراق به دنیا آمد و در همانجا نیز از دنیا رفت و به خاک سپرده شد مقبره وی تا به امروز در ناحیه «رفاعی» در استان ذی قار، عراق، زیارتگاه پیروان و دوستداران وی است. با این حال در محلّیه نیز زیارتگاهی به نام وی وجود دارد که برای نگارنده مشخص نشد که مزاری نمادین است یا قبر یکی از دیگر صوفیان و مشایخ طریقه رفاعیه است.

ص: 343

4. زیارتگاه منسوب به حضرت زینب (سلام الله علیها) در شهر «سنجار»

سنجار شهری قدیمی است که در غرب استان نینوا در شمال عراق و نزدیک مرز این کشور با سوریه قرار دارد. این شهر در منطقه ای کوهستانی واقع است که بر اساس باورهای رایج در گذشته در میان اهالی منطقه کشتی حضرت نوح (علیه السلام) پس از طوفان در این کوه ها بر زمین نشسته است. (1)

در نقطه مرتفعی در ورودی این شهر زیارتگاهی منسوب به حضرت زینب دختر امام علی (علیه السلام) وجود دارد که ممکن است صرفاً یک مقام یا یک مزار نمادین باشد این زیارتگاه دارای قدمت بالا و از نظر معماری بسیار باارزش بوده است و در عین حال مهمترین زیارتگاه سنجار به شمار می آید؛ تا جایی که علاوه بر

شیعیان، «یزیدیان» ساکن منطقه نیز آن را زیارت می کنند.

گروه داعش پس از تصرف شهر سنجار در روز یکشنبه 3 اوت 2014 میلادی برابر با 12 مرداد 1393 دست به انفجار ساختمان این زیارتگاه زدند و بدین گونه ضربه جبران ناپذیری به میراث اسلامی شهر سنجار و کشور عراق وارد کردند برای تبیین اهمیت و ارزش تاریخی این بنا به طور مختصر به توصیف معماری آن (پیش از تخریب) می پردازیم:

ص: 344

1- ر.ک: الحموی یاقوت، همان، ج 3، ص 262.

این زیارتگاه در میان محوطه محصوره قرار دارد و ساختمان آن از چندین اتاق و گنبد تشکیل شده است. وجود بقایای کتیبه ای در داخل بنا، که در آن از ملک الرحیم بدرالدین لؤلؤ (حکومت: 637-657) - حاکم شیعه مذهب موصل در نیمه اول سده هفتم هجری یاد شده است، نشان می دهد که این زیارتگاه همانند بسیاری از دیگر زیارتگاه های اهل بیت (علیهم السلام) در موصل و شمال عراق، از آثار معماری این دوره است و ورودی اصلی بنا از طریق راهرویی به ابعاد 3/304/30 متر به اتاقی با پلان مربع به ابعاد $3/40 \times 3/62$ متر متصل است. بر فراز این اتاق گنبد نیم کره ای کوچکی وجود دارد.

در طرفین این اتاق، دو ورودی از سنگ مرمر وجود دارد که ورودی سمت راست به اتاق مربع دیگری به ابعاد $3/30 \times 3/40$ متر متصل است و ورودی سمت چپ شامل طاق سنگی حاوی نقوش گیاهی حجاری شده ای است که به اتاق مقبره متصل است.

اتاق مقبره دارای پلان مستطیل به ابعاد $3/73 \times 5/40$ متر و گنبد مخروطی شکل ترک دار است. در میان اتاق قبری از سنگ و گچ با کتیبه ای حاوی آیت الکرسی بر سطح آن وجود دارد که بخش هایی از آن از بین رفته است. (1)

ص: 345

1- شمیسانی، حسن، مدینة سنجان من الفتح العربي الاسلامي حتى الفتح العثماني، بیروت: دار الآفاق الجديدة، 1403ق / 1983م، صص 333-335.

بیانیه مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) در محکومیت اقدامات گروهک تکفیری داعش

چندی است گروهکی تروریستی موسوم به داعش به قتل و غارت اموال مسلمین پرداخته و در بلاد مسلمین فتنه انگیزی می کند، گروهکی که هدف خود را تشکیل دولتی اسلامی (!) در عراق و شام اعلام کرده بود حالا برای تحقق طرح خود می خواهد در مناطقی از عراق جوی خون به راه اندازد.

البته بر هر مرد و زن مسلمانی این موضوع آشکار است که اسلام آمریکایی قصد دارد با ارائه نسخه خشن و بدلی از اسلام، جلوی نفوذ حرکت های اسلامی اصیل در کشورهای منطقه را بگیرد و در این شرایط حساس، لزوم هوشیاری و پرهیز از اختلاف افکنی برهر مسلمانی لازم است.

ما پیروان اهل بیت (علیهم السلام) به پیروی از امام خامنه ای اعلام می داریم اینها را دشمنان اصلی نمی دانیم دشمن اصلی، آن کسی است که اینها را تحریک می کند و پشتیبانی مالی و معنوی آنان را به عهده دارند، دشمن اصلی آن کسی است که وقتی انگیزه ی آنها اندکی

ضعیف می شود با وسایل گوناگون آنها را انگیزه دار می کنند.

دشمن اصلی آن دشمن پشت پرده است آن دست نه چندان پنهانی است که از آستین سرویس های امنیتی غرب و کشورهای متحجر منطقه بیرون می را آید و گریبان مسلمانان را می گیرد و آنها را به جان هم می اندازد و ما آنها را فریب خورده می دانیم و می گوئیم:

«لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطِ يَدَيْ إِلَيْكَ لَأَقْتُلَنَّكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ» ؛

تو اگر کمر به قتل برادر مسلمان خودت می بندی، ما تو (آدم) نادان و جاهل را کسی نمی دانیم که باید کمر به قتل او ببندیم؛ البته از خودمان دفاع می کنیم هر کسی به ما حمله بکند، با مشت محکم ما مواجه خواهد شد.

ما پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر دنیا اعلام می داریم که در صورت نیاز، بدون لحظه ای درنگ جانانه به دفاع از مسلمانان مظلوم عراق و حرم اهل بیت (علیهم السلام) خواهیم پرداخت و به اربابان غربی و منطقه ای گروهک های تکفیری نشان خواهیم داد فرزندان ائمه اطهار آماده اند زمین را از لوٹ وجود جریانات تکفیری پاک نمایند و جلوه زیبای اسلام رحمانی و مهر و عطوفت را به جهانیان ارائه دهد.

ص: 348

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتال و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

